

جغرافیای مفصل تاریخی

غرب ایران

بهمن کریمی

بنام خداوند بخشنده مهربان

در مهر ماه ۱۳۱۴ نگارنده این اوراق از طرف وزارت متبوعه معارف مأمور شد که در تمام مناطق غرب ایران به صاحب‌ت عالم عتیقه‌شناس معروف انگلیس سر اورل استین (۱) که دو سفر دیگری هم بایران آمده و قسمت بیشتری از بلوچستان ایران و سیستان و کرمان و بنادر فارس را دیده و اکنون میخواست در غرب ایران مسافرت نماید (حرکت کند منظور اصلی ابن عالم پیدا کردن راه و جاده های قدیمی و ارتباط سیر تمدن بین شرق اقصی و ایران بود و در ضمن باز دید آثار ما قبل تاریخ - نیمه های دست ریز خاکی بله های معزوف و قصور چند از ساسانیان بود .

از شیراز تا آذربایجان در تمام منطقه جنوب و غرب ایران بسیاری از آثار گرانبها که مدنها در زیر زمین مستور و مخفی بود بدست آورده و مطالعاتی نیز نمودیم (۲)

گذشته از حفاریهای مختصر و پیدا کردن ظروف و آلات قدیمی بیشتر قصور و بناهای ساسانیان مانند پلهای قدیمی نیمه خراب و شهرهای ویران توجه ما را جلب مینمود این مسافرت تقریباً یکسال طول کشید

1-Sir Auirel Stein

۲ - راجع باین مسافرت سفرنامه مفصلی از نقطه نظر علم آثار باستان برشته تحریر در آورده و در آن به تریبکی بطبع خواهد رسید

- الف -

که شرح مختصری از آن در آخر کتاب بنظر خوانندگان محترم خواهد رسید.

پس از اتمام آن سفر در نظر گرفتم که سفرنامه بنام جغرافیای تاریخی (۱) برشته تحریر بیاورم البته این کاری بس مشکل و دشوار بود چه با نبودن وسائل کافی و کتب زیاد محال بنظر میرسید.

اگر چه بیشتری از ایام عمر من بتحصیل گذشته و در ایام تحصیل نیز مدیون و مرهون استادان بزرگوار بوده و هستم در نوشتن این کتاب هم بنوشتہ های آنان توسل جسته از زحمات ایشان استفاده کرده و از آثارشان مستفید و مستفیض شدم.

کتبی که بیشتر مورد احتیاج نگارنده و در این کتاب بسیار بکار آمد.

- I - کتاب تاریخ مغول استاد بزرگوار آقای اقبال آشتیانی
- II - کتاب جغرافیای مفصل ایران استاد بزرگوار آقای گیہان
- III - کتاب جغرافیای نظامی قبایل ایران آقای سرگرد احتسابیان
- IV - کتاب آثار باستان آقای گدار.

V - جغرافیای تاریخی استاد بارتولد.
و سفرنامه دمرکان بود و حتی از بعضی از این کتب چند صفحه عیناً نقل شده.

گذشته از استادان محترم باید از آقای سرتیب عبدالرزاق مهندس بغایری تشکر کنم که با لطف مخصوص در تصحیح کلمات قراء و قصبات

(۱) مانند سفر نامه دمرکان - روان سن - دوبود - لبارد

و غیره و غیره

و بعضی یاد داشتهای مورد احتیاج بنده را بیش از پیش رهن منت و
بزرگواری خود نمودند .

کتاب جغرافیای تاریخی غرب ایران که بنظر خوانندگان گرام
میرسد نمره و نتیجه مسافرت و مطالعات یکسال نگارنده (دریابان - دهات
قراء و قصبات غرب ایران است) از شیراز تا آذربایجان) که بتشویق و
مساعدت جناب آقای علی اصغر حکمت وزیر علم دوست ادب پرور
معارف بزبور طبع آراسته شده و علاوه بر همه گونه مساعدت مادی و معنوی
مخارج قسمت بیشتری از این کتاب را وزارت متبوعه - معارف - اعطا
فرموده است : نهالی است که آب از سر چشمه معارف دوستی و دانش
پروری وزیر متبوع معارف خورده و میوه ایست که در شعاع آفتاب
لطفش پرورش یافته

از راه وظیفه شناسی همواره سپاس دار و شکر گزارم و امیدوارم

بهمن کریمی

مقبول طبع ارباب هنر گردد

پاریس ۵ دیماه ۱۳۱۶

یادداشت

این نیز باید گفته شود که در این کتاب لازم بود بعضی عبارات و صفات از کتاب ها و گفته های دیگر استادان عیناً ذکر شود علیهذا صورت صفحاتی را که با اندکی اضافه و نقصان از کتب دیگران نقل شده مندرک میگردد.

اقبال تاریخ مغول - اکتشافات جغرافیا .

(۱) (۲۱۶ - ۲۱۹) (۲۲۱ - ۲۲۳) (۲۴۷) (۲۴۹) (۲۵۱)

احتسابیان کتاب جغرافیای نظامی قبایل ایران

(۱۴۵) (۱۴۷) (۱۵۰) (۱۶۰) (۱۶۹) (۱۷۰) (۱۷۶) (۱۷۷)

بارتولد کتاب جغرافیای تاریخی ایران .

(۲۳۰) (۲۵۰) (۲۵۳) (۲۷۰) (۲۹۰) (۳۰۸)

دمرگان جغرافیای غرب ایران

(۲۶۶ - ۲۶۸) (۲۷۷) (۲۷۹) (۲۸۲ - ۲۸۰)

سرتیب عبدالرزاق خان مهندس بغابری

(۱۲۸ - ۱۳۱) (۱۸۳ - ۱۸۱)

کیهان جغرافیای مفصل ایران سه جلد

(۱۱) (۱۳) (۹۳) (۹۴) (۱۳۲) (۱۳۷ - ۱۴۳)

گذار آثار باستان

(۲۳۳ - ۲۳۸) (۲۴ - ۲۴۴)

توانا بود هر که دانا بود

جغرافی مفصل تاریخی

غرب ایران

نقارش

بهن کرمی

طهران

۱۳۱۶

شرکت چاپخانه فرهنگ

مكتبة دار الفکر

مختار من لسان العرب

نابغة

مختار

من لسان العرب

نابغة

٢١٦١

مكتبة دار الفکر

بنام ایزد دانا

مقدمه - میدانیم مسائلی که ارتباط کلی بوجود انسان دارد و
 بعبارة آخری اموری که در آنها تصرف و هوش و تدبیر نوع بشر ظاهر است
 یا سابقه گذشته تمدنی و یا تأسیساتی بشر را شامل می باشد اساس
 قسمتی از جغرافیا محسوب میشود که مجموعاً آنرا جغرافیای انسانی
 نامند از آن آنچه بیشتر مربوط بتدبیر مستقیم انسانست مانند معرفت
 نژادها - علم اجتماع - توزیع جغرافیائی - سکنه - طرز معیشت -
 مسکن - غذا و لباس - احوال بلاد - طرق ارتباطیه - زراعت - صنعت
 تجارت - مبنای جغرافیای سیاسی و اقتصادی محسوب میگردد و قسمت
 دیگری که در آن سابقه انسان گذشته - تمدن - تاریخ تأسیسات بشری
 و بالاخره آنچه برای شناختن احوال حالیه انسان که زاده اوضاع
 گذشته است بحث و گفتگو میشود اساس و بنیان جغرافیای تاریخی
 محسوب میگردد

با آنکه انسان بواسطه داشتن تدبیر و هوش و فوق و سلیقه
 هیچوقت مانند حیوانات دیگر مطیع صرف طبیعت نشده و بعبارة آخری
 بر وجه احتیاجات و تقننات حوائج خود را رفع و برای ایجاد همه
 نوع تسهیلات خویش جدو جهد بسیار کرده ولی باز اقتدار آن مطلق نبوده
 بلکه - فضا - محل سکونت - اختلاف سطح - مراکز جمعیت
 خلاصه عوامل طبیعت در وی تأثیر نموده و اقتدارات او را بحدی مقید ساخته

بفهمی که میتوان گفت طبیعت انسان را بازیچه خود قرار داده است از شرح فوق چنین معلوم میشود انسانی که مولود طبیعت است طبیعت نیز کم و بیش مصنوع همین انسان است چه اکثر اختلافاتی که در بین توده يك کشور یا اهالی کشورهای مختلفه دیده شده بیشتر مربوط باخلاق و عادات - مذهب و مغایرت اوضاع طبیعی و مساکن بالاخره مقتضیات طبیعی است که بدست این بشر بمروور زمان تهیه شده از این رو می توان استنباط کرد که جغرافیای سیاسی يك کشور ارتباط کاملی بانژادشناسی - علم اجتماع - تاریخ خصوصاً جغرافیای انسانی و طبیعی آن دارند اینک تنها فهرست لغاتی بوده و بنا بگفته دانشمندی کتاب جغرافیا بی شباهت بدفترچه تلفون نباشد که تنها اسامی بلاد و چند عدد و احصائیه ای در آنجا دیده شود مثلاً آنچه که در باب جغرافیای سیاسی يك کشور مورد بحث قرار می گیرد حتماً وبدون شك با جغرافیای طبیعی آن کشور ارتباط کامل خواهد داشت

در باره شهرها و مراکز اجتماعات و توزیع سکنه که یکی از بزرگترین موضوعات جغرافیائی محسوب است با شوکت و عظمت مللی که پایه زندگانی ملی آنها قرونی چند استوار بوده است از طرفی با حیات انسان و از طرف دیگر با وقایع تاریخی وی تناسب مستقیم دارد بفهمی که برای جغرافیای سیاسی هر ملک یا هر ناحیه لازم است عوامل طبیعی - عوامل سیاسی - عوامل اجتماعی آن کشور با آن ناحیه را در نظر آورد

در عوامل جغرافیائی طبیعی آب و هوا - سواحل - پستی و بلندی دریا - دریاچه - چشمه - قنات - معدن و امثال آنها مورد توجه است

در عوامل جغرافیائی سیاسی - دولت - اوضاع نظامی - استقرار ساکنین
اجتماعات و امثال اینها قابل بحث میباشد

در عوامل جغرافیای اجتماعی - نژاد - طوایف ایلات -
مراکز فروش امتعه (بازارها) - کالاها - مراکز علمی و ادبی و امثال
اینها قابل توجه میباشد

ما غرب ایران را در این سه نظر مورد بحث و مطالعه قرار خواهیم داد



بخش اول

جغرافیای طبیعی غرب ایران از نظر زمین شناسی

چون سن حقیقی زمین مسکونی ما بطور قطع و یقین معلوم نیست و تغییرات گوناگونی نیز در دوره های مختلف در سطح زمین ایجاد شده علیهذا علمای معرفت الارض تغییرات را بچهار دوره قسمت نموده و زمین را مصنوع این چهار عهد میدانند و ما نیز همین عهد مختلفه را در غرب ایران رعایت مینمائیم

عهد اول - در عهد اول قسمت بزرگی از زمین را دریاهائی فرا گرفته که رسوبات آنها امروزه در اغلب نقاط زمین موجود می باشد چین خوردگی های زمین در عهد اول تشکیل شده خشکی داده است

۱- **خشکیهای اطلس شمالی** که عبارتست از: **ایرلند انگلیس**

اسکاندیناو و قسمتی از زمینهای شمالی فرانسه

۲ - **خشکی چین و سیری** و ارتباط این دو کشور با یکدیگر

۳ - **خشکی گند اوانا** که شامل قسمتی از **امریکای جنوبی**

برزیل - افریقای جنوبی - جنوب عربستان - هندوستان و قسمتی از

جنوب و غرب ایران میباشد

آب و هوای این دوره بسیار گرم بوده و از **قطب تا استوا** يك نوع آب و هوا وجود داشتند زمین در این عهد دارای فصول چهار گانه نبوده از این عهد اطلاعاتی راجع بغرب ایران در دست نیست

عهد دوم - در این عهد دریا های قدیم کم کم رو بنقصان رفته و

عقب نشینی کرده و بتدریج در اثر نبخیر **کوچکتر** شده ولی در این

عهد دریاها يك حرکات نوسانی پیدا نموده و رسوبات شن و گل رس و آهك های فراوانی از خود باقی گذاشته است (۱) بالاخره در عهد دوم بیشتر رسوبات از جنس شن و گل رس و گل سفید بوده است در این دوره چین خوردگیهای در سطح زمین حادث شده و خشکیهای را تشکیل داده است

۱- خشکیهای اطلس شمالی و چین و سیری بیکدیگر ملحق شده

و حوزه رسوبی دامنه غربی اورال نابود گردیده

۲- خشکی بزرگ گندوا و آناتولی و خشکی امریکای جنوبی

افریقا - هند - مادگاسکار - استرالیا بوجود آمده

آب و هوای این عهد بسیار شدید و مختلف بوده چه بواسطه همین اختلاف آب و هوا بسیاری از حیوانات عهد اول از بین رفته اند

عهد سوم - در این دوره در شمال استوا جلگه امریکا بقطعه

اروپا بواسطه يك خشکی بزرگی متصل گردیده خشکی چین و سیری از اروپا بواسطه فرو رفتگی اورال که تشکیل در یائی زامیداده مجزا بوده است در جنوب استوا نیز سه خشکی بزرگ وجود داشته که شامل امریکای جنوبی و افریقا و استرالیا می شده و در شمال استوا زمینهای اطلس شمالی فرو رفتگی پیدا کرده که در نتیجه رابطه امریکا و اروپا قطع شد در صورتیکه زمینهای چین و سیری با اروپا متصل شده از طرف دیگر افریقا از سمت شمال توسعه یافت باز شدن تنگه جبل الطارق

(۱) این نوسان در دوره ژوراسیک است و در آذربایجان راجع باین مطلب گفتگو خواهد شد

و تشکیل **بحر احمر** در این دوره است این عهد دوره انقلاب و تغییرات شدید سطح زمین و نیز اختلاف آب و هوا بوده چه چین خورد گیها و فرو رفتگیهای بسیار در این دوره می بینم بطوریکه باید گفت بسیاری از کوه های مهم امروزه از قبیل کوه های **آپ - البرز هیمالیا** یادگار این چین خورد گیها است

بنابر تحقیقات عده از علمای معروف معرفت الارض در عصر سوم فلات ایران زیر آب بود و در آخر همین عصر ایران منظره غیر از منظره کنونی داشته یعنی آب و هوایش منظم تر و رطوبتش بیشتر بنابراین دارای چمن ها و جنگل های وافر بوده

فلات ایران در آن عصر به بلندی امروز نمی رسید از طرف شمال دریای **خزر** شکل اندازه امروزی را نداشته (این دریا ب دریای سیاه و دریای آرال يك دریا تشکیل می داده و کوه های قفقاز در جنوب این دریا واقع بوده است) و از طرف جنوب تا خلیج فارس امتداد پیدا می کرده این خلیج هم شکل دیگری داشته زیرا تمام **کله** زیر آب بوده و خلیج مزبور بوسیله دریچه بزرگی تا **جبل لبنان** امتداد میافته بعبارة آخری بادیه های **بین النهرین** و شام را نیز آب فرا گرفته بود و واضح است در این ایام کرخه و دجله و فرات بلا واسطه بخلیج فارس میریخته اند در آخر عصر سوم آب و هوا در گره زمین عوض شد و سرما حکمفرما گردید جهت آنرا درست نمیدانیم ولی بعضی از علمای جغرافیا این تغییرات را متمایل شدن محور زمین نسبت بمدار آن می دانند و برخی بجهت دیگر بهر حال در نتیجه این تغییرات آب و هوا شدیدتر و برف یخ و توجال بیشتر از آنچه اکنون در کوه های بلند دیده میشود

صفحه غرب ایران و ارمنستان و قفقازیه را فرا گرفته بود و سلسله این
توچالها تا آسیای وسطی امتداد می یافت

عهد چهارم - در عصر چهارم برفها و یخچالها آب شد بر اثر
آن دریاچه های زیاد در جاهای پست فلات ایران پدید آمد این یخچالها
سابقا منحصر به برخی قله مرتفع جبال بود و عظمتی چندان نداشت
در این دوره نیز در زیر یخ مستور گردید برخی از علمای معرفه الارض
توسعه یخچالهای عهد چهارم را نتیجه بالا آمدن و مرتفع شدن نواحی
امریکای شمالی و قسمتی از اروپا در مقابل فرو رفتگی **اقیانوس اطلس**
و وفور بخار آب بر اثر ارتفاع درجه حرارت و متراکم شدن در اماکن
مزبور بعلت برودت حاصله از ارتفاع مکان دانسته اند بالعکس موجب نقصان
آنها ایجاد جریان کف استریم و ازدیاد درجه حرارت محسوب میدارند
لیکن از آنجا که عهد اول (ادوار کمبرین) وزغال سنگی و آثار
یخچالها در نواحی استرالیا و هندوستان دیده شده و از طرفی عصر
یخ بندان منحصر بفرد نبوده فرض فوق الذکر را نمی توان بطور حتم
قابل قبول دانست

در این دوره که هنگام آمدن بارانهای شدید است آب این بارانها
قشر زمین را **خراشیده** و با خاک رسوبی روی آنها پوشیده و برور ایام
فلات ایران دارای منظره کنونی شد زیرا که در این خاک رسوبی شن و ماسه
دیده میشود قطر این زمین شن در بعضی نقاط به چندین صد ذرع بالغ
میکردد و در این قبیل نقاط (**زهاب - شوشتر - لرستان**) هر قدر کاوش
کرده اند استخوانهایی از حیوانات و آلات و اسبابی صنعتی بدست
نیاورده اند در صورتیکه در زمین کده در این قبیل جاها از آلات

و ادوات عهد سنك تراشید هم چیز هائی بدست آمده این است
تغییراتی که در غرب فلات ایران (بمعنای اخضر) روی داده
و موافق عقیده علمای معرفة الارض این تغییرات بیشتر از تغیراتی است
که در همان عصر در اروپا حاصل شده

میتوان بیانات فوق را با بعضی قرائن که از نوشته های مورخین
بدست می آید بیشتر تا کید نمود : مثلاً مورخین عهد **اسکندر** رطوبت
فلات ایران را بیش از آنچه اکنون استنباط می شود میدانسته اند
آریان گوید قشون اسکندر از **بمپور** تا **کرمان** از مکانهای گذشته
که آباد بوده و لشکر مقدونی در بمپور آنوقه دوماه را دربر گرفتند و
حال آنکه امروز از محل مزبور تا حدود رودبار کرمان اصلاً
دهی دیده نمی شود

جاکسن گوید . در اوستا جنگل بزرگی را جنگل سفید نامیده اند
و در ولایات مرکزی خراسان بوده (از این جنگل هم اثری نیست)
بیشتر علمای معرفة الارض دریاچه های فلات ایران را باقی مانده دریائی
میدانند که وقتی قسمت اعظم فلات ایران را در زیر خود گرفته بود
هن تینك تن - عقیده دارد که سطح دریای خزر در ایام اسکندر
۱۵۰ پا بالاتر از سطح کنونی آن بوده

در نواحی غربی ایران بطور کلی مکانهای که آب بسیار است
حاصل خیز و از این رسوبات که از سیلابهای روی زمین باقی مانده
اگر پائین تر رویم غالباً بسنگ و ريك و ماسه میرسیم با این نوع
علائم گوئیم که هنوز هم در اواخر عصر سوم و اوائل عصر چهارم
معرفة الارض قسمت اعظم فلات ایران در زیر آب بوده است

این را باید گفت که در عهد چهارم معرفت الارض انسان بوجود آمده و تشکیلات کنونی نتیجه زحمات و تکامل آن عهد میباشد پس از شرح فوق هریک از نواحی غرب ایران را از لحاظ معرفت الارضی جداگانه شرح خواهیم داد

آذربایجان چون فلات آذربایجان بین فلات قفقازیه و

تروس و قسمتی از آسیای صغیر واقع شده است فشارهای متواتر بر این نواحی در عهد های مختلفه معرفت الارض سبب بالا آمدن قسمتی از فلات و متضمن فرورفتن قسمت دیگری از همین فلات شده است آذربایجان فعلی بواسطه فشارهایی که در عهد اول و سوم از طرف جنوب غربی بشمال شرقی آن وارد شده تشکیل یافته و همین فشارها نیز سبب بالا آمدن قسمتی از فلات ارمنستان و همچنین شکستهایی در فلات آذربایجان گردیده است و این شکست ها تولید آتش فشانهائی مانند **آرارات - سهند - سیلان** و غیره داده است

با تحقیق کامل دنباله این فرو رفتگی و برجستگی و نیز علائم و آثاری از این دوره های معرفت الارض و بقایائی از احجار خروجی و غیر خروجی مانند گنایس - میکاشیست - و شینت و خارا تا ملاطیه و شمال عربستان کنونی هم میبینیم بنا بر تحقیق علمای معرفت الارض و چنانچه قبلا متذکر شدیم در عهد دوم معرفت الارضی نیز شکستهایی بین دریاچه ارومیه و کوکچه واقع شده و آثاری نیز از عهد دوم خصوصا رسوبات این عهد بشکل آهکهای مرجانی در روی رسوبات عهد اول و کنار دریاچه کوکچه و سواحل بحر خزر و بر روی سنگهای خروجی کوههای قره باغ کاملاً واضح و مبرهن است

ب قسمی که جنس کوههای قره داغ (۱) همه جا از سنگ خارا و از بسیار قدیم معادن فلزات آن معروف و مشهور بوده این کوهها بعلت آتش فشانیهای مختلفه که در عهود قدیمه شروع شده امروز نمیتوان در آنها چین خوردگی ثابتی معین نمود چه آتش فشانیهای مزبور که امروز باسم **سبلان و سهند و کوه نوح** بزرگ و کوچک معروفند چنینب آنرا مکرر مخلوط و درهم نموده است

همچنین امتداد کوههای شمال غربی آذربایجان که از نوح بزرگ تا مرز کردستان و بطرف جنوب شرقی پیش میرود همه جا از سنگهای خروجی تشکیل یافته است

در کنار رودخانه ارس ورگه ها و حاشیه کوههای غرب ایران و نیز گردنه های بین آذربایجان و عراق آهکهای عهد دوم و گل رس و گل سفید دیده میشود که روی طبقات عهد اول را کاملاً پوشانیده اند چین خوردگیهایی که در عهد سوم معرفت الارض حاصل شده و قسمت جدیدی در دنیای آنروزی احداث کرده بعبارة آخری دنیای تازه ای در عهد سوم بوجود آورده در آذربایجان نیز چین خوردگیهایی تولید کرده است ولی قسمت بیشتر تاثیر در آذربایجان چین خوردگی نبوده بلکه ارتفاع این فلات است و بواسطه ارتفاع کامل شکستهای مختلفی در این فلات پیدا شده که سبب تشکیل دریاچه ها گردیده است و این دریاچه های وسیع حد فاصل بین فلات ایران و یونان شده و تشکیل جنگلهایی

(۱) کوه های قره چه داغ - اطراف هریک از این کوههای آتشفشانی را امروز یخچالهای طبیعی بمق ۱۰۰۰ متر احاطه نموده و اغلب بواسطه مجاورت با آتشفشان زلزله های خطرناکی در این ناحیه تولید شده و شکافهای هولناکی ایجاد گردیده است .

هم داده است این دریاچه ها از عهد سوم باقی مانده و هنوز هم باقی است که بعضی دارای آب شیرین مانند رضائیه و برخی شامل آب شور است مانند کوکچه چنانکه گذشت فشارهای وارده بر صفحه غرب ایران در عهد اول و سوم تواید شکستهای نموده که مهمترین آنها شکافی است بحجم ۱۲ میلیارد متر مکعب حد شمالی این شکاف که در دوره سوم معرفه الارض بوجود آمده است بدیلمقان امروزی و حد جنوبی آن مرحمت آباد است وسعت سطح این شکاف که بطور متوسط ۵۰۰۰ کیلو متر امتداد پیدا میکند بر اثر چشمه هایی که در قعر آن از ابتدای عصر معرفه الارضی ایجاد شده است پیوسته در تغییر و این تغییر موجب اختلاف سطح از ۴۰۰۰ تا ۶۰۰۰ کیلومتر است این شکاف که بمرور ایام از نوب برفهای چندین هزار ساله اطراف خود از آب مملو گردیده هنوز در موقع پائین رفتن سطح یا عکس آن اختلاف وزن مخصوصی نشان میدهد و این خود بهترین دلیل است که دیوارهای جانبین این شکاف شامل طبقات مختلفه معرفه الارضی عهد چهارگانه مذکور در قبل میباشد یعنی هر يك از طبقات در موقعی که آب اطرافشان خارج میشود تاثير خود را از دست داده و اختلافی حاصل میکند که بطور محسوس از ۱۱۵۵ تا ۱۱۱۳ اختلاف دارد (هنگامی که سطح آب پائین است وزن مخصوصی ۱۱۵۵ گرم و در موقعی که بالا است ۱۱۱۳ گرم است) میتوان گفت که چون کودترین نقاط این شکاف که در جهت شمال غربی واقع شده بیشتر از ۱۶ الی ۱۷ متر عمق ندارد شامل این اختلاف وزن مخصوص است در صورتیکه اگر عمق شکاف را بیشتر تصور کنیم این اختلاف بیشتر و دلیل قاطع تری برای وجود طبقات چهارگانه معرفه الارضی در غرب ایران خواهد

بود این شکاف بزرگ که ذگری از آن بمیان آمد امروز در آذربایجان
و باسم دریاچه رضائیه معروف است

کردستان - برجستگیهای که در امتداد بلندیهای آذربایجان

بسمت جنوب پیش میرود عموماً قدیمی تر و غالباً بطور عمودی تشکیل
یافته منظره جالب توجهی بوجود میآورد در مرکز این برجستگیها سنگ
خارای خاکستری و آتش فشانی که خود دلیل بر وجود اراضی از عهد اول
و سوم میباشد و در اطراف آن سنگهای مرمر و سفید یافت میشود که
عموماً سخت و بدون فسیل و دلالت بر وجود اراضی از سایر عهود
خصوصاً عهد دوم است این برجستگیها هر قدر بنواحی سرحدی ایران و ترکیه
تزدیک میشود بیشتر از سنگهای خروجی که روی آنها را طبقات رسوبی
احاطه نموده مرکب شده تا بالاخره بجائی میرسد که سنگ مرمر سخت
زرد رنگ خالص تشکیل میدهد در همین نقاط است که آثاری از شکافهای
مذکور در فوق نیز دیده میشود این شکافها بر حسب تصادف از نفوذ آب
های اطراف محفوظ مانده و امروز بصورت غارهای زیرزمینی و دالانهای
عمیق و طولی تشکیل داده که حداً علی طول آن ۱۳۰ متر و عرضهای
مختلف آن تا ۶۰ و ارتفاعات ۷۰ متر نشان میدهد و بعضی قسمت ها
بواسطه دریاچه های عمیقی با قسمتهای نزدیکتر خود مربوط شده این
نواحی که در آن استخوانهای حیوانات و تکه های آهن بدست آمده و از
بعضی قرائن دیگر معلوم میشود که از ساختمانهای عهد چهارم معرفه الارضی
میباشد چه اختصاص این عهد رسوبات . طولی و استخوانهای حیوانات
اهلی بخصوص وجود انسان یعنی پیدا شدن قطعات آهن است

از غار های مذکوره در فوق آثاری باسم گلفه‌شنگ (۱) بوجود آمده که اگر ترکیبات معرفت الارضی آن دقت شود بخصوص موقعیت زمین های این ناحیه از لحاظ معرفت الارضی مشخص خواهد شد معروفترین آنها که از داخل یکدیگر مربوط و در چندین کیلومتری دهمسردار آباد و اِسکند امروزی است دو غار کون مالان و کون کوتر است (۲)

الوند - امتداد طبقات رسوبی و گل رس و سنگ آهک از واسط رشته های غربی جدا شده و بسمت مغرب انقدر پیش میرود تا مبدل بتوده هائی از سنگ خارا و در کوهی و طبقاتی از عهد اول و دوم و سوم باسم الوند کوه تشکیل میدهد در این محل آتش فشانهای متعددی برپاست که بتدریج خاموش گشته است از طرف مقابل این رشته کوه بسمت سرحدات غرب پیش رفته تا آنجا که تخته سنگ بزرگی از سنگهای مرمر سخت در دامنه جبالهای غربی باسم یستون تشکیل داده است (۳)

سنگ های این چین خوردگی عظیم از جنس خارا و کوارتز و در دامنه آن مخصوصاً معادن زیاد گرافیت دیده میشود

باید دانست که چون الوند مرکز شکستهای ساحلی دریای تیس است بی ترتیبی های زیاد در آن روی داده بخشی که تمیز امتداد آن مشکل است مرکزیت الوند از لحاظ اتفاقات معرفت الارضی است که در اطراف همین

(۱) گلفه‌شنگ را در قدیم دنگداله و دنگ له گویند

(۲) ما از این دو غار بطور تفصیل در قسمت سیاسی بیان خواهیم نمود

(۳) در جغرافیای سیاسی از این محل مفصل صحبت خواهیم داشت در حول و حوش این رشته طبقات ضخیمی از سنگ گچ و گل رس از شمال بجنوب کشیده شده و طبقات رسوبی سنگ آهک در جبال اطراف بخوبی نمایان است .

ناحیه بوجود آمده که معروفترین آنها بقرار ذیل است

- ۱ - مقاومت فلات آذر بایجان در مقابل فشارهای وارد از جنوب غربی بشمال شرقی در مقابل این مقاومت چون رشته اصلی فلات تغییر ننموده مرکز فشار ها به الوند متصل شده است
- ۲ چین خوردگی های پی در پی زاگرس از جنوب غربی به شمال شرقی این چین خوردگیها بر اثر فرورفتن اقیانوس هند و اطراف آن حاصل شده است

۳ وقوع این ناحیه در حاشیه ساحلی دریای تبتس این دریا در عهد دوم تشکیل و بعد مطابق قواعد معرفه الارضی در ساحل خود چین خوردگیهای بزرگ تولید نموده

از مجموع علل فوق شکافهایی حادث گردیده و سنگهای خروجی بیرون ریخته و حتی آتش فشانهایی نیز در محل شکستها بجای گذارده است اگر سواحل جنوبی دریای مذکور در فوق را بدقت مطالعه نمایم رشته هایی از شمال غربی بجنوب شرقی مشاهده خواهیم کرد که تمام از سنگهای خروجی و اغلب قلل آن آتش فشانی خاموش و مرتفع است باید دانست که موافق عقیده علمای معرفت الارض در این دریا دیواره هایی نیز وجود داشته که بمرور زمینهای کف آن دریا بالا آمده و تشکیل کوههای منفردی در مرکز بیابانهای نمک زار و دیگر نقاط داده بسمیکه هر قسمت از دریای مریزبور که هنوز بتدریج پیر نشده امروز تشکیل باتلاق ها و نمک زار های متعددی داده و بواسطه همین عمل کم کم ارتباط زمینها با سایر دریاها قطع و واردات آنها کمتر و بالاخره خشك شده و بعوض رسوبات ضخیم نمکی تمام دامنه های آنرا

فرا گرفته و تشکیل بیابانهای کنونی را داده است (۱)

در تمام این نوع کوهها علاوه بر اراضی خروجی زمین های قدیمه اولیه در دامنه کوهها و فلات ها دیده میشود که همه دارای معادن مهم ذغال سنگ و غیره است

حوضه های نفتی - با آنکه تا کنون کمتر فسیل یا بقایای موجودات قدیمه در معادن نفت بدست آمده (تنها در معادن کانادا به مقدار زیاد بقایای حیوانات بحری از قبیل نوائم و فوقشر ها و نباتات بحری مشاهده شده است) ولی بملاحظه مخلوط بودن مایع مزبور با آب های شور و شن و غیره پاره علمای معرفت الارض را عقیده بر آنستکه تشکیل نفت نتیجه تجزیه و ترکیب حاصله در اجساد و بقایای موجودات است و بس تجزیه نفتی در مکانهاییکه مواد نفتی و قیری فراوانتر است اجساد حیوانات قدیمه بحری و معرفه الارضی زیاده تر و بعبارة اخری قدمتش بیشتر میباشد از شرح فوق معلوم میشود که غرب ایران از زمین های قدیمه معرفه الارضی بوجود آمده و چون با کمال دقت در این قسمت تحقیق شود معلوم خواهد شد که تخته سنگهای عظیمی که همه از عهد دوم محسوب از قصر شیرین تا خلیج فارس امتداد پیدا مینماید در این حوالی طبقات افقی قرار گرفته که امتداد آنها از راست بچپ و در بعضی نقاط نوع مخصوص آهکی وجود دارد که قطعاً متعلق بعهد سوم است (مطابق تحقیقات و عقیده دمرگان) چنانکه قبلاً اشاره رفت این رگه های نفتی (۱) از شرح فوق معلوم میشود که نمک زارها و باطلاهای فعلی همه بقایای دریاها و خشک قدیمی در نواحی مختلف بوده اند

در غرب ایران از حدود **قصر شیرین** و **نفت شاه** امروزی تا آخرین نقطه **خاک** غرب حوالی **خرم شهر** (**آبادان**) رشته های مخصوصی در **پشت کوه** و **پیش کوه** کشیده و در چندین نقطه آثاری از آن دیده میشود مانند **شاه آباد** **مسجد سلیمان** و غیره و غیره و رگه های دامنه زاگرس و **نوا کوه** و **دالاهو کوه** و **آهنگران** و در نزدیکی **قصر شیرین** در دامنه **شاه کوه** همه رشته های نفتی هستند که در امتداد همین کوهها انحرافهایی پیدا کرده و گاه گاهی نیز در کنار چشمه های آب تلخ که از کوههای گچ بیرون میآید علائم و آثار خصوصاً نفت سیاه بطور بسیار کم بر روی زمین جریان دارد این کوهها بواسطه چشمه های نفتی معروف و مشهور میباشند

این حوضه ها بطرف جنوب کشیده شده و از **پشت کوه** و **رامهرمز** و **محمیره** عبور میکنند و کربورهای مختلف در این نواحی بسیار زیاد است به حدیکه اطراف **ده لران** و **تپه کذاب** و **رشته قلیان کوه** تمام تخته سنگهای **بختیاری** و **پشت کوه** دارای مواد نفتی و قیری است (چاه سرخ در جنوب **آهنگران** حوضه های نفتی بسیار مهمی است)

پولاک اطیش گوید کمتر مملکتی در دنیا است که از جهت مواد زیر زمینی بتواند با ایران برابری کند عموم مناطقی که رگه های نفت در آن دیده میشود از **کرمانشاهان** تا **قصر شیرین** و **محمیره** و **پشتکوه** و **مسجد سلیمان** **آبادان** **هفت گل** **ماماتین** خصوصاً مکانهای **کوچک** **کوچک** دیگری غیر از اینها مرکب از احجار گچی است تمام آبهای این نواحی تلخ و غیر قابل شرب است در حوالی چاه های نفتی تپه های رسوبی بسیار دیده میشود و طبقات مازنی در اغلب این نواحی

بشکل افقی قرار گرفته سفید کوه از سنگ گچ تشکیل شده بدین
مناسبت اورا سفید کوه نامند این کوه در امتداد قسمتی از رگه های نفت ایران
قرار گرفته آهکهای مخصوص عهد دوم و سوم (آهکهای Numulitique)
در امتداد نواحی پشتکوه و پیشکوه کا ملا دیده میشود (۱)

لرستان - (پشتکوه پیشکوه) ناخیه لرستان با معبر بین النهرین
و خوزستان مکانی است که دیوارهای کوچک و بزرگی بموازات یکدیگر
در آن از شمال به جنوب کشیده شده این دیوارها که بقای
چین خوردگی های عصور مختلفه معرفه الارضی محسوب میشوند چینهای
عظیمی هستند که عموماً تا افق امتد و بین آنها دره های عمیق و
هولناکی قرار گرفته و در بعضی از آنها بخصوص شکافهایی موجود است
که بعلت نوازی و انتظام چین خورد گیهای مزبور کمتر تولید دریاچه ها
نموده بلکه عموماً آبهای اطراف را از خود عبور داده و تولید دخانه های مختلفی
کرده است

از نقطه نظر معرفت الارضی در این چین خورد گیها آنچه که از
قطعات مرمر خا کستری تشکیل شده در آن هیچ نوع فسیل یافت نمیشود
و آنچه که از طبقات آهکی است از عهده سوم و شامل فسیلهای نوع
کاستروپود و بالاخره آنهاییکه از رسوبات مختلف احداث شده از سایر
قسمتها متمایز میباشد بعلاوه يك سلسله سنگهای خروجی نیز یافت
میشود که دلالت بر نواحی آتش فشانی بیشتر هینماید تمام بر آمدگیهای

(۱) از نفتهای ایران و چاههای نفتی در میدان نفتون (مسجد سلیمان)
و تصفیه خانه های معروف آبادان و کرمانشاه که خود مدتی ناظر آن بودم
بتفصیل در جغرافیای سیاسی صحبت خواهم داشت

این نواحی را میتوان بدو قسمت متمایز تقسیم نمود

۱ - قسمت اول که در مجاورت سرحدات غربی ایران قرار گرفته شامل برآمدگیهای کم ارتفاع و موازی و منظم و عموماً شامل نواحی معدنی و نفتی قیری است در این قسمت ها بهیچوجه ارتفاعات مهم دیده نمیشود و چنین بنظر میآید که این نواحی حقایقش از فلاتهای ممتدنیستند و از اینکه در آن رودخانه و دریاچه ها خیلی بندرت یافت میشود معلوم میگردد که مانند زمینهای شمالی تحت نفوذ فشارهای جانبی قرار نگرفته اند بلکه از یکطرف متصل بسلسله جبالهای عظیم و از طرف دیگر بجلگه مسطح حاصل خیز بین النهرین منتهی میگردد

۲ - قسمت دوم که در سمت مقابل قسمت اول واقع شده و در حقیقت حد فاصل داخله ایران و سرحدات مغرب محسوب میگردد شامل چین خوردگی های عظیم و مرتفع با سلاسل صعب العبور و گردنه های سخت و چون این قسمت شامل فشارهای جانبی از چندین طرف بوده سلسله های آن پیچ در پیچ و پیچیده و در فواصل هر يك دره های عمیق و بر عرض و طولی تهیه شده که از مجموع آنها رودخانه های عظیم تاریخی و غیر تاریخی مانند سیمره و گاماسب و کرخه بوجود آمده است

در نواحی شمالی این قسمت برآمدگیها و چین خورده گیهای بطرف جنوب شرقی مند و تنگه عمیق و غیر قابل عبور تولید مینماید بطور کلی میتوان گفت که کوههای پشاکوه و بیشکوه عموماً از احجار دجی و آتش فشانی و خروجی و انواع اقسام سنگ گچ و آهک خارا میباشند در منتهی الیه غرب ایران یعنی فاصله لرستان

و **بین‌النهرین** رشته جبالهای شرقی و غربی بطوری قرار گرفته اند که اغلب مابین آنها دره های رسوبی و منفردی تشکیل شده این دره ها مطابق عقیده علمای معرفه الارض هر يك دریاچه های جداگانه بوده که مانند پله کانی از شمال تا جنوب ممتد و رودها پس از خارج شدن از یکی وارد دیگری میشده بمرور ایام آب رودخانه های مذکور بریدگی معبر خود را بیشتر و وسعیتر نموده و آب دریاچه ها کم کم بهم پیوسته و ایجاد فشاری کرده که بر اثر آن بند ها را بریده و جلگه ای باسم **خوزستان** تشکیل داده است باید دانست که از دریاچه های اولیه هنوز هم دره های حاصلخیز متعددی برجا مانده و امروز رودها از آن عبور مینماید لازم است متذکر شویم که خشک شدن آب این دریاچه ها بمرور ایام در خشکی آب و هوای **ایران** اثر کلی داشته و بهمین واسطه آب و هوای سابق **ایران** را نسبت بامروز مرطوبتر نشان میداده است (۱)

اگر بتاریخچه بعضی از نقاط **ایران** متوجه شویم صحت این قبیل مطالب بیشتر ثابت خواهد شد مثلاً در همین ناحیه (**خوزستان**) موقعیت **دریاکوه** که سابقاً دریای وسیعی بوده و بمرور راه پیدا کرده و پس از از خارج شدن آب آن خشک شده و بعدها باسم **دریاکوه معروف** گردیده جالب نظر و اهمیت مخصوصی است

خوزستان و بختیاری - جنس کوههای این قسمت غالباً نمکی و گچی و

- (۱) از این بحث در جنگل های ایران بطور کلی صحبت خواهد شد
- (۲) تاریخ وقایع مذکوره در فوق از نقطه نظر زمین شناسی با زبان امروزی ما خیلی فاصله دارد مثلاً واقعه فوق در زمان ورود **ارین ها** بایران اتفاق افتاده است که تا بحال تقریباً ۲۰ قرن است)

متعلق بعهد سوم معرفة الارضی و در اغلب آنها چشمه های آبهای گوگردی مخلوط بانمک و گچ دیده میشود که نظیر چشمه های البرز است و معادن نفت و قیر فراوان دارد (فقط معادن جنوب **بختیاری** و **رامهرمز** آن استخراج میشود -)

از وجود چشمه های گوگردی و معادن آهن چنین معلوم میشود که در این ناحیه علاوه بر قسمت های رسوبی کوههای خروجی و آتش فشانهای جدید نظیر شکست های البرز موجود میباشد -

این رشته بلندیها در جنوب غربی **اصفهان** خصوصاً نواحی که امروز باسم **بختیاری** (چهار لنگ و هفت لنگ) معروف است فشارهایی شبیه به آنچه بر زمینهای آذربایجان وارد آمده است تحمل نموده اند (یعنی عموماً از شمال بجنوب) بدین مناسبت دارای شکستهای بسیار و برآمدگی ها و فرو رفتگی های یشمار شده و سنگهای خروجی و گچی و آهک های مخصوص نومولیتیک در این حوالی بسیار یافت میشود خصوصاً معادن بیشمار که بیش از یکی الی دوتای آنها یعنی نفت و قیر استخراج نشده که عموماً دریای چشمه ها جریان دارند در کوه های **بختیاری** بر خلاف کوه های **پشتکوه** که بواسطه شدت باران طبقات دوم و سوم آن یکی بعد از دیگری شسته شده و تشکیل رسوبات رودخانه را داده بطبقاتی از عهد سوم که توده های عظیم بر روی یکدیگر باقی گذارده است بر میخوریم و این خود دلیل بر مقدار باران این نواحی است که عموماً بعد اعتدال میباشد اگر از بختیاری بطرف جنوب و جنوب غربی سرازیر شویم **دشت خوزستان** بواسطه رسوبات **آبدیز کرخه و کارون** تشکیل دلتای بزرگی را داده که بتدریج

رسوبات این رودخانه ها **خلیج** را جلو آوردمو بترتیب فرورفتگی های **عربستان ایران** را پر می کند -

در خوزستان عموماً کوه کمتر دیده میشود اغلب فلاتهای وسیع لم یزرع و با حاصل خیز میباشد که شباهت تامی به **پشت کوه** دارد -
باید دانست که در دو طرف **خلیج فارس** یعنی دو ناحیه عربستان و ایران **کوه** ها از حیث طبقات و چین خوردگیهای معرفه الارضی شباهت تامی یکدیگر دارند بنا بر این **خلیج فارس** را میتوان يك فرورفتگی مابین دو چین خوردگی تصور نمود که تا موصل ممتداست و برور زمان رسوبات شطالعرب و کارون جلگه های بین النهرین و خوزستان را تشکیل داده (۱)

فارس - جنس این کوه ها مانند کوه های قسمت قبل گچی و آهکی و هر قدر بطرف ساحل نزدیک تر شویم ارتفاع آنها کمتر شده و بالاخره به **خلیج فارس** منتهی میگردد ولی چنانکه در معرفت الارض اشاره شد دنباله آنها را در مسقط و شبه جزیره عربستان میتوان یافت فرورفتگی **خلیج فارس** و تنگه هرمز این دو نقطه را از هم جدا نموده و دلیل اتصال این دو رشته با یکدیگر همان جزایر و شبه جزیره های متعددی است که در اطراف تنگه هرمز واقع میباشد -

کوه های جنوبی لارستان و ساحلی هرمز همه کوه های قدیمی و اراضی آن متعلق بدوره های اولیه معرفه الارضی است وجود معادن گدسرخ در جزایر تنگه هرمز قدمت این اراضی را تأیید مینماید -

(۱) بهترین دلیل برای اثبات این مدعی نبودن هیچ قسم شهر و دهات قدیمی در نزدیک این دلتا میباشد

در کوه های فارس طبقات عهد سوم بخلاف تمام نواحی غرب توده های
عظیمی را تشکیل میدهند چین خورده گیها هنوز در این ناحیه کمتر
است و حالت اولیه خود را از دست نداده

کلیات کوه‌های غرب ایران

کوه‌های مغرب ایران که مانند زنجیری از شمال غربی بجنوب شرقی امتداد مییابد یعنی فاصله مابین آرات- و خلیج فارس را اشغال میکند بواسطه سرحد بودن بین سه مملکت ایران ترکیه عراق بسیار مهم و موقعیت خوبی را احراز نموده وضع این کوه‌ها بقسمی است که همه جا گردنه‌های بسیار مرتفع تشکیل داده و کاملاً مانع عبور و مرور میگردد و اغلب ایام سال تمام قله کوه‌ها مسدود از برف بخصوص گردنه‌هایی که راه‌های بین ترکیه و ایران را متصل میکند صعب‌العبورترین گردنه‌ها بشمار می‌آیند اگر این امتداد را بسمت جنوب توجه کنیم تمام مرتفعات جنوبی شامل قله مضرس و مرتفع و درحقیقت دیوارهای عظیمی هستند که شامل يك نشیب بسیارند قله آنها همیشه مستور از برف و دامنه‌ها همه‌جا از جنگل پوشیده شده است باستثنای بعضی از آنها که شامل امتدادی منظم و مرتب هستند بملاحظه تحمل فشارهای وارده در اعصار معرفت الارضی که بر اثر چین خوردگیها و مقاومت زمین بوضع فعلی درآمده امروز قله مختلفه الارض نشان میدهد که همه جاده‌های وسیعی بین آنها دیده میشود باین ترتیب جاده‌هایی که نواحی داخلی ایران را بخارج منتهی میسازد منحصر بفرد و همان راه‌های تاریخی قدیمی محسوب میشوند زیرا از سایر نقاط بهیچ طریق عبور و مرور ممکن نیست حتی در امتداد سواحل رودخانه‌های این ناحیه هم جاده‌ها و راه‌های عبور حیوانات کمتر یافت میشود و این خود بهترین دلیل بر عدم انتظام و ترتیب پستی و بلندی این ناحیه است

این عدم انتظام و ترتیب تنها در بلندیاها مشاهده میشود بلکه دره ها و پستی ها که عموماً تابع جبالهای حول و حوش است نیز فاقد تمام اختصاصات مذکور در فوق میباشد. بعبارة آخری چون کوهها دو طرف بعلت پستیهای تند داخلی بصورت دیوارهای عمودی قرار گرفته دره ها همه جابسیار کوچک و مانند جلگه هایی که اغلب در وسط آن جنگلهای کوچک و کم عرض و طول قرار داشته باشد مانند پله بدنبال یکدیگر ممتد و بخوبی میتوان هر يك از آنها را دشتهای حاصل از گل ولای که برورایام و بواسطه رسوبات رودخانه ها بدست آمده دانست اگر از مغرب ایران بنواحی داخلی متوجه شویم رشته ها بیشتر موازی یکدیگر و منظم تر میشوند و هر چه بجلگه عراق کمتر فاصله پیدا کنیم ارتفاع آنها نقصان مییابد بقسمی که در بعضی از نقاط ارتفاع این چین خوردگیها آنقدر کم شده که مبدل به تپه هایی خواهد شد مانند ارتفاع کبیر کوه انجیر کوه که بملاحظه کمی ارتفاع نسبت بجلگه خوزستان کوههای مرتفعی بنظر میآید در نقاطی که ارتفاعات پست تر شده و باجلگه های اطراف خود هم سطح میگردد دامنه های سبز و خرمی تولید میکند که شامل مراتع وسیع و آبهای گوارا و عموماً محل ییلاق ایلات مختلفه غرب ایران را از قدیم الایام تشکیل داده است بالاخره اختصاصات جنوبی ترین نقطه غرب ایران یعنی جبال فارس و مرتفعات ساحلی خلیج طوری است که همه جا بموازات ساحل دریا و هر چه بدریا نزدیکتر شویم شامل نشیب پست ولی باز هم راههایی که سهل العبور و بدون گردنه های مرتفع و تنگه های باریک باشد نشان نمیدهد و از این رو معلوم میشود که در این ناحیه بعضی قله مرتفع و متفرق وجود دارد.

کوه های آذر بایجان - از وضع طبیعی قله جبال آذر بایجان

که تقریباً بشکل مخروط های منظم میباشد بخوبی استنباط میگردد که چین خوردگیهای این ناحیه همه جا با آتش فشانها عظیم و خطرناک همراه بوده است که امروز تماماً بحالت خاموشی و خمودیت هستند و بهترین دلیل این مطلب وجود زلزله های متعددی است که لاینقطع در این نواحی بظهور میرسد و مطابق عقیده علمای زمین شناسی این خود یکی از آثار مخصوص کوههای آتشفشانی است این ناحیه که در گوشه شمال غربی ایران و بالای جلگه بین النهرین واقع شده و ایران را از دو طرف بفلات آسیای صغیر و فلات ارمنستان متصل میسازد شامل چندین رشته جبالهای مختلف متمایز است که ما میتوانیم بدو رشته مهم و چند رشته جبال فرعی تقسیم نمائیم

۱ - رشته ای که از منتهی آلیه شمال غربی آذربایجان یعنی از قلعه آرات صغیر شروع شده و در امتداد حدود غربی ایران از شمال غربی بجنوب شرقی امتداد مییابد دارای سلاسل و قلل ممتنع الصعود است و خط سرحدی از مقسم المیاء آن میگردد شامل ارتفاعات بیش از ۳۴۰۰ ر ۵ هزار متر و همان است که یونانیهای قدیم آنرا زاگرس نام نهادند قسمت شمالی آن با اسم علمدار و جنوب آن بکوه ایوب انصاری معروف است در این ناحیه کوههای مهم عبارتند از کوههای آق داغ - قطور - (۱۹۹۷ متر) شملیک داغ (۳۵۰۷ متر) مور شهیدان (۳۶۱۴ متر) بینار داغ (۳۳۹۴) دلا میر (۳۴۷۸) قندیل داغ (۳۴۸۶ متر)

۲ - این رشته نیز از منتهی آلیه شمال شرقی آذربایجان شروع شده و برخلاف رشته اول بسواحل جنوبی بحر خزر خود را میرساند و بملاحظه چشمه های آب گرم معدنی ممزوجه با مواد گوگردی که در مواضع بسیاری از آن

موجود است معلوم میشود که در معرض آتش فشانه‌های این ایالت واقع و بر اثر زیر و زبر شدن زمینهای این نواحی بدست آمده است ارتفاعات این کوهها اغلب ۴۰۰۰ متر و قلل آن همه جادارای برفهای دائمی و مرتفعترین آنها آزارات کبیر (۵۱۵۶) آزارات صغیر (۳۹۱۶) سبلان (۱) (۴۸۱۲) و سهند (۲) (۳۵۹۶) آوداغ - سردار بلاغ - قراباغ - طالش - بزگوش قافلانکوه - (۱۵۴۰) - نشان کوه - خورنداغ (۳۳۷۰) ناشلی داغ خاله داغ - (۱۶۴۶) - صلوة داغ - میباشد

۲- **کوههای کردستان** - کردستان فلات مرتفعی است که يك قسمت آن دباله کوههای ارمنستان و قسمت دیگر رشته های متعدد زاگرس میباشد امتداد کوههای دسته اول نیز با جبال زاگرس موازی یعنی از شمال غربی

(۱) **سبلان** - با آنکه در دوره های تاریخی آتش فشانهائی در این کوه دیده نشده معذک دهانه های آتش فشانی متعدد و چشمه های آب گرم فراوان در آن موجود است -

(۲) **سهند** - باید دانست که هنوز در آتش فشانی خاموش سهند چشمه های مختلفه آب معدنی مانند آبهای آسید دار و آهن دار و انواع مختلفه از آبهای گرم پیدا میشود بخصوص آبهای دامنه غربی که دارای نمک فروان و شور است .

در دامنه این کوه غار عظیمی است که از آن آسید کربنیک بحد و فور متصاعد میشود و چون این گاز بینهایت سنگین تر از هوا است معمولاً در قسمت های تحتانی قرار گرفته و اگر حیوانی غفلتاً وارد شود خفه خواهد شد این غار به غار اسکندر معروف و عوام تصور مینمایند که اسکندر خزائن خود را در این محل مخفی نموده است -

بجنوب شرقی ممتد است

کوههائی که سرحد طبیعی و سیاسی ایران را تشکیل میدهند موازی تر و قله شان منظم تر و نشیستان عموماً از جنوب بشمال و با اینکه نشیستان در مغرب تند و در مشرق ملایم است فلات ایران را بر جلگه بین النهرین مشرف میسازد و آنها که در داخله فلات کشیده شده در حقیقت حد مشخص کردستان در مشرق محسوب میشوند و بالاخره بکرشته کوهها در کردستان کشیده شده که دنباله چین خوردگیهای جبال شمالی و دارای امتدادهای غیر مشخص و همه جادر تحت تأثیر فشارهای سنگین آتش فشان سپند و انقلابات ارضی قرار گرفته اند قلل معروف نوع اول کوه سفید - قندیل داغی باقر داغی - حاجی ابراهیم داغی (۱)

از نوع دوم - بردسیر - مکری - پالان سر - کوه یعقوب آقا و بالاخره از نوع سوم معلوم کوه تکلنو - و ونوشه - (بنفشه) پارشان کوه و غیره از شرح فوق بخوبی مسلم شد که کوههای کردستان آنچه در شمال است بیش از دو رشته عظیم نیست که اولی قدیمتر و در حقیقت جزء کوههای اصلی فلات ایران و دومی از نوع چین خوردگیهای ثانوی محسوب میشود ولی اگر امتداد این کوهها را در جنوب کردستان توجه نمائیم مبدل بقلاتی بعرض ۲۵۰ کیلومتر خواهد شد که در آن سه رشته کوه و دو قسمت کوهستانی متمایز از یکدیگر دیده میشود یکی رشته چهل چشمه که بموازات آن رشته های دیگری مانند گورمیان - دانی فاشان و کله سر از مشرق بمغرب و دیگری رشته سرحدی که در ناحیه واقع این کرکوک یعنی منتهی پیشر فتگی جبال کردستان ممتد میشود و بموزات

(۱) این کوهها بیشتر مدت سال مستور از برف است

آن رشته های علی داغ - قرا داغ - سگیرمه داغ - از میرداغ قرار گرفته است و بالاخره رشته کوه های اورامان که در جهات مختلف امتداد یافته و از حیث اهمیت نسبت بدور رشته اولی خشک تر و کم رطوبت ترند بین دو رشته اول و دوم دشت وسیع رسوبی واقع شده که دارای شیار های عمیق و بواسطه شعب کوچکی بدو ناحیه شرقی و غربی قسمت میشود بین دور رشته دوم و سوم دشت کوهستانی شامل دره های تنک و مخوف و جنگلهای کم رشد که عموماً محل عبور و مرور مردمان غربی کردستان است دیده میشود

۳ - کوه های کرمانشاهان - کوه های کرمانشاه بر خلاف

جبال کردستان عموماً دارای قله منظم و امتداد مرتب و جهت معین میباشد یعنی چون انقلابات ارضی و چین خوردگیها و شکستهای جدیدی در آنها بوقوع پیوسته امتداد آنها عموماً از شمال غربی بجنوب شرقی و حد فاصل بین کوه های کردستان و لرستان محسوب میشود با آنکه امتداد آنها منظم و مرتب است ولی قله آنها از جهت ارتفاع مختلف بخصوص در بعضی از قسمتها رشته ها از یکدیگر دور و در قسمتهای دیگر تنک و کم وسعت است (نواحی اول مرکز تکلف جمعیت کرمانشاه و قسمت دوم مسکن ایلات و طوایف چادر نشین قدیمی بوده) جبالهای این ناحیه را لازم است بترتیب ذیل بیان کنیم از مغرب بمشرق پنج رشته موازی با سامی ده لاقانی کوه (کوه دلخون) کوه پرو - هولانه - کله کوه پرقرمز - که عموماً کم ارتفاع و منظم. پس از این پنج رشته بسلسله کوه های اصلی غربی ایران که در حقیقت میان زاگرس اصلی و در محل بجنال دالاهو و بهلول منسوب است میرسیم این دو رشته از قدیم طرف

توجه مردمان روی زمین یعنی یونانیها و ایرانیها بوده و از سایر کوههای کرمانشاهان مهمترین پس از آن بسلسله کوههای کم ارتفاعی بر میخوریم که عموماً در سرحد عراق و ترکیه واقع است مانند **کیالو-نواکوه-سنبلهکوه شاهکوه**

کوههای لرستان - چنانچه قبلاً هم اشاره کردیم کوههای لرستان خصوصاً بواسطه فشارهای عهود مختلفه دارای چین خوردگیهای فراوان و پستی و بلندی بسیار میباشد این پستی و بلندی اغلب بموازات یکدیگر کشیده شده و در وسط آنها دره های سبز و خرمی وجود دارد که از آب رودخانه **سیمره** و شعبات مختلف دیگران مانند کشکان رود آبیاری میشود از اوایل اسفندماه تا اواخر تیر ماه دره ها و کوههای **لرستان** سبز و خرم و اغلب دارای گلهای بسیار خوش رنگ و معطر میباشد تنها کوه مرتفعی که در لرستان بنظر میآید **کبیرکوه** است (که عوام آنرا گور گویند) این کوه بزرگ و عریض حدفاصل بین لرستان پیشکوه و **پشتکوه** است بعبارة آخری شرق این کوه را پشتکوه و غربش را پیشکوه خوانند و بنا بر این میتوان این کوه را حدفاصل دانسته و **لرستان** را هم بدو قسمت **پشتکوه** و **پیشکوه** قسمت نمود و کوههای منفرد هر يك را جدا جدا اسم برد این کوه مرتفع از **صالح آباد** تا **شیروان** کشیده **نهد** از پائین کبیرکوه تا بالا در خود کوه اشکفائی دیده میشود که در آن اشکفها آثاری از زمان ساسانیان از کچ و سنگ بنظر میرسد این اشکفها ۴ الی ۵ است (۱)

قلل این کوه در تمام مواقع سال بجز دو ماه مستور از برف و در این کوه گردنه های کوچک نیز هست که پشتکوه را به **پیشکوه** اتصال

(۱) ما از این موضوع در جغرافیای تاریخی مفصلاً بحث خواهیم نمود

میدهد این گردنه‌ها در تمام مدت زمستان و بهار غیر قابل عبور و مرور ،
و کوه‌های این ناحیه بدو قسمت جداگانه تقسیم میشود که حد فاصل آن
کبیر کوه میباشد

۱ - **پشکوه** - در میان دو رشته کوه شمالی (کرمانشاه و
همدان) و غربی (پشکوه و کبیر کوه) رشته جبال ممتدی باسم
پشکوه قرار گرفته که گویا از جبال قدیمه و متعلق با عصر اولیه
انقلابات ارضی باشد چه عبارتند از توده خاکهای مرتفعی که
مخصوصاً در قسمت غربی حاوی اقدام معادن بخصوص ذغال سنگ
و در قسمت جنوب شرقی کوه‌های کچ و سنگ که اغلب اوقات حتی
تابستان هم دارای برف و یخند ولی در قسمت شرقی آن جبال‌های
عظیم تری موجود است که دارای برف‌های دائمی و یخچال‌های طبیعی و
نیز صاحب دریاچه ایست که از قرار معلوم دهانه آتش فشان
قدیمی بوده منتهی حد شمالی این کوه‌ها دره **دیاله** (۱) و دور ترین حد
جنوبی آب دیز است (۲)

برای توجه کامل بموقعیت این چین خوردگی عظیم کافی است
از شمال شرقی شروع نموده و بمنتهی حد جنوبی آن پیش برویم بدین
ترتیب ابتدا به چین خوردگی بزرگی بر خواهیم خورد موسوم به
دهلاقانی کوه که شامل رشته های متعدد موازی از قبیل

(۱) دیاله که باسم کاو رود و سیروان رود معروف است از مغرب

الوند سرچشمه گرفت و تا سرحد عراق از مشرق بمغرب جاری میباشد

(۲) آب دیز رود معروفی است که از کنار دزفول میگذرد .

کوه پرو که بواسطه کتیبه بیستون معروف است و **کوه هولانه**
و **کوه کله** و **کوه دلاهو** که عموماً با اسم **پاطاق** ذکر میشود بالاخره
جبال کلهر - نواکوه - اشتران کوه

در منتهی الیه دلاقانی کوه به تنگ های متعدده بر میخوریم که
معروفتر از همه تنگ کله و در جنوب آن دشت ماهی دشت واقع است
در جنوب شرقی آن کوه قلعه دیده میشود این نیز قابل ذکر است که
در جنوب مابعد دشت کوهها عموماً مستور از جنگل و معروفترین
این کوهها **چهل نا بالغان** و **گرو** که بلندی اغلب آنها بیش از ۴۵۰۰
متر نیست ولی چون ارتفاع متوسط جلگه های دامنه ها تا ۱۷۰۰
متر است بلندی کوهها از اطراف بیش از ۲۵۰۰ متر دیده نمیشود
اشتران کوه مهمترین رشته پیشکوه است ولی از شمال غربی رشته های
دیگری در امتداد آن واقع شده مانند: **پونه کوه - دریا کوه -**
قیر کوه -

چهل نا بالغان که در جنوب نهادند واقع شده و **گرو کوه هریک**
شامل ۴۵۰۰ متر ارتفاع و شامل گردنه های ۳۰۰۰ متری هستند
پونه کوه و دریا کوه ارتفاعاتشان کمتر و جاده هائی با ارتفاع
۲۶۹۰ متر پس از عبور از برو جرد از آنها عبور کرده و به **خرم آباد**
و صد میشود مانند **گردنه زاغه** در جنوب **اشتران کوه - قلیان کوه**
موازی با آن واقع شده دیگر از جبال معروف در این امتداد کوهها
سکوند و **یافته کوه و سفید کوه** است که در شمال غربی امتداد دارد بین
قلیان کوه و اشتران کوه گردنه **بادوش** با ارتفاع ۳۰۴۰ متر واقع
شده و در دامنه جنوبی اشتران کوه دریاچه ای موسوم به **قهر** جای
دارد بجز جبال فوق الذکر **هشتاد پهلو** در جنوب **خرم آباد**

قلعه سفید در جنوب غربی هشتاد پهلو و دهلیز کوه و بی آب کوه
و قاشاب کوه نیز مورد توجه است.

۲ - **پشتکوه** - منتهی طول پشتکوه از شمال غربی بجنوب
شرقی قریب ۵۰ فرسنگ و منتهی عرض آن تقریباً ۲۵ فرسنگ
پشتکوه مانند پیشکوه امتدادی از شمال غربی بجنوب شرقی میباشد تا
حدود چهل سال قبل مساحت لرستان پشتکوه و پیشکوه ترتیب $\frac{1}{3}$ و $\frac{2}{3}$
بود ولی رفته رفته بواسطه الحاق بعضی قطعات پیشکوه به پشتکوه این
قسمت به $\frac{2}{5}$ و $\frac{1}{5}$ تغییر کرده است منتهی حد شمال غربی پشتکوه
کوههای کله‌ر و از شمال شرقی و مشرق و جنوب شرقی به کورخه و
سیمره و از مغرب و جنوب غربی جلگه خوزستان متصل است مهمترین
رشته این ناحیه **سوانکوه** که در شمال غربی به **مانشت کوه**
یا کوه منشت و بنو کوه و جبال کله‌ور منتهی میشود (۱)

این کوه از طرف جنوب ارتفاعش رفته رفته کم شده تا منتهی بدره
سیمره میگردد در مجاورت این کوهها همان کبیر کوه قرار گرفته که
قریب ۱۶۰ کیلومتر طول دارد و بعلاوه رشته‌های دیگری با اسم انجیر
کوه (از کله‌ر شروع شده) سرآب کوه یا سروان کوه (در وسط)
و بالاخره رشته‌های انارک داغی در نواحی سرحدی معروف میشود
کوههای خوزستان - این ناحیه تنها قسمت شرقی آن کوهستانی
و شامل دامنه‌های غربی کوه کیلویه و جبال بختیاری و دنباله جبال
لرستان با اسم کوه مالو و هفت تنان میباشد و قسمت غربی آن جلگه

(۱) این کوه در جلوی کوه کبیر واقع شده و در اشکفت آن

خرابه‌های شیروان پایتخت قدیمی ساسانیان بنظر میرسد

رسوبی منظمی است که از رسوبات رود خانه های کارون و گرخه و غیره تشکیل شده نشیبش بطرف خلیج فارس می باشد بطور کلی میتوان کوههای ذیل را در ناحیه شرقی این ولایت قابل ذکر دانست:

کوه کیلویه - کوه منگشت - کوه سیاه - کوه سرخ - زرد کوه - کوه سفید و غیره

باید دانست که کوه بختیاری جزء سلسله زاگرس و از زرد کوه تا کوه کیلویه امتداد دارد بقسمی که همه جا سلسله های متوازی ممتد تشکیل و عموماً در فواصل آنها نهرهایی جریان دارند

پس از این شرح فوق می توان سلسله جبالهای ذیل را منفرداً مورد توجه قرار داد

۱ - **کوه منار** - که از شمال بجنوب ممتد است و بکوه قلعه دلا

متصل گشته تا رود کارون پیش میرود

۲ - **کوه لیلا** - که در مشرق کوه منار از شمال به هفت تنان

متصل می شود و موازی کارون از جنوب شرقی بکوه سفید ختم میگردد

۳ - **کوه هفت تنان** - که دنباله آن بکوه رنگ معروف (زرد

کوه بختیاری) و از جنوب بکوههای شاری و گره متصل میگردد

۴ - **زرد کوه** - که از جنوب شرقی به سلدورن و کوه قلعه

متصل شده و بالاخره برشته دنا اتصال مییابد

۵ - **کوه کیلویه** - در جنوب غربی دنا و بین این کوه تا

آباد فلات مرتفعی است که ایلات بختیاری و قشقایی در آن به ییلاق

میروند.

کوههای فارس - زمین های این ناحیه معمولاً کوهستانی و

سنگلاخ است بقسمی که می توان فارس را از نواحی کوهستانی ایران دانست بخصوص قسمت مغرب و جنوب آن که جبال فراوان و زیاد دارد و قسمتهای مسطح آن بیش از يك عشر از اراضی کوهستانی نمیباشد سلسله منظم و بسیاری بین این ایالت و خلیج فارس از طرفی و جلگه خوزستان از طرف دیگر قرار گرفته و بهمین مناسبت سخت ترین مرتعهای کوهستانی و صعبتترین راههای ایران که شامل مشکل ترین کوهها و گردنه هاست در همین نواحی واقع شده (راه بین شیراز و بوشهر که انومبیل روستا از سختترین راههای ایران و راه بین شیراز و اردکان که کاروان و فافله روستا نیز مشکل و سخت و دشوار است) (۱)

کوههای مهم فارس از شمال غربی عبارتند از: دنا قله معروف آن بهمین اسم است دارای ۵۰۰۰ متر ارتفاع و دوم قله مرتفع ایران محسوب می شود دیگر رشته هائی نیز از همین جبال باطراف منشعب می گردد مثلاً رشته ای بجنوب باسم کازرون و رشته ای بمشرق باسم کوه بل و شعبه دیگری بجنوب و جنوب شرقی باسم کوه سیاه - و یسلار امامزاده و سنگ آتش - و رشته های دیگر در شمال باسامی غیرمعین پیشرفت دارد بالاخره در منتهی الیه جنوب این ایالت (یعنی لارستان) جبالهای مهمتری واقعند که باسم کلوکاه - هرمز - تارانچی معروف و تا حوالی بندر عباس امتداد یافته و شعبات آن بارشته جبال مرکزی مخلوط شده اند

(۱) عموم راههای جنوبی از همین رشته ها عبور مینماید این کوهها عموماً سخت و سنگی و از گردنه های مرتفع و تنگه های باریک باید گذشت مثل کتل پیرزن - دختر - کتل رودك - کتل ملو - و غیره و همچنین گذار کور اسید که رامزوی اردکان فافله بکلزرون و فلیان است

پس از شرح فوق لازم است این کوهها را منفر دأ مورد توجه قرار داد:

۱ - **کوه خاتون** - که از مشرق بکوه گور سفید متصل و

۳۸۰۰ متر ارتفاع دارد

۲ - **کوههای ارسنجان** - که شامل قله متعددی تا ۳ هزار متر است

و از جبال کوه مر سفید (۳۴۰۰) شروع و بکوه دلنشین (۳۵۰۰) ختم میشود

۳ - **کوههای اجمری** - که از سمت جنوب به سیاه کوه و

خرمن متصل ارتفاع قله آن در همه جا بیشتر از ۷۴۰۰ متر است.

۴ - **کوه دالو** - که در مغرب بسفیدار متصل و در جنوب

شرقی آن کوههای جهرم قرار دارد و بالاخره به جبال هرمز واقع در شمال

بندر لنگه ختم میشود این جبال نیز دارای قلهی متجاوز از ۳۰۰۰ متر است.

رودخانه های ایران

مقدمه - وجود سلسله های بزرگ اطراف و منبع و رود بخار آب بداخله فلات ایران اغلب باد های خشک بر دارانهای فراوان سبقت داشته و بطور کلی آب در ایران کم است و در تمام سال غیر از ایام بهار رود خانه های مهم و فراوانی موجود نیست و آنها هم که در چهار فصل جاریند اغلب از طرفی آبشان کم و از طرفی دیگر شور و غیر قابل استفاده اند با آنکه اغلب انهار ایران کوچک و بی اهمیت است و غالباً چنانچه متذکر شدیم تنها در فصل بهار یعنی موقع فرود آمدن باران آبشان زیاد و در تابستان بعکس عده از آنها خشک و بی آبند معذک در نواحی غربی ایران این مطلب گاهی برخلاف و بواسطه وجود برفهای دائمی در قلال جبال های مرتفع بیشتر رود خانه های پر آب و قابل استفاده از حیث کشت و زرع و یا آبیاری و بالاخره کشتی رانی در این ناحیه قرار دارند چون چین خورد گیهای مغرب ایران همه از شمال غربی بجنوب شرقی کشیده شده و تقریباً بموازات قرار گرفته عموم رود خانه های غرب ایران که اکثر سرچشمه های اصلی آنها یا کوه الوند و یا کوه چهل چشمه است همه در دره های مختلف کوهستانی که از عهد مختلفه تشکیل دریاچه های متعدد داده جاری میباشند این دریاچه ها که فعلاً بجای آنها دشتهای حاصلخیز دیده میشود ابتدا بواسطه رسوبات رود ها پر شده و بعدها سد های خود را شکسته

آنها بخارج روان گردیده و در بعضی نقاط بخصوص همان رسوبات بتوسط رودها شکافته شده و مجرای عمیقی تشکیل داده است (۱)

از شرح فوق چنین نتیجه گرفته میشود که تمام رود های غربی ایران از مجاری بیچاپیچ و شعبات متعدد تشکیل شده و امتداد جریان آنها اغلب مختلف و بعبارة آخری در هر دره با جهت معینی جریان دارند بعلاوه چون این رود خانه ها شامل رسوبات زیادی بوده کم کم دلتای خود را پر نموده و در دهانه خود زمینهای مسطح وسیعی تشکیل داده که پس از وسعت و اتصال بدواً جلگه خوزستان و پس از آن کم کم بوسعت ساحل خلیج فارس اضافه شده است علتی که می توان آنرا باعث بارندگی و بعبارة آخری پرآبی رود های غربی ایران دانست موقعیت طبیعی کوههای غربی است که معمولاً بشکل پله کان یکی بر فراز دیگری قرار دارد و چون این پستی و بلندی مانند سدی در مقابل بادهای غربی که از بحر الروم بطرف داخله ایران وزش دارد قرار گرفته اند هر چه رطوبت از سمت دریای مزبور بداخله ایران می آید بواسطه نداشتن مانع چون بکوههای ایران میرسد متوقف شده و تشکیل ابر میدهد زیرا در موقع عبور از بادیة الشام و نواحی بین النهرین کوه قبل ذکرى در مقابل خود نمی بینند

از این روستج که تمام رود های غرب ایران طویل تر و پرآب تر و همچنین شعبات آن از سایر قسمتها بیشتر است مطالب مذکور در فوق در باب کوههای غربی ایران مسام است وای چون کوههای جنوبی امتداد شان از مغرب بمشرق و جنوب شرقی است مطلب بعکس است یعنی چون جریان هوای مرطوب بآنها بر نمیخورد و غالباً از بین آنها

(۱) ماهیدشت و کرمانشاه و بروجرد از این نوع دشتهها تشکیل شده است

غبور مینماید. رودها عموماً کم آب و بعضی که طولترند غالباً موقتی و بطور کلی در فصل تابستان و پائیز بخلیج هم نرسیده و همه در شن زارها و باطلاقهائی که در سر راه است فرو میروند همین موضوع باعث شده که زمینهای رسوبی در ایران کمتر دیده میشود و هر چه هم که زمین پست مشاهده شود همه شنهای خلیج است که بواسطه رسوب رود خانه های جنوبی (آنهائی که بدریا میریزند) تشکیل شده .

۱- اغلب رودخانه های غرب ایران در مواقع طغیانی غیر قابل عبورند (۱)

۲- تنها رود کشتی رانی ایران در ناحیه غرب ایران قرار گرفته

این رودخانه کارون است

۳- عموم رودخانه های غرب ایران سیلابی و نشیستان تند است

۴- بواسطه عبور از جبال های غربی رودخانه های این ناحیه

عموماً تشکیل دره های باریک و پریچ و خم میدهد که آنها را غیر قابل کشتی رانی مینماید مانند کشکان - سیمره و غیره

۵- در مسیر رودخانه های غربی همه جا آبشارها و گردنه ها

و دره های هولناک وجود دارد .

۶- چون نواحی غربی عموماً دارای معادن بسیار است لذا اغلب آنها را

بواسطه عبور از این قبیل نواحی دارای املاح مختلفه مانند نمک و غیره میباشند .

(۱) این موضوع اختصاص بر روده های غرب ایران ندارد بلکه برای

سایر رودخانه ها نیز قابل ذکر است

۷ - چنانچه اشاره کردیم قسمتی از نواحی غرب ایران از رسوبات قدیمه تشکیل شده و این رسوبات عموماً قابل نفوذ لذامه جافرو رفته و تشکیل باطلاقها و مردابها داده است.

۸ - بواسطه زیادی آبشارها در معبر رودخانه های غربی عموم آنها صنعتی و بخصوص برای استفاده قوای محرکه مورد توجه اند قابل ذکرند.

۹ - در نواحی غربی بواسطه وفور رودخانه های مختلفه اغلب جنگلهای متعدد موجود که از لحاظ جنبه اقتصادی نیز مورد توجه است

۱۰ - چون غرب ایران یکی از نواحی است که زودتر از سایر جاها مورد توجه بشر اولیه واقع گردیده لذا می توان معبر رودخانه های آنرا یکی از قدیمترین مهد تمدن بشر دانست.

۱۱ - بواسطه اتصال کوههای غربی این مملکت با جبالهای ممالک همسایه اغلب رودهای این نواحی یا از ممالک همسایه سرچشمه گرفته و یا مصبشان در آن ممالک قرار دارد.

رود های آذربایجان - رودخانه های آذربایجان در چهار حوضه مختلف جریان داشته و عموماً پس از طی مسافت قلیلی وارد دریا و دریاچه میشوند فقط بعضی از آنها مجرای طبیعی در کوه حفر کرده و نسبت بسایرین رجحان دارند این چهار صوب عبارتند از :

۱ - **خوضه بحر خزر** - معروفترین رودخانه هائی که باین سمت

متوجه اند ارس میباشد

ارس - بزرگترین رودخانه های این ایالت است که یکی از رود های مخوف ایران و شاخه های جنوبی آن بقدری زیاد است که نواحی شمال آذربایجان را مشروب میسازد (۱)

(۱) این ناحیه را بهمین ملاحظه فرهنگستان ارس باران نامیده است

در بستر این رود خانه سنگ فراوان و در طرفینش بریدگیها و پرتکاهای زیاد موجود است که مکرر آب آنها را شورانیده و تضاریس حاصل نموده آب این رود خانه بموجب فصول نقصان پذیر است ولی معمولاً ظغیانش زیاد و باندازه ایست که هر وقت پلی بر روی آن میسازند آب آنرا خراب مینماید و جز بقایائی از آن چیزی باقی نمیگذارد در یکی از نقاط این رود خانه سنگ بزرگی بشکل پل بر روی آن قرار گرفته که آنرا پل خدا آفرین نامند این رودخانه که در قدیم آنرا آرا کس میگفتند تقریباً بطول ۸۰۰ کیلو متر در خاک عثمانی شرچشمه گرفته در تمام امتداد بین سرحد ایران و روسیه جریان دارد و پس از عبور از خاک مغان با رود کورا یکی شده بجنوب شرقی منحرف و در سالیان دوشعبه گردیده و وارد بحر خزر میشود مجرای این رود خانه چنانکه متذکر شدیم بسیار باریک و در حقیقت دره هولناکی است که آب سرعت زیاد در آن جریان دارد و از اطراف شعبات متعددی بخود ضمیمه می نماید شعبی که در آذربایجان باین رودخانه ملحق میگردد از منتهی الیه شمال شرقی بطرف مشرق بترتیب بقرار ذیلند .

۱ - **ماکو یا زنگبار** - که از ترکیه سرچشمه گرفته و بملاحظه

عبور از اراضی ماکو باین اسم موسوم و در شمال غربی نخجوان بارس متصل میگردد

۲ - **سفید رود** - (آق چای) که دارای دوشعبه است یکی

از خوی و دیگری از مرند عبور نموده و در مغرب جلغا بارس وارد میشود (۱)

۳ - **اندر آب** - که نیز دارای دوشعبه است یکی از اهر و دیگری

(۱) در مشرق همین رود خانه خط آهن جلغا ازارس عبور میکند

از اردبیل جاری می‌باشد

بجز رودهای فوق الذکر رودهای کوچکتري مانند گویک گسند و غیره
بارس وارد میشوند در مغرب بحر خزر نیرانهار دیگری مانند بالغارود که
از کوههای او جارد سرچشمه گرفته وارد دریاچه محمود چاله میشود در این
ایالت جاری است دیگر رود كوچك آستار است که از نندری بهمین اسم عبور
نموده و آرا بدو قسمت شمالی و جنوبی قسمت میکند قسمت جنوبی متعلق
بایران و شمالی متعلق بقفقازیه است

۲ - **حوضه دریاچه ارومیه** - در مغرب و جنوب غربی این
ایالت چهارده رودخانه كوچك جریان دارد که مصب کلی آنها
دریاچه رضائیه است و آب عموم انهار شیرین و بمصرف آبیاری میرسد
تمام این رودخانهها در اطراف مصبشان تشکیل باطلاقتها و مردابها داده
و بعدشان در موقع طغیان آب دریاچه تا ۱۴ متر است معروفترین
آنها عبارتند از :

آجی چای - زلوچای - جغتوچای - تانائوچای - مراغهچای

و غیره و غیره

۳ - **حوضه جنوب شرقی** - در جنوب این ایالت شاخه‌ها و متفرعات
سفیدرود (قرل اوزن) است که همه جارا مشروب مینماید و بعضی از
از این انهار دارای پلهای عظیمی هستند که شاهراه طهران و آذربایجان از آن
عبور میکند معروفترین آنها عبارتند از : شهرچای - قراقونچای - هشترود
گرمرو - قراچمنچای - است

رودهای کردستان - رودهای کردستان را بدو ناحیه شمالی و جنوبی

تقسیم مینمائیم و برای رودهائی که در نواحی شمالی جاریند دو ناحیه از حیث جهت جریان میتوان تمیز داد یکی جهت شمال شرقی و دیگری جهت جنوب غربی معروفترین رودهای نوع اول همان جفتو و ناتائوی سابق الذکر است که بمناسبت موقعیت جبال و وضع پستی و بلندی زمین متوجه حوضه رضائیه شده و چون کوههای این نواحی پر برف و خصوصاً دارای برفهای دائمی هستند رود ها بالنسبه پر آب تر و بیشتر ایشان شیرین است از رودهای نوع دوم - زاب صغیر - کیالوی معروفند

اولی از محلی بارتفاع ۲۱۴۰ متر سرچشمه گرفته نشیبش خیلی تند و دومی بعکس از کوههائی سرچشمه میگردد که در مسافت ۱۶ فرسخ بیش از ۵۶۰ متر پائین تر نمی آید و شامل شعبانی است موسوم به - چم پس آوه - چم لاورین - چم مسین

رودهای کردستان جنوبی یا کردستان سنه را بسه قسمت ممکن است

تقسیم نمود :

اول شعبات علیای سفید رود که بالاخره بشعبه اصلی سفید رود میریزد و معروفترین آنها عبارتند : از سارال - هوبتو - خره - خره -

دوم شعبات رود جفتو که از همه مهمتر رود سفراست که از رودخانههای

سرحدی ایران و عراق محسوب میشود

سوم شعبات بزرگ رود دیاله که اغلب از شمال بجنوب در امتداد کوههای مرکزی کردستان جاریند شعبه اصلی رود دیاله از مغرب کوه الوند سرچشمه گرفته و از مشرق بمغرب تا سرحد عراق جاری است

منبع اصلی شعباتی که از طرف راست بدیاله میریزند همان کوههای

کردستان سنه است و معروفترین شعب آن : رودسنة - رودخانه قشلاق
رود اورامان - جوانرود - رود مریوان است

شعبات یسار دیاله که در خاک کردستان جاریند عبارتند از
که که سود - ربکان رود - چرم زرشک و غیره

رودهای کرمانشاهان - چون حد طبیعی کرمانشاه میان حوضه
رود دیاله و گاماسب یعنی حد فاصل دو ناحیه کلهر و پشتکوه بعبارة آخری
مغرب دجله است رود های اختصاصی نمی توان بر آن رعایت نمود و فقط
چیزی که میتوان در اینجا ذکر کرد آب حلوان است که با نشیب بسیار
تند از کوه های زاگرس فرود آمده و جلگه قصر شیرین و سرپل را مشروب
نموده وارد دیاله می گردد در این محل می توان مسیر شعبات روخانه کرخه
مانند کردند - قراسو - ضیمقان - (ضمگان) زار آور - مرك - و غیره را مورد
توجه قرار داد

رودهای لرستان و خوزستان - چون رود های جنوبی غرب ایران
با آنکه در ولایات مختلفه جاریند اما دشت اشان همه در قسمت خلیج فارس است
نمی توان بطور مشخص برای هر يك از دو ولایت مذکور در فوق رود هایی
متمایز نمود و ما نیز بطور کلی از آنان صحبت میداریم

گاماسپ - این رودخانه ابتداء از دشت اسد آباد و نهاوند عبور مینماید
سرچشمه اش از کوه الوند و پس از عبور از دهلا قانی کوه بوسیله شعبه دینور پر آب
شده و پس از عبور از بیستون شعبه ای باسم سیاه آب بآن ملحق و از آن
بعد آبشار ها و مناظر طبیعی متعددی در معبر خود تشکیل میدهند (۱)

(۱) بجز شعب مذکور در فوق رود ماهیدشت و پالا وارود و هلیلان -
و کردند جزو ضمائم این روخانه محسوبند

وا از خاک کرمانشاه و محل شیروان میگردد (شیروان) از این بعد رود خانه داخل لرستان شده و بهمین جهت اسمش نیز تغییر کرده و سیمره نامیده میشود

از شعبات معروف این رود خانه یکی رودبار است که از ساحل یسار ضمیمه آن میگردد و دیگری کشکان رود که خود شامل شعبی باسم مادیان رود - غزال رود - آفتاب رود - والشر - (کهمانه رود) هستند و در پل معروف گاومیشان (قمیشه) سیمره ملحق و بالا خره آب خانی و بعضی شعبات دیگر از ساحل یسار باین رودخانه میریزند.

در محلی باسم پل تنک آبشار مهمی با ارتفاع ۴۰ متر و عرض ۳ متر دیده میشود و منظره طبیعی عجیبی تشکیل میدهد پس از آبشار مذکور در فوق این رودخانه را لازم است جزو و لابت خوزستان نامید و در همین نواحی است که ضنائمی باسم آب زال - طلارود آنرا پر آب نموده و بکرخه موسوم میشود و پس از آن بیاطلاقی باسم گامش فرو میریزد (۱)

کارون - تنها رود قابل کشتی رانی ایران که با شعباتش بزرگترین رودخانه های ایران محسوب میشود رود کارون است و چنانکه ذکر شد رسوبات این رود خانه جلگه خوزستان را تشکیل داده و همین رسوبات است که کم کم موجب وسعت این جلگه گشته است سر چشمه اش از کوه های بختیاری و در تمام امتداد خاک خوزستان با پیچ و خم بسیار عبور مینماید و منتهی الیه غیر قابل کشتی رانی آن شوستر و از درخزینه ۶ فرسخی میدان تفتون (مسجد سلیمان) قابل کشتی رانی است از این محل تا مکان دیگری که باسم بندقیق موسوم است این رود بدو شعبه

(۱) این رودخانه در قدیم باسم اوکنی معروف بوده و بیاطلاق بزرگ

هور العظیم وارد میشده

تقسیم گشته و امتداد آن ۵۰ کیلومتر است یکی از دو شعبه را آب بزرگ یا کارون اصلی و شعبه دیگر آب کوچک و یا گرگر گویند (۱).
 معصب این رود خانه یادگرای کارون علاوه بر شعب اصلی آن که بشط العرب میریزد شامل سه شعبه است

۱- **کهنه رود** - این شعبه ظاهراً قدیمترین شعبه و مجرای کارون است و از اینجهت آنرا شط قدیمی گفته اند

۲ - **رود کور** - چون قسمتی از آنر گل ولای فرا گرفته باین اسم موسوم شده

۳ - **بهیم شیر** - پر آب ترین دهانه های کارون محسوب میشود این رودخانه مانند گاماسب بوسیله ضمامی پر آب میگردد که معروفترین آنها آب دیز یا آب دز است که خود مرکب است از دو شعبه شمالی و جنوبی و چون بوسیله سد قدیمی که گویا با سنگ قبر محل اتصال این دو شعبه را با کارون ساخته اند از خیلی قدیم بند قبر نامیده شده این رودخانه از دو نظر قابل توجه است و همین باعث شده که مهمترین رودخانه های ایران محسوب گردد یکی از حیث آبیاری و دیگری در موطن کشتی رانی

جراحی - آخرین رود قابل ملاحظه این ناحیه را باید رود جراحی دانست و شامل دو شعبه آب زلال و هارون رود است که در کلات شیخ بکدیگر متصل شده و پس از اتصال جراحی نامیده میشود این رود بعد از عبور از باطلاقیهای فلاحیه (درق) باز شامل دو شعبه

(۱) این شعبه مصنوعی و ظاهراً در زمان اردشیر ایجاد شده است

یکی باسم فلاحیه و دیگری باسم جراحی میباشد

رود های فارس - با آنکه نمی توان در این ناحیه باستانی

چند رودخانه معدود بطور مشخص نهرهائی را اختصاص داد چه بیشتر آنها نیز از کوههای بختیاری و خوزستان که در حقیقت خارج از ناحیه فارس است جاری میباشد ولی مارعایت این نکته را ننموده و از لحاظ موقعیت جغرافیائی رود خانه طاب - دالکی - مند - میناب را جزو این ناحیه متذکر میشویم

طاب - طاب که از ککیلو سر چشمه میگیرد و آنرا می توان سر حد فارس و خوزستان دانست شامل سه شعبه است یکی آب شیرین (خیر آباد) دیگری آب شور (شولستان) سومی زهره (فهلان) که هر سه پس از الحاق باسم رود طاب بخلیج فارس وارد میشوند

دالکی - شامل دو شعبه اصلی است یکی موسوم به دالکی شرقی و دیگری موسوم بشاپور که در ناحیه کولاک بهم میریزند.

مند - این رود خانه که از کوههای شمال غربی شیراز سرچشمه میگیرد نیز دارای دو شعبه بوده و معروفتر آن به قره قاج موسوم است

میناب - که از نواحی شرقی داراب سرچشمه گرفته و در تنگه هرمز بخلیج میریزد.

گذشته از این رود خانه های فوق الذکر در این ناحیه رود خانه های دیگری جریان دارد و می توان فارس را در ایران جزء یکی از پر آب ترین ایالات ایران دانست خصوصاً غرب این ناحیه را (۱) زراعت در این ایالت بعلت فراوانی آب بسیار زیاد و دائماً و بترقی است

(۱) ناحیه ده نو

رودهای شور و نابند و مهران را در فارس متذکر شد. گذشته از اینکه
زراعت کندم و جو در این ایالت روز افزون است بعلت فراوانی آب
اغلب در نواحی غرب فارس برنج و شلتوک زراعت مفصلی دارد

،

.

i

آب و هوای غرب ایران

مقدمه - آب و هوای فلات ایران خشک و ببری و شبیه بآب و هوای منطقه تحت استوایی است یعنی چون از طرفی بعثت دور بودن این نواحی از اوقیانوس اطلس بهیچوجه بادهای نواحی مزبور تأثیر در غرب ایران ننموده و از طرف دیگر چون تعداد باد های موسمی اوقیانوس هند هم بقسمی است که بخصوص متوجه این نواحی نمیکردد اختلاف درجه حرارت شب و روز تابستان و زمستان بسیار زیاد این اختلاف تنها بواسطه عدم تأثیر رطوبت اقیانوسها در داخله فلات ایران نیست بلکه منابع داخلی هم اثری از خود در این نواحی نمیکندارد. مثلا رطوبت بحر خزر که بزرگترین منبع آب نواحی غرب ایران محسوب میشود از لحاظ دیوارهای البرز ابرها تنها در ولایات ساحلی متوقف شده و در همان مکانها تولید بارندگی زیادی می نماید بقسمی که تنها ناحیه ای که رطوبت کافی دارد و بعبارة اخری ارتفاع باران در آن نقاط زیاد است (۱۰۲۷ میلیمتر) همین سواحل است و بس

اگر قوانین کلی آب و هوای را در تغییر اقلیمی غرب ایران مورد توجه قرار بدهیم ارتفاع زمین و بالاخره باد هر دو مورد توجه قرار خواهند گرفت و ما ذیلا بطور خلاصه هر يك را متذکر خواهیم شد:

(۱) **ارتفاع زمین** - از لحاظ ارتفاع زمین دو موضوع مورد گفتگو خواهد بود

الف -- **نواحی پست** - یعنی نواحی که با سطح دریا مساویست

یا نسبت بسطح دریا چند متر ارتفاع دارد در سمت مغرب ایران میتوان نواحی ای را دانست که بین سواحل شمال و خلیج و سلسله جبال جنوب فارس واقع شده و شامل قطعات جنوب شرقی ایران و خوزستان میگردد در این نواحی باران ندرتاً می بارد و مخصوصاً خوزستان و بوشهر که صورت ظاهر بیشتر از نواحی جنوبی باران دارد حد متوسط باران سالیانه اش (۲۹ تا ۳۶ سانتیمتر و ۹۰ میلیمتر است) و می توان این قلت باران را بعلت وجود بادهای سوزان جنوب غربی دانست

از دهانه شط العرب تا بندر عباس در طی سال هر چه متوجه ساحل شویم خیلی رطوبت زیادت و هر قدر از ساحل دورتر شویم رو بنقصان میگذارد پس این ناحیه که در حقیقت یکی از نواحی غرب ایران محسوب میشود شامل آب و هوای گرم و در حقیقت جزء مناطق حاره خشک است (۱)
ب - نواحی مرتفع - نواحی مرتفع یعنی نواحی ای که بواسطه وجود پستی و بلندیها اقلای بیش از ۲۰۰ متر از سطح زمین مرتفع ترند در غرب ایران بسیار موجود است و میتوان بدو قسمت تقسیم نمود:

(۱) مناطقی که مسطح و نسبتاً وسیع ولی پست ترند
 نواحی که در قسمتهای جبال واقع شده و دارای ارتفاعات مختلف از ۶۰۰ تا ۲۰۰۰ متر اند.

تغییر حرارت در نواحی اول خفیف و در نواحی دوم مقدار بارندگی زیادت و بخصوص در نواحی کوهستانی در بهار و اواخر پائیز بارندگی خیلی بیشتر است بطوریکه میتوان آذربایجان و کردستان و کرمانشاهان و

(۱) حرارت متوسط این نواحی در تابستان ۴۰ و در زمستان ۲۵ و غالباً نخلستان هائی دارند که با آب دستی پرورش مینمایند

همدان و قسمتی از لرستان یعنی غرب ایران را از نواحی مرطوب ایران دانست و بهمین علت بیشتر زراعت ایران در دامنه ها و دره های کوهستانی است که خود باعث ایجاد شهر ها و آبادی ها و سکنه زیاد گردیده است

اگر در این موضوع دقت شود میتوان استنباط کرد که زندگی در غرب ایران بسته بوجود همین کوهستانهاست یعنی همین ارتفاع سبب شده که آب و هوای ایران از نواحی مجاور آن اندکی معتدل تر باشد چه اگر از فلات ایران خارج شویم سختی آب و هوای ابرار آب بیشتر از نواحی غرب ایران خواهیم دید و علت آنهم عدم وجود کوهستانها خواهد بود

۲ - باد ها - هرگاه اختلاف حرارت در دو نقطه زمین حاصل

شود بملاحظه خفت هوای گرم نسبت به هوای سرد جزئی خلئی تولید شده و هوای سنگین که فشارش زیادتر است جانشین آن میگردد این جریان هوا که در اصطلاح جغرافیائی موسوم به باد است در غرب ایران کم و بیش موجود است یکی از بادهای مهم که در نواحی غربی ایران میوزد معروف به باد شمال غربی است که طوفانهای اقیانوس اطلس را پس از عبور از دریای سیاه و بحر الروم بداخله ایران آورده و چون کوههای غربی ایران در مقابل این باد اولین سد را تشکیل میدهد بارندگی در این نواحی زیاد و از آنجا رودهای بزرگ چنانچه متذکر شدیم در این ناحیه بیشتر است

آذربایجان - چون آذربایجان در طرف شمال ایران واقع شده و از خط استوا نبسته دورتر است و از طرفی دیگر بدریاچه ارومیه فاصله کمی دارد آب و هوای آذربایجان در زمستان سرد و سخت و

و گاهی به ۲۵ درجه الی ۳۰ درجه زیر صفر میرسد ولی در تابستان غالب نقاطش تقریباً معتدل قطعه جنوبی آذربایجان که از اشجار و گیاه عاری میباشد در تابستان بسیار گرم و در زمستان فوق العاده سرد است بقسمیکه ممکن است بعضی امکنه و راه ها بواسطه نزول برف زیاد مسدود شود و درجه برودت اغلب ۳۰ درجه زیر صفر است در قسمت شمالی آذربایجان و تقریباً جنوب قفقازیه آب و هوا شدید و برفهای دائمی همیشه بر قله کوههای آزارات دیده میشود از طرف مغرب و جنوب نیز بهمین شدت سرما و برف تمام نقاط آذربایجان را احاطه کرده اما از طرف مغرب هر قدر جلو رویم درجه حرارت بالا رفته و هوا معتدل تر بنظر میرسد

کردستان - از حیث آب و هوا دو ناحیه متمایز در کردستان میتوان تمیز داد یکی کردستان سنه و دیگری کردستان شمالی در نواحی جنوبی کردستان بعبارة اخری کردستان سنه آب و هوای سخت تری دیده میشود یعنی زمستان ها بسیار سخت و بعلت اینکه در این نواحی چهار ماه از سال متوالیاً برف میبارد قله مرتفع جبال همواره از برف پوشیده شده و حتی دشتها و اراضی پست تر نیز تا اواسط بهار مستور از برف میباشد (۱)

در نواحی غربی سنه یعنی قسمت های کوهستانی آن بقدری برف زیاد فرود میآید که کثرت برف و شدت سرما تأثیر مهمی در زندگی و معیشت سکنه آن نواحی نموده است مثلاً مردم ده نشین این ناحیه بیش از تمام زارعین ایران و شاید ممالک خارج از ایران بتهیه سوخت و خوراک و ملبوس زمستانی اهمیت

(۱) برف این نواحی گاهی بقدر دو گز میرسد

میدهند همچنین بواسطه مسدود شدن راه ارتباط اغلب قحط و غلای شدید در این نواحی روی میداده که عده زیادی از گرسنگی و سرما تلف میشوند (۱)

از شرح فوق میتوان يك اصل کلی استنباط کرد و آن موضوع ییلاق و قشلاق ایلات ایران بوده که منبع آنرا میتوان بیشتر وجود همین نوع آب و هوا دانست و زندگی خانه بدوشی زائیده این سختی سکونت داخلی بوده است

در قسمت شرق کردستان چون کوههای نواحی غربی سد بزرگ طوفانهای مغرب محسوب میشود شدت سرما کمتر و آب و هوا معتدل تر و بعبارة اخری زندگانی روستائی مستعد تر است

از شرح فوق معلوم میشود که فلات کردستان با داشتن عوارض مختلفه جغرافیائی دارای آب و هوای مختلفه است و بیشتر از هر چیز ارتفاعات این ناحیه سبب شده که در گوناگون ساختن نوع اقلیمی آن تأثیری بعمل آید
گرمانشاهان - حد فاصل بین همدان که نسبتاً سرد سیر و قصر

شیرین و خانقین که گرم سیر است واقع شده آب و هوایش عموماً معتدل زمستانها نه سرد و نه گرم است تابستانها نیز حرارت فوق العاده ندارد در زمستان برف میبارد ولی نه زیاد البته قله کوههای شرق این قسمت که بهمدان نزدیک است مستور از برف ولی در طرف غرب اگر برفی هم بیارد فوراً محو میشود و در این ناحیه چنانکه گذشت کاملاً معتدل است

() این قحط و غلا چنانکه در تاریخ نشان میدهد گاهی باندازه بوده است که مردم بجان هم افتاده و یکدیگر را پاره پاره میکردند

لرستان - آب و هوای لرستان عیناً مانند آب و هوای کرمانشاهان است ولی چون تمام این ناحیه مرکب از پستی و بلندی است خصوصاً در قله کوهها برفهای دائمی دیده میشود که سبب جریان رودخانه‌ها و سردی هوا میگردد بعضی از قسمتهای لرستان سردسیر و برخی دیگر کاملاً معتدل است زمستان نه سرد و نه گرم و تابستان حد وسط ولی بعضی مناطق چنانکه گذشت مانند دلفان و غیره زمستانها بسیار سرد و تابستان نیز معتدل میباشد وجود جنگل هم در اختلاف آب و هوا تأثیر فوق العاده دارد که ماذیلا از آن بحث خواهیم کرد

خوزستان - خوزستان چون در منطقه جنوب ایران واقع و نزدیک خط استوا از طرفی و از طرف دیگر با خلیج فارس کمی فاصله دارد و اطراف آنرا زمینهای گچ فرا گرفته آب و هوا بش گرم و مرطوب است در بعضی نقاط آن حرارت تابستان بقدری زیاد و نامساعد است که زیست کردن دشوار و زندگی تقریباً غیر ممکن است و در شهرهایی آن شبستانهای زیر زمینی به عمق زیاد موجود که اهالی در فصول حاره بدان مکانها پناه میبرند

فارس - فارس را میتوان به دو منطقه شمال و شمال شرقی و جنوبی قسمت کرد آب و هوای شمال و شمال غربی و شرقی نسبتاً معتدل چه اغلب این نقاط دارای کوه های سیاه و قله مستور از برف است در صورتیکه در جنوب این قسمت درجه حرارت بسیار زیاد بعدی که در بعضی نقاط مانند بوشهر

زندگی در تابستان غیر مقدور و سخت است گذشته از آب و هوا
باد های سوزانی نیز در تابستان میوزد که سبب تلف شدن مردم
میگردد. این باد ها معروف بباد گرم است

جنگل در غرب ایران

مقدمه - جنگل برای هر مملکتی بکنوع ثروت طبیعی عمده محسوب میشود به علاوه در آب و هوای آن مملکت نیز تأثیرات مخصوصی دارد چه در نقاط جنگل خیز وجود بارانهای متوالی باعث ازدیاد آب آن ناحیه و در نتیجه ایجاد آب و هوای معتدل و آبادی ها و شهرها و بالتبجه سکنه زیاده است در مملکت ما تاچندی قبل جنگلها چندان طرف اهمیت نبوده و با آنکه نسبت بوسعت خاک میزان آنها خیلی کم است ولی رویهم رفته از قسمت وسعت جنگل و اشجار متفاوت در هر نقطه و بالاخره توجه مخصوصی که از اوایل قرن معاصر نسبت به این موضوع شده است میتوان مملکت ایران را از این موضوع چندان بی بهره ندانست آنچه که در قرون گذشته لطمه کامل بجنگلهای ایران زده و امروز بهرور محسوس مشاهده می شود یکی مهاجرت اقوام مختلفه و تاخت و تاز قبایل وحشی و بالاخره عدم مواظبت ساکنین مملکت و از همه مهمتر قطع اشجار بدون رعایت نظم و ترتیب بوده است و چنانچه امروز می بینیم اغلب نقاطی که سابق پوشیده از جنگل های انبوه بوده امروز بایر و بی درخت مانده است

تمام جنگلهائی که در غرب ایران واقع است میتوان بدو دسته متمایز تقسیم نمود.

۱

۱- جنگلهای انبوه دست نخورده که بیشتر قابل استفاده بوده و در صورت توجه مخصوص علمی می توان از آنها استفاده برد و نگاهداری کامل نمود از این نوع جنگل در کوههای لرستان زیاد دیده می شود

۲- جنگل هائی که در معرض دستبرد و استفاده ایلات و گله داران واقع شده و برور زمان از بین رفته و یا کم کم در شرف از بین رفتن است از این نوع جنگل در کردستان کرمانشاهان و قسمتی از لرستان و فارس - و کوههای بختیاری و آذربایجان یافت می شود

تمام جنگل های ایران از لحاظ ملکیت بدو نوع تقسیم میشوند یکی جنگلهای اربابی و ملک اشخاص متفرقه که چون از خیلی قدیم بمیل صاحبان آنها بیشتر با جاره و اگذار شده مستأجرین نیز بخيال خود قطع اشجار آنرا نموده و مورد استفاده قرار داده اند بهیچوجه درخت و جنگلی اکنون نمایان نیست و در صورت ظاهر مورد استفاده قرار نمیگیرد

قسمت دیگر که ملک دولت یا خالصه است آنها نیز کم کم در شرف از بین رفتن است ضمناً لازم است متذکر شویم که طرز استفاده از جنگلها از قدیم تا قبل از شروع عصر معاصر تفاوتی نداشته است ولی امروز کاملاً مورد توجه خاص واقع شده است (۱)

انواع درختهاییکه در جنگلهای ایران بطور کلی مخصوصاً غرب ایران یافت میشود بقرار ذیل اند

۱- درختهای صنعتی

(۱) مهمترین منبع استفاده جنگلها قطع الوار جهت راه آهن

است

- ۲- درختهاییکه مصرف نجاری و خراطی دارند.
 - ۳- درختهاییکه برای سوخت مصرف می شوند
 - ۴- درختهاییکه از آنها استفاده می شود (میوه آنها خوراکی است)
 - ۵- درختهاییکه استعمال طبی دارند
 - ۶- درختهاییکه استعمال ساختمانی دارند
 - ۷- چوبهاییکه بمصرف تغذیه حیوانات میرسد
- ۱ - درختهای صنعتی - اج - الش - انجیر - نود - شمشاد
نوسکا - تلخه کجیم گردد (میوه آن مصرف می شود) صمد یا قره آقاچ
چیت - اقسام بلوط - کوکو - زیتون - گلابی وحشی - شاه بلوط -
(میوه آن خوراکی است) صدر یا سردار - (از آن قطران میسازند)
 - ۲ - درختهاییکه مصرف نجاری و خراطی دارند - توسه - کوچی
افرا - امرود - چلر - (برای سوخت هم استعمال میشود) کهر مازو
(رای سوخت هم استعمال میشود) نیم دار (برای سوخت هم استعمال میشود)
غلاس تیغ دار لوروت - اغور - انار توئی - (بهترین ذغال را میدهد) وزن داغداغه
(مصرف سوخت هم دارد) راج چلر (مصرف سوخت دارد) مازو -
(برگ آنرا حیوانات می خورند) لی - اسپیدار - نمدار - به -
 - ۳ - درختهاییکه برای سوخت مصرف میشوند - نو - کنوس -
(میوه آن خوراکی است) اقاچا - سفید پلت - (مصرف نجاری هم دارد)
شغال به - موزو - شرم - (برگ و پوست آنرا حیوانات میخورند) آلوچه -
انجیری - ارملک - (میوه هر سه آنها خوراکی است) نارون
 - ۴ - درختهاییکه از میوه آنها استفاده میشود - اسپر (میوه آنها
تغذیه گاو است برگ آن برای پوشش بام و چوبش برای ذغال مصرف
می شود) .

طرح خج - آلو - عناب - (مصرف طبی نیز دارد) کمار (میوه آن
 شبیه به زالزالک است) سیب - (چوب آن محکم است) مو - تمشک -
 زرشک - خرما ی جنگلی - آلوچه جنگلی - خج
 ۵ - در ختھائیکه استعمال طبی دارند - شالدرون - بیدمشک -

کنگه - سوتره - کوتو کوتو

۶ - در ختھائیکه استعمال ساختمانی دارند : پلت (از تبریزی هم
 محکم تر است) آرنا - آزاد - (برای ساختن پل و شانه و عمارت بکار
 میرود) - لله گی - (برای چپر و پرچین مصرف میشود) ون - (برای الوار
 و در عمارت بکار میرود) چنار - زردین - بید - بید مجنون - (پوست و
 چوب آن مورد استفاده است) زالزالک جنگلی - (برای چپر استعمال
 میشود) کیش کهول - راش - (هر دو برای ساختن منازل دهاقین استعمال
 می شود)

۷ - چوبھائیکه بمصرف تغذیه حیوانات میرسد - لیشنی - (برای
 حیوانات شیر ده غذای مقوی است) شب خوش - (برگ آن برای دوا
 و گل آن بمصرف تغذیه میرسد) جلی (در زمستان کوسفند از برگ آن
 تغذیه میکنند) زنگس (برای تغذیه گاو مصرف میشود) راش (بکنوع پیچی است
 که برای تغذیه حیوانات بطور عموم مصرف میشود) کوف (برای تغذیه گاو)

بغیر از درختھای فوق بعضی درختھای دیگر نیز در جنگلھای
 ابران یافت میشود که معروفترین آنها بقرار ذیل است منجر -
 (در زمستان سبز است) موزی - کلهوید - سنجد وحشی - ازگل
 (برایک - وژم - شن) این سه درخت مخصوص لرستان است - شیردار -
 گوجه وحشی - آل - صور - اوجا - لیود - گل ابریشم - های - گوشوار

آذربایجان - آذربایجان چون در منطقه سرد سیری واقع شده و دارای پستی و بلندی بسیار بوده آب و هوایش مانند مناطق سردسیری است در پیچ و خم کوهها و کنار رودخانه ها اغلب جنگلهای بسیار دیده میشود و بیشتر این جنگلها در غرب آذربایجان و شمال غربی یعنی در دامنه های کوه زاگراس (از آارات بیائین) خصوصاً در رضائیه و دهات حوالی آنجاست در اطراف کوههای غرب جنگلهای فراوانی نمودار است که رودهای زیادی از همین کوهها سرچشمه میگیرند

کردستان - ناحیه جنگلی کردستان از شمال غربی سنندج تا حدود کرمانشاهان شامل چهل فرسنگ طول است این مسافت که متضمن تمام اراضی و دامنه کوه های اوران و مرهویان و جوانرود و روانسر و غیره میباشد پر از جنگل و بیشه های انبوه است معروفترین درختهاییکه در این ناحیه دیده میشود عبارتند از بلوط - مازوج - ون و میوه های مهم این درختها بلوط شیرین و بلوط تلخ کشمش گاولیان - میباشد که در موقع قحط و غلا اغذیه ساکنین این نواحی است .

۱ - **بلوط** - درخت بلوط انواع و اقسام دارد بخصوص در این ناحیه نوعی از بلوط یافت میشود که غالباً به بلندی ۱۳ متر و بقطر ۲ متر میرسد و اعراب آنرا بو تم و اکراد آنرا گوکرا سوان میگویند این درخت در دره ها و جنگلهای اطراف شهرهای کوچك خیلی زیاد است و از آن میوه ای بعمل میآید که خوراکی است و در موصل و بغداد و شهرهای نزدیک بین النهرین از آن روغن مخصوص میگیرند و نیز

صمغی از آن بعمل می‌آورند که اعراب آنرا الك یا قندرون گویند و
 بجهت آهارپارچه و احتیاجات طبی و عمل آوردن بعضی عرق هابکار میرود
 ۲ - **مازوح** - درخت مازوح در کردستان ۱۴ قسم است : مازو -
 بلوط - دنوکه (کشمش گاولیان - سیچله - خرنوک - گل‌کاف - برامازو
 که شینکه - همزه بیگی - تسفل - گول - پانکه - قور که - پوزه خوکه -
 کلیه اقسام مازوی کردستان در چرم سازی زیاد مورد استعمال
 دارد بخصوص مازو و گل‌کاف که در درجه اول است

۳ - **ون** - این درخت به چاتلان قوش نیز موسوم است - و آن
 میوه‌ایست دانه دار و معطر
 در کردستان علاوه بر اشجار و میوه‌های مذکوره در فوق یکدسته
 دیگر نباتات صنعتی و طبی می‌روید که از شیر آنها مواد صنعتی و غذایی
 استخراج نموده و زیاد مورد توجه است از قبیل :

۱ - **کزنگبین** - این ماده هر ساله بر شاخ و برگ درختان جنگل
 میبارد و مقدار آن با رطوبت نواحی مجاور خود نسبت مستقیم دارد
 یعنی هرچه رطوبت افزایش حاصل کند این ماده نیز بیشتر است .
 ۲ - **سقر** - این ماده جزء نباتات صمغی محسوب میشود و شیرهایست که از
 درختون گرفته و در جنگلهای کردستان بمقدار فراوان وجود دارد در
 قدیم یکی از ارقام بزرگ صادرات این ایالت محسوب میشده (۱) .
 ۳ - **کتیرا** - از موادی است که بدون زحمت کشت و زرع و
 آبیاری بدست آمده و مقدار زیادی آن را از ریشه گیاه خود روی کوهی
 کون استخراج نموده بخارج صادر مینمایند

۱ - وجه تسمیه شهر سقر هین است

۴ - ثعلب - در تمام کوهستانات جنوب و مغرب کردستان یافت میشود و در حقیقت منبع ثروت قسمتی از دهقانان کردستانی است علاوه بر درختهای مذکوره در فوق درختهای دیگری نیز در جنگلهای کردستان موجود است که میتوان آنها را بدو دسته متمایز قسمت کرد

۱ - **اشجار مشمره کردستان** - اغلب در دره‌های کم وسعت جبال بحد و فور کاشته میشود و همه محصول فراوان دارد و خشکباران بنواحی مجاور حمل میشود از قبیل: تود - گردو - انار - انجیر - سماق - زردآلو - به - گلابی - سیب - گیلاس - آلو - شفتالو - آلبالو - بادام - سنجد - فندق و بالاخره - مو - و از همه بیشتر درخت توت در کردستان زیاد است که باتوجه مخصوص میتوان از تربیت کرم ابریشم در این ایالت استفاده کامل نمود.

۲ - **اشجار غیر مفیده کردستان** - ایندسته بیشتر مصرف سوخت و ساختمان ابنیه و خراطی و نجاری دارد و آنها عبارتند از: چنار - تبریزی - پلک - نارون - زبان گنجشک - وزم - کی کف - بید - هرجن - (ارجن) (چوب این درخت بسیار محکم و قیمتی است) بید مشک - بید مجنون - بید مروارید - افاقا - بیداج - ارغوان میخک و غیره .

کرمانشاهان - در شمال و شمال غربی کرمانشاه یعنی از منتهی الیه حد کردستان (اورامان لهن - اورامان تخت) تا ماهیدشت و شاه آباد و شیروان حد لرستان پشتکوه عموم مناطق غرب کرمانشاه مستور از جنگل و این امتداد جنگل تا کنند و قصر شیرین تمام سطح کوهها را مستور می نماید درختان مفید میوه دار و بی میوه خصوصاً

بلوط در این نواحی بسیار است

این درختها گذشته از اینکه در کوه ها منظره جالب توجهی تشکیل میدهد بیشتر بمصرف سوخت اهالی آن اطراف نیز میرسد در کوههای گهواره و شاه آباد و کرند جنگل بلوط فراوان و انبوه میباشد

لرستان - می توان گفت بیشتر جنگل غرب ایران در لرستان

و قسمتی از فارس است در کوههای غرب و شرق لرستان پیشکوه و پشتکوه و هم چنین در قسمت بیشتری از دره های رودخانه سیمره و کشکان همه نوع درختان میوه دار و بی میوه خصوصاً بلوط - چنار مو - سفید دار - تبریزی و انواع و اقسام گل‌های وحشی دیده میشود

۱ - **پیشکوه** - چنانکه قبلاً هم متذکر شدیم لرستان بدو ناحیه پشتکوه و پیشکوه قسمت میشود در عموم مناطق پیشکوه خصوصاً در دره های رودخانه ها و کوهها درختان سبز و خرمی رؤئیده است که بمرور زمان تشکیل جنگل را داده از هرسین که حد فاصل کرمانشاه و لرستان پیشکوه است تا صالح آباد و پای پل در شرق و غرب لرستان کوههای نهانند - بروجرد - خاوه - الشتر - کوهدهشت - خرم آباد از يك طرف و از طرف دیگر تمام قسمت شرق کبیر کوه مستور از جنه - گل است قشنگترین ناحیه جنگل لرستان ناحیه سماق (چکنی) است (۱) در این ناحیه جاده و کوه (زمین مرتفع و پست) همه جا پوشیده

(۱) این ناحیه بین کوهدهشت و الشتر و در ده الی ۱۲ فرسخی خرم آباد واقع شده است اکنون راه فرعی از خرم آباد از کنار همین ناحیه بکوهدهشت میرود که پلی هم بر روی رودخانه کشکان نزدیک پل کر دختر ساسانی میسازند و ما از این پل ساسانی در جغرافیای تاریخی

مفصل بحث خواهیم نمود

از جنگل است که درختان دارای انتظام مخصوصی است بطوری که تصور می‌رود این درختها با دست‌بشر و با يك مقیاس و میزان معینی کاشته شده

۲ - **پشتکوه** - در سطح و پای کوههای پشتکوه جنگلی دیده نمیشود و در مشرق پشتکوه بر فراز و دامنه کبیر کوه و هم چنین در قسمتی از غرب این ناحیه در گردنه‌های کوهها درختانی چند نمودار است البته هر قدر از شمال بطرف جنوب پائین آئیم تعداد این درختان رو بنقصان است چه در طرف شمال که بناحیه کرمانشاهان و لرستان نزدیک میشود درختان زیاد و در طرف جنوب که بناحیه خوزستان متصل است بمناسبت زمینهای رسوبی جنگل کمتر میباشد

خوزستان - خوزستان چنانکه متذکر شدیم چون از رسوبات رودخانه‌ها تشکیل شده و از طرف دیگر مرتفعات این ناحیه عموماً کچی است در آن جنگل قابل ذکر دیده نمیشود فقط در شمال و شمال شرقی بعبارة آخری ناحیه ای که جزء خاک بختیاری است مانند کوههای مالا میر - قلعه تل - منکشت و قسمتی از کهگیلویه مانند بهبهان و حوالی آن که نیمی جزء خوزستان و نیمی جزء فارس است درختانی چند بنظر میرسد

فارس - جنگل در فارس در همه جا موجود است خصوصاً در جنوب و غرب این ناحیه

تمام کوههای غرب و جنوب فارس یعنی از اردکان بطرف فهلیان و کازرون و نیز اغلب کوههای کهگیلویه مستور از جنگل است قسمت بیشتر جنگل در کتل های صعب‌العبور راه شیراز بیوشهر (کنل دختر

و پیره زن) از طرفی و راه اردکان بفهلپان از طرف دیگر و عموم
 مناطق کهگیلو یعنی از تل خسرو بطرف بهبهان و از بهبهان بطرف
 تنك سروك و جونكى و چهار لنك و نیز از بهبهان بطرف خرابه های
 دهدشت و لنده و ممبی و تنك سروك و تنك ماغر در شرق و غرب
 کهگیلو بعبارة اخرى قسمت بیشتری از جنوب و غرب فارس و کهگیلو
 و قسمتی از خاک بختیاری و قلعه علا و قلعه تل و مالا میر تا سر حد
 خوزستان تماماً مستور از جنگل میباشد .

این ثروت طبیعی را باید حتی المقدور نگهداری نمود و روز

بروز بر این ثروت افزود

بخش دوم

جغرافی سیاسی غرب ایران

مقدمه - سابقاً اشاره شد موضوعاتی که در جغرافیای سیاسی يك مملکت مورد بحث قرار میگیرد یا مطالبی است در باره شهرها و مراکز اجتماعات یا وقایعی است که مقتضیات تاریخی و عواملی که در ایجاد شهرها مؤثر است باعث آن میگردد و ما بطور کلی در هر يك از نواحی غرب ایران موارد فوق را مورد توجه قرار خواهیم داد

۱ - **آذربایجان (۱)** - آذربایجان در زاویه شمال غربی ایران یعنی بین بحر خزر و دریای سیاه و جلگه بین النهرین و فلات کردستان واقع شده سابقاً وسعت بیشتری داشته حدود فعلی این ایالت از طرف شمال بارس و از مغرب بآرمینستان و کردستان ترکیه و از جنوب بکردستان و و خمه  از مشرق بکوههای طالش و مغان محدود است

(۱) - آن نه تومان است و بیست و هفت پاره شهر اکثرش را هوا سردی مایل است و اندکی معتدل بود حدودش با ولایت عراق عجم و موغان و گرجستان و ارمن و کردستان پیوسته است طولش از باکویه و تا خلخال نود و پنج فرسنگ و عرض از باجروان تا کوه سینا پنجاه و پنج فرسنگ

دارالملک آذربایجان در ما قبل مراغه بوده است و اکنون شهر تبریز است و آن نزه ترین و معظم ترین بلاد ایران است حقوق دیوانی آذربایجان در زمان سلاجقه و اتابکان قریب دوهزار تومان این زمان بوده (نزهة القلوب)

آذربایجان در قدیم قسمت شمال غربی مدی را تشکیل میداد
 بعضی اسم آذربایجان را مشتق از کلمه آتروپتن و آتروپات ساتراپ آن
 ناحیه میدانند و برخی دیگر از علما معتقدند که چون در همین ایالت
 یکی از معابد آتشگاه های بزرگ در حوالی شهر مراغه بر پا بوده و
 سلاطین ساسانی بعد از جلوس به تخت میبایستی که برای زیارت این
 معبد پیاده از مداین بدانجا بیایند بدین مناسبت این محل با اسم آتروپات معروف
 شده است. پایتخت آذربایجان در قدیم شهر کنجک در تخت سلیمان
 و در جنوب شرقی مراغه واقع بوده و در دوره عباسیان اهمیت آن کمتر
 و در زمان مغول بیشتر شده.

آذربایجان از قدیم بچند ناحیه مجزا تقسیم می شده و امروز
 تقسیمات ولایتی آن بقرار ذیل است:

آذربایجان غربی - شامل تقسیمات: ماکو - خوی - شاپور - مرند -
 رضائیه - مهاباد

۱ - ماکو - در گوشه شمال غربی آذربایجان غربی واقع شده و
 موقعیت آن از لحاظ جغرافیائی و نظامی بعلمت آنکه از طرفی در دامنه
 کوه نوح کوچک و از طرفی در سرحد سه مملکت قفقازیه و ترکیه و
 ایران واقع شده بنهایت مهم است

ماکو دارای ۱۱ بلوک ۳۹۵ قریه مساحتش ۱۲۵ فرسنگ مربع و
 ۱۱۱۵۱ خانوار بطور تقریب و ۵۷۰۰۰ جمعیت میباشد

بلوکات ماکو عبارتند: از جای پاره - چای باسار - قرا فویونلو -
 بابا جیک - چالدران - چورس - سگمن آباد - قلعه دره سی - زنگنه -
 محال ماکو

۲- **خوی** - در جنوب ماکو ولایتی است با اسم خوی که در حقیقت

در شمال غربی دریاچه رضائیه قرار دارد درمابست بطول ۲۹ و بعرض ۱۱ کیلومتر مرکز آن شهر خوی و فاصله اش از تبریز ۱۴۳ کیلومتر از لحاظ نزدیکی بسرحد ایران و قفقازیه و ترکیه مهم است

خوی دارای سه بلوک ۱۲۰ قریه ۲۶۸ فرسنگ مربع مساحت و ۱۰۰۰۰ خانوار بطور تقریب و ۵۱۰۰۰ جمعیت دارد بلوکات خوی عبارتند از : قطور - اواجق - شهر خوی.

۳- **شاپور** (سلماس) - این ناحیه در جنوب غربی خوی در جلگه بطول ۲۵ کیلومتر و عرض ۱۶ کیلومتر قرار دارد و آنرا در قدیم سلماس میگفتند ناحیه ایست زلزله خیز که بدین واسطه اغلب قراء و قصبات آن خراب است.

شاپور دارای ۷ بلوک ۱۳۲ قریه ۱۶۵ فرسنگ مربع مساحت ۳۰۰۰ خانوار بطور تقریب ۱۷۰۰۰ نفر جمعیت میباشد.

بلوکات آن عبارتند از : قطور - لکستان - چهریق - شیران - گردبان

شنتال

۴- **مرند** - این ولایت در شمال شرقی دریاچه رضائیه قرار گرفته شهری است که در توره آنرا مدفن حضرت نوح اسم میبرد اهمیت سابق آن خیلی زیاده تر از امروز بوده

مرند دارای ۶ بلوک و ۱۷۱ قریه مساحتش ۱۵۵ فرسنگ مربع و بطور تقریب ۲۵۰۰۰ خانوار جمعیت و ۱۲۲۰۰۰ نفر است بلوکات آن عبارتند از - محال مرند - ارونق و انزاب - علمدار -

هرزندات - یکانات - کرگر

۵ - **رضائیه** - این ناحیه بعثت آنکه در مغرب دریاچه رضائیه واقع شده باین اسم معروف است سابقاً اسم دیگری بنام اورمیه داشته (۱) محل جغرافیائی این شهر بسیار مهم چه مانند شهرهای فوق الذکر مابین نواحی بین النهرین و ترکیه و قفقازیه و ارمنستان قرار گرفته است این شهر قبل از جنگ بین الملل جمعیتش زیادتیر و تا ۵۰۰۰۰ نفر میرسید ولی وزودقشون اجانب و خرابیها و غارتها و قتل عامها سکنه آن متواری و به ۲۰۰۰۰ نفر تقلیل یافت امروز با جدیت کامل اولیای دولت سکنه آن رو بافزایش است این مکان اکنون حکومت نشین ایالت غربی آذربایجان محسوب میشود.

رضائیه دارای ۱۲ بلوک ۶۳۶ قریه و ۹۸ فرسنگ مربع مساحت و ۱۷۷۰۰ خانوار بطور تقریب و ۷۵۰۰۰ نفر جمعیت میباشد . بلوکات آن عبارتند از: سلدوز - دول - باراندوز - نازلو - بکش لوچای - بناب روزه - اترل - مرکور - ترکور - صومای برادوست - اشنویه - محال اطراف

۶ - **مهاباد** - (ساوجبلاغ) مهاباد که اسم چند روز قبل آن ساوجبلاغ و یا ساوجبلاغ مگری بوده در جنوب دریاچه رضائیه واقع یعنی ناحیه ایست حد فاصل بین کردستان و دریاچه رضائیه و آنرا کردستان

«۱» این اسم کلدانی و بمعنای محل آب است مانند اورشلم که بمعنای محل مقدس آمده است

مکری گفته اند (۱)

مهاباد دارای ۸ بلوک ۳۷۰ قریه ۱۳۰۰۰ کیلو متر مربع مساحت است

بلوکات مهاباد عبارتند از: مهاباد- اخته چی- ایل نیمور- بهی- بیطوش و آلان نورجان- شهر ویران- قره لر- اوج تپه.

آذربایجان شرقی شامل ولایات: تبریز- ارس باران (قراجه داغ)- خلخال- سراب و کرمرود- اردبیل- هشترودمراغه- صابن قلعه و افشار

۱- تبریز (۲)- تبریز ناحیه ایست که در شمال شرقی دریاچه رضائیه و جنوب سهند واقع شده بیشتر بلوکات آن در دامنه کوه قرار گرفته اهمیت تجارتنی این شهر زیاد و دارای راه آهنی است که در سینه

۱۰ این شهر را طایفه بکری که یکی از طوایف کرد میباشند در ۱۲۰ الی ۱۳۰ سال قبل ساخته اند

(۲) تبریز اقلیم چهارم است شهر اسلامی و قبه الاسلام ایران زبیده خاتون منکوحه هارون الرشید ساخت در سینه خمس و سبعین و مائه بعد از شصت و نه سال در سینه اربع و اربعین و مائین بعد متوکل خلیفه عباسی بزلزله خراب شد خلیفه آنرا بحال عمارت آورد بعد از صد و نود سال در رابع عشر ۱۵ صفر سینه اربع و ثلثین و اربعمیه باز بزلزله بکلی خراب شد و کما بیش چهل هزار مرد در آن واقع هلاک شدند امیر و هسودان بن محمد که حاکم آن دیار بود در سینه خمس و ثلثین و اربعمیه بنیاد عمارت تبریز کرد و هر چند در آن شهر زلزله بسیار اتفاق افتاده است اما خرابی عظیم نکرده و بیش آن که اکنون در آن زمین قنوت بسیار احداث کرده اند و چاه ها کنند و منفذ زمین گشوده شده است لاجرم اجزه قوت قوی نمیتواند کرد و زلزله سخت اتفاق نیافتد دور باروی تبریز ۶۰۰۰ گام بوده است و ده دروازه دارد چون در عهد مغول آن شهر دارالملک گشت کثرت خلایق در آنجا جمع شدند

۱۹۱۶ مسیحی توسط روسها ساخته شده (۱) اهمیت جغرافیای این شهر قابل ذکر است

تبریز دارای ۱۰ بلوک و ۴۰۰ قریه ۶۰۰۰ خانوار و ۲۴۰۰۰۰ هزار جمعیت میباشد

۲- **ارس باران** (قراجه داغ) ناحیه ایست کوهستانی دره منتهی الیه آنزلیجان شرقی قرار گرفته حد شمالی آن رود ارس و کوههای قره داغ میباشد در قدیم آنرا قراجه داغ میگفتند

این ناحیه شامل ۱۵ بلوک ۶۵۶ قریه ۵۴۰ فرسنگ مربع ۲۸۰۰ خانوار بطور تقریب ۱۷۰۰۰ جمعیت میباشد.

بلوکات آن عبارتند از: انگوت - اهر - ورکها - یافت - حسن آباد - دیز مار - دکله - گرم دوز - کیوان - کلیبر - میشه پاره - منجوان - اوزوم دل - چار دانگه - دو دانگه

۳- **خلخال** (۲) - در غرب کیلان قرار گرفته است ناحیه ایست کوهستانی شامل دره های حاصل خیز و معادن متعدد و سکنه آن بادیه نشین و کله دار میباشند

خلخال دارای ۵ بلوک ۲۹۳ قریه ۲۳ فرسنگ مساحت

بقیه از صفحه ۶۷

و بر یرون شهر عمارات کردند تا برتبه که بر هر دروازه زیادت از اصل شهر آبادانی پیدا شد غازان خان آنرا بارو میکشید چنانکه تمام باغات و عمارات و دیها نیز داخل آن باروست جهت وفات اوتام نشد و دور بارو غازانی بیست و پنج هزار گلم است و شش دروازه دارد (نزهة القلوب)

«۱» این راه آهن در ۱۹۲۱ بدولت ایران واگذار گردید

(۲) خلخال شهر وسط بوده است و اکنون دیه است کمایش سابق فیروز آباد بوده است و بعد از خرابی فیروز آباد خلخال حاکم نشین شد و اکنون آن نیز خراب است نزهة القلوب

۱۲۵۰۰ خانوار بطور تقریب ۶۷۰۰۰ نفر سکنه میباشد بلوکات آن

عبارتند از: خاند بیل - سنجبد - شاهرود - کاغذکنان - خورش رستم

۴ - سرآب و گرمرو

الف - سرآب - واقع است بین اردبیل و تبریز

ب - گرمرو - در جنوب آن واقع شده

این دو شهر بواسطه موقعیت بین کوههای سبلان و سهند

شامل جلگه های حاصل خیز و مراتع بیشمار اند

سرآب گرمرو شامل ۳ بلوک - ۱۴۹ قریه ۱۰۸ فرسنگ مربع

مساحت ۲۳۵۰۰ خانوار بطور تقریب ۶۷۰۰۰ نفر سکنه میباشد

بلوکات این ناحیه عبارتند از: اوچنپه - بروانان - گرم - کله بوز -

کندوان - میانج .

۵- اردبیل (۱) - این ناحیه در شرق آذربایجان واقع و فاصله آن تا

سرحد ۳۰ کیلو متر است در مغرب آن آتشفشان خاموش موجود که

پیوسته در برف مستور است این شهر سابقاً بمنتهای درجه اعتبار خود رسید

موقعیت آن بسیار مهم گردید از لحاظ تجارت و صنعت آن رضایت بخش

و مرکز تجارت قفقازیه و شه های داخلی آذربایجان محسوب میشده

«۱» اردبیل از اقلیم چهارم است کیخسرو و بن سباوش کبانی ساخت

در پای کوه سبلان افتاده است هوایش بنایت سرد است چنانکه غله در آن سال

که بدروند تمام خورد توان کرد بعضی با سال دیگر بماند و آنجا خلاف غله

چیزی دیگر حاصل نباشد آبش از کوه سبلان جاریست و نیک گوارنده است و

بدین سبب مردم آنجا اکول تمام باشند و اکثر بر منصب شاهی اند و مرید شیخ

صفی الدین علیه الرحه اند ولایش صد پاره دیه است و همه سرد سیر است و

بر سر کوه سبلان قله محکم بوده است آنرا دژ بهمن و روین دژ خوانده اند و در

حقوق دیوان اردبیل هشتاد و پنجهزار دینار بروی دفتر است (نزهة القلوب)

در زمان صفویه اهمیتی بسزا داشته

اردبیل دارای چهار بلوك ۲۰۰ قریه و ۲۰۰۰۰۰ جمعیت می باشد

بلوكات آن عبارتند از : اوجارود - مشکین - نمین - ولگیج

۶ - **هشترود** - در مغرب گرمروود و در دامنه های شرق سهند است

هشترود دارای ۳ بلوك ۵۰۰۰ قریه ۱۰۰ فرسنگ مربع مساحت

است ۲۰۰۰۰ خانوار بطور تقریب و ۱۰۰۰۰۰ نفر جمعیت است

بلوكات معروف آن عبارتند از : هشترود - قوری چای -

چارا و بلاق می باشد

۷ - **مراغه** - این ناحیه در جنوب سهند و جنوب شرقی دریاچه

رضائیه قرار گرفته موقعیت جغرافیائی آن بسیار مهم از نواحی است

که سابقاً پایتخت بوده و چنانکه حدس میزنند این ناحیه در قدیم محل

جنگلهای مهم و مسکن حیوانات ضخیم الجلد عظیم الجثه که تاریخ

زندگی آنها قبل از وجود آتش فشانیهای سیلان و سهند بوده است بوده

مراغه دارای ۷ بلوك ۴۵۷ قریه ۱۱۰ فرسنگ مربع مساحت

۳۹۰۰۰ خانوار ۱۵۹۰۰۰ نفر جمعیت میباشد

۸ - **صاین قلعه و افشار** - در جنوب مراغه واقع ناحیه است

کوهستانی دارای قراء متعدد و در مرکز آن دریاچه ایست به عمق ۴۵

متر که سطح آب آن همیشه ثابت میباشد

صاین قلعه دارای ۳ بلوك ۱۵۷ قریه ۴۴ کیلو متر مربع

مساحت ۷۰۰۰ خانوار بطور تقریب و ۲۲۰۰۰ نفر سکنه است

بلوكات آن عبارتند از : صاین قلعه - تکان تپه - بنی کنندی

۲ - **کردستان** - ناحیه ای که در جنوب آذربایجان و شمال کرمانشاهان و مغرب همدان در گوشه‌ای بشکل مربع قرار گرفته و تا قرن هفتم هجری با سامی مختلفه خوانده میشد و از اواخر دوره سلجوقی بانضمام همدان و کرمانشاه و بعضی از نقاط مجاور با اسم کردستان معروف گردید ولی امروز تنها بناحیه ای که بین آذربایجان غربی و همدان و کرمانشاهان و عراق قرار گرفته است اطلاق میشود از نظر نظامی اهمیت بسیار دارد بقسمی که در ایام جنگ بین الملل این اهمیت بمنتهی حد خود رسید مقرر حکومت این ناحیه شهر بزرگی بنام بهار واقع در نزدیکی همدان بود این شهر کم کم از اهمیت افتاده و مدتها شهر سلطان آباد چم جمال مقرر امرای کردستان قرار گرفت پس از این شهر از موقعیت اصلیش کاسته شد ضمناً قلمرو کردستان کوچکتر گردید یعنی قسمتی از نواحی غربی آن بتصرف عثمانیها و دو ناحیه دیگر لرستان و همدان از آن مجزا شد و وسعت کمی ماند که آنرا کردستان سنه یا اردلان نامیدند

امروز کردستان بدو ناحیه جداگانه تقسیم میشود: اول کردستان سنه - دیگری گروس

کردستان سنه - نیز مرکب از دو ناحیه شمالی و جنوبی است که از وضعیت جغرافیائی بایکدیگر اختلاف دارند

این ناحیه شامل ۱۱ بلوک و ۱۵۰۰ قریه میباشد

بلوکات معروف آن عبارتند از اسفند آباد - چار دولی - بیلاق - سارال - کلاترزان - روانسر - نیله کوه - خرخره - سقر - یانه - مربوان

ناحیه گروس - از مشرق به قزوین از شمال به خمسه و افشار از

جنوب بهمدان یعنی در مشرق کردستان اردلان قرار گرفته اراضی آن نسبتاً مسطح تر از ناحیه اصلی کردستان میباشد شامل مراتع وسیع و گله داری آن مهم است

ناحیه گروس شامل ۷ بلوک ۳۰۰ قریه ۵۰ فرسنگ مربع مساحت ۱۰۰۰ ر۰۰۰ خانوار بطور تقریب ۵۰۰ ر۰۰۰ سکنه میباشد

بلوکات معروف آن کرانی سالتان میا منصور - نجف آباد خسرو آباد - پیرتاج و بیجار است از بلوکات مذکوره در فوق دو بلوک معتبر و قابل ذکر است یکی سقز و دیگری بانه

سقز در ۲۴ فرسنگی شمال غربی سنندج واقع شده شامل ۵ محال جزء و قصبه سقز است (میرده - سرشیو - کندلان - گل نپه اوزان سقل (درازریش)

بانه در ۴۴ فرسنگی شمال غربی سنندج واقع محال جزء آن دارای موقعیت جغرافیائی خوبی است چه فلا نی است کوهستانی و سنگلاخ محالات جزء بانه بقرار ذیل است (کیوه رود - دشت تال - نمه شیر - شوی و ساوان - بلوه و بنه خوی - بومن ویری - نور پست آریا - تازان

باید دانست که امروز کردستان بیک حوزه مرکزی و ده حاکم نشین جزء تقسیم میشود حوزه مرکزی شامل بلوکات .

حسن آباد - ژاورود - گاورود - امیرآباد - شرشر - بیلوار و بلوکات حکومت نشین شامل ؛

سقز - بانه - مریوان - اورامان - لهون - اورامان تخت - کمره - پلنگان - جوانرود - پاوه - روانسر - شادی آباد - اسفند آباد - چهاردولی - لیلان - حسین آباد - سنارال - هوباتو - قره کوزه -

نيله کوه - خرخره - گرفتو - کلانترزان - کوماسی میباشد
 هريك از بلوكات ده گانه كردستان و حومه مركزي مركب از چندین
 قراء و قصبات كوچك است كه مجموع آنها در سرتاسر ايالت كردستان
 به ۱۳۰۰ آبادی بالغ می باشد بعضی را مانند اسفند آباد و چار دولی
 قشلاق و بعضی دیگر مانند اورا مانات و مریوانات بیلاق میگویند

۳ - **کرمانشاهان** - ناحیه ایست که از شمال بکوههای حد فاصل
 دره کاماسب و دیاله و از مشرق بکوههای کنگاور و از جنوب بکوههای
 کلهر و شامل دوناحیه متمایز کوهستانی و جلگه است

در طرف شمال و شمال غربی و شرقی کوههای كردستان و همدان
 و باطن این ایالت را احاطه نموده و راهها عموماً در کوهستان است
 ولی در جنوب آن منتهی بجلگه های وسیع و خرم میشود شهر کرمانشاه
 دارای طراوت و تروتازگی بسیار بعدی که میتوان گفت در غرب ایران
 شهری بقشنگی کرمانشاهان نیست اگرچه رضائیه هم بعد از این شهر
 جلوه گری میکند ولی بازپایه و مایه کرمانشاه نخواهد رسید

کرمانشاهان شامل ده قسمت حکومت است

۱ - کرمانشاهان و حومه - ۲ سنقر کلدائی - ۳ میان و بالا
 وزیر دربند - ۴ دینور - ۵ کنگاور - ۶ ماهیدشت و شاه آباد فیروز آباد
 ۷ صحنه - ۸ کرد - ۹ زهاب و قصر شیرین - ۱۰ هرسین

۱ - **کرمانشاهان و حومه** - قراصو از شمال بجنوب آن
 در کنار شهر جاری است این شهر چندان قدیمی نیست فاصله آن از همدان
 و بغداد در حدود ۱۸۰ و تاضهران ۶۰ کیلومتر است جمعیت آن ۶۰۰۰۰
 نفر این شهر در زمان قدیم در کنار قراصو و نزدیک طاق بستان واقع بوده که

خرابه های آن اکنون بنظر میرسد ولی امروز در دامنه کوهی ساخته شده بقسمیکه آب اولین خانه کرمانشاه تا آخرین خانه را مشروب می کند .

۲ - **سنقر کلیائی** - ناحیه ایست کوهستانی از شمال محدود

بکردستان از جنوب بصره از مغرب بمیان دربند از مشرق بهمدان

۳ - **میان دربند و زیر دربند و بالا دربند** - از شمال

محدود بکردستان از مغرب بقصر شیرین و زهاب از مشرق بسنقر از جنوب به کرمانشاهان

۴ - **دینور** - از مغرب بمیان دربند از مشرق بکنکاور از شمال

بسنقر و از جنوب بصره محدود میباشد

۵ - **کنکاور** - موقعیت این ناحیه از لحاظ نظامی بسیار مهم

شهر تاریخی است حدود آن از جنوب بهرسین از مشرق بهمدان از شمال بسنقر از مغرب بصره

۶ - **ماهیدشت و شاه آباد و فیروز آباد** - جلگه و سب

حاصلخیزی است خصوصاً شاه آباد حدود آن از شمال بروانسر از مشرق بکرمانشاه از جنوب بلرستان [هلیلان] از مغرب بکرنند

۷ - **صحنه** - این ناحیه از مشرق بکنکاور از جنوب بهرسین

از مغرب بکرمانشاه و از شمال بدینور محدود است

۸ - **گوند** - در دامنه کوهی بنا شده و منظره باصفا خصوصاً

سراش دارد گردنه پاتاق که یکی از نقاط مهم نظامی غرب محسوب میشود در مغرب آن واقع شده حدود آن از شمال بزهاب از

شرق به ماهیدشت از جنوب بلرستان از مغرب بعراق محدود

می باشد.

۹ - **زهاب و قصر شیرین** - از شمال بکرستان از مشرق بگردند از جنوب بکرستان از مغرب بعراق دارای قراء معروفی است مانند سرپل و غیره که در محل اتصال دو رود حلوان و کرند و نیز قصر شیرین واقع شده

قصر شیرین امروزی در کنار خرابه های قدیمی این شهر بنا گردیده اولین شهر سرحدی و بنای آن بخسرو پرویز منسوب است
قصر شیرین شامل ۵ بلوک ۱۷۰ قریه ۴۰۰۰ خانوار بطور تقریب ۲۰۰۰۰ سکنه است بلوکات آن عبارتند از: گوران - بشپویه زهاب - قلعه شاهین - حومه قصر

۱۰ - **هرسین** - از شمال بصحنه از جنوب بکرستان از مغرب بکرمانشاهان از مشرق بنهاوند دارای سرآب معروفی است

لرستان - از شمال محدود است بکرمانشاهان از مشرق بهمدان و عراق (بروجرد و ملایر) از مغرب بعراق عرب و از جنوب بخوزستان چنانکه در اوضاع طبیعی متذکر شدیم لرستان بدو قسمت پیشکوه و پشتکوه که کبیر کوه و بآرود سیمره حد فاصل این دو ناحیه است قسمت میشود (۱) از نظر اوضاع اقلیمی و جغرافیائی پشتکوه و پیشکوه با یکدیگر چندان اختلافی ندارند ولی از نظر سکنه فرق جزئی پیدا میکند (۲)

(۱) در چندی قبل حد فاصل بین پشتکوه و پیشکوه کبیر

کوه بوده ولی امروزه رود سیمره حد فاصل بین پشتکوه و پیشکوه است

(۲) این مطلب را میتوان با بروجرد و ملایر هم تطبیق کرد

۱ - پیشکوه - بنا بر آنچه گذشت در لرستان کوههای بسیار و دره های حاصل خیزی دیده میشود که در چنین دره ها وجود رودخانه های زیاد مانند سیمره - کشکان و غیره سبب حاصل خیزی و بدین جهت مراکز جمعیت لرستان پیشکوه در همین مراکز میباشد در زمان قدیم ابلاط لر در مواقعی از سال در این مناطق رفت و آمد و بیلاق و قشلاق داشتند و در زیرچادر در حال وحشیت زندگی مینمودند ولی با مساعی روز افزون دولت تمام طوایف لر در دهات لرستان تخته قاپو (خانه نشین) شده و دست از زندگی سابق خود و خانه بدوشی برداشته اند زراعت این ناحیه گندم و جو و ترباک و در این سنوات اخیر کمی پنبه است اگر چه در لرستان شهر مفیدی جز خرم آباد بروجرد - ملایر یافت نمیشود ولی در دامنه و کنار کبیر کوه و نیز در حاشیه رودخانه سیمره که یکی از رودخانه های بزرگ ایران است دهات - قراءت قبایع بسیاری مانند الشتر - کوه دشت - سماق (ناحیه چکنی) حلایان - رودبار - سرگناب دیده میشود که هر يك از این دهات در جلگه های وسیع فشنکی مانند جلگه سیمره - جلگه طرهان - جلگه رُمشکان - جلگه حلایان جلگه کوه دشت - جلگه الشتر و غیره واقع شده اند.

پیشکوه را می توان بدو ناحیه قسمت نمود.

۱ - پیشکوه شرقی - شامل جلگه ها و دهات - الشتر (۱) - خرم آباد

(۱) الشتر شهری وسط است و جای منزله در اواش خانه از

اروختش نام بوده (ترهة القلوب)

خواه - چواری تا هرسین (۱)

۲ - پیشکوه غربی - شامل جلگه ها و دهات حلبان - رود بار
سیمره - سر گناب تا شیروان .

اینک ما یکی یکی از شهر های مهم لرستان پیشکوه (شرقی
و غربی) صحبت خواهیم داشت .

۱ - خرم آباد - قصبه است جمعیت آن در حدود پنجاه هزار نفر
در تنگی بین دو کوه واقع شده رود گشکان از کنار آن میگذرد
خانه های این قصبه در اطراف تپه ای بنا شده که در بالای آن تپه قلعه ای معروف
بفلک الافلاک دیده میشود که امروز سرباز خانه است ترقی خرم آباد
اکنون روز افزون است چه شعبه ای از راه آهن جنوب از آن میگذرد
و مخصوصاً جاده شوسه بین طهران و خوزستان که عبور آن از خرم آباد
است این ناحیه را شهری ساخته در جنوب خرم آباد جلگه مصفائی است
که دهات معتبری از قبیل گلدان و شاهین آباد در آن واقع است این
شهر از نظر نظامی کلید خوزستان و لرستان محسوب است .

۲ - بروجر د (۲) - از شمال محدود است بملایر و نهاوند از مشرق
ب عراق و از جنوب به بختیاری و از مغرب بلرستان و کرمانشاهان
ناحیه ایست کوهستانی مزارع بسیار در آن دیده میشود زراعت

(۱) می توان بروجر د و ملایر و نهاوند را جزء لرستان
پیشکوه شرقی محسوب داشت

(۲) بروجر د از اقلیم چهارم است شهر بزرگ طولانی است
درو دو جامع عتیق و حدیث بوده آب و هوایش وسط درو زعفران
بسیار بوده (نزهة القلوب)

آن غلات و تریاک است هوایش چنانکه متذکر شدیم نه گرم و نه سرد
سکنه آن مخلوطی است از طوایف کرد و لر و بختیاری
این ناحیه بسیار پر جمعیت و قصبات آن همه آباد و وسیع و
تزدیک یکدیگر است

بروجرد دارای سه بلوک است ۱ بروجرد و حومه ۲ سیلاخور
۳ چلبلق و بربرود میباشد

۱ - بروجرد - این شهر قدیمی نیست ارتفاعش از سطح دریا
۱۶۷۰ متر جمعیتش ۲۲ هزار نفر و چون سر راه طهران بخرم شهر
که کوتاه ترین راههای طهران به خلیج فارس است واقع شده خصوصاً
راه آهنی که از بندر شاهپور خوزستان به طهران میاید از این شهر
میگذرد و خلیج فارس را به بحر خزر مربوط میکند اهمیتش روز
افزون است راههای فرعی دیگری هم این شهر را باصفهان و همدان و
کرمانشاه متصل مینماید سابقاً این شهر حصار داشت که آثار دروازه‌های
آن هنوز باقی است

۲ - سیلاخور - در جنوب غربی بروجرد واقع شده از شمال
بروجرد و از مغرب بخرم آباد و از مشرق به چلبلق محدود میشود ناحیه
ایست کوهستانی مراعات آن معروف زراعت این محل گندم و جو و
تریاک است

سیلاخور بدو قسمت منقسم میشود: سیلاخور علیا و سیلاخور سفلی
سیلاخور علیا دارای ۱۰۰ قریه ۱۹ هزار جمعیت مرکز
اشترینان است

سیلاخور سفلی دارای ۱۱۶ قریه ۱۰ هزار جمعیت مرکز
چالان چولان است

۳- جاپلق و بربرود (۱) در مشرق سیلاخور است دارای چندین
تنکه و دشت قراء آن عبارتند از:

مرزیبان - قاتان - الیگودرز میباشد

ولایات ثلاث (ملایر - نهاوند - تویسرکان)

چون از بروجرد که در قسمت شرق لرستان است اسمی برده شده
لازم است از ولایات ثلاث هم بمناسبتی ذکر میمان آید
این ناحیه از شمال محدود است بهمدان از مشرق بعراق از
جنوب بروجرد و از مغرب بکرمانشاهان و شامل سه ناحیه ملایر و نهاوند
و تویسرکان است از نظر طبیعی (کوه، رود، جنگل و آب و هوا)
این ناحیه همان است که در لرستان متذکر شدیم فقط چیزی که میتوان
گفت چاهها و قنوانی است که در این نواحی جهت آبیاری و زراعت
حفر میکنند چه آب رودخانههای این اطراف کافی برای زراعت نیست
زراعت مهم آن غلات و تریاك و تنباکو است باغهای میوه در این حوالی
بسیار است خصوصاً انگور سکنه آن مخلوطی است از کرد و لر و شهری
و علاوه بر این عده یهودی و آرامنه در شهرها و قراء این ناحیه مانند
علی آباد ساکنند

۱- عروج یعنی جاپلق شهر سوس را گویند شهری است که چك
بر دو جانب آب نهاده باغستان بسیار دارد برنج و نارنج و لیمو و درخت
گرمسیر آن معروف است

۱ - ملایر - از شمال محدود است به نویسرکان از جنوب و

مشرق بعراق و بروجرد و از مغرب بنهاوند

ملایر دارای ۵ بلوک ۲۹۳ قریه و ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت

بلوکات آن عبارتند از: دولت آباد - آرم دره - دره بالا -

ترک - شور

شهر دولت آباد شهری جدید دارای بازاری کوچک و باغ فشنگی

دارد معروف پیارک سیف الدوله

۲ - نویسرکان - راجع به نویسرکان بهتر آنستکه عین عبارت

ترهه القلوب را ذکر کنیم:

رود داور قصبه ایست از قصبات سکان و توی دیه سرکان با هفتاد

موضوع دیگر پنج ناحیه است چون هند رود - سرکان رود - کرزان

رود - لامجا نرود - لامی رود (برز مهن) از توابع آن هوایش معتدل

آبش از کوه الوند جاریست و زمینش مرتفع تمام باشد و در آنجا زعفران

بسیار و بدین سبب آن را زمین زعفرانی خوانند حقوق دیوانیش دو تومان

و سه هزار و پانصد دینار است

نویسرکان کنونی مرکب از چهار بلوک ۱۰۳ قریه ۳۰۰۰۰

نفر جمعیت میباشد

بلوکات آن عبارتند از خرم رود مز کرش اشتران

کرزان رود مر کرش کرزان

قلقل رود مر کرش پرسپیج

خود قصبه نویسرکان دارای مناظر طبیعی و آبشارهای بسیار عالی است

۳ - **نهاوند (۱)** - در جنوب غربی ملایر واقع شده از طرف شمال محدود است بملایر از مغرب به خاوه و چواری از مشرق عراق از جنوب به لرستان این شهر بواسطه جنگ فتح القنوج اعراب معروف است

نهاوند دارای چهار بلوک ۱۷۰ قریه ۵۰۰۰۰ جمعیت است بلوکات آن عبارتند از نهاوند - بلوک علیا - بلوک سفلی - خزل

۲ - **پشتکوه** - این ناحیه از شمال غربی محدود است به باوند پور (کلهر) و از شمال شرقی و جنوب شرقی به سیمره و کرخه و از جنوب غربی و مغرب عراق در زمان قدیم این ناحیه وسیع بکلی بدون خانه و دهات بوده است در تمام این قسمت بجز یکی دو قلعه ساختمانی وجود نداشته چه اغلب در زیر چادر زندگی میکردند ولی اکنون عمران و آبادی در این ناحیه زیاد و روز افزون است حکومت نشین این ناحیه عیلام «حسین آباد» و دهات و قراء عبارتند از مهران «منصور آباد» ده لران و غیره میباشد پشتکوه را می توان بدو ناحیه قسمت نمود

(۱) نهاوند از اقلیم چهارم است شهری وسطا است هوایش معتدل و آبش از کوه الوند میاید در او باغستان بسیار است و زمینی مرتفع دارد و مردم آنجا اکرادند و بر مذهب شیعه اثنی عشریند غله و انگور نیکو بوده و پنبه اندکی و لابنش قریب صد پارچه ده است بسه ناحیه ملایر و اسفیدهان و جهود حقوق دیوانیش سه تومان و هفت هزار دینار بوده در خیل اکراد صحرا نشین بسیار است و هر ساله دوازده هزار گوسفند مقرری ایشان است (نزهة القلوب)

۱ - **پشتکوه لرستان** یعنی قسمتی که جزء خاک لرستان محسوب است بعبارة اخرى از شاه آباد (هارون آباد) تا ده لران

۲ - **پشتکوه خوزستان** یعنی قسمتی که جزء خاک خوزستان محسوب است بعبارة اخرى از ده لران تا شوش « ۱ » سکنه پشت کوه عبارتند از مخلوطی از طوایف لر فیلی - کرد لکی که با هم مخلوط میباشند بطوری که در شمال اکثریت با کرد ها و در جنوب با لر ها است چنانکه متذکر شدیم در این ناحیه باران بحدوفور میبارد و تمام کوه های پشتکوه مستور از جنگل است زراعت بیشتر لرستان پشتکوه و پیشکوه غلات و تریاک و در این سنوات اخیر پنبه کاری است

بختیاری - ناحیه ایست بین اصفهان و خوزستان و لرستان و فارس این ناحیه کوهستانی و اغلب رودخانه های اطراف از این کوهها سر چشمه میگردد (مانند زاینده رود - رود قم - رود کارون)

قوم بختیاری محل و مکان معینی از قدیم الایام تا چند سال اخیر نداشتند و بیلاق و قشلاق میکردند و در مکانهای مختلف از ایالات و ولایات مانند فارس - اصفهان - خوزستان رفت و آمد داشتند ولی اکنون در همان محل های سابق خود خانه ساخته و منزل نموده و زراعت میکنند زمین این اقوام باسم همان ایل معروف شده و دو ایل در بختیاری موجود بوده است چهار لنگ و هفت لنگ

۱ - ما در سرحدات غرب ایران مفصل از کوهها و رودخانهها و جنگل و شهرهای سرحدی صحبت خواهیم داشت که قسمت بیشتری از آن مربوط به پشتکوه است.

این اقوام در قسمت بیشتری از چهار محال اصفهان « ۱ » و را مهرمز و شوشتر و دزفول و قلعه تل - مالمیر « ایذه » می دادند -
 باغ ملك مسجد سلیمان سکنی دارند که ماهر يك از این شهرها و قراء و قصبات را جز نواحی مختلف شرح داده و خواهیم داد

خوزستان « ۲ » خوزستان از شمال محدود است ب لرستان و پشتکوه از مشرق بفارس و قسمتی از بختیاری از جنوب بخلیج فارس و از مغرب بعراق

چنانکه اشاره شد خوزستان جلگه رسوبی است که رسوب رودخانه های کرخه - کارون - ابدیز این جلگه را تشکیل داده و از طرفی دیگر تمام مناطق خوزستان زمینی است گچی باین مناسبت شهر و دهات زیادی در خوزستان دیده نمیشود

نشیب جلگه خوزستان از شمال بجنوب قریب ۱۸۰ متر و بهمین واسطه جریان رودها آهسته و اگر چه در موقع عادی سطح آب قریب ده متر پائین تر از جلگه است و بزحمت می توان از آن استفاده کرد ولی در موقع بارندگی تمام سطح خوزستان را آب فرا میگیرد

۱ - چهار محال بچهار ناحیه تقسیم میشود فرار - کبار -

شروه - کندان

۲ - خوزستان درو دوازده شهر است بغایت گرم حدودش به ولایت عراق عرب و کردستان و لرستان و فارس پیوسته حقوق دیوانیش در زمان خلفا زیادت از سیصد تومان این زمان بوده است و در این عهد سی و دو تومان و نیم بر روی دفتر است اما توقیری نیکو دارد و دارالملکش شهر نستر است (نزهة القلوب)

برای استفاده از آب سدها و مجاری متعددی ساخته شده و مهم ترین آنها سد اهواز است که در زمان ساسانیان بنا گردیده است

آب و هوای خوزستان در مدت شش ماه از سال عموماً گرم و غیر قابل زیست است خصوصاً در شهرهای گچی مانند مسجد سلیمان ... و غیره و غیره ولی زمستان مطلوبی دارد خصوصاً پس از بارندگی دارد

سکنه این ناحیه از لر و بختیاری و عرب مرکب است قسمت اکثر سکنه خوزستان را اعراب تشکیل میدهند که از قدیم تا چندی پیش بتدریج باین ایالت آمده و سکنی گزیده اند

تقسیمات حکومتی خوزستان بقرار ذیل است

شوشتر - دزفول - اهواز - خرم شهر « محمره » - آبادان - رامهرمز - بنی طرف و حویزه - فلاحیه

لازم است شوش « ۱ » پایتخت قدیمی ایران را جزء شهر

۱ - سوس - از اقلیم سیم و شهری وسط است و گرمسیر مهبائیل بن قینان بن انوش بن شیث بن آدم ساخت و این اولین شهر است که در خوزستان بنا کردند و هوشنگ بر آن عمارت افزود آنجا قلعه محکم ساخت و بر آن قلعه دیگر ساخت که در غایت استحکام بود شاپور نوالا کتاف تجدید عمارت آن شهر کرد و شاپور خوره خواند و شکش بر مثال باز نهاده بود گوردانیال پیغمبر بر جانب غربی آن شهر است در میان با آب و در آنجا ماهیان انسی اند و از مردم نه گریزند و کس ایشان را نرنجانند [نزهة القلوب]

خوزستان متذکر شویم اگرچه در جغرافیای تاریخی از شوش و موقعیت آن و حفاری در آن مکان مفصلاً صحبت خواهیم داشت ولی اکنون لازم است بگوئیم که دهی با بازار کوچکی در پای قلعه مفصلی که یادگار دهرگان و دیولافوا بر روی خرابه های قصور سلطنتی قدیم است دیده میشود

۱ - شوشتر (۱) - شوشتر از شمال محدود است به قسمتی از بختیاری از مشرق به مسجد سلیمان از مغرب بندر فول از جنوب به خوزستان این جلگه را بمناسبت واقع شدن بین کارون و کرگر میان دو آب گویند شهر شوشتر بسیار قدیمی و اغلب خانه های آن از سنگ و گچ

۱ - شستر در تلفظ شستر خوانند و از اقلیم سیم است هوشنگ پیشدادی ساخت و خراب شده بود اردشیر بابکان تجدید عمارت آن کرد و شکلش بر مثال اسب ساخت شاپور ذوالا کتاف چون از روم بایران رسید و بر قیصر غلبه کرد و پادشاهی یافت قیصر را الزام نمود تا بعد از تدارك خرابی که درین ملک کرده بود آب شستر را مثالثه گردانید و بر آن سدی عظیم بست و جوی دشتاباد که مدار ولایت شستر بدانست بسبب آن بند جاری شد و در مسالك الممالك گوید که از آن محکمتر بندی بر هیچ آب نه بسته اند اما بند امیر که بعد از تألیف مسالك الممالك در فارس عضدالدوله دیلمی بر آب کرسته است از آن عظیمتر است و شاپور ذوالا کتاف در شستر عمارت عالی کرد دور آن شهر پانصد گام است و چهار دروازه دارد و هوایش بغایت گرم است و اکثر

و آجر بنا شده است این شهر پس از خراب شدن شهر شوش تاریخی
 «سوزا» شروع آبادی کرده است بواسطه گرمای زیاد این ناحیه
 مردمان در تابستان بر دلیلهای عمیقی پناهنده میشوند

بقیه صفحه قبل

بهار و تابستان درو بلاد محوم و زرد چمنکه بشب نیز آید و بدین سبب
 بر بامها نیارند خفتن اما آبش نیک و عذیم است چنانکه در آن گرما اعتماد
 بر آن آب اغذیه غلیظ خورند و مضر نبود و زمینش مرتفع تمام است
 غله و پنبه و نیشکر درو نیک می آید و پیوسته در آنجا ارزانی بود
 و مردم آنجا اکثر سیاه چهره و لاغر باشند بر مذهب ابوحنیفه
 باشند و نیکو اعتقاد و سلیم طبع و بخود مشغول و در ایشان هیچ فتنه
 و فضولی نبوده کم سرمایه باشند و در ایشان ممول بنادر افتد شکار
 گاهگاهی بسیار دارد و در رساله ملک شاهی گوید چهار شکارگاه است
 بزرگ یکی رخس آباد پاتزده فرسنگ در دوازده فرسنگ دوم نورق و
 هندویان بیست فرسنگ در ده فرسنگ سیم مشهد کافی ده فرسنگ در
 شش فرسنگ چهارم حویزه بیست فرسنگ در دوازده فرسنگ و علفزارهای
 خوب است و از غایت گرما مردم غریب در آن دیار بعد از بهار
 اقامت نتوانند کرد و هر غله که در نور نبریده باشند چون آفتاب بجوزا
 رسد نتوانند ببرد و تلف شود و حقوق دیوانی آن شهر بتمفا مقرر است
 و بر ظاهر شهر قلعه ایست محکم (نزهة القلوب)

شوشتر دارای ۱۳ قریه و ده هزار نفر جمعیت ولی سابقاً جمیتش بیشتر بوده و تا ۲۰ هزار نفر میرسیده است

۲ - **دزفول (۱)** - در کنار رودخانه ابدین و این شهر بر روی تپه ای با ارتفاع ۲۱۰ متر بنا شده خانه های این شهر دو طبقه و از سنگ و گچ و آجر است دارای مدارس و کاروانسرا های قدیمی میباشد محصول عمده اش پنبه و غله و خرما و نی قلم و مرکبات خصوصاً آب لیمو است فاصله اش تا شوشتر ۵۵ کیلومتر و تا اهواز ۱۴۰ متر و جاده شوسته آنرا بخرم آباد و بروجرد و طهران وصل میکند خرابه های شهر قدیمی جندی شاپور در جنوب شرقی دزفول واقع شده [۲] قسمت اکثر قندی.

[۱] دزفول و آنرا اندیمشك گفته اند از اقلیم سیم است اردشیر بابکان ساخت بردو جانب آب جندی شاپور نهاده است و پلی بر آن آب بسته اند بچهل و دو چشمه و درازی آن پل پانصد و بیست گام و عرضش پانزده گام و آنرا پل اندیمشك خوانند و آن شهر را بدان پل باز خوانند بر جانب شرقی بالای شهر جوی از سنگ بریده اند در زیر شهر بارود رسانیده اند و دولاپی بزرگ بر آن جوی ساخته چنانکه پنجاه کز آب بالایی اندازد و مدار شهر بدان آب است و شهری وسط است مواضع بسیار از توابع اوست و محدود قری شافجرد و مطران مرغزاری است نیم فرسنگ در نیم فرسنگ و تمامت شهر کس خود روست و هم در این حدود درختان شکوفه بسیار روئیده است (تزه القلوب)

[۲] اکنون این خرابه ها بشاپور معروف است - از اقلیم سیم است اردشیر بابکان ساخت و شاپور فوالا کتانی در و عمارت بسیار کرد شهر وسط گرمسیر است هوای بد دارد و در آتجانی شکر بسیار است

که در خراسان و سایر نقاط ایران بمصرف میرسیده از همین مکان حمل میشده نیل سازی کاملی داشته است خرابه های شوش در ۲۴ کیلومتری جنوب غربی دزفول واقع گردیده کوچه ها و خیابانهای آن بسیار تنگ خصوصاً دیوارهای منازل بسیار بلند و به تنگ و تاریکی کوچه ها افزوده است آسیابهای آن متعدد و منظره قشنگی را در وسط رور خانه ابدیز داراست دارای مسجد جامع و چند مسجد دیگر است

دزفول دارای ۹۱ قریه و ۱۵ هزار نفر جمعیت میباشد

۳ - اهواز [۳] - این شهر در ۱۲۵ کیلومتری خرم شهر بخط مستقیم از راه شوسه و ۱۷۰ کیلومتری آن از راه رودخانه واقع شده چون در زمستان بمناسبت آمدن باران و گل شدن زمین بین اهواز و خرم شهر حرکت موتور غیر ممکن مسافرین بایستی با رود کارون و کشتی مسافرت کنند

شهر کنونی اهواز بر روی خرابه های قسمتی از شهر قدیم آن واقع شده جاده مستقیم خرم شهر بطهران (۱۱۴۵ کیلومتر) که دریستم آبان ۱۳۰۷ افتتاح شده و اکنون بهترین جاده های ایران محسوب است و بایستی و بلندیهای زیاد کامیونهای سنگین می توانند بدون اشکال از این راه که اقصر راه بین پایتخت و خلیج فارس است آمد و شد کنند از این شهر عبور میکند سابقاً قند اهواز معروف بوده و برنج و ابریشم آن بشام و نقاط دیگر حمل میشده بیرون شهر اهواز باغات قشنگ و عمارات عالی دیگری دیده میشود که امروزه مرکز ادارات نفت میباشد

[۳] اهواز - از اقلیم سیم است اردشیر بابکان ساخت و آنرا کوره عظیم توابع کرد چنانکه تمامت خوزستان بدانجا باز خوانند (تره القلوب)

راه آهن ایران از یکطرف اهواز را بشاپور و از طرف دیگر به صالح آباد مربوط میکند و از صالح آباد جاده ای شوسه بندزفول میرود صالح آباد در چند سال قبل ده بسیار کوچکی بوده ولی امروزه شهر

آبادی است چه مرکز مهم ساختمانهای راه آهن میباشد
از اهواز تا صالح آباد ۸ توقف گاه راهن دارد که توقف گاه ۶ راه
فرعی بطرف شوش میرود پلهای بسیار عظیم در طی این راه از اهواز تا
صالح آباد ساخته اند فاصله این دو شهر اکنون ۱۵۰ کیلومتر تا رامهرمز
۸۰ کیلومتر تا بهبهان ۱۹۰ کیلومتر تا مسجد سلیمان ۱۱۴ کیلومتر
است يك جاده کاروانی این شهر را بلامیر و اصفهان وصل میکند که
در زمستان مستور از برف است (۱)

۴ - خرم شهر (محمده) - این شهر در مصب رود کارون
واقع شده از طرف مغرب بشط العرب منتهی میشود رود کارون مانند
بسیاری از رود خانه های ایران سطح آبش از اراضی این محل پست تر
است و بدینواسطه اهالی محلی نمیتوانند مستقیماً از آب رودخانه جهت
نخلستانهای خود استفاده کنند بلکه برای مشروب کردن نخلستانها
نهرهائی عمود بر رود خانه کارون و بهم شیر و شط العرب حفر نموده
و در موقع جذر و مد که در مدت شبانه روز اتفاق می افتد نخلستانها
طبعاً مشروب میشوند بملاوه موتور هائی در کنار رود خانه قرار
داده اند که بوسیله تلمبه آب را در اراضی بجریان در آورده زراعت می
نمایند سابقاً این محل نیشکر داشته ولی امروز این زراعت متروک است

[۱] ما از جاده هادر جغرافیای تاریخی بطور تفصیل صحبت خواهیم نمود

اهالی خرم شهر دو قسمتند يك قسمت تجار و كسبه و قسمت دیگر معاش خود را از عوائد نخلستانها و صید ماهی و ملاحی تأمین میکنند فاصله بین اهواز و خرم شهر از رود خاه ۱۷۰ کیلو متر عمق آب بطور متوسط ۴ تا ۶ پا از اهواز تا خرم شهر کشتی یکروز می‌رود و سه روز مراجعت میکند چه دربر گشتن باید جهت مخالف سیر رودخانه حرکت نماید اهمیت امروزی خرم شهر بواسطه موقعیت جغرافیائی آنست این شهر در سنه ۱۸۳۷ بتوسط ترکها خراب شد ولی مجدداً باز رو آبادانی رفت و کم کم اهمیت یافت در معاهده ارزروم بحکمت روس و انگلیس این شهر و آبادان بایران مسترد گردید آب و هوای این ناحیه گرم و غیر قابل زیست در تابستان میباشد ساکنین آن مخلوطی از لر و عربند بازار مختصری دارد فاصله آن تا آبادان سه فرسخ و تا بصره تقریباً پنج فرسخ است نخلستان فراوان در این مکان دیده میشود.

۵- آبادان - جزیره ایست در دلتای شط العرب واقع شده طول آن ۶۴ و عرض آن از ۳ تا ۲۰ کیلو متر است از طرف شمال و مشرق محدود است بکارون و بهم شیر از مغرب بشط العرب و از جنوب بخلج فارس این دلتا از زمان قدیم متعلق بایران بوده ولی بعد از معاهده ارزروم قسمت بیشتری از دهانه دلتا جزء دولت عثمانی شده است از ۱۹۰۹ ببعد شرکت نفت جنوب تصفیه خانه های خود را در شهر آبادان ساخته و نفت را بوسیله لوله های ۶-۸- تا ۱۲ [اینچی] از مسجد سلیمان باین شهر می‌آورد و فعلایکی از شهر های مهم و جمعیت آن در حدود ۳۰۰۰۰ نفر است پلهای متعددی برای بارگیری کشتی های نفتی و غیره در آن ساخته اند و بهم رفته شهر زیبا و قشنگی است در کنار رودخانه

کارون زیبایی خاص دارد خصوصاً در شب چه چراغ برقه‌ای زیاده این شهر را روشن میکند طول لوله های نفت از مسجد سلیمان تا آبادان در حدود ۲۲۰ کیلومتر جاده شسته ای بطول ۱۵ کیلومتر آنرا بخرم شهر وصل میکند - فاصله آن تا اهواز ۱۱۵ تا ۱۱۸ کیلومتر است و از آنجا تا مسجد سلیمان ۱۰۸ کیلومتر است

۶ - **رامهرمز** - رامهرمز بن بهبهان و شوشتر واقع شده در قدیم بسیار آباد بوده ولی اکنون با اهمیت سابق خود نمی باشد و عنوان قصبه دارد شاخه ای از رود خانه جراحی آنرا مشروب میسازد از شوشتر تا رامهرمز ۹۶ کیلومتر عبور و مرور از این راه کم است ماشینها از محل مزبور باهواز آمده و از آنجا بشوشتر میروند راه رامهرمز به بنادر ثلاثه " بوز - معشور - هندیجان " ۸۴ کیلومتر این راه شسته معمولی نیست از رامهرمز راهی هم نیمه شسته به بهبهان میرود که در زمستان مسدود است رامهرمز دارای ۸ بلوک ۱۵۰ قریه و ۵۰۰۰ جمعیت است

۷ - **بنی طرف و حویزه** "۱" - حویزه محلی است بطول ۶۶ و عرض ۳۶ کیلومتر حدود آن از شمال ناحیه بنی طرف و از جنوب به بیابان سرحد بصره و خرم شهر و از مغرب بهور العظیم و از مشرق بحوضه کارون محدود است این ناحیه دارای قصبه است همین اسم سکنه قصبه مزبور را تیره هائی تشکیل میدهد که از اطراف بدانجا آمده اند و هر

"۱" حویزه - از اقلیم سیم است شاپور ذوالا کتاف ساخت شهری وسط است و گرمسیر و هوای او بهتر از دیگر شهرهای خوزستان حاصلش غله و پنبه و نیشکر بسیار است و درو قوم صابیان بسیار اند

طایفه يك كدخدا دارد در اطراف قصبه طوایف بادیه نشین عرب سکنی گرفته اند معاش آنها زراعت و كسب است آب و هوای این ناحیه در زمستان معتدل و در بهار و تابستان بسیار گرم است

حوزه دارای سه بلوك و ۴۵۰۰ جمعیت میباشد مسكن طوایف بنی طرف و بنی كعب در شمال خرم شهر و در ساحل غربی رود كارون است

۸- فلاحیه - واقعت در ساحل رودخانه ای بهمین اسم اطرافش

مرداب و نیزار است سکنه اش ۵۰۰۰ نفر از اهواز تا فلاحیه ۷۲ کیلومتر از خرم شهر فلاحیه با قایق تردد میشود چه نهري از مغرب فلاحیه مخرم شهر جاری که در آن قایقهای بزرگ برای حمل و نقل بار و مسافر آمد و شد میکنند مردمان فلاحیه از نیره اعراب كعب هستند محصول عمده فلاحیه خرماست

خوزستان در زمان قدیم چنانکه خواهم گفت مهد ترقی و تعالی بوده و ناحیه فلاحیه محسوب میشده محصولات متنوعه در آن بعمل میآمده و جهت توسعه فلاحیه و استفاده از آبها سد ها و نهرها و ترعه های متعددی در آن حفر شده که آثار خرابه های آن هنوز باقی است و بواسطه حاحلخیزی اراضی و مصاددت هوا اکنون هم سالی دو مرتبه محصول مختلفه از آن بدست میآورند و اگر سد بندیهائی شود استفاده کاملتری حاصل خواهد شد و فعلا هم بواسطه آبیاری بتوسط تلمبه های نفتی استفاده کمی حاصل میشود

چیزی که بیشتر موجب آبادی خوزستان شده " خصوصاً لرستان " بکی راه آهن و دیگری کارخانجات نفت است چه مردم بسیاری از این

طریق بکار واداشته شده رعیت بسیاری از این راه بهره میبردند
چون از نفت و مکانهایی که نفت در آنجا یافت میشود مانند مسجد
سلیمان و آبادان - ماماتین - هفت گل و غیره ذکری بمیان آمد لازم
است در اینجا هم بمناسبتی از نفت و قرار داد اولیه آن صحبت بسیار
مختصری ایراد کنیم.

نفت - نفت مخلوطی است از: ریگولین، کازلین، اسانس، اتر و بنزین
و نفت معمولی و روغن های سنگین و پارافین و اغلب یا مخلوط باشن
و آهک است و یا اینکه در حفره های زمین جابگیر شده و با گازهای
مختلف و مواد نمکی و آب مزوج میباشد بهمین دلیل تصور میرود که
نفت از بقایای حیوانات و نباتاتی است که در قعر دریا و مردابهای سابق
بوده و بواسطه تدخیر آب مواد فوق در قشرهای تحت الارضی مستور
و تشکیل معادن نفت امروزه را داده اند. اگرچه بواسطه عملیات
شیمیائی موفق بدست کردن نفت مصنوعی شده اند ولی بدست آوردن
این جنس نفت خیلی گران تمام میشود.

زمینهای ایران اغلب از سنگ کچ و مواد نمکی تشکیل شده
و چون فلات ایران قعر دریای قدیمی بوده میتوان حدس زد که مواد
نفتی در اغلب نقاط آن موجود میباشد. معادن نفت مکشوفه ایران بقرار
ذیل است:

در شمال

۱ - نزدیک شور دره در مغرب بندر پهلوی و در اطراف
طالش دولاب.

- ۲ - نزدیک لاهیجان در طرف جنوب .
 - ۳ - در اطراف سخت سر بین گیلان و مازندران
 - ۴ - در نفت چاله چر که رود .
 - ۵ - در بیست و پنج کیلومتری شمال شرقی بار فروش .
 - ۶ - نزدیک ده اعظم در چهل کیلومتری جنوب شرقی ساری .
 - ۷ - در جنوب شرقی بندر جزو سمت جنوب شرقی بحر خزر .
 - ۸ - در مشرق بندر جز در نقطه معروف به گود محله .
 - ۹ - در جنوب خلیج جسینقلی .
 - ۱۰ - در شاه کوه و در جنوب استر آباد .
 - ۱۱ - در آذربایجان (خوی و اردبیل) .
 - ۱۲ - در سمنان (خوریان) .
- در نواحی فوق در بعضی قسمت‌ها چاه های کم عمق معمولی حفرو اهالی استفاده های مختصری از نفت آن مینمایند ، از برخی چاه ها گاز نیز خارج میشود . اساساً در این منطقه تحقیقات علمی دقیق و جزء بجزء نشده و ممکن است در نتیجه تفتیشات صحیحه و حفريات علمی غالب این معادن مخازن مهمی از نفت را تشکیل داده باشد . و تنها نقطه ای که در طرف شمال مشغول عملیات صحیحه علمی و فنی شده اند ناحیه خوریان است .
- شرح معادن نفت خوریان از راپرت مسیو هوفمان متخصص مساح که در سال ۱۳۰۸ برای بازدید آن بدان ناحیه مسافرت کرده است معلوم میشود .

جنوب غربی

قسمت عمده معادن نفت خیز ایران در سمت جنوب غربی در دامنه کوههای زاگرس واقع شده، این معادن خطی را تشکیل میدهد که از شمال غربی به جنوب شرقی ممتد و ابتدای آن از معادن نفت موصل شروع و منتهی الیه آن در شاه کوه نزدیک قصر شیرین است. این خط به سمت شمال و جنوب نیز امتداد می یابد زیرا در نواحی پشت کوه و کبیر کوه و ناحیه بختیاری و رامهرمز و مسجد سلیمان و خوزستان نیز آثار معادن نفت موجود میباشد.

معادن نفت مسجد سلیمان که فعلاً مرکز ناحیه نفت خیز جنوب میباشد در بین دره های طویل و باریک مختلف شکل واقع شده که آنها هم بنوبه خود در میان چند رشته تپه هائیکه بتدریج مرتفع شده قرار گرفته و همین ارتفاعات است که جبال عظیم جنوب ایران را تشکیل میدهد. طول این دره ها تقریباً هشت فرسخ و هریک از آنها اسم مخصوصی دارد مانند زلوی که در یک گوشه و چوب سرخ که در گوشه دیگر آن موجود است و لی کلیه این نقاط بمسجد سلیمان و میدان نفتون موسوم میباشد.

در قعر ناحیه مذکور قشری از سنگ آهک متخلخل بشکل کمر بند عریضی قرار گرفته که در سمت جنوب غربی این معادن قشر مزبور بواسطه چین خوردگی بیرون آمده و تشکیل کوه اسماری داده است قشر مزبور دارای مقادیر کثیر نفت میباشد و هنوز حدود این معادن بطور قطع معین نشده و بنا بر این مقدار نفتی که ذخیره گردیده معلوم نیست.

اگرچه وجود نفت در ایران در طی قرون گذشته بهمه کس مسلم و در زمان قدیم ایرانیها عادت باستعمال آن داشتند و گاهی آنرا مانند

اندود به زور قها، بمالیدند که از نفوذ آب جلوگیری نماید و بعضی اوقات بجای ساروج در بناها بکار میبردند و بند قیر معروف در خوزستان بهمین مناسبت باین اسم موسوم گشته و نفت شوشتر که در سابق معمول و در نقاشی برای روغن های مختلف استعمال میشده است ولی کسی با اهمیت محصول نفت و استفاده کلی که از آن حاصل میشود پی نبرده و تا سنه ۱۳۱۹ هجری (۱۹۰۱ مسیحی) در صفحات ایران عملیات فنی شروع نشده بود و فقط از نقطهائی که در سطح زمین پیدا بود استفاده محلی مختصری میشد.

در سنه ۱۹۰۱ مطابق صفر ۱۳۱۹ امتیاز معادن نفت ایران باستثنای ایالات خراسان، استرآباد، مازندران، گیلان، آذربایجان به موعده شصت سال به ویلیام داری و گذار شد و برای امتحانات اولیه در سال ۱۳۲۱ کمپانی با ششصد هزار لیره سرمایه با اسم کمپانی استخراجات تشکیل و بر طبق امتیاز نامه شروع بکار کردند.

مسئو داری بعد از تحصیل امتیاز ابتدا در قصر شیرین مشغول حفاری شد و تقریباً پانصد هزار لیره بدون حصول هیچگونه نتیجه بمصرف رسانید و بعد کمپانی بیرمانی را که شرکاء او بودند و بصیرتی در امور نفت داشتند تشویق نمود که در استخراج نفت ایران با او شرکت جویند تا اینکه در دره بی آب و علفی در وسط تپه های بختیاری که خرابه های مسجد سلیمان در آن واقع است و چشمه های متعدد نفت دارد شروع باقدام کردند. در این نقطه در خرداد ۱۲۸۷ شمسی يك چاه نفتی زده شد و چاه مزبور باندازه ای فوران داشت و بقدری نفت آن زیاد و سرشار بود که از فراز منجنیق آهین گذشته و باطراف میریخت کشف این چاه اسباب امیدواری شرکت نفت گردید.

مسجد سلیمان در دره رامهرمز و تقریباً بمسافت چهل فرسخ از ساحل دریا واقع گردیده جمعیت آن فعلاً به بیست و پنج هزار نفر میرسد. شرکت نفت جهت بسط معادن و ازدیاد محصول نفتی هر سال برای تجربه مقداری عملیات حفاری مینماید و چاههای جدید حفر میکند در سال اخیر چاه های متعددی در نواحی و اطراف میدان نفتون و میدان نفتک و مسجد سلیمان حفر کرده و نواحی امتحان شده قریب به هشت فرسخ و نیم است بعضی از این چاه ها استعداد زیاد دارد و از يك چاه موسوم به (F . ۷) متجاوز از بیست و دو میلیون خروار نفت ناکمون استخراج گردیده و اکنون چاه مزبور تحت الشعاع چاه های دیگر واقعست عده چاه های مسجد سلیمان حالیه به ۲۴ عده میرسد که تقریباً از شش چاه استفاده شده و بقیه چاه ها را دهانه بسته و برای ذخیره نگاهداشته اند و از همین رو میتوان عظمت این معادن را فهمید.

بر طبق راپورت مدیر کل شرکت نفت که در لندن در مجمع عمومی شرکاء قرائت شده چنین گفته است «بدون هیچ شبهه و تردیدی نظیر این معادن از حیث وسعت و از حیث مولد بودن در هیچ جای دنیا یافت نمی شود، فقط گازی که نواماً همه روزه با نفت خارج میشود بیش از ۱۴ میلیون متر مکعب است که چندان مورد استفاده واقع نگردیده ولی شرکت در صدد ایجاد موسسات لازمه برای استفاده گاز میباشد». معادن مسجد سلیمان با منتهی درجه دقت و مطابق آخرین اصول علمی کاوش شده و مرکز عمده فعالیت امور معدنی و استخراجی است. منطقه نفت در این قسمت تقریباً پنج فرسخ و نیم طول دارد « F . ۷ » سابق الذکر پس از يك عمر ۱۵ ساله دائمی تزلزل ناپذیر برای حفظ

گاز مسدود گردیده ، لوله نفت بكمك تلمبه های مخصوص هفده هزارتن نفت را جریان میدهد ولی قدرت تلمبه های مزبور بیش از اینها است. در جنوب شرقی مسجد سلیمان ناحیه ای جدیداً کشف و عملیات حفاری در آن شروع گردیده و اخیراً چاهی در آن حفر شده که محصول روزانه آن هشتصد تن (تقریباً دو هزار و پانصد خروار) است، عملیات در ناحیه هفت گل و ماماتین که تقریباً در ۹ فرسخ جنوب شرقی مسجد سلیمان واقع است روز بروز توسعه می یابد و در ۱۳۰۹ محوطه تحت الارضی محتوی نفت که طول آن تقریباً بالغ بر دو فرسخ و نیم و عرض آن نزدیک به نیم فرسخ و عمق عمودی آن متجاوز از ۱۶۰۰ یا میباشد کشف گردیده ، یکی از چاههای هفت گل در موقع امتحان ۵۴۵۰ تن نفت در ۲۴ ساعت بیرون داده ، اگر سراین چاه باز شود محصول آن مطابق با بزرگترین چاه های دنیا خواهد شد ، در ماه نوامبر ۱۹۲۸ معادن هفت گل با خط لوله به آبادان وصل و اکنون منظمأ از محصول آن استفاده میشود .

چاه های نفت ایران فوق العاده سرشار و با فشار زیاد نفت را خارج میکند . تصفیه خانه در جزیره آبادان در مصب شط العرب و رود کارون ساخته شده و قریب شصت فرسخ لوله آهنی برای عبور نفت از میدان نفتون تا آبادان کشیده شده است . تصفیه خانه آبادان در سنه ۱۳۰۶ دو میلیون و نهصد و پنجاه هزار تن نفت تصفیه نموده است تصفیه خانه مزبور به تنهایی روزی ۱۳ هزار تن تصفیه مینماید و دارای سه دستگاه کارخانه جات تقطیر میباشد که هر يك میتواند در هر روز ۴ هزار تن تقطیر کنند و انبارهای نفت نیز گنجایش دو میلیون تن نفت را دارد برای پاك کردن دهانه شط العرب و نزدیک شدن سفاین برای

حمل و نقل نفت اقداماتی شده و باین ترتیب هر ماهه در آبادان سفاین
 قریب صد هزار تن بارگیری مینمایند. یکی از تغییرات عمده ای که
 در تصفیه خانه بعمل آمده عبارت از تقطیر نفت خام است که سابقاً
 دو دوره در آن عمل میشد و اکنون باین عمل صورت میگیرد
 بعلاوه آلات و ادواتی تهیه شده است که برای تبدیل نفت خام بنزین
 و غیره بکار میرود. عمل تصفیه عبارت ساده از اینقرار است که نفت
 داخل ظرف بزرگ یاسماوزی میگردد و باندازه بآن حرارت داده میشود
 که تبخیر شده و از لوله هائی که وسط آب سرد عبور میکند گذشته
 سپس مبدل بمایع میشود اولین بخاری که از سماور مزبور خارج میگردد
 بنزین است که چون بمایع تبدیل گردد تمام اجزاء متعفن و کثیف آن
 از بین میرود، بعد درجه حرارت سماور را زیاد میکنند تا بخار ثانی
 که نفت چراغ است از آن خارج شود، باز بهمان طریق سابق این
 بخار نیز مایع شده و بوسیله اعمال شیمیائی تبدیل به نفت میشود که
 بدون بو و باروشنائی خوب میسوزد.

کلیه نفت استخراجی دنیا در سال تقریباً ۱۴۵ میلیون تن است
 که از این مقدار هفتاد درصد متعلق بامریکای شمالی و ایران چهارمین
 یا پنجمین مملکت نفت خیز دنیا محسوب است.

شرکت نفت ایران و انگلیس دارای هشتاد کشتی است که ظرفیت
 هر یک ده هزار تن میباشد، بندر آبادان یکی از بنادر مهم و همه
 ساله متجاوز از شصت کشتی برای حمل نفت بانجا وارد و خارج
 میشود و هر ماهه چهل الی پنجاه کشتی در این بندر بارگیری
 مینمایند و تقریباً روزی یک کشتی که حامل نفت ایران است از

کانال سوئز عبور میکند. این شرکت همه ساله در ایران دویست و پنجاه هزار تن مصالح کار میکند. تقریباً سیصد فرسخ راه در محوطه معادن نفت جنوب ساخته شده که یکصد و پنجاه فرسخ آن را میتوان در عداد راه های درجه اول دنیا محسوب داشت.

فارس (۱). ناحیه فارس تقریباً شامل تمام قسمت جنوبی ایران می باشد

از شمال محدود است به بلوک قمشه ولایت اصفهان - از طرف مشرق به یزد بلوک سیرجان و بلوچستان - از طرف مغرب به ناحیه بختیاری بلوک رامهرمز و بلوک فلاحیه (خوزستان) - از طرف جنوب به باب هرمز و خلیج فارس

طول ایالت فارس از جنوب شرقی به سمت مغرب از جاسک به زیدون به موازات ساحل خلیج فارس ۱۱۲۸ کیلومتر عرض ایالت مزبور از خیر آباد تا بندر بوشهر ۵۰۴ کیلومتر

ناحیه فارس که از جنوب به خلیج فارس و از شمال به

(۱) در فارس نامه آمده است که مملکت فارس دارالملک پادشاهان ایران بوده است و مشهور است که ایشان اگرچه در تمامت ایران حکم داشته اند ملوک فارس خوانده اند و قدرت و شوکتشان چنانکه اکثر پادشاهان ربع مسکون خراج گذار ایشان بوده اند و کلام مجید از قدرت و شوکت ایشان خبر میدهد و حضرت رسول صلعم در حق فارس فرموده بدین جهت اهل آنجا را اخیار الفارس خوانند حقوق دیوانی فارس بر دفاتر دیوانی دویست و هشتاد هفت تومان و یک هزار و دویست دینار رایج است و در ولایت اکثر محصول میستانند و از آن شهرها بتمغا مقرر است.

صحرای آباده و یزد خواست محدود میشود معبر سلسله جبال
عبدیه می باشد که سابقاً آتش فشانی بوده و از حیث معادن غنی است
ارتفاع آنها در دالکی ۷۳۳ متر و تا خان خوره تا ۲۰۳۷ متر
تغییر می نماید.

پرس پلیس قدیم که در ۵۴ کیلو متری شیراز واقع شده
۱۷۹۰ متر ارتفاع دارد سلسله جبال دینار که در شمال شیراز است
مرتفع ترین قله آن به ۵۰۰۰ متر بالغ میگردد - سلاسل لارستان در امتداد
ساحل خلیج فارس تا تنگه هرمز امتداد دارند . در شمال ناحیه فارس
دریاچه بیچکان واقع شده که محیط آن غیر منظم و بالغ بر ۳۰۰
کیلو متر میگردد . دریاچه مزبور در یکی از دره های جبال قرب
خرابه های پرس پلیس واقع گشته این دریاچه باسم نیریز نیز خوانده
میشود چندین رودخانه در آن داخل میگردد که مهمترین آنها رودخانه
کام فیروز یا بلوار است. (۱)

هوای فارس بر حسب نواحی آن متغیر است : در جوار نواحی
نسباً گرم نواحی معتدل و نواحی که تقریباً سرد هستند یافت میشود
این تغییر هوا خود یکی از علل اصلی نقل و انتقال طوائف محلی بوده است
زمین فارس همه جا حاصل خیز است در مغرب یلک من بندر چندین
صد صد من محصول میدهد . در موغستان واقع در انتهای جنوب

(۱) این دریاچه را عموم جغرافیون بختکان ذکر کرده اند ولی
در محال نیریز اهالی آنرا پیچکان گویند و علت این اسم آنکه این
دریاچه بسیار پر پیچ و خم است و این اسم کاملاً طبیعی است ولی
بختکان از بختی بمعنای شتر مست بسیار نجسب بنظر میرسد .

شرقی فاروس محصولات مناطق حاره از قبیل گردو ، نارجیل ، تمبر و انبه بعمل می آید - در بلوك فسا ، خفر و فیروز آباد هوا معتدل و در يك باغ در جوار یکدیگر درختهای خرماي جوان و کهن سال و اشجار كوچك مانند گیلاس یافت می شود .

ایالت مزبور دارای معادنی از قبل سرب ، نفت ، نمك طعام شوره ، مس ، زغال سنگ و غیره میباشد . معادن بیشتر در ناحیه ساحلی و در جزائر تنگه هرمز واقع شده . در اطراف بوشهر نفت قیر و سنگ سمان یافت میشود . در طرف تنگه هرمز معادن کوگرد ، نمك و زاج سفید و قیر مشاهده گردیده . معدن خاك قرمز در جزایر هرمز و لارك یافت میشود و در ناحیه بندر عباس آثار کوره های قدیمی نوب فلزات مشاهده میشود که معلوم میسازد سابقاً در آنجا زغال سنگ ، آهن و زاج سفید استخراج می شده -

در بهبهان خصوصاً در تنك تگا و قیر و مومیائی بسیار اعلی دیده میشود صادرات عمده فارس عبارت است از تنباکو ، خرما ، مرکبات ، بشم قالی و قالیچه و غیره

فارس شامل ۶۳ بلوك است که ۷ بلوك آن بترتیب ذیل جزء نواحی دیگرند ۱ - ابرقو جزو اصفهان - ناحیه ۲ - فلردش جزو کرمان - جزو بختیاری - ۳ - بشاگرد جزو کرمان - ۴ - جانکی جزو بختیاری - ۵ - رام هرمز جزو بختیاری - ۶ - هرات و مروست جزو یزد

در سنه ۱۲۹۱ شمسی رئیسی برای تشکیلات ایالات و ولایات از طرف وزارت داخله تعیین شده و آن هیئت تقسیمات ذیلرا جهت فارس پیشنهاد و تصویب نمودند .

۱ - حومه شیراز - ۲ آباده ۳ - ولایات قشقائی - ۴ - کهکیلو

۵ - ولایات مرکزی - ۶ ولایات خمه - ۷ نیریز - ۸ لارستان
 شیراز (۱) - مقر حکومت ایالت فارس شیراز است و حومه شیراز بلوکیست
 محدود از طرف شمال به بلوک مرو دشت و رامجرد - از طرف مشرق
 به بلوک کرمان از جنوب به بلوک سیاح - از مغرب به بلوک کومره -

شیراز (۱) - از اقلیم سیم است و شهر اسلامی قبه الاسلام
 آن دیار بروایتی شیراز بن طهمورث ساخته بود و خراب شد و بقولی در
 زمان سابق بر آن زمین شهر فارس نام بوده است و به فارس بن ماسور بن
 سام بن نوح منسوب است و صح آنکه بزمان اسلام محمد بن یوسف ثقفی
 برادر حجاج بن یوسف ساخت و تجدید عمارتش کرد و بروایتی عمه
 زاده اش محمد بن قاسم بن ابی عقیل تجدید کرد تاریخ تجدید عمارتش
 سنه اربع و سبعین هجری طالع برج سنبله در عهد عضدالدوله دیلمی آن
 شهر چنان معمور شد که در و جای لشکرش نماند در قبلی شیراز قصبه
 ساخت و لشکریان را درو نشاند فدا خسرو گرد خوانندی و عوام سوق الامیر
 خواندندی و این قصبه بمربله رسید که بیست هزار دینار حاصل
 داشت اما اکنون خراب است و داخل قرای حومه شده و شیراز را
 تا زمان صمصام الدوله بن عضدالدوله بارو نبود از جهت دفع اعدا آنرا
 بارو کشید دورش دوازده هزار و پانصد گام است و در این تاریخ خرابی
 بجالاو راه یافته بود ملک شرف الدین محمود شله اینجو تجدید عمارت
 بارو کرد و بر بالای آن بروج جهت محافظان از آجر خانه ها ساخت شهر
 شیراز هفده محله است و نه دروازه دارد استخر و دراک موسی و بیضاو
 کازرون و سلم و فسا و باب نو و دولت و سعادت شهر در غایت خوشی
 است اما کوچه هایش بسیار کثیف است .

طول شهر شیراز از مهارلو به خلر - ۱۰۲ کیلو مترو عرض از زرقان
به شاهپور جان - ۴۲ کیلو متر

بلوك حومه شیراز دارای هوایی معتدل میباشد و مخصوصاً از
قنوات مشروب میگردد. اقسام میوه جات ممالك سردسیر از قبیل انار

بقیه صفحه قبل

هوایش معتدل است و پیوسته همه کاری درو توان کرد و اکثر اوقات
روی بازارش از ریاحین خالی نبود آبش از قنوات است و بهترین آب
کاریز رکنا باد است که رکن الدوله حسن بن بویه دیلمی اخراج کرد
قلات بندر که بکت سعدی مشهور است و هرگز بعمارت محتاج نمیشود
و در بهار سیلاب از کوه دراک میآید و بر ظاهر شهر می گذرد و به
بحیره ما هلو به میرود و ارتفاعات آنجا وسط است و بیشتر اوقات سعر
خوردنی بالا باشد از میوه هاش انگور مثقالی بغایت نیکو است و در آن
شهر درخت سرو را نموی نیکو بقوت است مردم آنجا اکثر واسمرو
سنی شافعی مذهبند و اندک حنفی و شیعه نیز باشند و در اوسادات
بزرگ صحیح النسب اند و آثار الرسول صلعم دارند

و اکثر نکو دارد و اهل آنجا درویش نهاد و پاک اعتقاد باشند و
بکمتر کسی قانع از گدیه محترز باشد و البته بکسی مشغول
اکثر اهل آنجا در خیرات ساعی اند و در طاعت و عبادت حق
تعالی درجه عالی دارند و هرگز آن مقام از اولیا خالی نبوده است و بدین
سبب او را برج اولیا گفته اند اما اکنون بسبب نا انصافی و طمع

انجیر و غیره در آن بعمل می آید. محصولات عمده اش عبارتند از :
غلات ، پنبه ، برنج و تریاک .

سکنه حومه شیراز به ۴۵۰۰۰ نفر بالغ میگردد باستثنای سکنه

بقیه از صفحه قبل

اشفیا کمی تغییر یافته و در آن شهر جامه عتیق عمر بن لیث ساخته است و گفته اند آن مقام هرگز خالی نبوده وین مهرباب و منبر دعا را اجابت بود و مسجد جدید اتابک سعد بن زنگی سفری کرد و مسجد سنقر در خرگاه تراشان و بعد به اتابک سنقر بن مودو سفری منسوب است و دارالشفای به عضدالدوله و دیگر جامع ها و خوانق و مدارس و مساجد و ابواب الخیر که ارباب تمول ساخته اند بسیار است همانا از پانصد بقعه در گذرد و بدان موقوفات بی شمار اما از آن کم بمنصب استحقاق میرسد و در آنجا مزارات متبر که مثل امامزادگان محمد و احمد بن موسی الکاظم رضی الله و شیخ ابو عبدالله خفیف که آنرا اتابک زنگی سلغوری عمارت کرد و وقف همین فرمود و شیخ بهلول مرمت عمارتش کرد و بابا کوهی و شیخ روزبهان و شیخ سعدی و حاجی رکن الدین رازگو و امثال آن فراوان است چه در اکثر مدارس و خوانق و مساجد نیز مقابر خاص است و عموم مقابرش بعضی در اندرون شهر است و برخی در بیرون و چند موضوع متفرق اند و حقوق دیوانی شصت و هفت فقره است و اکنون چهار صد و پنجاه هزار دینار زمینی آنجا است و ولایتش تمامت فارس از توابع اوست آنچه بدان شهر مخصوص است ، و حوالی آنرا حومه میخوانند و هجده پاره دیه است و آبش از قنوات و دره ها مانند شیراز حاصلش غله و پنبه بود « ترهة القوب »

شیراز و مشتمل است بر قراء ذیل :

احمدآباد- اجوار- ارزنان- زر خان- امیری- انجیره- ایزدخواست
 بابونك - برمه دلك - برمه شور - برین - پس كوهك - پل برنجی -
 یددزد- ترکان - تلخودشت - خاتونك حسین آباد - دارنان دشت چنار .
 شهر شیراز که نسبت به تمام ایالت فارس دارای مرکزیت و مقر حکومت ایالت
 مزبور می باشد در مرکز فارس واقع گردیده و تقریباً ۵۰ هزار نفر سکنه دارد .
 اهمیت موقعیت این شهر چنانکه سابقاً نیز اشاره شد بواسطه واقع
 بودن آن در مرکز ایالت و معبر ییلاق و قشلاق ایلات قشقائی همچنین
 فاصله بودن بین طوائف خمسه و ایل قشقائی میباشد از طرفی هم در
 شاه راه بوشهر بطهران واقع است که از لحاظ مزبوره حائز موقعیت
 نظامی و تجارنی میباشد .

شیراز در قدیم یکی از مراکز مهمه تجارت و صناعت و
 دارالعلم بشمار میآمده منسوجات آن از قبیل حریر ' قدك ' شال های
 پشمی و صنایع ظریفه اش مشهور بوده اکنون نیز صنعت زرگری ،
 مفضض کاری ، خاتم سازی ، منبت کاری آن دارای امتیاز خاص است .
 محصولات صادره اش ، تنباکو ، آب لیمو ، مرباجات ، شراب ،
 خرما ، حصیر ، فرشهای پشمی و پنبه و ترباك میباشد . محصولات وارده اش
 بیشتر از سمت انگلستان و هندوستان از طریق خلیج فارس است .

شهر شیراز دارای ابنیه عتیقه از قبیل مسجدنو ، مدرسه خان
 بازار وکیل ، مسجد جمعه و باغات معروف از قبیل باغ جهانماودلگشاست

از مشاهیر و ادبای این شهر حافظ، سعدی، و سیبویه نحوی است
از محلات معروف آن محله خلر، میدان شاه و غیره میباشد.
آبادیه - مرکز این ناحیه که همین اسم معروف است منزلگاه جاده اصفهان
بشیراز محسوب میگردد و از لحاظ نظامی کلید ایالت فارس بشمار میرود
اهمیت آن نیز بواسطه فاصله بودن بین قشقائی و خمسه است که معبر آمد و شد
طوایف بادیه نشین بطرف یزد و اصفهان بوده و بالاخره مجارست جاده
اصفهان بیوشهر را تا شهر شیراز تأمین میسازد.
بلوکات آبادیه بقرار ذیل است:

بلوک آبادیه اقلید - هوایش سرد و اراضی آن بوسیله قنوات و
چشمه سارها و برخی رودخانه هائی که از کوه ها جاری هستند مشروب
میشود - از محصولات آن: غلات، ترباک، کرچک، کنجد و میوه جات
و از صنایع آن منبت سازی و تجارت عمده اش ترباک است - جمعیت
کلیه بلوک بالغ بر ۴۰۰۰۰ نفر میشود

مرکزش شهر آبادیه پنجهزار نفر سکنه
و دیگر اقلید که ۱۵۰۰ خانوار جمعیت دارد قراء معروفش عبارتند از:
اسحق آباد، اسد آباد، امیر آباد ایزد خواست، بزدک، تخت،
جرموزق، چنار، حسین آباد، بم ناز، دوق دشت بیضا، سوری، کنگون
مبارک، همت آباد، منچهر، مرزعه خان
بلوک مشهد مرغاب - جمعیت آن بالغ بر سه هزار نفر می شود
مرکزش باسم مرغاب و از قصبایش، ده نو، قادر آباد، کرد شول
و مشهد ام النبی است.

بلوک مرو دشت - هوایش معتدل اراضیش از رودخانه پلوار

مشروب میگردد - از محصولات آن غلات ، برنج ، نریاک ، پنبه است -
 جمعیت کلیه بلوک بالغ بر ۲۰ هزار نفر میشود - مرکز باسم فتح آباد
 و بلوک مزبور سه قسمت : خفرك عليا ، خفرك سفلى و مرو دشت تقسیم
 میگردد - :

خرابه های قدیمی ابنیه هخامنشی در مرو دشت یافت می شود که
 اولین آثار مزبور خرابه های با عظمت پرس پلیس است . (نخت جمشید)
بلوک ماین - واقع در جنوب کمین و مرو دشت دارای هوایی سرد
 میباشد از محصولات آن : غلات ، برنج ، پنبه و نخود است مرکز آن : نیز
 باسم ماین معروف و از قراء آن : امامزاده اسمعیل ، بیدگل ، سعادت آباد ،
 سهل آباد - گربه خان ، گردان و گندازی است .

بلوک رامجرد - واقع در جنوب بلوک ماین از رودخانه کام فیروز
 مشروب میگردد رود مزبور پس از خروج از این بلوک باسم رودخانه کر
 نامید شده و دارای سد آبیاری می باشد .

محصولات زراعتی این بلوک عبارتند از غلات ، برنج ، پنبه و کمنجد
 جمعیت آن بالغ بر ۱۴۰۰۰ نفر و مرکز باسم جاشینان و قصباش
 آباده اویخان ، اسفدران جنگی ، جهان آباد ، درود ، رازنخان ، زراره ،
 خراباد و غیره است .

بلوک بیضا - واقع در جنوب رامجرد دارای هوایی سرد می باشد
 و در صورتیکه دشت بیضا فقط بوسیله چند چشمه و قنات مشروب می گردد
 معدنك بسیار حاصل خیز است - از محصولات آن برنج ، غلات ، پنبه ،
 و نریاک است عده سکنه بالغ بر ۲۰ هزار نفر میشود مرکز
 باسم تله بیضا و سایر قصبات آن : ابراهیم آباد ، بابل بام ، پشت باغ

تخت سنك ، تنك خیار ، جاری آباد ، جبان ، حاجی آباد ، ریجان
 زیاد آباد ، فخر آباد ، قوام چه ، ملوس جان ، مؤمن آباد (۱)
بلوا برج - واقع در مشرق کام فیروز هواش سرد و از محصولات
 آل غلات ، برنج ، نخود و عسل است . جمعیتش بالغ بر ۶۰۰۰ نفر
 میگردد . مرکزش باسم دشتك معروف و از قراء آن : حسام آباد ،
 حصار شهرک ، قصر خلیل و گل میان است

۲- ولایت قشقائی ولایت قشقائی مرکز است از ۱۴ بلوک

۱ - شش ناحیه ۲ - چهار دانگه ۳ - کام فیروز ۴ - اردکان
 ۵ - کازرون ۶ - خشت ۷ - جره و قامور ۸ - محله اربعه ۹ - فیروز آباد
 ۱۰ - میمند ۱۱ - افزر ۱۲ - خنج - ۱۳ - اهور میلانی ۱۴ - کاکان
شش ناحیه - وسعت و حدود این ناحیه ۲۱ فرسنگ مربع طول
 ۱۳۶ کیلومتر عرض ۶۶ کیلومتر - از شمال محدود است به ولایت
 اصفهان از مشرق به چهار دانگه و آباده اقلید - از مغرب به ناحیه
 بختیاری - از جنوب به کوه کیلویه آب و هوا و محصولات متوسط آب و هوای
 آن تا درجه سرد و محصولاتش عبارت از غلات می باشد . مرکزش قصبه
 سمیرم است

بشش ناحیه تقسیم میشود :

یادنا - حنا - سمیرم - فلرد - داردشت - دانك و مشتمل بر ۲۴
 قریه است .

(۱) برای اطلاع کامل و کافی بشیر از نامه ابوالعباس احمد بن

ابی الخیر زرکوب مراجعه شود

کام فیروز - وسعت و حدود ۹ فرسنگ طول آن ۵۴ کیلومتر و عرض ۳۰ کیلو متر از شمال به بلوک چهار دانگه از مشرق به بلوک رامجرد از جنوب به بلوک بیضا از مغرب به ناحیه ممسنی محدود میشود.

هوای آن معتدل محصولاتش غلات و برنج است . جمعیت - ۶۰۰۰ نفر مرکزش پلنگری . شتمل بر ۳۳ قریه است .

اردکان - وسعت ۵ فرسنگ طول و بک فرسنگ عرض از شمال ، جنوب و مغرب محدود می شود به ممسنی و از طرف شرق به لوکات کام فیروز هوای آن معتدل و از محصولاتش : چوب ، چمن ، غلات و میوه جات میباشد . سکنه بلوک اردکان را رها تشکیل میدهند مابین دو کوه مشجر بنا گردیده و رودخانه شش پیر از آن عبور مینماید . تجارت آن لوبیا کره است که بشیر از حمل مینمایند دارای یازده قریه که معروفترین آنها بابا کیان - خوش مکان و ده بید است . اردکان جای مصفای قشنگ و آب و هوایش سرد سیری است

کازرون - ۱۴ فرسنگ طول ۱۰ فرسنگ عرض دارد

بلوک کازرون محدود است از شمال به ممسنی از مشرق به بلوک کوه مره شگفت از جنوب به جره و خشت از مغرب به بلوک ماهور میلانی و خشت - هوای آن در تابستان گرم و در سایر فصول معتدل است اراضیش بسیار حاصلخیز و از محصولات آن غلات ، برنج ، توتون ، میوه جات و چوب است - سکنه اش بالغ بر ۳۵۰ هزار نفر مرکزش نیز بهمین اسم واقع در ۱۰۰ کیلو متری شیراز تجارت بلوک مزبور : فروش انجیر ، گردو ، بادام ، کشمش و آلو

است که اغلب بسمت غربستان و هندوستان صادر میگردد - شهر کازرون یکی از منازلگاه های عمده جاده بوشهر به شیراز محسوب و سکنه آن مرکب است از تجار ایرانی و هندی و از لحاظ جغرافیائی بلوک کازرون به کوه مره پشت کوه - کوه مره مشگلن تقسیم میگردد

خشت - بلوک خشت بطول ۸ و عرض ۷ فرسنگ از قریه رودك به سیاه منصور و از قریه جمیله به یلك رازی امتداد مییابد و محدود است از شمال به ناحیه ماهور میلانی از مشرق به بلوک کازرون از جنوب بدالکی از مغرب به ناحیه شبانکاره - بلوک مزبور در ۱۶۲ کیلومتری جنوب غربی شیراز واقع شده . هوای آن گرم و از رودخانه شاپور مشروب میگردد - بمقدار زیاد محصول غله ، تریاك ، پنبه ، برنج ، مرکبات و خرما در آن بعمل می آید .

سکنه اش ۱۱۰۰ نفر کرسی آن نیز باسم خشت معروف دارای ۵۰۰ خانوار جمعیت و قراء معروف آن باسامی ذیل است :

بزین - برکی سفلی ، برگی علیا - بیکزری - چقسنی - جمیله -
خشم چرون - خشم جنی

جره و فامور - ۷ فرسنگ در ۵ فرسنگ از شمال به فامور و بلوک

کازرون از مشرق بکوه مره از جنوب بفراش بند از مغرب به کازرون محدود میگردد - هوای آن گرم و از رودخانه جره و چشمه سار های عدیده

آبیاری میشود محصول آن خرما، مرکبات، غله، پنبه، برنج و تنباکواست. تمام بلوک ۵۰۰۰ نفر جمعیت دارد مرکزش باسم اشفاقان ۳۰۰ خانوار سکنه معروف میباشد - قراء عمده آن : ايلاك باغ دشت، بالاده. بلبلك تل گاو. خاتون. حسین آباد. خرم دین سفلی خرم دین علیا. سیدکان. شیب تنک

فامور - ۱۵ فرسنگ در نیم فرسنگ از قریه الك به باغ ترنجی امتداد آنست از شمال و مشرق و مغرب به بلوک کازرون و از جنوب ببلوک جره محدود میشود. هواش گرم و شغل اهالی ماهی گیری است - دارای ۱۳۰۰ نفر جمعیت و مرکزش باسم ده پاکاه ۱۰۰ خانوار سکنه میباشد مثبت سازی شیوع دارد دو قریه معروف آن باسم باغ ترنجی والک است.

فراش بند - بازده فرسنگ در سه فرسنگ امتدادش از قریه فراش بند به جانی آباد - شمال آن ببلوک کوه مره و جره از طرف مشرق ببلوک فیروز آباد از سمت جنوب و مغرب به نواحی دشت محدود میگردد هوای آن گرم و محصولاتش غلات و پنبه است - دارای ۶ هزار سکنه - مرکزش نیز به همین اسم معروف و از قراء آن : اسمعیل آباد - باد جون - جانی آباد خور مایک - دره سیاه - قنات باغ - کن آباد - نوجین - نیس آباد

محال اربعه - ۱۱ فرسخ در ۴ فرسخ از دشت وال به امامزاده شاهی از قریه پنج شیر به احمد آباد شمالا به فیروز آباد شرقاً به قیرو - کرزین جنوبا به فونج از طرف مغرب به بلوک دشتی محدود میشود.

هوای آن گرم و اراضیش جنگل زار است از محصولات. آن پنبه غلات، تنباکو، برنج مرکبات و خرما است - کلیه جمعیت بلوک به

۴۰۰۰ نفر بالغ میشود مرکزش باسم دهرم ۵۰۰ خانوار جمعیت دارد چنانچه از اسم آن استنباط میگردد دارای چهار ناحیه است. دهرم - دهرود هند - گام - رودبال

فیروز آباد - ۲۴ کیلو متر در ۱۲ کیلو متر از قریه جوشت به رسول و از کوشك به ده بم - حدود آن از طرف شمال بلوك خواجه از طرف مشرق بلوك میمند از سمت جنوب محله اربعه از مغرب فراش بند است هوایش معتدل و محصولاتش عبارت از چوب و برنج میباشد - این بلوك بسیار خوب آبیاری گردیده و بسهولت مشجر ساختن آن امکان پذیر است جمعیتش بالغ بر بازده هزار نفر مرکزش قصبه قهرجور و ۵۰۰ خانوار دارد .

میمند - ۹ کیلو متر در ۹ کیلو متر از صحرای سفید به قریه شبان کاره از طرف شمال بلوك خواجه مشرق بلوك خفر جنوب به ضمیمه آن از غرب فیروز آباد محدود میشود چون مابین نواحی حاره و نواحی سرد ایالت فارس واقع گردیده هوایش معتدل است محصولاتش بادام ، گلاب و میوه جات میباشد سکنه آن بالغ بر ۴ هزار نفر مرکزش نیز بهمین اسم دارای ۱۰۰ خانوار جمعیت قراء معروفش ده بالا شبان کاره و صحرای سفید است .

افزار - ۶۲ کیلو متر در ۱۵ کیلو متر از قریه نیم ده الی تنگه کلاه و زمین کمو الی کردل - حدود آن از شمال بلوك قیر و کازرین از مشرق جویم از جنوب خنج از مغرب محله اربعه است - هوایش گرم محصولاتش ، غلات ، پنبه ، برنج ، تنباکو ، خرما و مرکبات می باشد جمعیت آن بالغ بر ۵ هزار نفر مرکزش باسم نیم ده معروف

خنج - بطول ۹۰ کیلو متر و عرض ۵۴ کیلو متر از قریه بقرو تا کور ده و از تنگ بادنا چاه مینا - حدود آن از شمال بیدشهر افزار و اربعه از جنوب بلوک اسیر و علامرودشت غرب کلاه دار است - هوایش گرم میباشد - چون وضعیت آبیاری بلوک خوبست لذا محصولات غله ، تنباکو ، پنبه ، کنبجد و برنج بعمل میآید - جمعیتش بالغ بر ۹۰۰ نفر : مرکز آن نیز بهمین اسم ۵۰۰ خانوار جمعیت دارد -

کاکان - واقع در شمال ناحیه ممسنی هوایش بسیار سرد است و مشتمل است بر پنج قریه .

ولایت خمسه مشتمل بر اقامتگاه زمستانی و تابستانی طوایف خمسه میباشد - این ولایت تقریباً در تمام قسمت شرقی ایالت فارس و مجاور ولایت یزد ایالت کرمان قرار گرفته بلوک آن بشرح ذیل است .

بوانات - ۱۵۸ کیلو متر در ۱۱ کیلو متر از بناک الی جوب سفید هوای آن سرد و محصولاتش غلات ، تریاک و پنبه است - جمعیت آن بالغ بر ۱۶ هزار نفر مرکزش باسم سوریان معروف می باشد از صنایع آن منبت کاری و نجاریهای ظریفه - و محصول تجارتیش میوه جات خشک امور مالی بلوک بوانات و فونقری مشترک است -

فونقوری - ۲۶ کیلو متر در ۱۸ کیلو متر از قریه شاه آباد تا شاه ابوالقاسم - هوایش معتدل و محصول عمده اش غلات برنج ، پنبه و نخود - بالغ بر ده هزار نفوس بلوک مزبور فقط مقر تابستانی اعراب و مرکز این بلوک قازیان است .

سرچهان - ۳۶ کیلو متر در ۲۴ کیلو متر از قریه

حسن آباد بگل خنگان و از قریه چنار به حسامی - هوایش سرد بواسطه
حسن آبیاری بلوک مزبور غلات تریاک و پنبه بمقدار زیاد در آن بعمل
میآید دارای ۶ هزار نفر سکنه مرکزش باسم گوخنگان ۷۰۰ خانوار
جمعیت دارد .

آباد طشک - ۷۲ در ۱۵ کیلو متر از حسین آباد به
طشک و از دریاچه پیچگان تا قصبه آباد - هوایش معتدل و از محصولات
آن ، پنبه ، غلات ، تریاک ، کنجد ، کرچک و انگور است - دارای
۴۵۰۰ نفر جمعیت - مرکزش باسم آباد معروف - تجارت آن تریاک
و بادام است .

دربگرد - (قدیم کوره دارا) ۱۰۲ کیلومتر در ۴۸ کیلو
متر از قریه لای زنگوبه دبران و از علی آباد به گرم آباد امتداد میابد
هوایش گرم ولی دارای اراضی خوبی است و بواسطه حسن آبیاری
محصولات فراوان از قبیل غلات ، تنباکو ، خرما ، مرکبات ، پنبه و برنج
دارد - جمعیت آن به ۳۶ هزار نفر بالغ میگردد مرکزش شهر داراب با
هزار نفر سکنه - اتمه تجارتی آن انجیر ، تریاک ، پشم تنباکوقلمه گل
سرخ میباشد .

فسا - ۶۶ کیلو متر در ۲۴ کیلو متر - از قریه و نیره علیا
تا نصیر آباد و واصل آباد تا ده دشت - هوایش گرم ولی دارای
ارضی قابل زراعت و بخوبی آبیاری میشود ، محصولاتش غلات ، پنبه ،
تریاک ، و برنج است - جمعیت آن بالغ بر ۴۰ هزار نفر و مرکز قصبه
فسا دارای ۲ هزار سکنه - صاحب قراء و آبادیهای متعدد میباشد
مجال سبزه - هوایش گرم است باستانی نواحی خشن آباد و

فرقان بلوك مزبور در قسمت گرم سیرش خرما، غلات، برنج و تنباکو حاصل میدهد و در قسمت سرد سیر انگور، قلمه گن سرخ محصول آنست که بسمت هندوستان حمل میشود - جمعیتش ۱۶ هزار نفر مرکزش به اسم فرك دارای ۳ هزار سکنه - محال مزبور چنانچه از اسم آن استنباط میگردد دارای ۷ ناحیه فرك - بیونج - خشن آباد - طارم - فارقان - فین - گله گاه است .

رودان احمدی - ۱۸۰ کیلو متر در ۶ کیلو متر از احمدی
الی شندو - از طرف شمال بجیرفت کرمان مشرق بشاکرد کرمان جنوب عباسی و غرب به محال سبعة محدود است هوایش گرم و بخوبی آبیاری گردیده محصولاتش مرکبات، غلات، برنج و نیل است - جمعیت کلیه بلوك بالغ بر ۹ هزار نفوس و مرکزش باسم ده بارز معروف است :
جهرم - ۷۲ کیلو متر در ۱۸ کیلو متر از قریه کوش الی
قریه معروف به سیستان - از طرف شمال بیلوك خفر و فسا مشرق به دارابگرد غرب به قیرو کرازین محدود میشود - هوایش معتدل و اراضیش بوسیله قنات مشروب میگردد از محصولات آن غلات، تریاك، پنبه تنباکو و خرما است اشجار خرماي جهرم بواسطه محصول فوق العاده که میدهند معروف میباشند (۱)

سکنه اش بالغ بر ۳۵ هزار نفوس - تجارت اهالی خرما و تنباکو است - مرکز بلوك نیز باسم جهرم معروف دارای چهار هزار نفر جمعیت میباشد در مشرق قصبه جهرم بفاصله ۴۸ کیلو متر قلعه مستحکمی است

(۱) درخت خرما تا ۱۸۰ من خرما در سال میدهد

که سابقاً محل ساختن عده نظامی بوده .

کمین - از طرف شمال بمشهد مرغاب مشرق به قونقری جنوب ارسنجان غرب به مائین و مرو دشت محدود میگردد . هوای آن معتدل و از رودخانه مرغاب آبیاری میشود - محصولات آن غلات ، کنجد پنبه و انگور است عده نفوسش بالغ بر ۴ هزار نفر - مرکز آن وکیلک نام دارد

ارسنجان - ۳۰ کیلو متر در ۱۸ کیلو متر از نجف آبادان بقصه ارسنجان و از کلات خوار الی جلو دار - از طرف شمال به کمین جنوب بیلوک کربال مشرق به آباده طشک غرب بیلوک مرو دشت محدود است هوایش معتدل آب فراوان و بخوبی آبیاری گردیده دامنه جبال آن مشجر است محصولاتش غلات ، پنبه ، برنج ، تریاک و میوه جات میباشد دارای ۹ هزار نفر سکنه و مرکزش نیز با اسم ارسنجان معروف .

کربال - ۷۹ کیلو متر در ۱۵ کیلو متر از پل تلخ به بندامیر و از خرم آباد به خیر آباد - از طرف شمال بارسنجان و مرو دشت مشرق به دریاچه پیچگان جنوب بسروستای غرب بحومه شیراز محدود است هوای آن بطور کلی معتدل و ملایم ولی در مجاورت رودخانه ها و مرداب ها مرطوبی میباشد -

بلوک مزبور بیشتر از رودخانه پلوار مشروب میگردد - محصول عمده اش برنج است . طغیانهای فصلی غالباً مانع برداشت محصول گندم جو میگردد ،

سروستان - ۲۳ کیلو متر در ۲۱ کیلو متر از بوکت بنظر آباد و از ترنگ به شور از طرف شمال بیلوک کربال و حومه شیراز جنوب بخفر مشرق به فسا غرب به کوار محدود است هوایش معتدل محصولاتش

ترياك ، پنبه ، غلات ، تنباکو و میوه جات میباشد - تجارت میوه اش رونق دارد مرکز آن نیز با سم سروستان دارای ۱۳۰۰ خانوار جمعیت است ،

ولایت لارستان - از طرف شمال بمحله سبعة داراگرد ، جویم خونج و گله دار - مشرق ببلوک عباسی - جنوب به خلیج فارس - غرب بخنج و علامرو دشت محدود میشود .

هوای آن خیلی گرم است و از حیث حرارت هوای جلگه و دشت با هوای نواحی کوهستانی آن تفاوتی ندارد - در جبال برف بیش از چند ساعت دوام نمیکند و شبانم در زمستان نادر است - این قطعه دارای عوارض و جبال متعدده است - چشمه های آب شیرین در آن نادر ولی بعضی دارای میاه گوگردی و قلیائی و نیز دارای شکار از قبیل بز کوهی - قوچ کبک - بلدرچین است .

ناحیه لارستان مشجر است و در اینجا اقسام مختلفه درخت سدر سفیدار و کاج یافت میشود . چوب درخت اخیر فوق العاده محکم و سخت و برای مصرف منبت کاری خوب اهالی محل این چوب را برای پوشش سقف عمارات بکار می برند . باران زیاد می بارد و در سالهای خوب ممکن است از يك كيلو بذر ۱۰۰ كيلو محصول برداشت نمود .

آب مشروب آب باران است که در آب انبار ها جمع میکنند - هر يك از قراء لارستان دارای يك الى دو از این قبیل آب انبار هائی باشد که عمق آنها ممکن است به ۱۸۰ الى ۲۰ متر برسد برای احتیاجات زراعت آب بعضی چاه ها استعمال میشود .

محصولات ناحیه مزبور عبارتند از ترياك ، خردل خرما ، و پنبه

محصولات مزبور اساس صادره مهم آن را تشكيل ميدهند - در اینجا تجارت شتر تا چندی قبل نيز يك تجارت مهم محسوب ميگردیده سکنه اصولاً از ماهی تغذیه می نمایند جمعیت آن بالغ بر ۸۰۰۰۰ نفر مرکز ناحیه باسم لار ۲۵۰۰ خانوار جمعیت حومه آن مشتمل بر ۳۷ قریه میباشد

عباسی - از بندر خمیر بجاسک و از نخته سردر به شقو ۳۷۲ در ۳۶ کیلو متر است از طرف شمال برودان احمدی و محال سبعة از مشرق به بلوچستان و بلوک بشاگرد از جنوب بدریای عمان و تنگه هرمز از مغرب بلارستان محدود میشود هوای آن گرم و ناسالم اراضیش کم آب است محصولات عمده اش انبه - تمر - خرما - و مرکبات میباشد درخت نارگیل میروید ولی ثمر نمیدهد .

جمعیت ناحیه بطور بالغ بر ۵۰۰۰۰ نفر و مرکز بندر عباس است این بندر از شمال محدود بکوه کیو است که مشرف بدریا میشود و از سمت جنوب تنگه هرمز جزایر قسم و هرمز آنرا حمایت میکنند بلوکات آن بقرار ذیل است .

ایسین تازیان - از قریه تابند الی سرخان مرکز باسم ایسین معروف است .

شمیل - از قریه چوچ به تخت و از کهرمند به تنگ مرکز باسم همین بلوک نامیده میشود .

مضافات - از قریه نخل ناخدا به بندر خمیر و از کوش تا خان سرخ مرکز بندر عباسی میباشد .

موغستان - از بندر جاسک الی زیارت امتداد دارد ناحیه است

گرم مرکزش باسم ريارث موسوم میباشد .

میناب - از کرمان تا کلمی و از ردانك تا کلمی امتداد دارد رود خانه هائی که از این ناحیه داخل دریامیشوند شور میباشد فقط رودهای كوچك دشتی و میناب دارای آب قابل شرب آب و هوايش گرم زمينش حاصل خيز و اغلب گلزار محصولاتش خرماست .
سکنه این بلوك بالغ بر ۱۵۰۰۰ نفر میشود مرکزش باسم میناب معروف است .

جزیره قشم و هرمز - جزیره قشم در ۳۰ کیلومتری جنوب بندر عباس واقع شده این جزیره از بزرگترین و مهم ترین جزایر خلیج فارس و از قریه قشم تا با سعید بطول ۱۴۴ کیلومتر و عرض ۱۸ کیلو متر امتداد دارد محصول آن غلات و نخل است رودخانه بهیچ وجه ندارد چشمه آب نیز در آب نادر است اهالی از آب چاه و آب باران زندگی و زراعت میکنند «۱» مرکز جزیره قشم قصبه قشم است دارای ۸۰۰ سکنه مرکب از ایرانی عرب و هندی میباشد این جزیره از حیث معادن غنی است .

جزیره هرمز - در ۳۴ کیلومتری جنوب شرقی بندر عباس است «۱» زمینش غیر قابل زراعت و فاقد آب جاری میباشد دارای معادن باقوت کوگرد نوك و غیره نیز هست جزیره مزبور دفاعگاه خوبی برای «۱» در يك قسمت ارفارش رود خانه بهیچ وجه دیده نمیشود و اگر هم رود خانه ای جریان دارد آبش شور و غیر قابل شرب است زراعت عموماً در این مکانها دیم «گندم و جو خصوصاً انگور است» و اگر هم زراعت آبی «فاریاب» در قسمتی بعمل آید بیشتر از آب چاه های

برای باب هرمز و بندر عباس محسوب میگردد و در جوار این جزیره جزیره لارك و جزیره كوچك بستانه قرار دارد كه از لحاظ طبیعی جزو تنگه هرمز است.

دشتی - این ولایت مابین دشتیان و لارستان واقع و در امتداد سواحل ازبندر كوچك طین تادماغه زبارت است از طرف شمال شرقی ولایت قشقائی از جنوب شرقی لارستان و از شمال غربی دشتستان راجد امیاسازد. ناحیه ایست كوهستانی آب و هوایش گرم و محصولات عمده آن غلات و خرماسه شكار فراوان نیز دارد جمعیتش بالغ بر ۱۶ هزار نفر مركز آن باسم كانی دارای ۵۰۰ خانوار و ۱۰ بلوك میباشد بقرار ذیل

بردستان - از قریه یز تو تانودراز و از آبدان تا بندر دیر ۵۴ کیلومتر در ۴۲ کیلومتر امتداد دارد مركزش نیز بهمین اسم دیر گفته میشود دارای ۴۰۰ خانوار جمعیت است.

بلوك - از قریه پشت باز تا تنك رود و از راه بتوناتله هوایش نسبتاً معتدل اراضیش حاصلخیز و دارای شكار فراوان میباشد. مركزش باسم بشكان معروف.

بقیه صفحه قبل

بزرگ «گاو چاه» توسط مادیان و گاو آب کشی میکنند. در اغلب بیابانها و دهات آب انبارهای بزرگی دیده میشود كه در فصل زمستان و بهار از آب باران پر شده و در موقع گرما و تابستان از آن آب انبار استفاده كاملی میشود و در قسمتی از مسافرت از این آب انبارها «قدیم و جدید» سر راه بسیار دیدیم

سنا و شنبه - امتدادش از قریه باغان تا لورات هوایش گرم
محصول آنجا غلات و خرماست آب در این بلوک فراوان و رودخانه های
بسیار از آن عبور میکند با وصف این سنا و شنبه خوب آبیاری نمیشود
و علتش خراب شدن سد قدیمی آنست مرکزش معروف به شنبه و دارای
۴۰۰ خانوار جمعیت.

هوندستان - این ناحیه مجاری آب بسیار دارد و کودی مسیر
مانع آبیاری است محصول عمده این بلوک هندوانه است.
کالی - مرکزش بهمین اسم معروف است.

گله دار - از قریه ده شیخ تا رود کان ممتد است هوای این
ناحیه گرم و محصولاتش خرما - غلات - پنبه - و تنباکوست چشمه ها
عموماً آبشان تلخ است که بمصرف زراعت میرسد اهالی برای خوراک
آب باران را در آب انبار ها بزرگ خزانه و مصرف میکنند جمعیتش
۱۸۰۰۰ نفر قصبه آن باسم گله دار معروف لرهایس از نخته قاپوشدن
قصبه گله دار را بنا نموده اند جمعیت کنونیش ۸۰۰ خانوار میباشد.
اسیر - ناحیه ایست گرم اراضیش کم آب محصولات آن خرما -
غلات - تنباکو است جمعیتش تقریباً ۶ هزار نفر مرکزش بهمین اسم
معروف است

علامرودشت - محصول این بلوک تنباکو و هوایش گرم است مرکز
آن باسم سبزپوشان دارای ۲۵۰ خانوار جمعیت کلیه بلوک ۵ هزار نفر است.
کنکان - محصول این بلوک غلات و خرما و هوایش گرم است
جمعیت آن بالغ بر ۱۲ هزار نفر بندر کنکان ۸ هزار نفر سکنه دارد و مرکز

آن محسوب میشود خلیج کوچک مجاور بندر کنکان یکی از بهترین خلیج های خلیج فارس محسوب میگردد.

مالکی - این بلوک باسم تمیمی هم معروف است "۱" هوایش گرم جنگلها و مزارع و اشجار خرماي آن منحصراً از آب باران مشروب می شود در تمام این ناحیه يك چشمه آب شیرین باسم بیدخون دارد محصولات فلاحتی آن عبارتند از مرکبات خرما غلات پنبه جمعیتش ۱۰ هزار نفر مرکزش باسم بندر عسلویه معروف میباشد.

دشتستان - در جنوب غربی فارس واقع شده تقریباً در امتداد ناحیه فشقائی است جمعیت تمام دشتستان ۶۲ هزار نفر ناحیه ایست وسیع و گرمسیر مخصوصاً از ماه اول بهار تا آخر تابستان گرم و از اول پائیز تا آخر زمستان بسیار معتدل می باشد و در دو فصل اخیر است که مزارع وسیعه غلات از برکت بارانهای فراوان می توانند از يك من بندر هشتاد من محصول بدهند گندم در اوائل ماه اسفند بدست می آید درختهای خرما متعدد و تربیت آنها عایدی خوب میدهد بلوکات دشتستان عبارتند از:

اهرم - محصولش غلات و پنبه و کنجد جمعیتش بالغ بر ۴۰۰ خانوار می شود.

برازجان - مرکزش بهمین اسم دارای ۸۰۰ خانوار جمعیت و محصول بلوک مزبور خرما و غلات است.

تنگستان - مرکزش بهمین اسم از محصولاتش که بخارج بلوک حمل می شود هندوانه است.

(۱) بمناسبت دو نیره عرب که باسم مالکی و تمیمی در آنجا سکني دارند باین اسم خوانده شده.

حیات داود - مرکزش باسم بندر ریك ۳۰۰۰ نفر جمعیت
محصولاتش غلات و خرماست (۱).

خرموج - مرکزش بهمین اسم ۴۰۰ خانوار جمعیت محصولش
غلات پنبه کنجد تنباکوست.

دالکی - مرکزش دالکی خوانده میشود ۴۰۰ خانوار جمعیت
محصول آنجا فقط خرماست رودخانه دالکی این بلوک را مشروب میکند.

رود حله - مرکزش باسم سوخته معروف ۴۰۰ خانوار
جمعیت محصول آن خرماست.

زنگنه - در مشرق بوشهر واقع از محصولاتش غله و هندوانه
مرکزش باسم سمل معروف دارای ۳۰۰ خانوار جمعیت است.

شباتکاره - محصول آن مکان خرما و غلات است مرکزش باسم
ده کهنه و دارای ۴۰۰ خانوار جمعیت می باشد رود خانه بنی تمیم این
بلوک را مشروب می سازد.

گناوه - اکنون قصبه اش باسم شول کپ معروف است مرکز
قدیمی آن شهر گناوه که در مهاجرات اعراب بدست عثمان بن ابوالعباس
تقی خراب گردید.

موقی که پرتقالیها در زمان صفویه از سواحل خلیج فارس

(۱) بندر ریك قبل از ترقی بندر بوشهر عمده ترین مرکز ورود
و صدور مال التجاره مملکت بوده ولی کشتیهای بزرگ نمی توانستند
داخل این بندر شوند و مجبور بودند محصولات خود را در جزیره کوچك
خارك سی کیلو متری ساحل بیندازند پس از دائر شدن بندر بوشهر
بندر مزبور متروک گردید

رانده شدند بعضی از خانواده های آنان که بمذهب اسلام در آمده بودند در گناوه بطور دائم ماندند و بین سایر تیره های اهالی بلوک شناخته میشوند **بوشهر** - مشتمل است بر دشت وسیعی که ارتفاع متوسط آن از سطح ساکن دریا يك متر است و اغلب آب دریا آنرا فرا میگیرد و راهی که از این دشت عبور مینماید به مشیله معروف کشته است جمعیت این بلوک ۲۷ هزار نفر مرکزش بندر بوشهر ۲۰۰۰ خانوار جمعیت دارد دارای چهار محله و فاصله آن از شیراز ۲۷۰ کیلو متر است کشتیهای بزرگ می توانند به بندر برسند خلیج کوچکی که بندر مزبور در کنار آن واقع است نسبتاً محفوظ و مساعد می باشد هوای بوشهر فوق العاده گرم است شهر و اطراف آن تا دو کیلو متر دارای چشمه آب مشروب نمی باشد بلوک مزبور تقریباً از اشجار محروم و ندره تنه های باریک و پزمرده اشجار خرما در گوشه و کنار دیده می شود اغلب خانه های بوشهر از سنگ ساخته شده که از معدن سنگ آهکی واقع در دو کیلو متری شهر استخراج می شود صادرات عمده این مکان توتون - پنبه - پشم - شراب - تریاک - بادام - گل سرخ - و فرش است.

بلوکات مرکزی این بلوکات بواسطه فاصله بودن بین طوایف قشقائی و خمسه و راه قافله روی این سکنه و طوایف حائز اهمیت میباشد و عمده ترین آنها بقرار ذیلند.

کوه مره شکفت این ناحیه در ۶۶ کیلو متری جنوب غربی شیراز واقع شده هوایش سرد و کوهستانی از چشمه سارهای عدیده آبداری می گردد که منبع آنها از جبال برف دار خود ناحیه می باشد زمینش کوهستانی و سنگلاخ بدین مناسبت چندان قابل زراعت نیست

جبالش تا درجه مشجراست و در آن جبال تاکهای خودرو بعمل می آید صنعت محلی ساختن زغال چوب می باشد صادرات زغال چوب کشمش و انجیر است جمعیت این بلوك ۱۴۰۰۰ هزار نفر

خواجہ - این بلوك از رود خانه هنیققان مشروب می گردد هوایش معتدل از محصولات آن غله برنج و پنبه است جمعیتش بالغ بر ۵ هزار نفر مرکز آن باسم زنجیران دارای ۲ هزار نفر جمعیت می باشد **سیاخ** - هوایش سرد از رود خانه قرا اغاج مشروب می شود محصول آنجا غلات - نریاك میوه جات است جمعیت کلیه بلوك ۴ هزار نفر مرکزش باسم وزلکان معروف .

کوار - از رود خانه سیاخ مشروب می گردد این رود خانه دارای سدهائی است که در زمان هخامنشیان ساخته شده محصولات این بلوك برنج و پنبه و هندوانه های اعلاست دارای ۸ هزار نفر سکنه و مرکزش باسم کوار معروف است

ضیمکان - هوایش بسیار گرم محصول آنجا غلات میوه جات و مرکبات است متاع تجارتی آن آب لیمو است جمعیت کلیه بلوك ده هزار نفر مرکزش باسم دوزه معروف .

قیر و کارزن - هوایش ملایم و معتدل و مساعد برای غرس اشجار می باشد محصولات آن پنبه برنج و غلات است دارای ۱۶ هزار جمعیت مرکزش باسم قیر معروف .

جویم و یدشهر - دارای ۱۳۰۰۰ هزار نفر جمعیت هوای آن گرم و از محصولاتش غلات و تنباکوست مرکزش بهمن اسم نامیده می شود

نیریز - واقعت بین یزد و کرمان و ناحیه خمه دوجاده اصلی شیراز و یزد از این ناحیه میگذرد دارای دابلوک میباشد .

۱- نیریز - واقع است در مشرق بلوک اصطهبانات باوجود اینکه صحرای بسیار دارد معینا هوایش معتدل و دارای میوه جات و معادن آهن و سرب است امتعه تجارتی آنرا میوجات تشکیل می دهد مرکزش نیز بهمین اسم معروف است .

۲ - اصطهبانات - دارای هوایی معتدل و از چشمه سارهای موسوم بقیر و باد زهر مشروب میگردد که از وسط جنگل انبوهی می گذرد در خشك سالی آب چشمه ها بشهر نرسیده و بدینواسطه آب انبارهای بزرگ ساخته اند که در آنها آبهای باران را خزانه کنند .

محصول عمده فلا حتی آن غلات تریاک - بیشتر زعفران است - بزهای کوهی این بلوک تریاقی میدهد که باسم فاد زهر حیوانی معروف است . جمعیت کلیه بلوک ۱۷ هزار نفر مرکزش بهمین نام معروف دارای ۲۰۰ خانوار جمعیت میباشد (۱)

۱- قریه ایج واقع در ۲۴ کیلو متری جنوب اصطهبانات در قدیمه مرکز بلوک شبانکاره و بواسطه قشنگی و نزهت باغهای خود معروف بوده است .

قلاع غرب ایران

قلعه آباده - این قلعه درآباده واقع است .

قلعه اردبیل - این قلعه مشتمل است بشهر اردبیل وورش خندق گودی است دارای دیوارهای بلند و برجهای محکم در زمان قدیم مقصرین را در این قلعه محبوس میساختند .

قلعه استخر - (قلعه ماران) این قلعه در بالای کوه خفرك در فارس است جزیرك راه ندارد در سر آن کوه تالاب بزرگی است امیر عضد الدوله در سنه ۳۶۰ آب انباری بالای آن ساخته که چهل ستون داشته است .

قلعه اشکنوان (سکنوان) .. بالای کوهی است این قلعه در ابرج فارس است .

قلعه ایج - این قلعه در بالای کوه کوچکی است در نزدیک ایک اصطهبانات سنه ۴۷۰ نظام الدین محمود شبانکاره از کوههای دور و نزدیک آب را بر آنجا آورد و حصار کشید و آنجا را دارالامان نامید .

قلعه بختیاری - این قلعه در یک فرسنگی قریه بنارلاراث آتش از آب انباری است که بتوسط باران پر میشود .

قلعه بهمن دز - قلعه خرابه ایست بالای کوه سبلان اردبیل

قلعه پرویز - این قلعه در یک فرسنگی جنوب قریه مربوت لارستان است .

قلعه بندر - این قلعه در شرق شیراز بفاصله ربع فرسنگ قرار گرفته و آنجا را فہندر نیز گویند .

قلعه پهن دز .. این قلعه در نیم فرسنگی شیراز است برای آب

چاهی از سنگ کنده اند بنائی است از قبل از اسلام چون خراسی پیدا کرده بود عماد الدوله دیلمی در سنه ۳۲۷ آنجا را تعمیر کرد. قلعه چاه بندر هم معروف است.

قلعه تل - این قلعه از بنای محمد تقی خان بختیاری از قوم چهارلنگ است که معاصر فتحعلی شاه بوده.

قلعه تبر جهرم - این قلعه در بیست فرسنگی شرقی جهرم است بسیار جای محکمی است و راهش نیز بسیار سخت است.

قلعه چهریق - بالای قریه چهریق نخته سنگی است که بایله باید بالای آن رفت آن بالا قله ایست که برجهایش را هم از سنگ تراشیده اند.

قلعه دختر - این قلعه در فیروز آباد خواجه است بالای کوه چنین نشان میدهد که این قلعه وقتی آباد و اشکده فیروز آباد بوده عمارت و حمام دارد.

قلعه دختران - این قلعه در نزدیکی شوشتر است در عقیلی که سه فرسنگی شوشتر است بالای کوه بناء شهری ساخته اند غاری هم در در نزدیکی این قلعه در وسط کوه دیده میشود

قلعه دز آب - این قلعه در جنوب شمس الدین عرب در بالای کوه در باوی که کیلویه میباشد:

قلعه دز سلیمان - این قلعه در شرق شمس الدین عرب در باوی که کیلویه میباشد.

قلعه دز کوه - این قلعه در دو فرسنگی قصبه ده دشت است در

که کیلویه نیم فرسنگ بالای آن کوه وسعت دارد آتش از چشمه ایست شیرین و گوازا در این کوه جنگل بلوط بسیار است .

قلعه دیده بان - این قلعه در لارستان واقع است آتش از آب انباری است که بتوسط آب باران پر میشود از بناهای قبل از اسلام میباشد .

قلعه دم دم - این قلعه در صومای روی تخته سنگی بنا شده

قلعه دنبه - در چهار فرسنگی شرق داراب و آتش از قنات است

قلعه رستم - این قلعه در شوشتر واقع است .

قلعه ساره - این قلعه بین فیروز آباد و خواجه است آتش از

چشمه میباشد .

قلعه سفید - این قلعه در ممسنی واقعست (نرسپید نیز گویند)

در شرق فہلیان است کوهی است منفرد هیچ کوهی بر آن مشرف نیست از چهار طرف راه دارد بالای آن کوه کشت و زرع میتوان نمود جنگل فراوان از بلوط انجیر بادام کوهی و انار و انگور داشته و پنج چشمه آب دارد .

قلعه سه گنبدان - این قلعه عبارت از سه کوه که بالای آن سه

قلعه است - استخر - سکنوان - شکسته

قلعه چهاره - این قلعه در بالای کوهی است عظیم در چهار فرسنگی

فیروز آباد منسوب بمسعودیان که طایفه بودند در زمان فضلویان

قلعه سحیران - قلعه ایست نزدیکی جویم ابی احمد

قلعه شیاہ - این قلعه در دو فرسنگ شمالی فہلیان واقع و يك

چشمه آب دارد .

قلعه شاپور - این قلعه در بالای کوهی است که در دامنه آن غار

شاپور است در کازرون

قلعه شکسته - قلعه ایست در نزدیکی تخت جمشید

قلعه شهرک - قلعه ایست در بالای کوه اشکنوان علف بسیار دارد

مردم صحرا گرد در اول فصل علف گوسفند های خود را با طناب بالای

قلعه برده و پس از اینکه علف تمام شد باز با طناب پائین میاورند.

.

.

.

.

.

سرحدات غرب ایران

تا قبل از جنگ بین الملل سرحدات غرب ایران فقط با خاک عثمانی مجاور بود ولی پس از خاتمه جنگ و تجزیه متصرفات عثمانی و تاسیس دولت عراق عرب مملکت ایران با عراق عرب و ترکیه هم-خاک گردید سرحدات غرب ایران مدتها موضوع کشمکش بین ایران و عثمانی بود تا موقعیکه عهد نامه از زوم در سنه ۱۲۳۸ هجری - ۱۸۴۳ میلادی بین ایران و عثمانی منعقد گردید و برای اجرای فصل راجع بحدود کمیسیون مختلط از مامورین ایران عثمانی - روس و انگلیس تشکیل و نتیجه مطالعات کمیسیون مزبور این شد که دولتمن ایران و عثمانی بعضی از اراضی سرحدی را با یکدیگر مبادله نمایند تا رفع کشمکش شود.

در سنه ۱۸۴۹ و ۵۰ - ۵۱ مسیحی مدت سه سال کمیسیون در بغداد و خرمشهر برای مبادله اراضی اجتماع نمودند ولی هیچگونه نتیجه اخذ نگردید در سنه ۱۸۵۱ لرد پالمرستون (۱) وزیر خارجه انگلیس پیشنهاد نموده که برای کمک بکمیسیون سابق کمیسیون دیگری در اسلامبول تشکیل شود و بر طبق معاهده از زوم سرحد فیما بین را بطور کلی تعیین و نقاط لاینحل را بعد تعویق بگذارند تا بعد رفع اختلاف شود برای اجرای این مقصود از آراءات تا شط العرب شروع بنقشه برداری شد ۸۰۰ میل طول و ۴۰۰ میل عرض در مدت نه سال نقشه برداشته و قرار شد اگر اختلافانی حاصل گردد حکمیت

۱-Lord Palmerston

بدولتین روس و انگلیس واگذار شود (۱) این ترتیب نیز باعث رفع اختلاف نگردید و تا مدتی اختلافات بین عثمانی و ایران باقی و هروقت یکی از طرفین فرصتی بدست میآورد بخاک طرف دیگر تجاوز مینمود تا در پائیز سال ۱۹۰۷ در موقع انقلاب ایران قشون عثمانی بخاک ایران تجاوز کرده قسمت مهمی از سرحدات را اشغال نمودند و چون مذاکرات طرفین بجائی منتهی نشد دولت ایران برای اجرای قرار داد حکمیت را تقاضا کرد که سیون ایران و عثمانی باتفاق مامورین روس و انگلیس بسرحد عزیمت و از شط العرب شروع بتعیین حدود و نقشه برداری کامل نموده اختلافات ارضی را مرتفع ساختند و بموجب نقشه های رسمی و صورت مجلس ها خط سرحدی را از شط العرب تا حدود آذربایجان باتمام رسانیدند و چون در این نقطه علائم سرحدی نصب نشده بود در این سنوات اخیر کمیونی مرکب از مامورین ایران و ترکیه معین شده که بمحل رفته و بر طبق نقشه سابق علائم سرحدی را نصب بنمایند پس از این مقدمه لازم است حدود غرب ایران را ذکر بنمائیم.

از نهر خین تا دوبرج - خط سرحدی از نهر خین میگذرد تا نقطه که معروف است به الحد خرم شهر و فیلیه و خز علیّه - پس از آن خط سرحدی از نهر خین میگذرد تا نهر ابوالعر اید قریب دعبجی والحد - بعد از آن بسمت شمال جنوب مستقیماً متوجه گشته پس از عبور از بیابانها داخل هورالعظم میگردد و ۳۵۰ ذرع از مشرق خرابه قصر بصری میگذرد چون این هور عبارت از باتلاقی است که از رودخانه های دوبرج و کرخه تشکیل یافته و مستور از نزار و عبور از آن محال است آن را

(۱) اعمال مثلثانی را مهندسین انگلیس و نقشه برداری را مهندسین روس نمودند

سرحد قرار داده اند و از این نقطه خط سرحدی بطرف شمال هور العظیم
متوجه میشود پس از این قسمت منحرف شده و مستقیماً از وسط
هور گذشته بدهانه نهر ام چیر (ام القیر) میرسد تا منتهی بشط العما
(رود کور) گردد شط مزبور و کوههای رشید داغ و قبورالابدال داخل
خاک ایران و باین ترتیب بسیتین که مرکز اعراب بنی طرف و حوزره
است جزء خاک ایران محسوب میشود.

از دویرج تا سیروان رود - از دویرج خط سرحدی تغییر کرده از
رشته جبال فکه و جبل حمزین برودخانه تیب منتهی میشود و از رود
مزبور بعد سلسله جبال حمزین متعلق بایران است تا منتهی شود به
میل پالک که عبارت از رودخانه خشکی است که در میان گر شیر می
گذرد (گر بمعنای تپه و ماهور است) و این گر شیر تا مقابل فر باطیه
(زرباطیه) سرحد و از آنجا خط سرحدی منحرف شده تا داخل رودخانه
گنجیان چم (کنج عجم) میشود از کوههای معروف به کولیک بزرگ
و کولیک کوچک عبور نموده برودخانه ترساق منتهی میشود و از آنجا
گذشته بقله کوه میمک تا برودخانه تلخ آب میرسد از رود تلخ آب
متوجه شمال گردیده تاقله کوه کلان در امتداد قله جبال رفته تارود
کانی شیخ میرسد و از آنجا گذشته بکوه کله سوان منتهی از آن هم عبور نکرده
تا رودخانه کن گبر (قنقیر) و تلوه و در بلند میگردند تا برودخانه آب بخشان
می رسد و آن نقطه سرحدی معروف است به نمو و از آن نقطه نیز میگردد
تا جبل لوت باغچه و جبل باغچه میرسد و از آن هم گذشته بقله نمایین الکوس
میرسد و بعد برودخانه الوند منتهی میشود و از آن نقطه رودخانه سرحد
میشود تا رودخانه گانی بز و از آنجا خارج شده تا میرسد بکوه اغری داغ بزرگ

(تزدیک خانقین) در این جا نقطه سرحدی عبارت از تپه مرد آژما و از جبال آق داغ بزرگی و کوچک خط سرحدی داخل رود قورتو می شود و یکی از نقاط سرحدی این کوه موسوم است بحوش کوری (۱) بعد داخل همان رود قورتو شده بتنگ حمام میرسد و از آنجا بسمت شال در امتداد قلل کوه آهنگران (آسنگران) بفاصله یک فرسنگ و نیم در امتداد آن کوه سیر میکند تا بکوه بزنیان میرسد و از آن گذشته تا داخل رود شیروان میشود

از شیروان تا رود لالوین - خط سرحدی پس از مدتی سیر در شیروان میرسد به کلاعه و آوارین بعد از رودخانه خارج شده داخل کوه کلاعه میشود و در امتداد قلل جبال رفته تا دره طویله و باز در امتداد همان جبال سیر کرده تا بگردنه نعل کمی میرسد و از آنجا بقله کوه رفته در امتداد جنوب دره هان گرمله و پیاره میرسد این دهات معروف است باور امان لهون و بعد از عبور از این دره در امتداد رشته قلل همان دره سیر کرده از قله سرام گذشته تا میرسد بکوه های اورا مان تخت که بسیار صعب العبور است از قلل اورا مان بسمت شمال میرود که قلل معروف آن که اجارودالانی و رنگین است و از آنجا گذشته بسمت دره قزلجه میرود و از قله پالیکدر گذشته بسمت مشرق امتداد میابد تا بگردنه نوخوان و پس از آن باز بسمت مغرب بر میگردد تا شمال چم پرآوه و از آنجا بسمت شمال بر میگردد تا میرسد برود خانه کیوه رود و مقداری از این رود خانه تا آنجا که داخل رود لالوین میشود سرحد است.

(۱) در قصر شیرین راجع باین کلمه صحبت خواهیم داشت

از لاوین تا کوه مرغاب - خط سرحدی از دنباله لاوین سیر می کند تا رود یل طیب؟! و از آنجا بعد گذشته تا زینوئی خان احمد (زینوئی بمعنای گردنه است) و از آنجا بزینوئی لقو گیره میرسد و از آنجا بکوه ابوالفتح و از آنجا به زینوئی جاسوسان و از آنجا بکوه سرفرخه تادشت وزنه میرود و از آنجا بکوه سر کوتل که معروف است بکوه شاخ سوا و قنديل بزرگ و قنديل کوچک و شیخ شرو تا گردنه مرک سیر (مرک مرغ) گذشته و بقللی که در شمال دره حاجی ابراهیم است رسیده تا به زینوئی شیخ که در مغرب آن آبادی دارالامان است میرسیم از آنجا بقله شیورش رسیده و بعد از قله برد سوان و از دحچی دره گذشته بگردنه خزیند میرسد و از سرچشمه رود خانه قادر گذشته بقله دالان پر میرسد و از آنجا کله شین که در کنار جاده رضائیه است و آبادی اشونیه که متعلق بایران است میگذرد و سیر خط سرحدی از کوه نمش و از آنجا بزینوئی دولاخانی و کوههای ماهی هولانه و اوخ و کوه مور نهیدان و کوه غاراب؟ میگذرد.

از کوه مرغاب تا کوه بیچاره - از آنجا نیز بقله و میر بهال و شیوه کل میگذرد تا دشت ترکور از آنجا بگردنه کوه ربب تا قریه موانه و از جلوی رود خانه (باژره که) گذشته باز خط سرحدی بکوه کیوه رخ گذشته بکوه میرسد و از پریخان و گیر بران و گردنه سلطانی گذشته پس از آن از خاک صومای میگذرد و از آنجا بگردنه کبکان می گذرد و از مشرق دره آلباق بامتداد رشته جبال سیر میکند بعد خط سرحدی بقله هراویل گذشته و از آنجا بسمت شمال متوجه شده و باز در امتداد جبال سیر و از مغرب قطور میگذرد و متمایل از پهلوی و

بسمت شمال میگردد تا بدریاچه قازلی گل میرسد بعد از شمال قازلی گل
 بسمت مشرق منوجه شده تا شمال قریه بازرگان و اواجق و از شمال قریه
 بازرگان مستقیما تا کوه آقربداغ میرود تا نقطه ای که معروف بکوه
 بیچاره است .



سکنه غرب ایران

مقدمه - تاچندی قبل سکنه غرب ایران عبارت بود از طوایفی که در زیر چادر موئی سیاه زندگی کرده و در موقع گرما و سرما و تابستان و زمستان بیلاق و قشلاق می نمودند معاش کلی آنها از زراعت مختصر و بافتن قالی - گلیم - جاجیم (جا جمع) اداره میشد خانه و مسکن حسبی نداشتند و با ساکن نبودن در يك نقطه بزمین و آب و خاک و زراعت علاقه مند نبوده اند این امر طبیعی است بشر وقتی در مکانی ماند و برای خود خانه و کاشانه و فاعیلی ترتیب داد بآن زمین پای بند شده و کم کم انس و علاقه مخصوصی بدانجا پیدا خواهد کرد و اگر بر خلاف مسکن دائمی اختیار نمود علاقه باطنی باب و خاک و محوطه معینی پیدا نکرده در صدد آبادی بر نیامده سهل است آبادیهائی را که در گذرگاه بیلاق و قشلاق خود می بیند بواسطه عدم توجه خراب و کم کم از بین خواهد برد.

این طوایف هر يك عادات و آداب مخصوصی بخود داشتند از علم و دانش اغلب بی اطلاع و در درجات دوم تمدن یعنی بعد از حالت وحشیگری بسر میبردند اما دارای صفات و مختصاتى مانند شجاعت و شهامت بودند که بواسطه عدم تربیت از آن شجاعت و شهامت سوء استفاده می نمودند بغیر از دوالی سه طایفه مهم مانند - کرد - لر - بختیاری - زنگنه وزند - که اصلا ایرانی هستند بقیه طوایف ایران یا از مشرق و یا از مغرب باین کشور آمده و بعد از توطن در ایران و اختلاط و امتزاج با اهالی مملکت

و گذشتن چندین صد سال نژاد فعلی آنها ایرانی و از اهالی کشور محسوب میشوند فقط در زبان آنها لغات بسیاری از ترکی و عربی بدوی بیادگار آن ایام مانده است سلاطین ایران هم بنابر مصلحت امور کشوری و بعضی منظورات سیاسی این طوایف را از مکانی دیگر کوچانیده اند (نادرشاه و شاه عباس و غیره) بواسطه صحرا نشینی و زندگی دائمی سیار در کوه و دشت و بیابان افراد طوایف عموماً دارای طاقت مخصوصی میشوند ورزش بدنی آنها کامل و استعداد آنان اگر سوارند در سواری و اگر پیاده بودند در پیاده روی قابل توجه خصوصاً قوه باصره و دید آنها خیلی قوی بود (۱) همچنین در شناختن حیوانات و نباتات هر محل بدطولائی داشتند بالاخره مهمان دوست و زندگی آنان ساده و آزاد بود.

این مردمان بواسطه دور بودن از شهر ها و مراکز اجتماع و تمدن و نداشتن هیچگونه وسیله ارتباط حتی راه اگر متاعی جهت فروش هم مانند پشم - قالی - قالیچه - گلیم - جاجیم - روغن - کره - ماست پنیر و غیره داشتند از حمل و نقل آن عاجز بوده و گاهی هم که ندرتاً بشهری میآمدند بابتی اطلاعی متاع خود را بشمن بخش فروخته و مراجعت میکردند باقی ماندن طوایف بهمان وضعیات نه تنها برای کشور نافع نبود بلکه روز بروز از عده نفوس آنها بواسطه بی مبالائی در همه چیز خصوصاً حفظ الصحه گاسته شده بدیهی است که از این راه ضرر بزرگی متوجه کشور بود از توجهات ذات اقدس علیه حضرت پهلوی تمام این موانع و مشکلات یکی یکی بر طرف شده خار های این کشور گلستانی سرا سر

(۱) اکنون در بین مردمان شهر نشین و دهات اشخاصی وجود دارند که همان صفات و مختصات را بیادگار نگهداشته اند.

پُر از گل شد هر گوشه شهری آباد و در هر ناحیه اساس و شالوده تمدنی
بنیاد - جاده های بزرگ و كوچك دائر - راه ها امن - طرق مصفا - راهزنان
دستگیر شهر ها آباد - ایجاد ثروت گردید

--

باز شدن راهها و جاده های شوسه و امنیت - ارتباط محله ها به
یکدیگر اولین وسیله آسایش اهالی و اقوام بود این طوایف و اقوام
توانستند از وضعیت کوهستانی دست برداشته بشهر آیند و در شهر ها
متاع خود را که در محل خودش قیمتی نداشت بقیمت های گران بفروشدند
و از این راه ازدیاد ثروت نمایند .

باز شدن جاده بزرگ خوزستان بطهران - شیراز بخوزستان -
کرمانشاهان بهرسین و الشتر تاخرم آباد-خرم آباد بکوهدهشت - کرمانشاهان
تا کردستان - کردستان تا اورامانات - سقز - مهاباد - اشنویه - سلدوز
خصوصا امنیت در این راه ها که هر کس بی اغراق می تواند در شبان
تاریک و روز با طبق زر مسافرت کند قابل هر گونه ستایش و سزاوار
هزار نوع مدح است .

بانظری بسفر نامه های مسافرین و مطلعین اروپا مانند .

رولن سن - ویلسن - دبود - لیارد - استو کورل - دمر گان - دیولا فوا
هر قسلا که در قسمت غرب ایران مسافرت نموده اند معلوم خواهد
شد که این اشخاص تا نبودن هیچ نوع وسائل (جاده - راه شوسه -
نا امنی - و هزار گونه معایب دیگر) با چه مشکلات و موانعی دست
بگریبان شده اند .

امنیت که در بالا ذکری از آن بمیان آمد خود بحثی علیحده و

فصلی مجزاست از زمان بسیار قدیم تا چندین سال قبل تنها اسمی از امنیت در این کشور شنیده میشد.

بنا بگفته آریان و کنت کورث اکیوس ها (که بعضی با اجداد لربزرگ و ممسنی ها تطبیق کرده اند) در تنك شیو که خود ما از آنجا عبور کردیم مقابل اسکندر را سد کرده و مطالبه مالیات و باج راه کردند در سر تا سر غرب که ما از شیراز تا آذربایجان عموم معابر و گردنگاه و منازل و دهات را گردش کردیم امنیت غیر قابل تصویری حکمفرماست اقوامی که تا چندی قبل سر و کارشان با تنك بود حتی کودکان هشت سال امروز بشمر ها آمده متعین شده بکسب و زراعت اشتغال ورزیده بدبستان و دبیرستان رفته و بیغواها و وزاویه کوهها و غارها مبدل باطاقهای زیبای دارالتربیه ها شده است در سر راه چندین دارالتربیه با اطاقهای نظیف و تخت خوابهای تمیز دیدیم که کودکان خرد و بزرگ عشایر و ایلات قدیم با کمال جدیت مشغول تحصیل و کار آموختن علم و ادب و تربیت بودند.

دولت جهت رفاه حال رعایا در تمام نقاط غرب مشغول ساختن خانه ها شده تا وقتی که به ییلاق و قشلاق بیهوده صرف میشد بزراعت و کشت صرف شود در لرستان سال قبل مقدار محصول تریاک و در کردستان نوتون غیر قابل تصور بود اما سال نیز کشت و زرع پنبه امریکائی بهمان روز افزونی پیش میرود.

در خانه های پاکیزه جا گرفته و بهر يك از رعایا فراخور حال و کار زمینی بخشیده شده که امروزه با کمال رفاه و آسودگی مشغول زراعت و رعیتی میباشند از زندگی خانه بدوشی دست برداشته در کنار

رودخانه‌های صاف و در صحرا های وسیع سبز و خرم منزل گرفته اودسترنج
 خود استفاده برده و بکلی زندگی قدیمی را فراموش کرده اند اگر توصیف
 پرداخته شود داستانها و کتابها باید ساخت فقط میتوان گفت برقی از
 گوشه نمودار شد قطراتی بر پیکر مرده و جسم بیروح ما افشاند نهال
 زندگی ما که خشک شده بود جوانه زدن آغاز نمود شاخهایش بارور بمیوه های
 گوناگون ثمر داد با يك جمله میتوان گفت **اینهمه آوازه ها از شه بود**
 این نیز در خاتمه باید گفته شود که عموم ساکنین این
 دهات از طوایف مختلفی تشکیل یافته اند و مانیز در سکنه غرب ایران
 هريك از ایالات و ولایات غرب را جدا جدا ذکر کرده و سکنه هريك
 بطور اختصار نام خواهیم برد چه شرح عادات و آداب و اخلاق و طرز
 معیشت و زندگی را کتابی جدا گانه لازم است

سکنه و طوائف آذربایجان

(شرقی- غربی)

سکنه آذربایجان را اغلب ترك و كرد و ارمنی زبان کلدانی و یهود تشکیل میدهد ترك زبانها هنگام استیلای طوائف مغول باین سر زمین آمده اند و نیز بامر شاه عباس کبیر چندین طایفه از ترك و شاهسون باذربایجان گسیل داده شد چنانکه دسته از طایفه افشار موسوم بقاسملو در حوالی دریاچه رضائیه و طایفه های دیگر در اطراف دره های جغتوچای هنوز هم ساکنند.

ترك زبانها اغلب مسلمان و شیعه و كرد زبانها سنی و شافعی مذهبند در آذربایجان غربی و شرقی دهات بسیار اعلی و بمناسبت زمین مساعد و آب فراوان و دهات بسیار مردم عموماً غنی و زندگی و معاش رعیت و کارگر بسیار خوب و آبرومند است زراعت بیشتر در این صنایع آبی است و زراعت عمده آذربایجان شرقی غلات گندم و جو و انگور و توتون و میباشد زراعت توتون در آذربایجان غربی خصوصاً تا ناحیه سقز و کردستان مکرر بحکم وفور و کمال است



طوایفی که در اردبیل و حوالی آن مسکن دارند

یورتچی - این طایفه در انوراك - قوش داغی - بزرگوش - آوچای -
حسن قشلاق منزل دارند .

فولادلو - این طایفه در بود الو و قره شیخ منزل دارند

خامس لو - منزل این قوم در قره شیخ لو - باقر لو - و مغان است
قضاتلو - در توتونلو منزل دارند

تکله - در سنبلان و مغان

رضا بیکلو - در سوتا - الحجه منزل دارند .

جهان خاتونلو - این طایفه در یکفرسنکی اردبیل سکنی گریده اند

طالش میکائیلو - در سه فرسنکی اردبیل قریه الحجه منزل گرفته اند

دورسون خواجه لو - در سنبلان و مغان منزل دارند

شیخ لوقدیم - در شیخ لی لندر و باقر لو سکنی دارند

اینانلو - در دو فرسنکی اردبیل منزل دارند

مستالی بیکلو - در مغان منزل دارند

طوایفی که در اوجا رود و اطراف آن سکنی دارند

نوروز علی بیکلو - این طایفه در سنبلان و مغان سکنی گرفته‌اند

بالا بیکلو - در سنبلان و مغان منزل دارند.

در آغاروا 1 - در اوجا رود مسکن دارند.

آلارلو - در سنبلان و مغان مسکن نموده‌اند.

طوایفی که در مشکین و حوالی آن سکنی دارند

قوجه ییکلو - این طایفه در ده فرسنگی اردبیل و مغان سکنی دارند

قجاییکلو-نصانلو- این قوم در سنبلان و مغان سکنی دارند

طالشی میکائیلو- قوجه ییکلو - منزل این طایفه در سنبلان

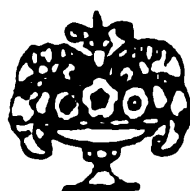
و مغان است

سیدلو- ساری جعفر لو- گیگو- اینانلو- قوجه ییکلو- حاج خواجه او-

آجر لو- کوراباز لو- دمرچه لو- یکه دلو- گون پاپاخ- زرگر لو-

آدات او

این طوایف عموماً در سنبلان و مغان سکنی دارند



طوایفی که در خلخال و حوالی آن سکنی دارند

شاطرانلو - این طایفه در اطراف خلخال ساکنند

گلستانلو - ،

دلیکانلو - «

دریلو - ،

.

طوایفی که در مهاباد و اطراف آن سکنی دارند

- یملباس** - این طایفه بچندین قوم منقسم میشوند. **مامش** - **منکور** **اجاق کاخدا** - **پیران** مسکن عموم این طایفه بیشتر در حدود محال اشنویه سلدوز - ترکور - مرکور و دهات سرحدی است
- مامش** - این طایفه بیشتر در حدود محال اشنویه اقامت و تقریباً در ۹۰ پارچه آبادی ساکنند عده از این طوایف در حدود لاهیجان قدیم و قلعه بسوه ساکن هستند.
- دهوکوی** - در اطراف مهاباد سکنی دارند.
- بیکزاده حیدری** - در اطراف دهات اشنویه مسکن گرفته اند
- بیکزاده فضل‌الله یکی** - در اطراف سلدوز و اشنویه منزل دارند.
- منکور** - در خاک ایران در حدود رود لاوان تا کوه شیخ کدوک مسکن دارند.
- گورک** - در اطراف سلدوز ساکنند
- سومن** - در اطراف مهاباد منزل نموده اند و در دهات سرحدی **پیران** - در دهات سرحدی منزل دارند.
- قره پاپاخ** - این طایفه در جنگ معروف ترکمن‌چای از ففازیه بایران آمده و در قسمت بیشتری از سلدوز ساکنند کارشان زراعت و بیشتر زراعتشان انگور است.

طوائفی که در سلمات و اطراف آن سکنی دارند

کوهستی - این طایفه در حوالی سلمات ساکنند .

شکاک - این قوم بدو طایفه و چند بن قبیله و عشیره منقسم میشوند

۱- **طایفه عبدوئی** که در محال چهریق - صومای برادوست - سکونت

دارند عشیره ها و قبیله های بسیاری از این طوائف مانند - عبدوئی -

نعمتی - چوکوئی - مامدی - دردهات ذیل - کله کن - عمر آباد - جیره

برده وش - باوان - رباط - ملونه - اسکندمان - مرینه سکنی دارند .

۲ - **طایفه کاردار** - این طایفه نیز در محل صومای برادوست

سنجی - چهریق منزل گرفته اند شعب مختلف این طایفه فنک - دورین

باوین - مامدی - موقری در دهات ذیل - نهکان - تازه کند - قهرمان

محمود آباد - کوزان - بردیان و اطراف سلمات منزل دارند .

طوایف اطراف رضائیه

حرکی میندان - (هرکی) - این قوم چهار طایفه اند که قسمت اعظم آنها بحرکی میندان موسوم اند در ترکور رضائیه سکنی دارند قسمت دوم این قوم در ایران و ترکیه (سرحد) و دو قسمت آنها در بین النهرین منزل نموده اند .

پیک زاده - این طایفه بدو دسته تقسیم میشوند .

۱ - **پیک زادگان دشت** - که در تولکی - در بند - سولیک سیلوانا منزل دارند .

۲ - **پیک زاده گمان بنار** - که در امیرباد - دیزج - ذراواو محال دشت سکنی دارند .

زری زا - این طایفه در دهات اطراف اشنویه در چهل پارچه آبادی مسکن گرفته اند مرکز و قصبه این طایفه سینکان و نالوان است **سیدان** - قسمت معظمی از این طایفه در مرکور و دهات آن اطراف ساکنند دهات مرکور و سیدان از اینقرار است - هاشم آباد - منصور آباد - سوسن آباد - زرگه - مالیان - خیر آباد - کمال آباد **سرحانی** - این طایفه در ترکور اشنویه و نوچه و گرمیان منزل دارند

سگنه گردستان

کرد ها عموما مردمانی شجاع و از طوایفی هستند که از قدیم الایام در این مرز و بوم ساکنند و ایرانی قدیمی بشمار میآیند در زمان قدیم بهرور عده از طوایف کرد خاك ايران بسمت بين النهرين نقل مکان نموده و بالعکس عده از طوایف بين النهرين بخاك ايران آمده بدین ترتیب ییلاق و قشلاق میکردند ولی پس از امر تخته قاپو و سکونت طوایف در محل های مختلف این موضوع از بین رفت فقط در هذگام بهار و تابستان عده از طوایف ایرانی ساکنین النهرین در کوههای سرحدی غرب ایران بعطف چرانی آمده و تحت نظم و تربیتی سه ماه اقامت نموده سپس مراجعت میکند زندگی اکراد و معاش آنها بسیار خوب است زراعت غله و نون و تنباکو دارند و رویهم رفته با کمال راحتی در دهات خود مشغول زراعت و کسب میباشند.

طوایفی که در کردستان سکنی دارند مخلوط بوده و نمیتوان هر ناحیه را مانند آذربایجان مجزا نموده و سپس طوایف خصوصی آن را اسم برد فقط میتوان طوایف را یکی یکی اسم برده و سکونت آنها را در محلهای مختلف متذکر شویم.

طوایف سکنه کردستان

میکائیلی - این طایفه یکی از شعبه طایفه جاف بوده و در بلوک سرشیو و سقر سکنی دارند .

شاطری - در بلوک گزل - دوزخ در - ساران منزل دارند

کلالی - این طایفه در دیوان دره و نیله کوه منزل نموده اند .

هارونی - در مریوان منزل دارند .

تیر خالی - در سارال و هوباتو منزل دارند

رخزادی - در خور خوره

اسمعیل غدیری - این قوم از بغداد بکردستان آمده و اکنون در اسفند آباد و هوباتو و کرده خان تا حدود مره ده و قباغلو و قسمتی در کروس و افشار ساکنند .

چوچانی - در سرشیو و کومره منزل دارند .

اردلان - از سایر طوایف کرد در رشادت و حسن خلق ممتاز بوده اند این طایفه ابتدا در شام و پس از آن بطرف دیار بکر و موصل آمده و بالاخره بشهر زور نقل مکان نموده و کم کم بطرف کردستان عازم شده و در قلعه پلنگان منزل کرده اند پس از آن شهر سند باسینه را محل و مرکز خود قرار دادند

آحه سوری - این طایفه خور خوره میباشند

ایناقی - در بلوک خوانرود خصوصا پاوه سکنی دارند .

رحمن بیکی - این طایفه بچهار شعبه قسمت میشوند .

۱- مصطفائی ۲ - دوروئی ۳ - یانی ۴- بی سری

و در روانسر و ماهیدشت و زهاب و درقریه کلاته ساکنند

امامی - این طایفه جزو یزدان بخش بوده و در جوانرود منزل

دارند.

باباجائی - جزء طایفه جاف و در جوانرود ساکنند.

براز - در هوباتو - قره توره مریوان سکنی دارند.

بلبلوند - در کاورود و هنکوژان ساکنند.

بورکه - این طایفه از مندمی محسوب و در اسفند آباد و زهاب

منزل دارند.

تایحونی - از طایفه سادات پیر خضری و در جوانرود و بی بی

ناز و شیخ اسمعیل منزل داشتند و ملا عبدالرحیم مشهور بمولوی که

اشعار کردی بسیار عالی میسروده منسوب بدین طایفه است.

تاری مرادی - این طایفه از طوایف مندمی و در نغار خوانی

وگانی در بئر منزل دارند.

تبله کو - این طایفه قریب دویست سال است که بکردستان

آمده و اکنون در بانه و هوبتو - چرچره از محال پلنکان مسکن

گرفته اند.

دراجی - در کاورود قریه بزروان و گانی گلزار و نیز قسمتی

در کروس منزل دارند.

زردوی - این طایفه بچهار قسمت منقسم میشوند.

ساتیاری - کوان کردند روانی - شاه قبادی -

در سنندج و جوانرود و آب سیروان و نیز در دهات سرده خانی و انجیرک منزل دارند.

زندیه - این اقوام بطوریکه از اسم آنها مستفاد میشود از اقوام کرد نیستند ولی چون مدتهاست که در کردستان منزل کرده اند از این قوم بشمار میآیند محل آنها در مازک و قلعه فولاد است .

سکور - وجه تسمیه آنها معلوم نیست بعضی در قریه نیاز و برخی در مکانهای دیگر نخته قاپو شده اند .

سورسور - این طایفه در زمان صفویه بکردستان آمده و در مریوان و آن حوالی منزل گرفته و سکئی گزیده اند و اکنون هم در همان دهات مانند مامنه - بلوجه - آهنگران - مروارید - پشت تنک منزل دارند .

شاه قبادی - شعبه ای از طایفه زر دوی میباشد و اکنون عده قلیلی در جوانرود سکئی دارند .

شاه منصوری - طایفه در قریه امام و کرد میران و بعضی در زهاب و سنقر کلیانی منزل نموده اند .

شیخ اسمعیلی - این طایفه در این سنوات اخیر از بغداد بکردستان آمده و در حوالی اسفند آباد کردستان منزل دارند و دسته ای نیز در سلیمانیه میباشد .

قاتالی - این طایفه از قوم کلباغی هستند سابقا ببلاق و قشلاق در کردستان و شهر زوز داشتند و اکنون در دهات کله تور - دیسور شیخ حیدر منزل دارند .

قبادی - این طایفه در بنی گز و مزرعه بالان و نهر آب ازضائم جوانرود منزل دارند .

قشه - این طایفه از اهالی جوانرود و بعضی اکنون در خاک

کرمانشاهان و برخی در شهر زور سلیمانیه و جوانرود و آب سیروان منزل دارند.

کیرکه - این طایفه در کلیائی و سنقر و کردستان منزل دارند
کشکی - در زهاب و لرستان و روانسرو کام یاران سکزی گریده اند
کلاشی - بیشتر این طایفه در قریه ترخان آباد جوانرود منزل دارند
کلباغی - این طایفه در زمان صفویه از حدود سلیمانیه بکردستان آمده و در سندج و دهات دیگر منزل گرفته اند و امروز بیشتر آنها در این دهات :

کیله کبود - کنگ - مره ده - خنجره - کانی سفید - ابراهیم آباد
 کوس عمر - زرینه منزل نموده اند.

کلهر - قسمت قلبی از این طایفه در خاک کردستان و در قراء رستمان و قشلاق رستمان که جزء بلوک خرخره است سکونت نموده و قسمت اصلی ایل هزور در کرمانشاهان اقامت دارند.

گوران - بعضی از این طایفه اکنون در شهر سندج متوقف و مشغول تجارت و صنعتگری اشتغال و برخی در بلوکات اورا مان ژا و رود - گلو رود پلنگان مسکن دارند در میان آنها علماء و زهاد بیشتر از طوایف کرد میباشند قبیل از نفوذ طایفه کرد رئیس و بزرگ پاره از طوایف کردستان ازین آنها بوده و بیشتر این قوم در خاک کرمانشاهان (کهواره) نزدیک کردند میسکن دارند.

کویک - این قوم در ژاو رود منزل دارند.

کوماسی - این طایفه در کره و زمن منزل دارند.

کو کوئی - سابق زیاد بوده اند و در ما کوان - کویله - مره ساوه و کوری منزل نموده اند.

کوسه - در بلوک سقر و سیاه کو و صابن قلعه افشار منزل دارند
لاله - در قریه امام و سایر دهات کردستان متفرق منزل دارند
لک - این طایفه در اسفندآباد - چهارگاو - علی وردی مشغول
 زراعت اند.

مصطفی ییکی - این طایفه جزو قبادی و بتدریج عده آنها بخاک
 کرمانشاه و شهر زور نقل مکان نموده و اکنون قسمتی در خاک جوانرود
 اقامت دارند.

منوچهری - این طایفه هم جزء طایفه قبادی محسوب و اکنون
 در خاک جوانرود اقامت دارند.

مندهی - این طایفه مرکبست از محمد مرادی - تازی مرادی
۱. محمد مرادی - در حسین آباد و پیر محمود و کردستان و
 گروس بصلاح و زراعت مشغول

۲. تازی مرادی - در قرخ لر - کانی در بزر سرحد کردستان و
 گروس مسکن دارند و عده از این طایفه در سرچنار - یازیان که جزء
 توابع سلیمانیه است سکونت نموده اند.

ندری - این قوم در لیر گساران و کوه ابدالان و جوانرود و ماهیدشت
 کرمانشاهان زراعت میکنند.

ولدی یکی - این طایفه از اقوام بزرگ کرد و در محال شانیکان
 و کره و بازان و منجد و چیکران و سور مرو و رازان مسکن نموده اند

طوایف و سکنه کرمانشاهان

کرمانشاهان در حد فاصل بین کردستان و لرستان واقع شده اگر چه نمیتوان طوایف مشخصی در آن تمیز داد در شمال کردها و در جنوب آن لر ها مسکن دارند ولی باز میتوان چندین طایفه اسم برد مانند کلهر (باوند پور) - سنجابی - زنکنه - گوران و غیره

این طوایف اگر چه مجزا میباشند ولی باز رشته از کرد و لر رشته ای از لرنند که یکی یکی بشرح آنها خواهیم پرداخت دهات کرمانشاهان مانند کردستان و آذربایجان آباد و رعیت بسیار زراعت در کمال خوبی و محصول فراوان بدست میآید بواسطه داشتن مراتع خوب روغن کرمانشاهان نیز معروف است.

طوایف کرمانشاهان را می توان در تحت عنوان هر ملوک و ناحیه جدا گانه اسم برده و انشعابات آنان را تحت همان عنوان معین نمود.

خاک باوند پور - (کلهر) - در جنوب کرمانشاهان واقع شده

مراتع آن بهترین زمینهاستعداد همه نوع زراعت را دارد دارای جنگلهای وسیعه و معادن متعدده از قبیل زغال سنگ و نفت و غیره است این طایفه از بزرگترین طوایف کرمانشاهان محسوب میشوند مسکن آنها شاه آباد گوادر، شیان، بره سمن، گیلان و ویره است مردم عموم این طوایف متشیع فقط چند خانواری مسلک علی الهی دارند.

کلهر - دارای چندین شعبه میباشد بقرار ذیل.

خالدی - مشتمل بر طوایف کوچك کوچك شیرک - پیرک -

علی رضاوندی - رجب - روتوند - قوجه - باسکله - غلام علی - صالح
که در ویرنان و گوادر سا کنند .

شیانی - بچندین قبیله قسمت میشود : قبادی - باقر آبادی - چقائی -

چگنه - قوخی - که در شیان و نرمان منزل دارند .

کاظم خانی - این طایفه بچندین شعب منقسم : داراب پیکی

چوپانکاره - برف آبادیها - قلندر لکی که در گوادر - بزو آباد -
دیره پشته گیلان سکنی گزیده اند .

سیاه سیاه - که در بره سمین - قشلاق چله - میاب دار -

پشته گیلان منزل دارند .

منشی - در کفر آور سکنی گزیده اند .

خمان - در سر آب سرشور و قشلاق پشته گیلان منزل دارند

کله پا - در نوه سرخك و مرانع حدود مندلیج سا کنند

قوچمی - در تومیانه منزل دارند ،

کرگاه - در ملازمان و حدود مندلیج سا کنند .

هارون آبادی - در شاه آباد سکنی دارند .

منصوری - در سرتنك منزل دارند .

کله جوئی - در کله جوب سکنی گزیده اند .

علوند - در کاشنه و کر کهرك زندگی میکنند

شوان - در مندرك منزل دارند ،

ماهیدشتی - در ماهیدشت

بداغ ییگی - دربان کنجاب و پل خدا امام حسن

زینل خانی - در زیبری و پشته کیلان

شاهینی - در شاهین .

کمره - در کمره



گوران - خاک گوران واقع است در مغرب کرمانشاهان مزارع آن عموماً کوهستانی و آبی و قابل همه نوع فلاحات دارای جنگلهای متعدد و معادن زغال سنگ میباشد کهواره مرکز گوران و توتون های آن مکان بواسطه عطر و طعم بر سایر توتونها امتیاز دارد:

هوای این ناحیه پاک و صاف اهالی عموماً رشید و خوش اندام و صاحب فطانت میباشند کهواره مزبور نسبت بتمام ناحیه گوران عنوان مرکزیت دارد مذهب اهالی اسلام دو فرقه از ایل تسنن و بقیه مذهب علی اللهی دارند شعب این طایفه ذیلاً ذکر میشود.

قدخانی - در قلعه علی سلطان - قلعه شویل - زهاب - پشت تنک پیران - بان لوان منزل دارند.

کهواره - در کهواره - بریوه خانی - سرپلتنی - زهاب منزل دارند

نیریژی - در چقا چوبین - هلور - بان زمین - دستک منزل نموده اند

بیویانی - در بیویان و قزل منزل دارند.

جاف - در حسن گاو - دارچم منزل نموده اند.

خاک کردند - در مغرب کرمانشاه واقع بسیار حاصلخیز دارای
مزارع وسیعه جنگل های آن از کوه سرخه دره شروع شده و بسط
در بند موسوم به استخوان ممتد میشود مردمان آن دارای فوق صنعتی
با هوش فطری کلیه آهنگری بین اهالی خصوصاً چاقو سازی شیوع
دارد.

قصبه کردند دارای مرکزیت میباشد از محلهای معروف آن بیونج
کردند و بشیوه است مذهب کلیه اهالی تشیع و منسلک به سلك علی اللهی
ککردند دارای آب و هوا و صفای مخصوص و معروف خصوصاً
سرآب آنست طوائف آن بقرار ذیل.

گرنلی - در کردند ساکنند

بیونجی - در بیونج و جنهرده

رشیدعلی - در کردند و بشیوه و جنهرده

جلالوند - بدو طایفه باجلان و همدان منقسم و در سان رستم

و هیلان مسکن دارند

یاظاقی - در پا طاق و جنهرده

جوزکه - در کردند و جنهرده

باباجانی - در کردند و جنهرده

آئینه - در بشیوه

سر هیلای - در سر میل

هله - در هله و جنهرده

حریری - در جنهرده

چشمه سفیدی - در چشمه سفید و جنهرده

خسرو آبادی - در خسرو آباد و جنهرده

نصر آبادی - در نصر آباد.

زنکته - دو شعبه این طایفه معروف است یکی کندوله که در

قصبه کندوله سکنی گزیده اند و از محصولات آن مکان انگور است.

و دیگری عثمانوند که خاک این قبیله در مشرق کرمانشاه واقع است تماماً

دارای مذهب تشیع میباشد و شعبه هم اکنون باسم زنکته معروف است

که در بالان دشت و هلیلان و کرمانشاهان زندگی میکنند

کندوله - در کندوله و هلیلان عثمانوند و سر فیروز آباد

منزل دارند.

نامیوند - در رحیم آباد و سایر مزارع ماهیدشت و زهاب

چهری - در چهر و دهات چم جمال و مراغه زهاب.

سنجایی - این طایفه در مغرب کرمانشاه اقامت دارند اراضی آن

عموماً حاصلخیز و محصول عمده اش غله است قلیجائی و ببادان از

مرکز طایفه است سایر قراء و قصبات آن باسامی دیار سر جقا رحیم آباد

بندار - هفت آشیان - کبود خان نامیده میشود

چالایی - بدو طایفه منقسم میشوند - بختیار خانی - اللهی خانی

و در ماهیدشت و باغچه و آق داغ منزل دارند.

دالیان - در برزه چنار و باغچه و آق داغ

عباسوند - برزه چنار و باغچه و آق داغ

دستجه - دار خور - دربید گل و باغچه و آق داغ

مجیدیان - رهبروندی وحشتیان - دارخور فتح الله - دستجه
شاه نظر که در ماهیدشت - باغچه - آق باغ زندهر سکنی دارند .
کلیائی - خاک کلیائی واقع در شمال کرمانشاه داروای مزارع
 آبی و بواسطه لطافت آب و هوا بهترین امکنه بیلاقی آن حدود محسوب
 میگردد مزارع و مراتع کلیائی با سامی قرانپه - کیوان - کل سفید - سنقر
 معروف است

سنقر مرکز کلیائی است و عموم اهالی بمذهب تشیع استوارند
 شعبه این طوایف ذیل از کر میشود .

(۱) بکوند - (۲) صوفیوند - (۳) موسیوند ...
 (۴) شیموند - (۵) شیرازی

احمدوند بهتوئی - خاک این قوم واقع در شمال غربی ایالت
 کرمانشاهان است و دارای مزارع و مراتع عدیده که از رود خانه زارآور
 مشروب میشود . شعب این طوایف عبارتند از :
یار میر احمدوند - در ایوان و سایر دهات میان دربند - کچ شاه
 مراد خانی منزل دارند .

دمصفاوند - در کچ شاه و مراد خانی
بهتوئی - در میان دربند سکنی گزیده اند .
باجلان - همگی از اهل تسنن و مرا کر آنها قورتو است .
نانکلی - همگی علی اللهی و در دهات دینور - بیلوار سکنی دارند
خالوند - در سر فیروز آباد مسکن دارند
جلیلوند - در مزارع دینور سکنی گزیده اند .

پایروند - منزل این طایفه در امتداد سلسله کوه پرآر واقع در
 دو فرسنگی شمال شرقی شهر کرمانشاهان است عموماً شیعه میباشند
بالاوند - این طایفه از طوایف لرستان پشتکوه مجزا شده
 و محل اقامت آنان در هلیلان - اردلان - سر فیروزآباد.
احمدوند شیرازی - این طایفه در مزارع و مراتع دور و فرامان
 سکنی گرفته اند.

طوایف و سکنه لرستان

در لرستان تاچندی قبل بعکس آذربایجان و کردستان و کرمانشاهان که عموم مردم جهت خود منازل و دهانی ترتیب داده بودند آبادی کم دیده میشد عموم لر ها در زیر چادر زندگی کرده و اوقاتی که در بیلاق و قشلاق بودند مقداری کندم و جو و ذرت و خلری را که زراعت نموده قدری از آنرا در محلی دفن کرده و بقیه را هم برای مصرف همراه میبردند پس از تخته قاپو شدن لر ها چون همه گونه وسیله آسایش موجود بوده و رود خانه صیمره دره های آن سبب همه نوع حاصل خیزی شد زمین و آب و هوای مساعد روز افزون لرستان ترقی کرد چه لرستان از حیث حاصل خیز بودن و معادن و هر گونه ثروت طبیعی که وسیله سعادت و ترقی بشر است از قطعات ممتاز ایران محسوب میگردد

الوار را میتوان تنها طایفه شمرد که کمتر بانثراد های دیگر مخلوط شده باشند قیافه الوار بعینه قیافه ایرانیهای قدیم است که در حجاری های هخامنشی و ساسانی دیده میشود همانطوریکه قیافه آنها تغییر نکرده زبان و عادات قدیمی آنها هنوز باقی است.

از صفات اجتماعی لر ها که خیلی قابل توجه است تشکیل انجمن و مجلسی مشاوره در امور خودشان است که در حقیقت با همان وضع لری مجلس اهالی خوبی تشکیل میدهند.

اهالی لر پیشکوه غالباً از تیره گرد و برخی از طوایف کرمانشاهان و پیشکوه هستند که بمرور بدانجا رحل اقامت نموده و رفته رفته جمعیت

پشتکوه زیاد شده است .

ساکنین این دهات چه در پیشکوه و چه در پشتکوه مردانی سالم قوی البنیه و حاضر برای همه گونه کار و زراعت میباشند باین ترتیب و مراقبت های لازمه تصور میرود لرستان شهر آباد و متمدن و روز بروز رو به ترقی خواهد رفت اکنون در هر گوشه و کنار خاک لرستان قلاع فلاحی ساخته شده و هر طرف خانه های رعیتی بنا گردیده و قلاع و آبادیها احداث شده و طوایف مختلفی در این مکانها سکنی دارند که بتفصیل اسم برده خواهند شد

بیرانوند - بسه طایفه اصلی قسمت میشوند

۱- **میرزا احمدی** - مرکب از زینی - خانم بی بی - بانو -
 علی محمدی مرادی که در قلعه رحیم خانی - سراب علینقی سر آب ملکبی سکنی دارند

۲- **یار احمدی** - مرکب از تقی - حسن بیگ - بز - بور -
 تازی که در بیدخل - گل زرد مله تخت - گردگانه سکنی نهوده اند
 ۱- **مال اسد** - مرکب از مهرباب - زید علی - بارانی - چرم آرن -
 شکر بیکی که در گردگانه و کبیر کوه سکنی کرده اند و بعضی طوایف دیگر که جزو بیرانوند اند مانند طایفه قیطول - طایفه یار احمدی که که خود اینها نیز بچندین قبیله منقسم اند

بالاگریوه - از سه طایفه تشکیل میشوند

۱- **دیرکوند** - مرکب از - میر حاجی خانی - میرایمان خانی -
 میر سرهنگ خانی - بهاروند و قلاوند که در صیمره - ابدانان -
 قلعه نصیر - دادآباد - تنگ ننی - جابدر - کرکی - سرآب گل ساحل رود
 زرد سوار - پل زال - لیلان و قیراب منزل دارند

۴- **خودگی** - مرکب از آقا میرزا خانی - آقا رضا خانی که در کوماس - ریقان - قلعه نصیر کنار رود افرینه - جابدر - گل گل منزل دارند

۳- **پایی** - مرکب از حسینقلیخانی - علیمراد خانی - مشهدی - میرزا علی که در تاف و کریت کشور - چنار گل - اندریسی - ادیس و مازو سکنی دارند

سلسله - از سه طایفه اصلی تشکیل میشوند

۱- **حسنوند** - مرکب از خمسه - دواتشاه - بسطام - کالوند - جهان سلطانی که همه در کا کا رضا سکنی دارند

۲- **کولیوند** - مرکب از سوز مهر خانی - فرخ شاه - فرج الله خانی - کرم علی - فلك الدينی که کلیه در خاوه و الشتر منزل دارند

۳- **یوسفوند** - مرکب از کادن - مومن - ویس و کاموند محل اقامت کلیه در البشتر است

دلفان - از سه طایفه اصلی تشکیل شده

۱- **موموند** - محل اقامت مسکین الی طرحان

۲- **کا کاوند** - محل اقامت کا کاوندنا هلیلان

۳- **ایتوند** (اولاد قباد) - محل اقامت خاوه الی طرحان

چکنی - مرکب از طوایف نوشمال - قیطول - فتح الله و میرزاوند حاجی هاسزدار - بذاق حسینوند - شاه کرم و ولی کرم - شیراوند و طولابی - سادات حیات العینی که در قسمت چکنی و ناحیه سماق منزل دارند

طرحان - از سه طایفه تشکیل شده اند

۱- **امراتی** - مرکب از نظر علیوند - سهراب وند - رحیم لالوند

که در رمشکان وچم کز منزل دارند

۲- **سوری** - مرکب از حاجی - و خدا نظر - عبدالی - و قره لیوند -

خوشان وند - آب باریک که در رمشکان - پل مادیان رود - کوه دشت -

امراتی - زیو دار - چول حول مسکن نموده اند

۳- **نصرالله خانی** - مرکب از رولیانی - بابارکانی - حداد مهکی -

زیو دار - بلورانی - ریکا چهار فلائی - گرمه - ضرونی که در سر طرهان -

امیران - کوه دشت - کاشی سکنی دارند

میگویند - از سه طایفه اصلی تشکیل شده اند

۱- **حاجیعلی خانی** - مرکب از قلی وزینب - پومنی - و پنبهر

ساکی محل اقامت آنها در کیان - میل - ارنا - آبستان است .

۲- **ارنا** - مرکب از ایمانعلی و سردار خان - جهانگیر خان -

سرمهنگ خان - علی محمد خان کلیه درازنا ساکنند .

۳- **آقارضا خانی** - مرکب از رستم خانی - صفر خانی - عالی خانی

که در پنج ورار - آبستان در غرب و جنوب در فول منزل دارند .

طوایف اعراب

۱- **طایفه سادات نجات** در ده اران

۲- **طایفه چوب** در موسیان

۳- **طایفه چنانه** در عین الخصال

سکنه پشت کوه

خنزل - که مرکب است از قلیل وند - مرشد وند - بخضروند -

شمس الدین وند

ملکشاهی - که عبارتند از پائیزه - بادانه - کنار یوند - سر ابلیوند

کله وند و غیره

درگوازی - که مرکب است از قویشوند - ملاکشوند - موم وند

محسن - بلویله - حداد - مورتی و غیره

بدره - که عبارتند از علی شیروانی - موسی کلیمی و غیره

کرد - که عبارتند از مراد خانی - زبد علی - قائده خورده

ریزه وند - که عبارتند از کلهر - شیابی - باقله - سر ابله -

بدر آبادی .

پنجستون - که عبارتند از ده بالائی - عالی بیکی - هند مینی

و غیره .

چون از طوایف لرستان ذکری شد لازم است سکنه های راه ها

وجاده های فرعی که از لرستان بخوزستان و با از لرستان بطرف اصفهان

وجاده های فرعی دیگر  و داسم بریم .

طایفه ای که در طرفین قسمت اول راه اصفهان برام هرمز

اقامت دارند .

اورش - در ده آباد و میدان و چهل چشمه منزل دارند

هم جلالی . در خراسانک و ساری دشت منزل دارند

عاد کاد - در حیر مانك و ساری دشت اقامت دارند
کاکلی - در حدود و حوالی بل برزین و اسفانك سکنی نموده‌اند
ال داود - در بل برزین و اسفانك منزل دارند
قلی - در بل برزین و وریاد منزل دارند
بابا در ساری دشت و چهل چشمه
آ - در قریه وریاد و ساری دشت
مهرائی - که یکی از شعب بزرگ محمود صالح است و دارای
 انشعابات زیادی است مانند
 هلیل - خون بابا - هارونی - کشول - ابسی پره - نمساروند -
 جمال وند - دره بالائی - دودانگه - بدررفته - چهار پروند - استاد -
 داود وند - فرخ وند - ارپنائی
 این طوایف در برده شیر - ماهور برنجی - ساری دشت -
 تهلکی - چنبره میدانك كوچك - قلعه سرخ - چمنندگان - لوسفند -
 برمه - گود خر - تنك سرای - میدانك بزرگ - سمالی - ده رنگران -
 قلعه زنبور - خواجه برمه - دولت آباد - لاجوا شه زندگی میکنند

طوایفی که در حدود جاپلق و بربرودسکنی دارند

زاقی - که مرکب از شعب دوغ زنی - جاوید - میان جائی - سادات احمدی میباشد .

موگوئی - شعب آن باسامی بیرگوئی - دیولیتی - مهدور - هزارسی معروف است .

آبادیهای مسکونی این قوم را سه قسمت عمده میتوان تقسیم کرد.

۱ - قراء واقعه در سمت مغرب ناحیه چهار لنگ باسامی پرسش - قره خات - بهره - هیو - هما و ابوج - دغو غیره .

۲ - قراء واقعه در جنوب ناحیه چهار لنگ باسامی

شاه بلاغ - مزرعه سیب - کوراب - در بند - خرم دره و غیره

۳ - قراء واقعه در پشت کوه که عمده آنها بقرار نیلند - کهران

زمستانه - پشندکن - برم آباد - سیح - ترزه - خک بیرس - بانده

انالش - هیوک - ده نو و غیره و غیره .

فولادوند - مرکب از طوایف هیودی - سالاروند -

خانه جمالی - خانه قاشدی - کراوند - خواجه کاندوند - و هداوند میباشد .

عبدالوند - تقسیمات عمده آن - کوشازی - درویش - زرین

جنائی - ماهرودی و بیرانه ونداست .

بحاق - شعبات آن - بر - بزی - کرگی وند - جلیل وند

ملك محمودی - آدینه وند - اتابکی - خانه قائد - شہروس وند -
تیرہ وند - صوفی میباید .

حاجی وند - مشتمل بر غالبی - زید کاند - ہیل ہیل - تیرہ وند
الیاس است .

عسی وند - مشتمل بر خانہ کاند - گیروئی - درکشہ - زیبائی
ادای - کوروئی و جعفر وند است .

کیان ارث - (کینرسی) - این طایفہ در منتهی الیہ راہ اصفہان برامہرمز
کہ جزء خاک جانکی است استقرار یافته اند و شعب آن بقرار ذیلند .

یکوند - زنکنہ - بلواسی - ال خورشیدی - مم بینی - گریجہ
سیلان - اسفرین - عاشور وند - عالیوند - گل گیری - کرد زنکنہ -
بوستین بکول - تہبی - سہونی - محمد جعفری .

سہونی - مشتمل است بر - حمولہ - کہیش - مترک - شنکی -
سالہ - یور یورون - شیخ

محمد جعفری - مشتمل است بر بابا جعفری - عالی جعفری - غریب بوند و غیرہ .
طوایف ہفت لنگ کہ در راہ بین راہہرمز و مالا میر و قسمتی از جادہ های
فرعی بین اصفہان و چہار محال و بہبہان و لرسنان سا کنند .

دور کی - شامل شعب مختلف

زر اسوند اسیوند موری قندعلی بابا احمدی عرب استرکی

دنیارانی - شامل شعب مختلف

کوروئی - موزر موئی - اوراک - خواجہ زنگی - قلعہ سروی -

غلام - اولاد حاجیعلی - غریبی - چہار بنیچہ - نوروزی - بویری

شیخ عالیوند - عالی محمود - عالی محمدخانی - عالی محمودعلی - مرادخانی

قوشوند - شالو - فضل عالیوند .

ج - بابادی (باوادی) - از شعب مختلف

عالی انور - عکاشه - تقی عبداللہی - مراد - کلاوند - کلمہ - عالیور

احمد محمدی و غیره و غیره

(د) جانگی سردسیر با شعب مختلف

جلیلی - ممری - ریکی - شیش - سونک

(ه) - بختیاروند از شعب مختلف

منجری - علاء الدینی - بلیوند - عالی جمالی - سردی - بهرامزلی

هلاشوند و غیر و غیره

این طوایف هر يك دارای شعب مفصل و دسته ها و قبیله های

گوناگون است که بواسطه اطناب کلام از ذکر آنها خود داری شد.

طوائف و سکنه خوزستان

بیشتر طوائف و سکنه خوزستان را اعرابی تشکیل میدهند که
بمرور از عربستان کوچ کرده و سالهای متعددی در خوزستان مسکن
نموده و با همزوج و مخلوط شدن جزء سکنه آنجا محسوب شده اند
در قسمت شمال و غرب يك قسمت از لر بزرگوار كوچك سکنی دارند
که جزء لرستان و یا کهگیلویه فارس محسوب میشود.

قدیمترین طایفه که از بین النهرین باین حدود مهاجرت نموده و
در ساحل دریا در محل موسوم به قبان که خرابه‌های آن هنوز باقی است منزل
گرفته اند طایفه سطور میباشد که سالها در آن محال اقامت و باعث آبادی
آنجا گردیده اند پس از آن طایفه کعب این طایفه که بان صفحات آمدند
در نقاط مختلفه فلاحیه اقامت و قسمتی نیز در سواحل شط العرب و
اطراف محمره و کارون سکونت اختیار نمودند پس از این دو طایفه طوائف
دیگری باین حدود آمدند.

بنی کعب - در فلاحیه و اطراف آن سکنی دارند و بطوائفی
مانند عسا کره - آل بو صبح - آل بودلی - خنفره - آل بو حمود قسمت
می شوند.

بنی طرف و حویزه - بنی طرف بدو دوده‌ان تقسیم می شوند
طایفه سعید - طایفه سیاح این قوم دو بیست سال قبل از

چینور واقع در اطراف یمن مهاجرت و نزدیک نخلستان های غربی خرم شهر
ساکن گردیدند پس از آن هم بغنا جیمه در ساحل رود خانه کرخه
رفته آنها را مقر خویش قرار دادند .



بنی طرف (حمولات-تیره‌ها)

آل بوجلال - ساکن خفاجیه

اهل شافه - درکنارنهر فنیخی وساعدی

آل مغنیم - درکنار رود مالکیه

بوغفری - درمالکیه

آل بوحمادی - آل بوجله درکنارنهر سابله

آل بوعلوان - درکنارنهر سابله

مراض - درکنار رود مالکیه

آل عبیات - درکنارنهر فنیخی

آل بوحر و ان - درکنارنهر حمیضه

آل صوالح - درساتین

سعدون درکنار مرداب فنیخی

آل سواحه - درکنار جرایه

آل بوعبید - درورطه وصالح و ساریه

سواری - این طایفه به پنج قسمت میشود

۱ - آل فرق ۲ - آل منغاضات ۳ - آل نمالب ۴ - آل فرا -

۵ - مباح .

حویزه - سکنه حویزه از چهار طایفه ذیل است :

نیس - ساکی - اهل جرف - اهل کوبت

طایفه اخیر نیز بنوبت خود بچهار قسمت فرعی منقسم میگردد که
اجداد آنها از کوفه مهاجرت نموده و اصلا از اهل یمن بوده اند،
صاکی - از طایفه حبیب میناب است و یکصد سال است بحویره
آمده اند.

اهل جرف - از نخلستانهای بین النهرین میباشند.

کویت - اصلا از چهار لنگ بختیاری است:

طایفه جراحی - بین بهبهان و فلاحیه اقامت دارند شعب
اصلی آنان باسامی بنی خالد شریفات - حمید - حیدر نامیده میشود
آل خمیس - در اطراف رامهرمز سکنی گریده اند شعب اصلی
آنها بقرار ذیل است.

بنی رشید - احمدی - ظهیری - آل بو عیاد - الحجازات - ره دار
بیت دعو - زبید - و غیره و غیره

باوی - در طرف مشرق کارون و در حدود اهواز سکنی دارند
شعب آنان بقرار ذیلست.

الحرب - زرکان - آل حمید - نواصر - آل بو صبح
آل بو حسین - میاح - آل عمور - آل چول - آل بهون
آل عمر - بیت سردابح - الجامع - مقاطیف و غیره و غیره

طوایف خرمشهر معروف به محیسن - در طرف خرمشهر -
آبادان - قصبه نصار - بهمشیر - تا حدود خاك بصره ساکنند
طوایف آنها.

مسطور - نصار - الهالات - البغلابه - الزویدات

تاوايف متفرقه غرب کارون - که بين اهواز و دزفول مسکن
کرده اند بقرار ذيلند .

بيت کریم - بيت غافل - سرخه - بنی صالح - عبدالخان
و غيره و غيره :

طوایف و سکنه فارس

میتوان گفت طوایفی که در قسمتهای مختلفه ایالت فارس سکنی دارند از تمام ایالات و ولایات ایران بیشتر اند اغلب این طوایف در مکانهای خود بزراعت و بافتن گلیم وقالی مشغولند تربیت اغنام واحشام در این قسمت روز افزون و با داشتن زمین مساعد آب و مراتع سبز کره و ماست و روغن عالی تهیه میشود رسوم قدیمی مانند مهمان نوازی و احساسات نیک - پاکدامنی هنوز در آنها بیدگار مانده است .

وضع زندگی این طوایف بسیار ساده و بی آلابش و همان زندگی طبیعی است .

قشقائی - این طایفه مشتمل بر ۱۲ شعبه میباشند و بعضی را عقیده بر آنست که این قوم طایفه از مغولند که در سلطنت چنگیز خان بترکستان و در عهد نادر شاه افشار از ترکستان بفارس آمده اند و برخی دیگر تیره قشقائی را از شعب يك طایفه قدیمی موسوم بخلج میدانند که در آسیای صغیر سکنی داشته و بعد ها بعراق عجم و قسمت جنوبی ساوه منتقل شده و قسمتی از آنها از ساوه بفارس رفته اند شعب آن بقرار ذیل است .

کشکولی - این طایفه در اردکان - کاکان و دشتی و ماهورمیلانی و جازه و فیروز آبا . منزل دارند .

دره شولی - در سیمرم علیا و اسفداران تا حدود طاقون - قشه جندمان و قسمتی از حدود کارون ماهور میلانی فامور سکنی دارند
شش بلوکی - در شش ناحیه و چهار دانگه و فراش بند - خونج و افراز منزل دارند .

خلج - در حدود دشتسان و ده کرد و پادنا

فارسی مدان - در خونج منزل گرفته اند.

صفی خانی - در افراز سا کنند

رحیمی - در خونج سکونت دارند

گله زن - در حسن آباد چهار دانگه و ماهور میلانی و دشتی مسکن دارند .

ایقدر - شش ناحیه و فیروز آباد محل سکونت آنهاست

قهوه - در آسیا و عربه

قراثت - در اوجان چهار دانگه و خشت منزل دارند

بیات - در کام فیروز - رامجرد - و جره

خمسه بدین سبب **خمسه** موسوم شده که مشتمل است بر ۵ شعبه

ایناللو - بهارلو - عرب - باصری - نفر

محل اقامت شعبه **خمسه** مذکور در مشرق و جنوب شرقی ایالت

فارس است

۱ - ایناللو - در رامجرد و مرودشت و خضر و داراب و فسا

منزل دارند شعبات : این طایفه بقرار ذیل است .

بولوردی - اسلامو - افشاراشاقی - امیر حاجی - ابران شاهی

یلاغی بیك - چهارده چارك - داهو - دینه دار لو - غوزه غوزه -

محمود باغلو .

بهارلو - این طایفه قدیم در دشتهای یزد خاست و داراب و

رامجرد و مرودشت و کامین و امروزه در طرفین رودخانه شور و قسمتی

از بلوك داراب گرد بسر میبرند شعب این طایفه بقرار ذیلست .

ابراهیم خانی - احمد لو - اسمعیل خانی - بوربور - تلککه - جام

جرگه - جوقه - حاجی عطارلو - حیدر لو - رسول - خانی - سقر -

صفی خانی - عیسی بیگلو - کریم لو - کلاه پستی میباشند .

عرب - قسمش معظمی از جنوب غربی و جنوب ایران مسکن

طایفه هائی است که اصل آنها از عرب است و بیشتر در زمان خلفای

اول بنی امیه و عباسی از نجد عربستان و عمان و یمنه بایران رحل

اقامت افکنده اند طوایف عرب مقیم فارس بخلاف خوزستان باندازه با

سکنه بومی اختلاط و امتزاج پیدا کرده که امروزه مثل سکنه خاص

این سامان بشمار میایند زبان آنها مخلوط از لغات عرب و ترك و فارس است ولی لغات فارسی بیشتر رواج دارد و بتدریج جانشین لغات عربی میشود طایفه فارس بدو قسمت چهاره و شیبانی تقسیم میشوند این دو قوم در بوانات قونقوری سرجام - سبعة و رودان احمدی منزل دارند .
اسامی شعب آنها بقرار ذیلست .

۱- **شعب چهاره** - متشمل بر: - آله - اعدی - ابوالغنی - پیر اسمعیل -
سادات حسینی - ابوالمحمدی - بور بور - جابری - حنائی -
بزرخی - قره غانی - شياهنون - نقد علی - ابوالشرف - درازی و
غیره و غیره .

۲ - **شعب طایفه شیبانی** - به پاپتی - تکریتی - حسانی -
شیبانی . عبدالیوسفی . ولی شاهی . لوودن . ابوحنی . حیاتی . شاه
سواری . عمادی . خوشنامی قسمت میشوند .

باصری - این طایفه یکی از تیره های اصیل ایرانی هستند معیشت
آنها از طریق زراعت و گله داری است و در سرورستان و کربال و محال
مجاور ارسنجان منزل دارند شعبه عمده آنان ویسی . چهار بنیچه . علی
میرزائی و شکاری است

نقر - اصل این طایفه از ترك است که در بلوک داراب گرد جهرم
و لارستان منزل دارند شعب معروف این طایفه بقرار ذیلست .
بالکی . تاتمانلو . چینی قوری . دلو خان لو . ستار لو . سنجر لو
شولی . جن . عراقی قادللو . قباد خان لو . قره باجغلو . قیدار لو . لر و
غیره و غیره .

کهکیلو - کهکیلو ناحیه وسیعی است واقع در مغرب ابالت فارس

تقسیم میشود:

۱ - اقاجری . ۲ . باوی . ۲ جاکی

۱ - اقاجری - این قوم مخلوطی از کرد و لر و مشتمل بر طوایف

عبدیه میباشد بترتیب ذیل :

افشار . بغدلی . نبال کوه . جامه بزرگی . جتائی . داودی -

شعری . قراباغی . کشتیلی - لر زبان

این طوایف عموماً در اطراف رودخانه کردستان نزدیک ارجان

و بهبهان سکونت داشته و شغل آنها زراعت و کله داری است

۲ - باوی - این طایفه اصلاً عربند و بواسطه امتزاج با الوار

جزو الوار که کیلویه محسوب گردیده اند و ناحیه باشت و کوه مره را مالک

شده و قطعه مزبور را باسم خود باوی خوانده اند و بشعب ذیل تقسیم

میشوند علی شاهی . کاشین . موسائی . بارافنابی . قالشی با عمله

۳ - جاکی - این طایفه بدو شعبه تقسیم میشوند چهار بنیجه و

لیراوی و چهار بنیجه بنوبت خود به چهار قسمت منقسم میگردد -

خویر احمدی - چرم - دشمن زبانی - نوئی

لیراوی هم بدو دسته لیراوی دشت و لیراوی کوه منقسم میشود

لیراوی کوه - دارای تقسیمات کوچک از قبیل طیبی . یوسفی -

بهمنی . شیر علی و غیره می باشد

بویراحمدی - قطعاتی از شمال کهکیلویه را متصرفند مانند ورون -
تل خسرو - بلده شاپور و باسم خود بویراحمدی نام نهادند خاک آنها
از قریه ارد نادار کوهك و از کرخده تاشورکان ممتد است سایر دهات
این قوم عبارتند از :

آب شیرین - برهان - بویری - جکی - خرکده - دره شور -
سنگون - سورکان - فیل گدوی مرکز بویراحمدی داراهان است تقسیمات
جزء بویراحمدی بقرار ذیل است :

اقائیش - اولامیرزا علی - بابا ملکى بدهلونی . بتوکی - بر آقابی
جلیل - شیخ ممو - عباس گودرزی .

چرم - برخی از قراء قضبات بلده شاپور ورون را که در شمال
بهبهان واقع شده تصاحب نموده و بناجیه چرمها معروف است قریه
تل در هشت فرسنگ و نیمى بهبهان مرکز این طایفه محسوب میشود
شعب آن بقرار ذیل است :

بیگلر - بنادی - بیرو خوری - تارمونی - حسام - بهاء الدین -
گن . کش و غیره
و آبادی آنها عبارتند از :

تل گرد . ارند : علف چین سفلی . علف چین علیا . باباباری .
دولت آباد و غیره .

دشمن زیاری - قسمتی از بلوک بلده شاپور ورون را ساکنند قصبه
قلی گل دره فرسنگی بهبهان مرکز طایفه است قراء دیگرش
عبارتند از :

آب دیز - چهار راه - دلی کمه - سبز میر - شیخ عباس - قلعه گل
قلعه کلات - مورزدوی

طایفه دشمن زیاری بدودسته تقسیم میشوند :

الیاسها - مشتمل بر: دیناری - بویوی - سلطانی - سود - شیر محمدی
قلندری و غیره .

گشتاسیها - مشتمل بر: بور - بناری و میر احمدی
نوئیها - قسمتی از بلده شاپور ورون را اشغال و مسکن گرفته‌اند
شعب آن بقرار بقرار ذیل :

بوله - پیرزا - تولیان - چاین - چقال - دور تیزکان - ده ریز -
ده هاشمی - سراج - سرفاریاب - سومقان - شیخ هابیل
قصبه پولی که نابهبهان ۷ فرسنگ فاصله داشته و مرکزیت دارد
شعبه نوئی مشتمل است بر تیره های پابی ، جلاله ، دره مردی ،
دلاوری - زبلوئی - زنکنه - شیخ نیرادکان - شیخ هابیل -
محمود شاهی .

لیراوی - چنانکه گفته شد لیراوی بدو دسته لیراوی دشت و
لیراوی کوه قسمت میشود .

لیراوی کوه مشتمل بر شعب فرعیه بهمئی - شیرعلی - طیبی -
بوسفی .

بهمئی - مشتمل است بر: بل عباسی - بناری - بیحانی - جلیلی - رودنلخی
علاء الدین - در قسمتی از شمال بهبهان که باسم خود آنها معروف
گشته منزل دارند و قراء قصبات آنها باسم - دیشموک - فرنک - قلعه اعلاء
و ممبی است .

شیر علی - این قوم اکنون بسیار معدود و در بلوک بوالفارس
سکنی دارند

طیپی - مشتمل بر: تا حسین شاهی - تارضائی - تقسیم علی -
نملولی - نمرادی - نوالسی - چهارگاهی - خواجه - وزکی - سماعیلی -
کرائی - قنبری - ناصر طیب

این قوم در ناحیه بلده شایور سکنی کرده و ناحیه مزبور با اسم آنان
معروف شده مرکز آنها قصبه لنده میباشد قراء و آبادیهای آنان
بقرار ذیلست

اورده - الوند - ایدنک - نرو - تلخ آب - چهاردوسه - چهارروزه -
چین دالان - رئیس - رون - زنگول شاه - سوف - سکوب آباد - عجم -
قلعه رئیس - کلات - لیرگل - مالی ملا و غیره

یوسفی - در شمال بهبهان در دهات آلمان - اوسل - قلات -
کوف سکنی دارند

لیراوی دشت - ناحیه لیراوی دشت بواسطه قلت آب فوق العاده
خشک است نخلستانهایی که قدیم از آن وجود داشته امروزه بکلی از
میان رفته ولی بعضی انواع و اقسام حیوانات شکاری مخصوصاً آهو بعده
کثیری دارد که مانند گله حرکت میکند

سابقاً مرکز لیراوی دشت بندر دیلم بوده ولی فعلاً بندر زبور جزیره
حکومت بنادر است آبادی که امروز نسبت بتمام لیراوی دشت عنوان مرکزیت
دادر قریه موسوم به احمد حسین است که در ۱۵ فرسنگی بهبهان واقع
شده اسامی قراء و قصبات آن بقرار ذیل است

ابوالفتح - اسفندیار - امام حسین - بابا حسن سفلی - بابا حسن علیا
 خواجه قیر - داودی رو - چاه شیرین - بند احمد - شهر ویران - کاه زرد
 بطور کلی میتوان در کهکيلوسه ناحیه متمایز از هم معین نمود
 که عموم طوایف دردهات و قراء و قصبات این سه ناحیه مسکن دارند
 ۱ - **ناحیه اطراف بهبهان** - مشتمل بر: ابوالفارس - امام زاده بابا احمد
 بدلی - پشگر - بند باشت - بوالفارسی - نورتو - نشان - تنک تکاب -
 نیلکان - جرمشت - چم سیاه - چم مناف - چم نظامی - حسین آباد -
 خاویز - خیرآباد - دودانگه - دولت آباد - روشن - مهر - قلندر -
 رئیس نفی - قلعه گل - کت - کربروی - کردستان - کل احمدی - کونک -
 کیکاوس - اسپید - منصوریه

۲ - **ناحیه زیدون** - مشتمل بر: برج حاجی قنبر - چهار کناران
 چشمه شیخ - چشمه مراد - چشمه امیرخان - چشمه کرته - دوردنک -
 ده بیشه - سردست - سعادت آباد - سیاه پوش - زیدون شهر قدیمی مخروبه
 صالحک - اصغری - غول سفلی - غول علیا - قلعه تمن - قلعه چاه آبی -
 قلعه گل - قلعه گلاب - قلعه کوچکی - گاوگاوه - قاقاری علیا - قاقاری
 سفلی - لبخیر علیا - لبخیر سفلی - محسنیه - محمود آباد - مقداد

۳ - **ناحیه دودشت** - مشتمل بر: ازادکان - پشت پر - بوا - چرمه - چاه
 بردی - چنگلوا - دنگ - دشت خضر - باک - روشن آباد - سرپر - سرموز -
 شترآباد و غیره

ممسنی - ناحیه وسیع ممسنی واقع در شمال غربی شیراز هوای
 آن بیلاقی و دارای رشته جبالهائی است که در بعضی از فصول سال برف
 دارد قسمت جنوبی آن جلگه و دشت و دارای هوای قشلاقی است و

در آن اشجار نخل و مر کبات بعمل می آید

شعب بوان که یکی از جنات اربعه محسوب میگردد در ۶ فرسنگی مشرق فہلیان و در يك دره با شکوہی کہ در آن چشمه سارہا و انواع رباحین و ازہار است واقع گردیدہ

ما بین قصبہ فہلیان و نورآباد چمن مصفای دیگر است کہ در آن انواع و اقسام گل نرکس بمقدار زیاد بخودی خود روئیدہ و بدین ترتیب گلستانی کہ دست پرورده قدرت کاملہ طبیعت است بمنصہ شہود و ظہور رسیدہ است

طوایف ممسنی بہ چندین دستہ تقسیم میشوند

بکش - جاویدی - دشمن زیاری - و رستم

بکش - این ناحیہ کہ باسم سکنہ خود موسوم است دارای ہوای گرم و ہشت قریہ میباشد!

امامزادہ ورہانی - برونگان - چم گل - سراب بہرام -

شعب بوان - نور آباد - کھرہ سفلی - کھرہ علیا

جاویدی - این ناحیہ کوهستانی و نیز باسم سکنہ خود نامیدہ

میشود ہواش بر خلاف ناحیہ قبل سرد سیر و قراء معروفش عبارتند از

برشکفت - چوکان - دہشیخ - رودکی - زیر فاریاب - ہرنجان -

ہوزلکان

دشمن زیاری - (۱) این ناحیہ سردسیر است قراء معروفش از اینقرار است

(۱) این دشمن زیاری را نباید با دشمن زیاری کہگیلو کہ شعبہ ایست

از چہار بنیچہ اشتباہ نمود

پل مورد - تنك روديان - توكل آباد سفلى - توكل آباد عليا - توكل آباد وسطى
 تير مردان - نيكل پائين - نيكل بالا - نيكل ميانه - ده بود - ده كپ
 رشكى - رود بال - سالارى - على آباد - هرجان -

روستم - قسمتى از اين ناحيه كوهستانى و بارد و قسمتى چلكه است
 قراء معروفش بقرار ذيل است

انجيره - پرين - بهمن يار - تيراز جان - چول بال - چول ريز - خنگ
 دشت - دشت برم - دهنوت - دهنى - دهنو - ديم سورنه - سمك بمكى
 - فارياب - قلعه مورد - قلعه نوكل - كل پاكان - كنجكان -
 كنكان - كوپان - كوشك - مال قايد - برازجان - مزرعه تل - موده كان
 باين نواحى چهارگانه بلوك فھليان و كاكان علاوه ميشود

جغرافیای

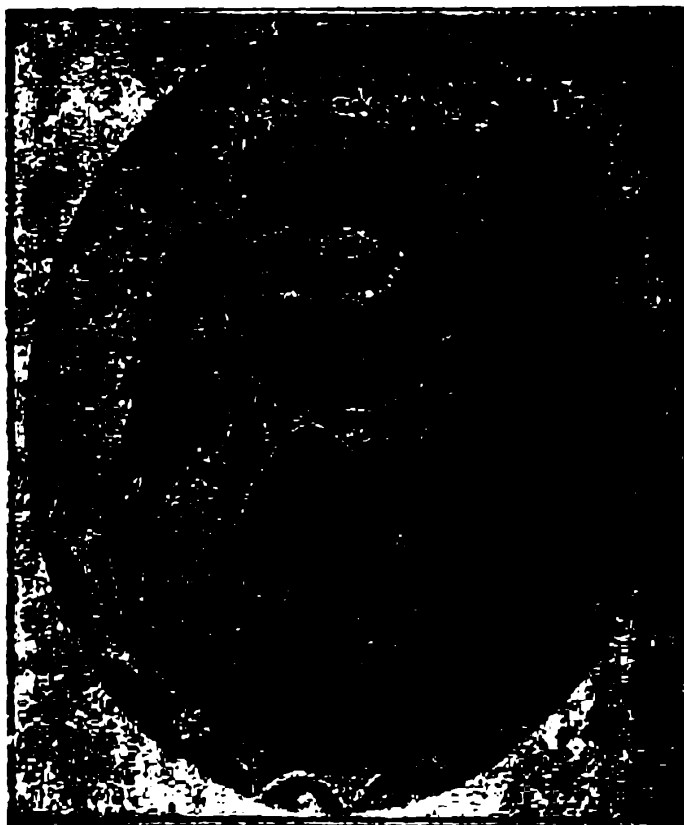
تاریخی غرب

ایران

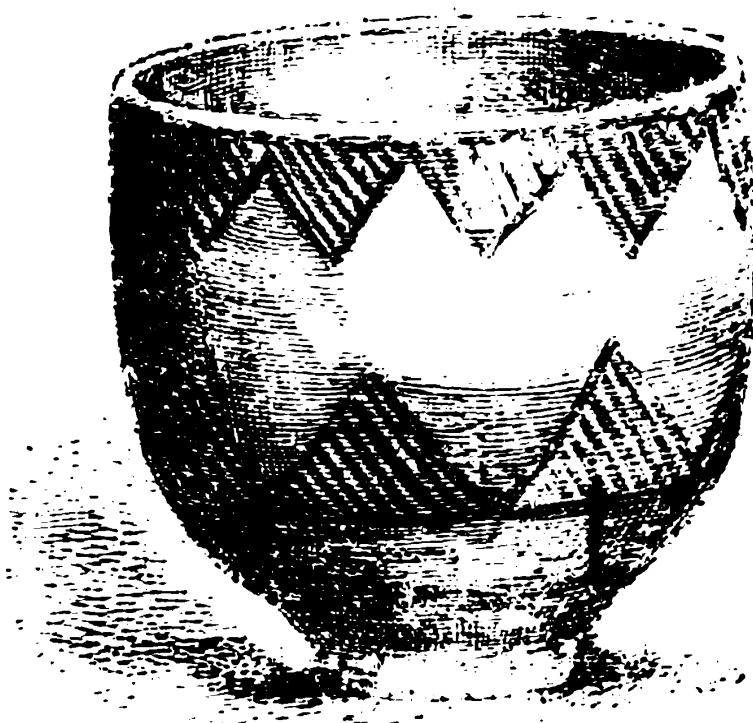
آثار تاریخی چیست

قبل از بحث در این موضوع لازم است کمی از تاریخ و اهمیت آن گفتگو کنیم تا مطلب بهتر روشن شود تاریخ عبارت است از وقایع گذشته و ذکر عادات و آداب و اخلاق اجداد و همچنین یاد آوری طرز معیشت و زناشویی و عموم قضایای گذشته بعبارت آخری تمام احوالات مردمان سلف که این یاد آوری گاهی نیز با افسانه ها آمیخته شده و کم کم پس از طی زمان متمادی نصف حقیقت و نصف افسانه در کتب درج میشود امروز چیزی که بیشتر طرف توجه است تحقیق ادوار گذشته از روی اسناد است بعبارة آخری نوشتن تاریخ زمان قدیم از روی سندهای موجود که عبارت از سنگ نوشته ها آثار - بنا - عمارات - کتابخانه هائی که در دسترس است و قرائن دیگر مانند لوحه های زیر خاکی آلات و ابزار قبور و غیره آثار تاریخی عبارت است از بنا های قدیمه که پس از مرور و دهور گذشتن ایام نیمه خراب و نیمه بجا مانده است و امروزه بانظاره بآنان چندین هزار سال قبل در نظر ما مجسم میشود و خاطره های آن ایام مانند پرده های سینمایی از نظر میگذرد ایران ما کتابی است منشور که در هر صفحه اش اثری از سیر تمدنهای گذشته ثبت است و میتوان ایران را گنجی دانست که هر گوشه اش اثری از شهریاران صنعتگران بیادگار و هر کنارش حاکی از جنبه از تمدن باستانی است آنچه را که پرده های مسلسل زمان از نظر پوشانیده است و محو و فراموش شده کشور ما همگی را جمعاً

در صفحه مکان بمعرض مشاهده اهل حال واستقبال قرار داده است
درموزه بزرگ این کشور گذشته از آثار ملی نفایسی که سند پیشرفت



نمونه ای از ظروف دوره مغول



ظرفی از خاک سرخ - نقاشی کونورا

اقوام در مراحل تمدن و تعالی و دلیل ارتباط ملل قدیمه بایکدیگر است

از سایر اقوام عظیم الشانی که بر قسمتی از جهان آبادان قدیم حکم زوایی
میکرده اند دیده میشود.

این آثار در تمام قسمت های ایران در هر گوشه و کنار از قصور سلطنتی



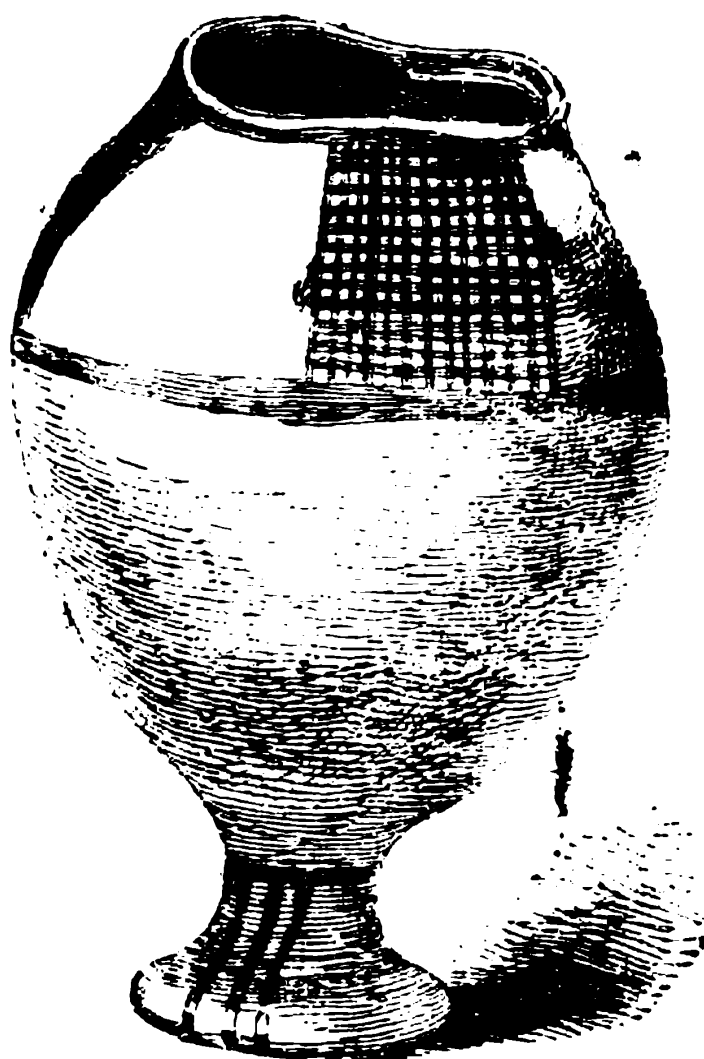
ظرف سفالی از خاک سیاه - نقاشی کوتورا

گرفته تاساجد و منازل و ویرانه ها بنظر میرسد که دلیل وسند قطعی
فرمانفرمائی ایرانیان بر سایر ملل بوده است خرابه های تخت جمشید
و با شوش و نیز آثاری از ساسانیان و پهلای نیمه خراب عظیم و همچنین
مساجد مانند شیخ لطف الله و مسجد جمعه (در اصفهان) و مقابر اردبیل
اظهر من الشمس و چشم علماء عمیقہ شناس امروزی را خیره کرده عظمت
و شوکت این ملک باستان را بر هر صاحب ذوقی روشن مینماید

تحقیق در این مقابر و مکان ها خصوصاً کاوش حفاری قسمت اعظم
از تاریخ قراموش شده این کشور را ظاهر ساخته و عظمت و شوکت این

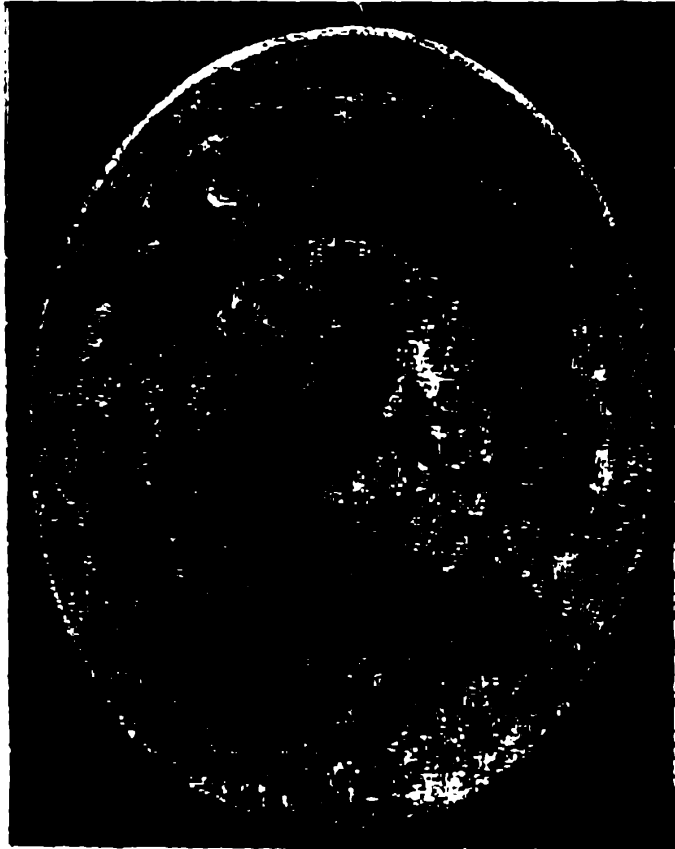


ظرف سفالین از خاک زرد - نقاشی کونورا



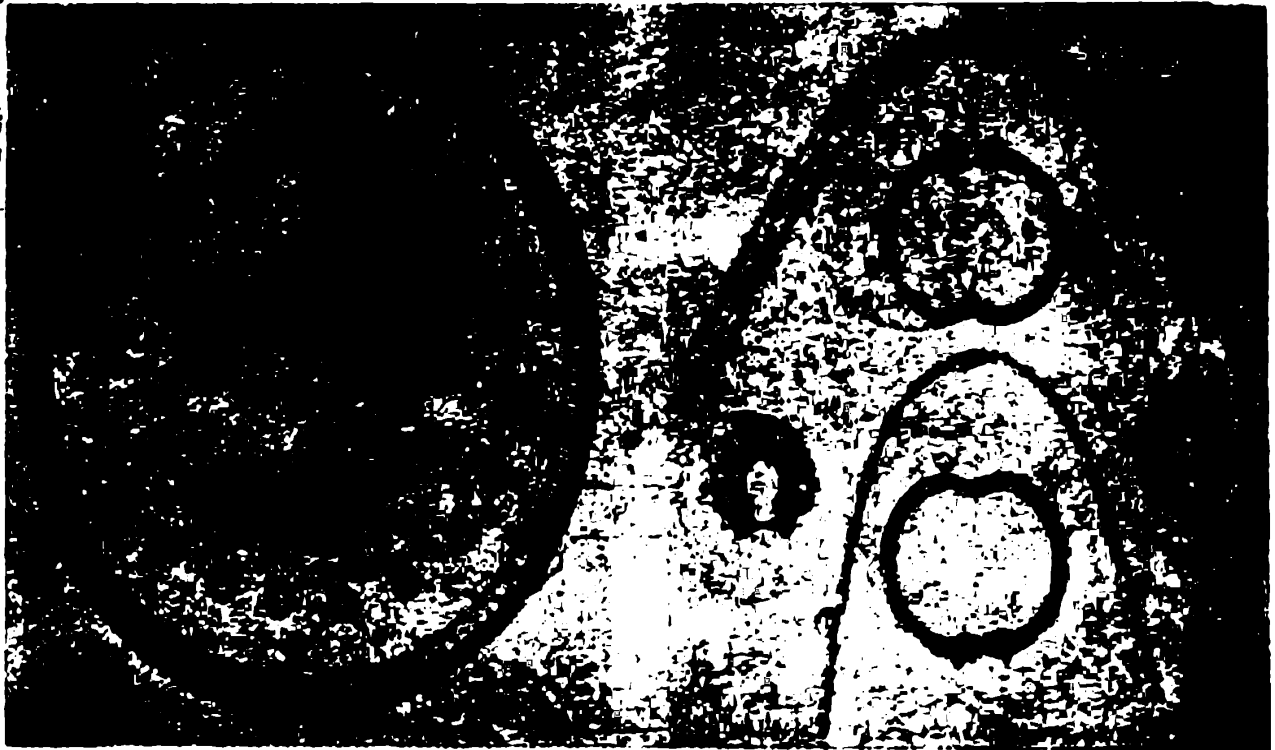
ظرف سفالین از خاک زرد - نقاشی کونورا

قوم راحتمی و مسلم داشته است یادگارهای گرامی عهد باستان اسناد ملی ایرانیان بشمار ولعلمات وارد بر اینید و آثار تاریخی ناشی از جهل اهالی نسبت بارزش ملی و اجتماعی آنهاست چه گاهی مردم از تشخیص این مدعا عاجزند پس دانستیم که آثار تاریخی عبارت است از بناهای قدیمی متعلق



نمونه ای از ظروف دوره مغول

بهر دوره و هر عصر خواه مدی - هخامنشی - ساسانی - مغول - صفویه و غیره که نماینده روح ملیت و تذکار گذشته این قوم و سند قطعی راجع بتاریخ این مملکت است زیرا عموم زندگی اخلاقی و علمی بادانستن سال این بنا و تحقیق در اوضاع و احوال آنها واضح میشود. و گذشته از این بناها با حفاری دقیق و بدست آوردن اسناد دیگری مانند کتابخانه های خشتی و لوحه ها که هم اکنون در ایران بدست میآید میتوان سال و تاریخ حقیقی را معین نمود.



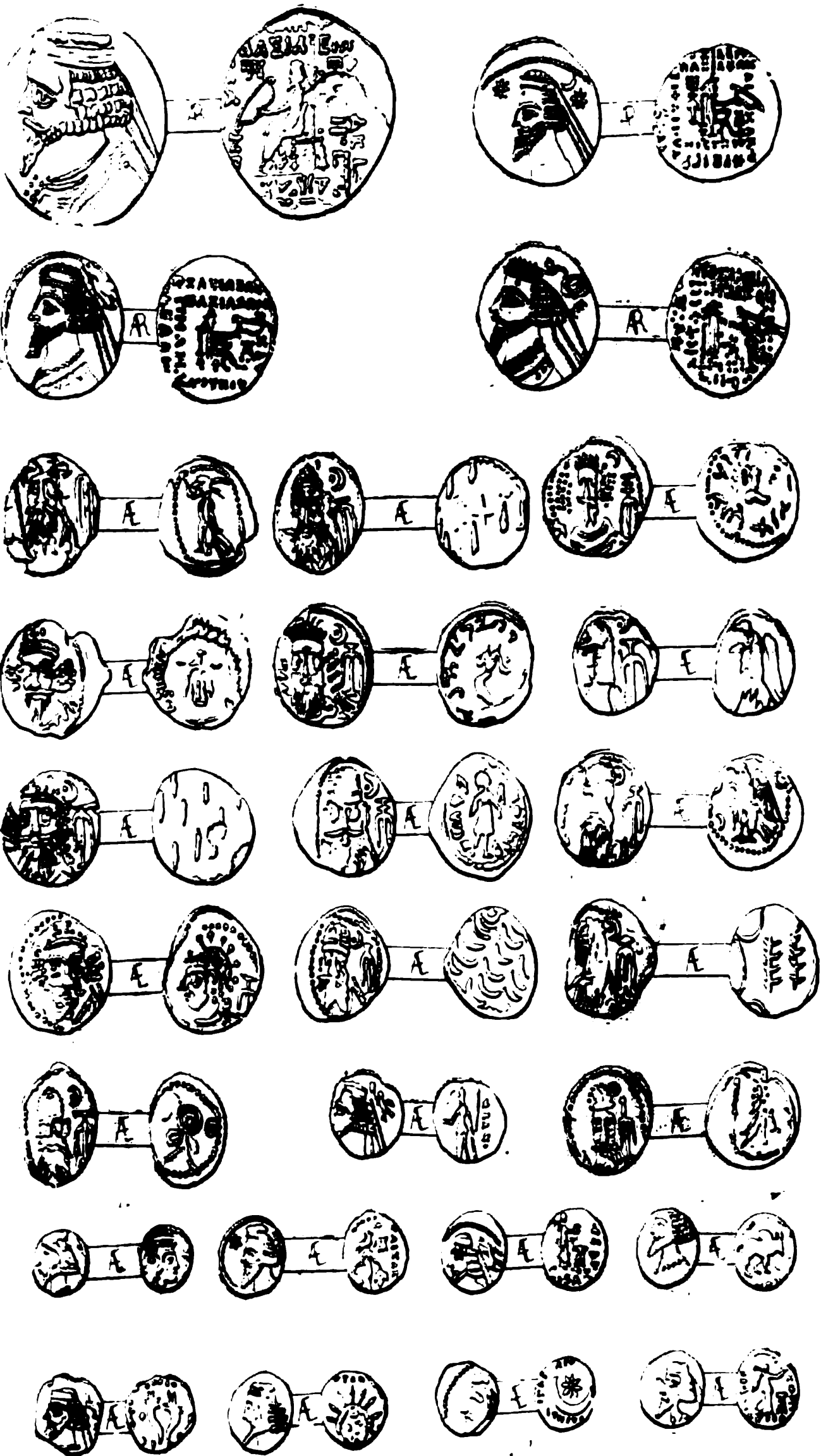
راجرس

جواهر پارسی



نمونه ای از ظروف دوره مغول

-۱۹۷-



نمونه ای از سکه‌های اشک چهاردهم (فرهاد چهارم)

ارزش این بناها

بنا بر آنچه در فوق گفته شد یاد آوری آثار سلف موجب بیداری و امیدواری خلف است و قومی که این یادگارهای گهن را فراموش کنند ریشه حیات ملی خود را جریحه دار کرده اند بر هر فردی از افراد هر مملکت خصوصاً این کشور باستان که در هر گوشه اش آثاری دیدمیشود لازم است که حتی المقدور در حفظ و نگهداری این آثار ملی بکوشد و هر کس مانند خود این آثار را دوست داشته و در حراست آن جهد و جهد بکار برد همانطوری که **وزارت معارف** و نظارت و نگهداری این قبیل آثار سرپرستی مینماید بر مردم نیز لازم است که از تضييع آنها خود داری کرده و اگر جاهلی هم از روی جهالت بتضييع و خرابی اقدام کند جلوگیری نمایند.

مردم باید بقدر امکان در صیانت و احترام این موارث گرانها از **مأمورین وزارت معارف** تبعیت نموده خصوصاً در این موقع که سیاحان خارجی دسته بدسته و گروه گروه بدیدن این موارث گرانها و آثار نفیضت باین کشور باستان رهسپارند باید هر چه بهتر از این آثار نگهداری شده آنچه بیگانگان از دور در آثار ملی ما تصور میکنند از نزدیک بهتر دیده در نظر ایشان **جلو گیری** بیشتری نماید.



آثار موجوده از دورهای مختلف تاریخی

بطوریکه از آثار مکشوفه در ضمن حفريات نقاط مختلف کشور ایران معلوم میگردد سر زمین ایران از ۶۰۰۰ سال پیش مهد تمدنهای مختلف بوده اقوام بسیاری در آن میزیسته اند که از هر دوره شرح مختصری ذیلا ذکر میگردد.

دوره هائی که اقوام متعدد در قسمتهای مختلف سر زمین ایران میزیسته و از خود آثاری چون ظروف سفالین و قبرها و آلات و ادوات سنگی و مفرغی و آهنی بیادگار گذاشته (۱) و چون دارای خط نبوده میزان تمدن و چگونگی زندگانی ایشان از آثار فوق الذکر درست استنباط نمیکردد. این دوره ها از حدود ۶۰۰۰ سال تا سه هزار سال پیش ادامه داشته و آثار مختلفه آن هر چه قدیمتر میرویم ساده تر و خشن تر میگردد قبل از هر اثر دیگری به آلات و ادوات سنگی بر میخوریم که مردمان قدیم بواسطه آشنا نبودن بفلزات و پی نبردن بوجود آنها قطعات سنگهائی را که ممکن بوده است مورد استفاده قرار دهند پیدا کرده و برای رفع احتیاجات خود بکار میبرده اند از این قبیل است سنگهائی که بشکل تبر یا سر گرز بوده و در طبقات زیرین خرابه های شوش و در تپه های مجاور تخت جمشید پیدا نموده اند. پس از مدتی که از دوره مزبور میگذرد در بین آثار مردمان قدیمه آلات و ادوات و ظروف سفالین ساده و خشن دیده شده و معلوم میگردد که بشر به پختن ظروف گلی و تهیه آلات و ادوات سفالین پی برده و برای انجام حوائج خویش از آن استفاده

۱ - رجوع شود بتصویرهای صفحات قبل

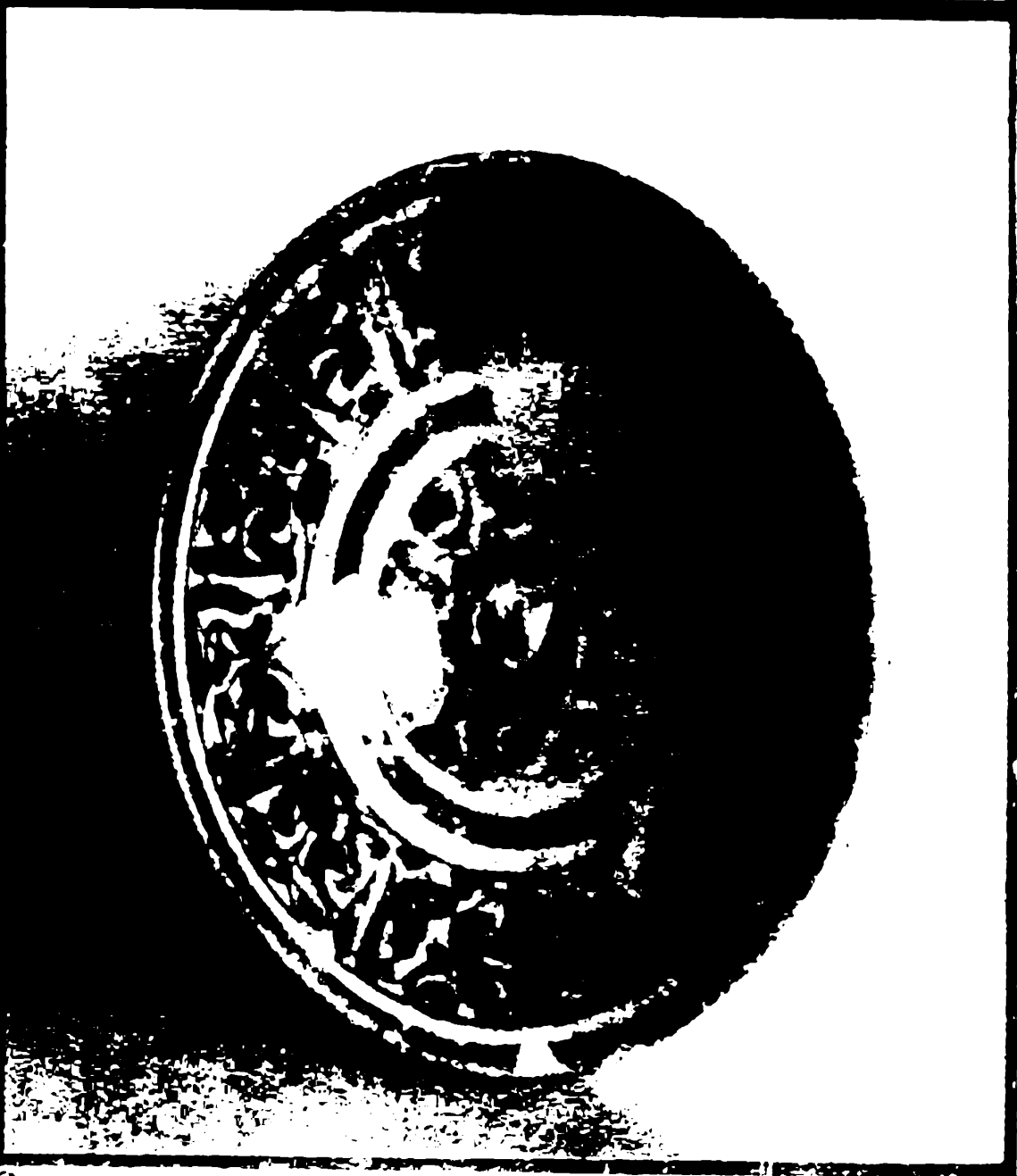
نموده است. ظروف سفالین ساده شوش و قرقره های گلی و آلات و ادواتی که خواه برای جنگ و خواه برای کارهای لازم و ضروری زندگانی چون ریسندگی و شخم و کشت و غیره بکار میرفتند اند از این ردیف محسوب میگردند.

بناهائی که در دوره های قدیم ساخته شده طبعاً در ابتدا منحصر به ساختمانهای سنگی و گلی بوده و پس از آنکه بشر سفال و پختن گل را یاد گرفته و در نتیجه توانسته است آجر بسازد عنصر مزبور نیز در بناها بکار رفته است

در حفريات شوش و تخت جمشید و ری خانه های كوچك گلی پیدا شده که در حدود پنج شش هزار سال پیش ساخته شده و در اثر جمع بود نشان در يك محل تشکیل دهکده داده اند

ظروف سفالین ایرانیان قدیم خصوصاً ظروفی که در حدود چهار هزار الی سه هزار سال پیش ساخته شده نقوش ظریف و بدیعی در بر دارند که از ذوق و قریحه نیاکان ما حکایت میکند و تا وقتی که لعاب روی ظروف و آجرها کشف نشده بود. ظرافت و سلیقه ایرانیان از طریق نقوش مختلف روی ظرفهای جلوه گری مینموده پس از پیدایش خط میخی در بابل و عیلام شاهان هخامنشی نیز که در ۲۵۰۰ سال قبل بر کشور ایران فرمانروائی میکردند برای زبان پارسی ترتیب خطی داده و در بناها و آثار دیگری که از خویش بیادگار گذارده اند الواح مفصلی از خطوط مزبور احداث نموده تاریخ خود را بدین طریق برای نسل های آینده ایران ثبت و ضبط کرده اند.

از اینموقع است که پیدایش آثار ملی بنحو روشن و کاملی



کوزه طلائشان متعلق به واسطه دوره اسلامی که در ری کشف شده

در ایران شروع شده آثار شکفت آور و بناهای خارق العاده احداث گردیده است که امروزه پس از دو هزار پانصد سال که از دوره ایجاد آنها میگذرد باعث حیرت مردمان و موجب تحسین و تمجید دانشمندان و طرف تعظیم و تکریم صاحبان قریه و ذوق است گرچه پیش از دوره هخامنشی هم بناهایی درشوش و جاهای دیگر ایران یافت شده و در بین آثار و بقایای آنها گلهای نوشته و آجرهای دارای خطوط میخی دیده میشود لیکن همانقسم که گذشت چون این بناها کلیه از گل و



نمونه‌ای از مقرنس‌کاریهای داخل موزه فارس بعد از تعمیر خشت بوده اثر شکفت آور و خیره‌کننده از آنها بجای نمانده است چون اوراق تاریخ ایران بدوره هخامنشی میرسد صفحات برجسته و آثار زیبا و دلکش و معظمی ارائه داده میشود که ذکر شان و مطالعه دقایق



محراب گچی مسجد جامع اصفهان

هنرمندی که در آنها بکار رفته برای کلیه مردم این سرزمین از وظائف واجب الاجرای ملی محسوب است

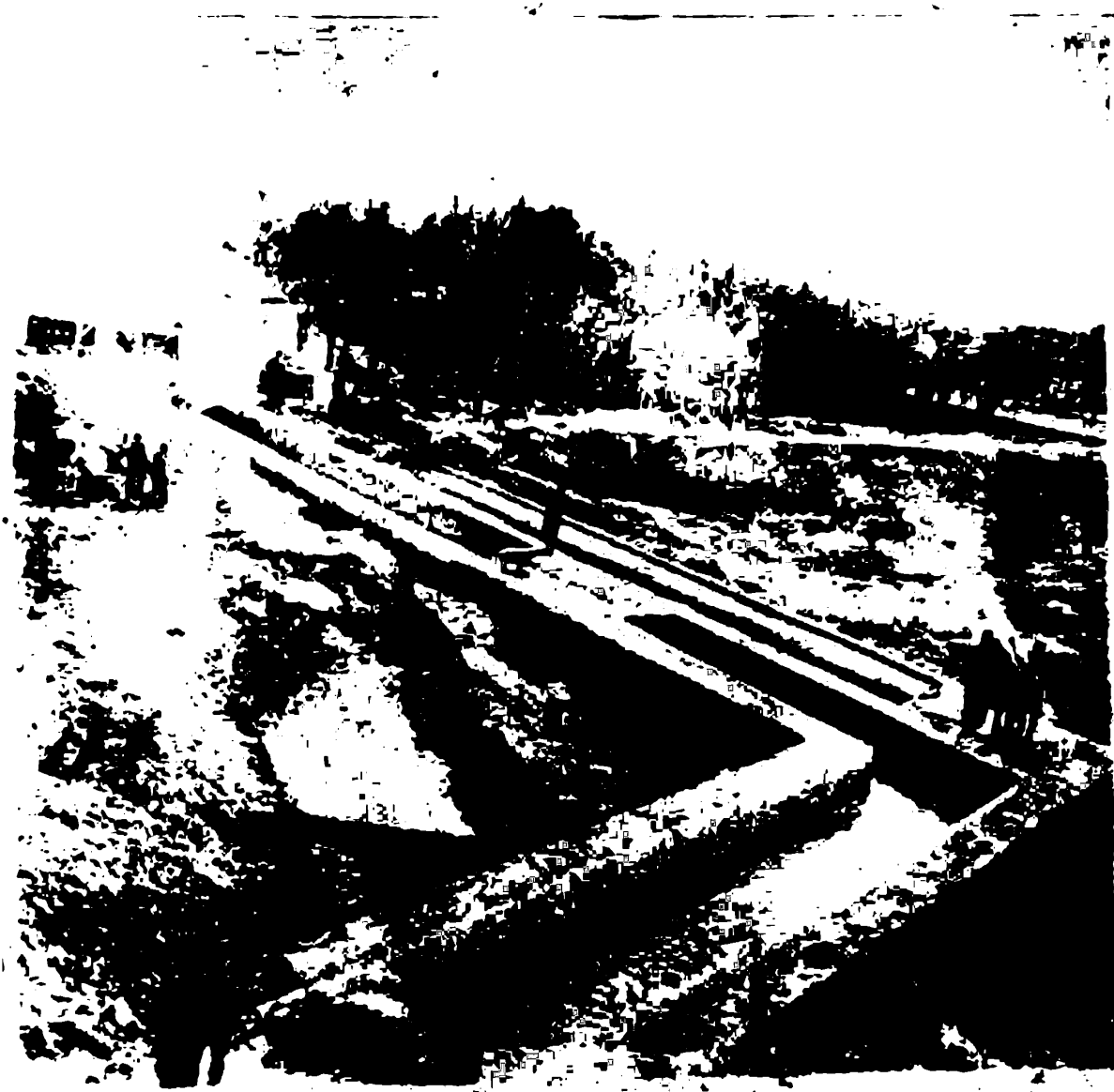
پیش از روی کار آمدن شاهان هخامنشی یعنی در دوره پادشاهان مدآثار کمی از شهریاران ایران در کوه های غربی ایران دید میشود لیکن آثار قبل ذکر و توصیف و در خور مدح و تحسین از موقعی پیدا شد که کورش نخستین شهریار هخامنشی زمام امور کشور ایران را بدست گرفته دوات پارس را ابتدا در جنوب ایران تشکیل داد و کم کم نقاط دیگر





ایوان غربی چهل ستون اصفهان در موقع تعمیر

و چون برجسته ترین آثار ایران در همانمواقعی احداث گردیده که شاهان عظیم الشان و با کفایتی فرمانروائی میکرده اند لذا باعث تعجب نخواهد بود که نام سلسله های کوچک سلاطین خصوصاً در دوره های بعد از اسلام در ضمن شرح آثار تاریخی مذکور نگردد بنابراین این آثار تاریخی ایرانرا به ترتیب ذیل تقسیم نموده شرح مختصری از هر يك ذکر میکنیم:



سده شمالی طاق بستان که اخیراً تعمیر شده

ابنيه و آثار تاریخی ایران در عهد هخامنشی

کوروش نخستین شهریار هخامنشی در بابتخت خود یعنی بازار گاد پارس که



جراحی متعلق «وائل دوره اسلامی که در حریرات ری کشف شده

امروز بنام مشهد مرغاب شناخته شده و در سر راه اصفهان بشیر از نزدیک محل
موسوم به قادر آباد در ۱۵۰ کیلو متری شیراز واقع است. قصر سلطنتی
بزرگی ساخته که جرز های سنگی چند و ستون های سنگی بلند و
حجاریهای زیبای متعددی از آن باقی و همچنین قسمتی از صفا بزرگی
که در شمال قصر احداث نموده بوده است موجود میباشد. در طرف
جنوب قصر محلی برای آرامگاه جاودانی خویش ساخته بود که پس از
تسلط اسکندر بر ایران در آنرا باز و جسد شهریار را از آرامگاه
بیرون برده اند و در دوره اسلام درون آرامگاه بخطوط و آیات قرآنی
تزیین یافته و به مشهد مادر سلیمان معروف شده و امروز بهمین
نام شناخته میگردد.

پس از گورش در زمان داریوش اول شهریار بزرگ هخامنشی
قصری بزرگ و مجللتر در دامنه کوه رحمت در جلگه مرو دشت فارس
احداث گردید که بنام تخت جمشید شناخته شد و ستونها و حجاریها و
آثار فراوانی بر روی صفا وسیع و عالی آن بجا مانده که پیوسته مورد
تکریم و تعظیم و باعث حیرت بینندگان بوده و چون در اثر جهل و نادانی
ادوار پیشین خرابی های عمدی بدان وارد شده و از طرفی عوامل
طبیعی چون باران و باد و آفتاب آنرا مورد ویرانی روز افزون قرار
میداد در دوره کنونی طرف توجه و علاقه اولیای دولت علیه واقع
در چند سال اخیر از طرف علاقه مندان بدانش و تاریخ در تحت مراقبت
و نظارت اداره کل عتیقات و زارتمعارف خاکبر داربها و ترمیمات و
تعمیرات فراوانی قرار گرفت و این عملیات در محل تاریخی
مزبور دامه دارد

دیگر از آثار عمده هخامنشی قبور شهریاران آن سلسله است که در چند کیلو متری تخت جمشید در محل موسوم به نقش رستم بصورت دخمه های بلند و حجاریهای زیبا و مفصل احداث گردیده و دخمه که از آن داریوش است دارای کتیبه مفصل مضمن نام کشور هائی که جزء ایران بوده و اندرز هائی به آیندگان میباشد.

حجاریها و کتیبه های بیستون اثر مهم و معظم و بی نظیر دیگری از همین شهریار است که در کوه بیستون احداث گردیده و شرح جنگها



دورنمای هفت تن شیراز بعد از تعمیر

و فتوحات خود و پیروزیهایش را بر باغیان شرح داده و آیندگان را به حفظ و حراست آثار بیستون و پیروی از آئین داریوش راهنمایی مینماید. خشا یا شاه پسر داریوش و همچنین شاهان دیگر هخامنشی نیز



در تخت جمشید و نقش رستم آثاری بجا گذارده اند که آنها هم باستانی
 مورد احترام و حراست همه ایرانیان باشد
 داریوش شهریار بزرگ هخامنشی در شوش نیز قصر زیبایی داشته



مجسمه شاپور ذوالاکتاف در غار شاپور

که آثار آن امروز در خرابه های شوش هویدا و از زیر خاک بیرون آورده اند

آثار و ابنیه تاریخی ایران در دوره ساسانیان

از شهریاران ساسانی حجاریهای بسیار زیبا و عالی موجود است که نقوش اردشیر اول و شاپور پسرش و بهرام گور و نرسی در نقش رستم و نقش رجب و شاپور کاژرون فارس و نقوش خسرو پریر و سایر شاهان ساسانی در طاقستان جزء آنها محسوب میگردد.

بناهای مفید و مهم چون پل شوستر و پل دزفول و سد اهواز که امروزه ویران بوده و پایه های خط آهن بر روی خرابه های آن قرار داده شده است و همچنین پل دختر در لرستان از آثار شهریاران مزبور می باشد.

طاق کسری در مدائن قصر سلطنتی انوشیروان دادگر بوده و امروز پس از ۱۵۰۰ سال که از عمر آن میگذرد بلندی و استحکامش موجب شگفت بینندگان است

آثار و ابنیه تاریخی ایران در دوره سلجوقیان

پس از پیدایش کیش مقدس اسلام و تسلط اعراب بایران اولین دوره ای که آثار آن مهم و ذیقیمت بوده یادگارهای بس زیبا و دلپسندی از خود بیادگار گذارده است دوره پادشاهان سلجوقی میباشد.

دو بنای معظم مسجد جامع اصفهان که یکی به صفت صاحب و دیگری به کنبد خاکی معروف است و مسجد گلیابکان و مناره های زیبا و عالی بسیار چون مناره های چهل دختران و ساربان در اصفهان و مناره های دیگر در خراسان از قریحه و ذوق شاهان سلجوقی حکایت میکند که آثار مهم



و زیبایی از خود بیادگار گذاشته‌اند

آثار وادبیه تاریخی ایران در عهد مغول

اگر چه عهد مغول عموم صنایع ظریفه از قبل نقاشی ساختن ظروف و خصوصاً منسوجات رو بترقی بوده که نمونه های زیبای آن هنوز دیده میشود ولی چیزی که بیشتر مطمح نظر است ادبیه و معماری و آثار تاریخی آنهاست که در اینجا یکی یکی متذکر میشویم



همدان -- مسجد علویان

معماری وابنيه

در بادی نظر نسبت بنای ابنیه و عمارات بمغول و بحث در این باب در دوره استیلای ایشان غریب مینماید زیرا که اولاً قوم تاتار مثل هر طایفه بدوی دیگر پا بند باقامت در محلی ثابت نبوده و قرارگاه ایشان انحصار بهمان چادرهای ایلانی و یورتهای مخصوص داشته که در حین قرار مجموع آنها حکم شهری را پیدا میکرد و پس از حرکت اثری از آنها بجا نیمیمانده است ثانیاً طایفه تاتار و اتباع چنگیز و سر داران و جانشینان او آیت خرابی بوده و بهر جا که قدم میگذاشته اند آبادیها را زیر و رو میکرد و گاهی نیز عظیمترین بلاد را بدون اغراق با دشت و هامون برابر مینموده اند ولی اینحال چنانکه در حین استیلای قومی اتفاق میافتد و لازمه کر و فر و تسخیر بلا خصم است اختصاص بلوایل حال ایشان داشته و پس از آنکه دوره فتوحات بانها رسید و زمان اداره ممالك مفتوحه و ازوم اختیاری مراکزی برای آنها پیش آمده و مغول نیز خواهی نخواهی محکوم حکم آداب رعایای مغلوبه خود گردیده و مثل ایشان بقبول اقامت در پایتخت و تأسیس ادارات و فراهم داشتن وزرا و عمال دیوانی در گرد خود مجبور شده اند و چون رسم ایلانی خود را در رفتن از قشلاق بییلاق و بالعکس نیز از دست نداده بودند غالباً دو اقامتگاه برای خود داشته یکی در عراق عجم و آنربایجان (تبریز ، اوجان ، موغان ، اران ، سلطانیه) دیگر در عراق عرب (بغداد) و در هر يك از این مراکز ایلخانان و امرای و وزرای ایشان جهت خود عمارات و ابنیه ای بنا میکرد و علاوه جانشینان و سر داران

چنگیز پس از تسخیر و خرابی بلاد ایران همینکه آنها را بتصرف خود گرفتند بمردم اجازه تجدید عمارات آنها را دادند و خود نیز بعضی اوقات در این کار پیشقدم شدند و بر اثر همین کیفیت بسیاری از خرابیها سابق مرمت شد چنانکه ماوراءالنهر و بلاد ترکستان بدست امیر مسعود بیک بن محمود یلواج و عراق عرب بتوجه خاندان جوینی مخصوصاً عظاملك و قوچان بدست هولاگو و ارغون مجدداً آباد گردید.

تا موقع اسلام آوردن ایلخانان ایران مغول اجساد سلاطین خود را دور از نظر عامه در محلهائی مخفی دفن میکردند و بهمین جهت محل قبر ایلخانان غیر مسلمان درست معلوم نیست ولی پس از آنکه ایشان قبول اسلام کرده اند مخصوصاً از عهد غازان ببعد که هم اسلام ایشان قوت گرفته و هم مدت سلطنت ایلخانان مسلمان از دوره ایلخانی اسلاف مسلم آن جماعت طویلتر شده بقانون مسلمین بنای مقبره و گنبد مخصوص اقدام نموده اند بعلاوه برای نشان دادن تعلق خود باسلام بانشاء و تعمیر ابنیه خیر دیگر نیز از قبیل مساجد و جوامع و مدارس پرداخته و اگر چه قبل از ایلخانان مسلمان ایلخانان دیگر هم کلیساها و معابد بودائی در ایران ساخته بوده اند ولی بعد ها مسلمین آثار آنها را برانداخته و نام و نشانی از آنها بجا نگذاشته اند و بهمین علل است که بیشتر ابنیه و آثاری که از دوره مغول باقی است از عهد غازان ببعد است. از دوره غازان ببعد ساختن سه رشته بنا بدست ایلخانان و وزرا و امرای ایشان معمول شده است:

۱- بنای آبادیها و شهرهای بیلاقی و قشلاقی یا تعمیر قری و آبادیها سابق مثل تعمیر اوجان و تسمیه آن بشهر اسلام و بنای محمود

آباد موغان و تجدید قسمتی از عمارات ری و انشاء باروی تبریز و ساختن
 شنب غازان بتوسط غازان و بنای سلطانیه و سلطان آباد چمچمال



همدان - مقبره اسد مردخای

بتوسط اولجایتو و بنای قسمتی از سلطانیه و ربع رشیدی بدستور خواجه
 رشید الدین فضل الله و قسمتی از ابنیه تبریز بتوسط خواجه
 علیشاه و غیره.

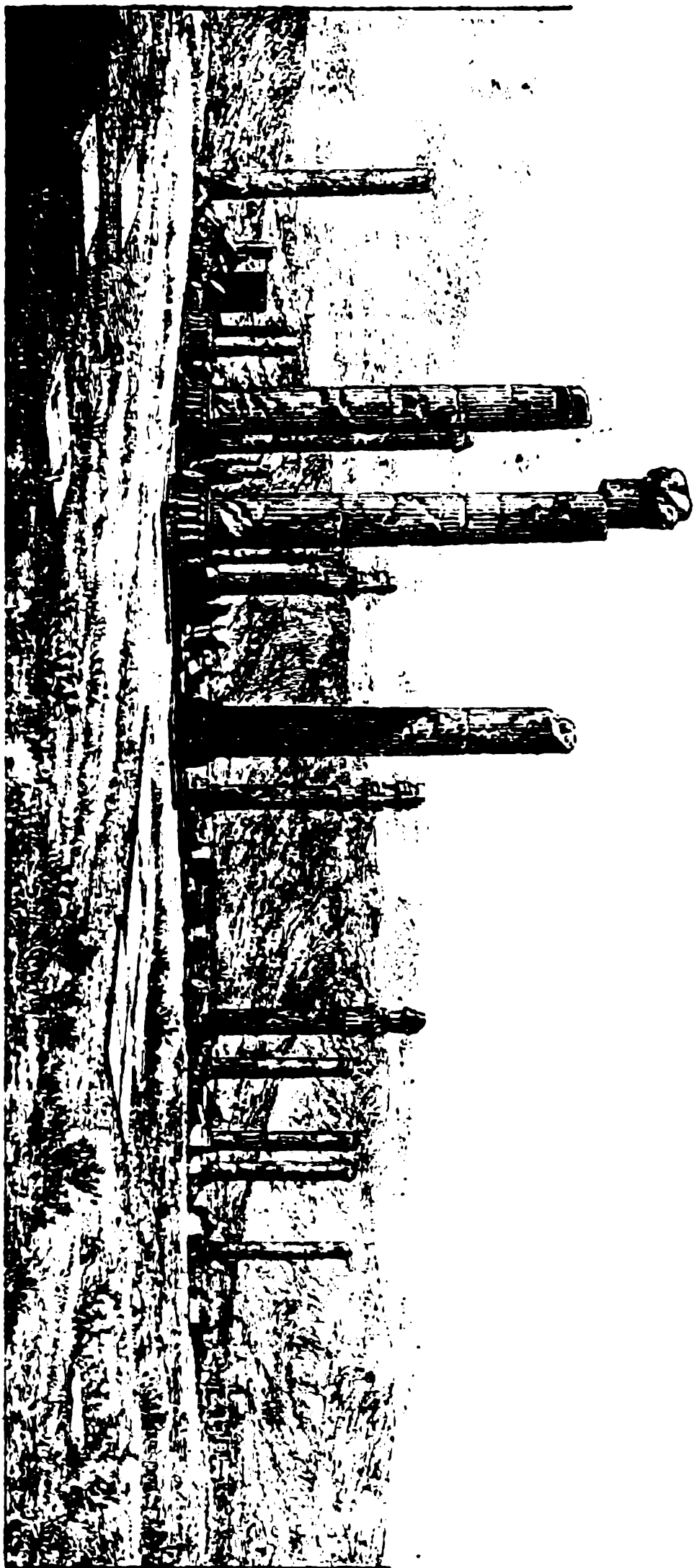
۲ - ابنیه مذهبی و مدارس و عمارات خیریه مثل بنای

دار السیاده و خانقاه نجف و ابنیه خیریه شنب غازان بامر ابن ایلخانان و بنای مسجد ذوالکفل و ابنیه خیریه سلطانیه و تعمیر مسجد جمعه اصفهان و ورامین بتوسط اولجایتو و ابنیه خیریه عطا ملک در عراق عرب و خواجه رشیدالدین در سلطانیه و ربع رشیدی.

۳- مقابر و گنبد ها یعنی گنبد شنب غازان مقبره ابن ایلخان و دو گنبد.

استیلای مغول در اوایل نه تنها موجب ویرانی آبادیها و خرابی عمارت و ابنیه گردید بلکه جمع کثیری از استادان صنایع مستظرفه و هنر مندان را از میان برد و از این مردم عده ای نیز مثل فضلا از ایران گریختند و ببلاد دیگر اسلامی از جمله بسر زمین روم و مصر مهاجرت نمودند و در پناه امرا و سلاطین آن نواحی بیروز هنر و استادی خود پر داختند و همین مسئله همچنانکه ادبیات فارسی را در خارج ایران منتشر ساخت صنایع ظریفه و سبک معماری خاص ایرانی را نیز در بلاد روم و مصر داخل نمود و يك عده از ابنیه مصر و شام و روم در آن آیام بدست این ایرانیان مهاجر بنا شده است.

از زمان هولاکو بعد که روابط بین ممالك اسلامی مرکز و مغرب آسیا با چین رو با افزایش رفت و متدین چینی و ایرانی ببلاد یکدیگر رفت و آمد کرده بادم مخلوط شدند و بالنتیجه بسیاری از معلومات و هنر های یکدیگر را آموختند هم معماری اسلامی عهد سلاجقه و بنی عباس بدست ایرانیان در چین نفوذ نمود و هم معماری چینی در ممالك اسلامی، مخصوصاً از سبک معماری چینی چیزی که بیشتر در میان مسلمین تأثیر کرده یکی شکل گنبدهاست که در مقابر و مساجد کاملاً از مقابر چینی



تخت جمشید - آثاری از حلالار بزرگ فلاندین و گت

و بودائی تقلید شده دیگر استعمال رنگ آبی شفاف در کاشی کاری و پوشاندن خارج گنبد ها از کاشیهای کبود براق مخصوصاً بعضی از بنا هائی که از عهد ایلخانان باقی ماند از دور هیئت چادر ها یعنی یورتهای مخصوص ایلات را دارد و از این جهت بنای ظریفی که هنوز قسمت عمده آن در مراغه باقیست و بمقبره دختر هولاکو خان شهرت دارد از همه نمایان تر است اما از آثار و ابنیه عهد ایلخانان آنچه هنوز بجاست اگر چه بحال خرابی است و قسمت عمده آنها میجو شده ابنیه ذیل قابل اعتناست :

۱- مقبره معروف بمقبره خواهر یا مادر هولاکو در مراغه .

۲- بقایای رصد خانه مراغه .

۳- مسجد وزامین از اولجایتو .

۴- قسمتی از مسجد جامع اصفهان از اولجایتو .

۵- گنبد سلطانیه از اولجایتو .

۶- بنائی از ابو سعید در مراغه .

در میان این ابنیه آنکه از همه مهمتر و در عصر ایلخانان آخری در عالم شهرتی بسزا داشته و هنوز نیز قسمت مهمی از آن بر پاست گنبد سلطانیه یعنی مقبره سلطان محمد اولجایتو است که آن ایلخان بشرحی که سابقاً گفتیم آنرا خود در حیات خویش در ضمن بنای شهر سلطانیه که از ۷۰۵ تا ۷۱۳ طول کشید ساخته است .

این گنبد که در داخل با روی سلطانیه قزاق داشته بنائی است مثنی یعنی هشت گوش که طول هر ضلع آن بهشتاد گز بالغ میشد و گنبدی که بر روی آن بوده ۱۲۰ گز ارتفاع داشته است در اطراف بنای مزبور پنجره های آهنینی ساخته بودند که یکی از آنها دارای ۱۳۰

ارش ارتفاع و ۱۱۵ ارش عرض بوده، مقبره اولجایتو سه در بسیار عالی منقور داشته که روی آنها را با ظرافت تمام با خطوط و نقوش زیبا مزین کرده بوده اند

داخل و خارج گنبد اولجایتو از کاشیهای کبود بسیار شفاف که هنوز قسمتی از آنها باقیست مستور بوده و هیئت آن از فاصله های بعید در مقابل نور آفتاب بدرخشانی تمام جلوه میکرده و این قسم بنا که تا آن تاریخ بآن جامعیت در ممالک اسلامی سابقه نداشته بتدریج سر مشق بناهای عهد تیموریان و صفویه شده و در دوره صفویه بکمال خود رسید است.

قبل از عهد اولجایتو کاشی کاری در داخل مساجد و عمارات معمول بوده ولی فقط در بعضی قسمتهای آن. گنبد سلطانیه در میان ابنیه اسلامی اولین نمونه ایست که در تمام آن کاشی کاری بکار رفته و این بعیده جماعتی از محققین بر اثر عادت مغول و مراسم ایشان است چه این قوم در چادرها و یورت‌هایی که جهت خاتان خود تهیه میدیدند سعی بلیغ داشتند که دو طرف داخلی و خارجی چادرها و خیمه‌ها را باقسام تزیینات بپارایند و خیمه زرکشی که هنر مندان تبریز برای تقدیم بابا قاجان ساختند و داخل و خارج آنرا باقسام اطلس و حریر و سنجاب آراستند از این قبیل بود. پس از اقامت در شهر در بنای ابنیه نیز همین سلیقه را بکار بردند و بهنر مندان و معماران دستور دادند که عمارات و مساجد و مقابر را بهمین وضع دلکشا مفرح بسازند و این مسئله در میان مقدسین مسلم ابتدا بنظر خوشی تلقی نشد چه ایشان مخصوصاً در باب مساجد تذهیب و آرایش را منافی با عبادتخانه اسلامی میشمردند و

آنها از قبیل تشبه بیت پرستان و عیسویان میدانستند چنانکه در اوایل عهد
 ابو سعید موقعیکه با امر این پادشاه مبالغ خطیری در سلطانیه صرف بنای
 مسجدی شد و در حین عمل طاقی که جهت مسجد بارتفاع زیاد بر پا
 شده بود خلل پذیرفت و مسجد نا تمام و متروک ماند جمعی این پیش
 آمد را بر آن حمل کردند که چون سلطان و وزرای او وجهی گزاف
 از عایدات مملکت را فقط برای تفنن و آرایش نه در راه حق و اظهار
 اخلاص باو صرف کردند عمل ایشان حس ختام پذیرفت و انعام نیافت

۱

فهرست آثار قدیمی غرب ایران آذربایجان

تبریز - خرابه های مسجد آبی - کبود

خرابه های مسجد وزیر علیشاه

مسجد جمعه

اردبیل - مسجد جامع

بقعه شیخ صفی

بقعه شیخ جبرائیل

رضائیه - برج سه گنبد

مسجد جامع

سلماس - حصارهای اردشیر بابکان

مراغه - مقبره قرمز

مقبره منسوب بمادر هلاکو

مقبره مدور مجاور مقبره موسوم بمادر هلاکو

گنبد غفاریه

کوی برج

مرند - محراب مسجدیکه سلطان ابوسعید ساخته

میانه - پل دختر بر روی رودخانه قزل اوزن

مهاباد - (ساوجبلاغ) - خرابه های شهری در نزدیکی اندرکاش

خرابه‌های شهر قدیمی در جنوب شرقی گردنه کاروشینکا
گلکانیه

میان گردنه اشنوور و اندوز -- ستون (ستل)
اشپوینی - پادشاه ارمنی وان

افشار -- تپه تخت سلیمان و مقابر ارغون و قازان
سلطانیه -- بقعه سلطان اولجایتو

مقبره چلبی اوغلی
مقبره ملاحسن شیرازی

گردستان

در نزدیکی سفر - غاز گرفتو
در شهر سنه - مسجد جامع
در اورامان نوسود - دخمه از عهد اشکانیان
در قریه أساوله - خرابه از عهد ساسانیان

گرمانشاه

یستون - کتیبه و حجاری داریوش کبیر و کودرز اشکانی
محل موسوم بتخت شیرین
کنکاور - محل کنکبار قدیم

خرابه های عهد اشکانیان
خرابه های معبد اناهیتا
صحنه -- مقبره ای که در کوه کنده شده از عهد مد

طاقستان - غار ها و حجاری و کتیبه از عهد ساسانیان

سرپل زهاب - محل خلمانو قدیم اشوری

دو حجاری در سنك كوه متلق به ۲۸۰۰ سال قبل از میلاد

باز حجاری دیگر از همان تاریخ

حجاری در سنك كوه از عهد اشکانیان

دکان داود و مقبره از عهد مد

طاق گرا .. حجاریها از عهد اشکانیان

قصر شیرین - دو بنای عهد ساسانیان موسوم بقصر شیرین وحوش کوری

لرستان

پشتکوه - سلیمان تپه بر روی رود خانه نورسك

تل بکسایه

تل سبغات خربز

سیمره - لالار و خرابه های شهر توبوی قدیم

تل های تارهان

دره شهر

تل های لورت

تل شیروان - تل های قدیم از عهد ساسانیان و قدیمتر

هیلان - خرابه های شهری که ممکن است بیت بونا کی قدیم اشوری باشد

خرم آباد - تپه های مجاور گلدان - شاهین آباد .

بروجرد - مسجد جامع از عهد سلجوقیان

خوزستان

- اسك - بين ارجان و رامهرمز - خرابه های عهد ساسانیان
- ارجان - خرابه های عهد ساسانیان در پای کوه بهیهان
- تنگ سروك - بهیهان - حجاری و آثار قدیمه دارای خطوط
- داورك - خرابه های عهد ساسانیان
- چندیشابور - خرابه های عهد ساسانیان
- اهواز - خرابه های عهد هرمز اردشیر
- ایوان کرخه - خرابه های شهر عهد ساسانیان
- هندیجان - بین اسك و ارجان - خرابه های عهد ساسانیان
- ایذه (مال امیر) - محل پایتخت قدیم
- حجاریهای عهد عیلام در سینه و جبهه کوه
- رامهرمز - طاق نصرت - خرابه های عهد ساسانیان
- شوش - محل شهر پایتخت کشور عیلام
- نپه های مجاور پایتخت قدیم عیلام
- مشهد دانیال پیغمبر
- قصر اونتاش گال در محل موسوم بچوخه زنبیل
- شوشتر - مسجد جامع
- پل عهد ساسانیان
- دزفول - پل عهد ساسانیان
- کهمکیلو - خرابه های شهر قدیمی دهدشت
- قلعه تل - ؟

خرابه های شهر منجنیق - ؟

خرابه های مسجد سلیمان (میدان نفتون)

فارس

شیراز - تخت مادر سلیمان

شهسمر غاب - بازار کا پائنتخت کورش

هرو دشت - تخت جمشید که محل شهر سلطنتی پرسیولیس است

نقش رستم

نقش رجب

دوتپه ماقبل تاریخ

استخر - محل شهر قدیم

غار موسوم به شیخ علی

شهر شیراز - خرابه های مسجد عتیق که عمرو بن لیث ساخته است

مسجد نو که انابك سعد بن زنگی ساخته است

مقبره کریم خان زند موسوم بکلاه فرنگی (موزه فعلی معارف)

باغ و عمارت هفت تن

مدرسه خان

مسجد وکیل

سعدیه

حافظیه

مقبره که میگویند متعلق بدختر انابك است

قصر ابوالنصر در دو فرسخی شهر حجاریهای عهد ساسانیان
 فسا -- تپه ای که در محل بقعه ضحالی معروف است
 فراشبند - اراضی اطراف بنای کوچکی گنبد از عهد اشکانیان
 فیروز آباد - محل کور قدیم
 عمارت عهد ساسانیان که اردشیر ساخته است
 پل عهد ساسانیان
 شاپور -- محل پایتخت قدیم
 حجاریهای عهد ساسانیان
 فهلیان - فهلیان - خرابه های يك شهر هخامنشی جنجون
 دارابگرد - مسجد سنك مورخ ۶۲ هجری
 حجاریهای عهد ساسانیان
 قلعه درب که در پنج کیلو متری جنوب شهر قرار دارد
 سروستان - قصر و نقاط مجاوران
 فیروز - مسجد جمعه

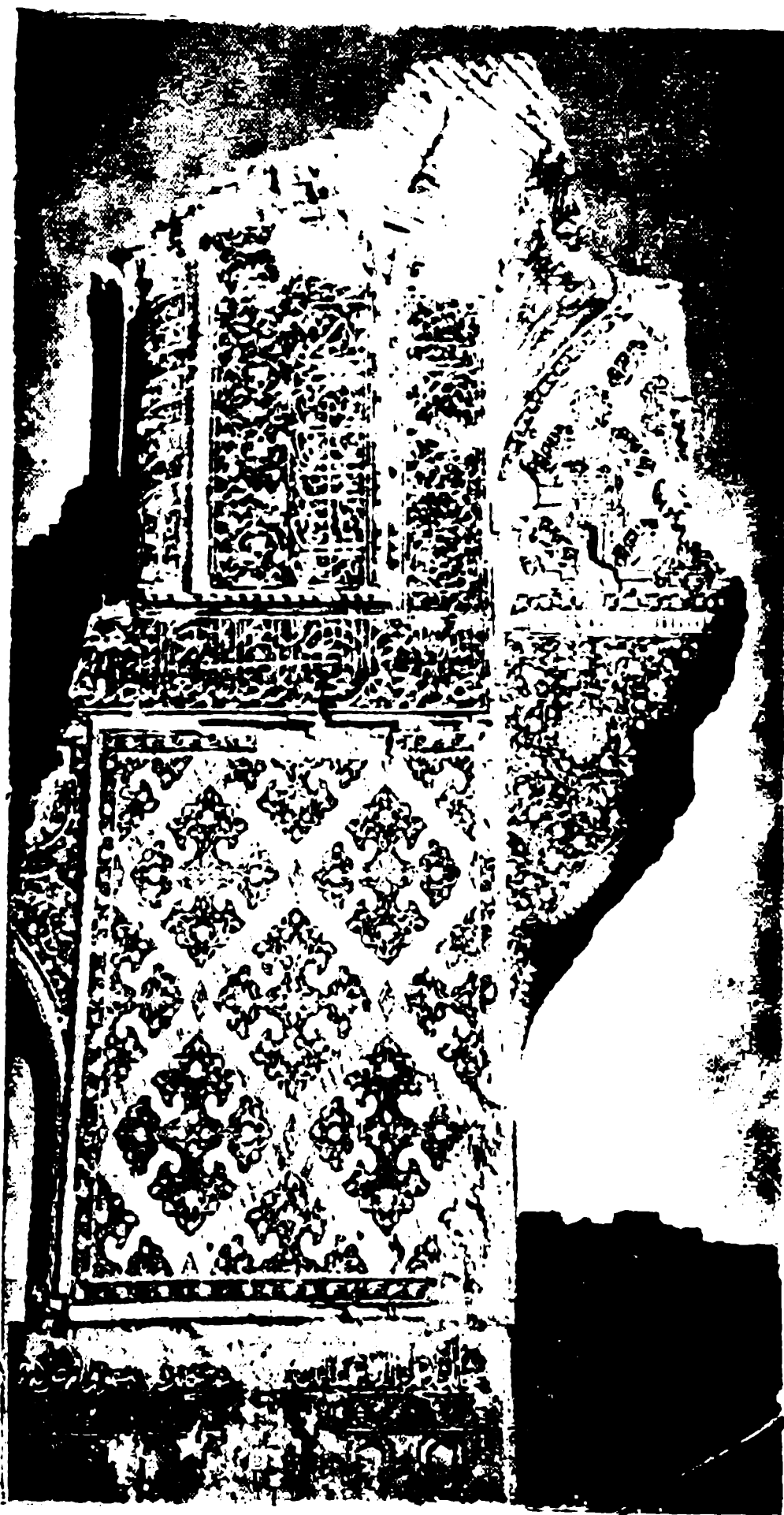
تبریز

بنای شهر تبریز را که پایتخت کنونی آذربایجان است بدوره اسلام یعنی باواخر قرن هفتم و به زبیده خاتون زوجه هارون- الرشید نسبت میدهند تبریز در اوائل بحال قریه ای باقی بود و فقط در زمان متوکل خلیفه که مقر الرواد الازدی سر کرده باغی و اولاد او گردید صورت شهر مستحکمی بخود گرفت.

در قرن چهاردهم تبریز شهر غیر مهمی بود و در دوره غلبه مغول تبریز را باسم پایتخت سلسله محلی اتابکان ذکر میکنند باقوت در قرن ششم بتبریز آمده و از شهر تبریز مثل يك مرکز صنعتی مهمی سخن میراند در قرن هفتم و در دوره سلطنت مغول که تبریز پایتخت ایران گردید بیش از پیش ترقی نموده میل مغول بساختن ابنیه و عمارات از زمان ایلخان ارغون شروع شد ارغون چند عمارت در قریه شنب و حولی غرب تبریز بنا نهاد و قریه مزبور را باسم ارغونیه نامیدند ارغون هنوز اسلام قبول نکرده بود و مهمترین ابنیه که ساخته معبد بت پرستان بود در دیوارهای معبد صورت خود ارغون را نقش کرده بودند معبد مزبور را در زمان غازان که پسر ارغون و مسلمان متعصب و یکی از سلاطین جالب توجه ایران در قرون وسطی است خراب کردند.

غازان که بحال مغولیت پایدار و درستدار گذشتنه مغول بود در عین حال بمراتب پیش از سلاف خود اصول تمدن ایران را فرا گرفته

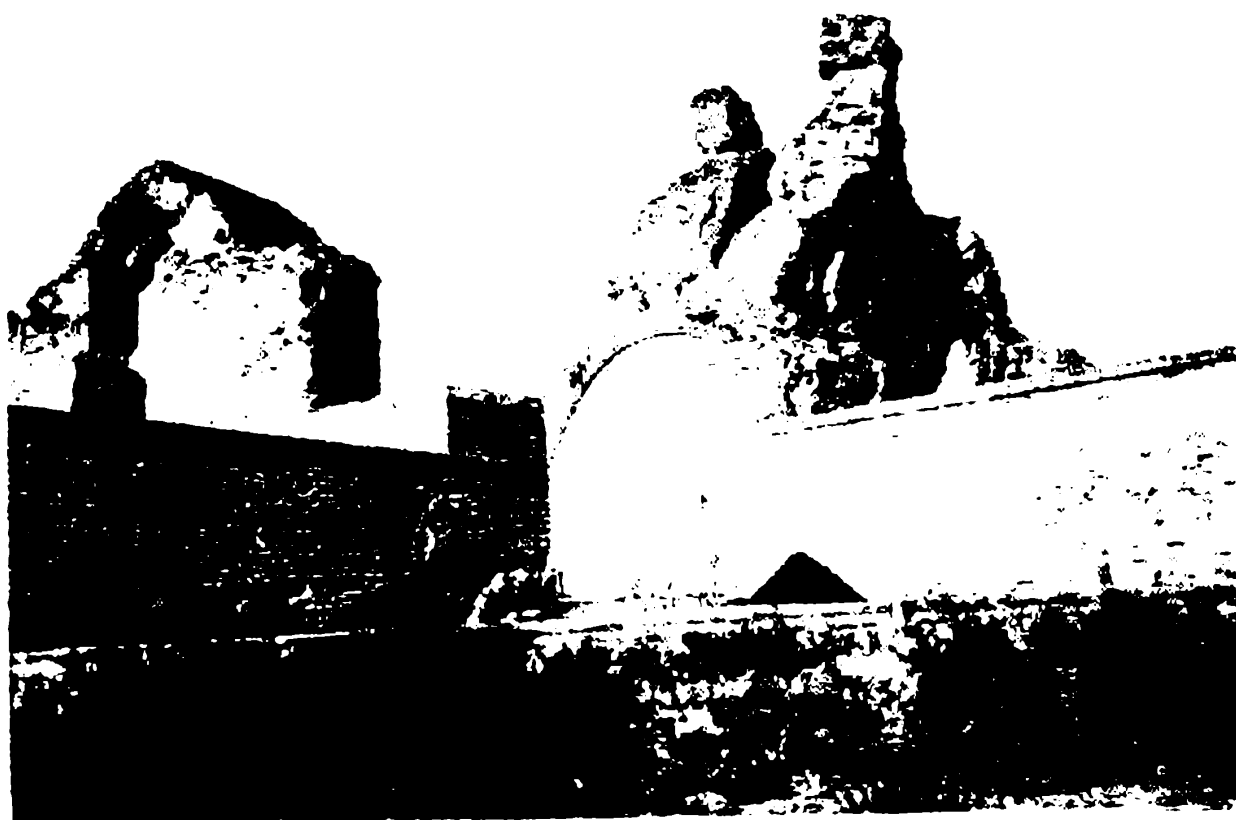
و میخواست طرز جدیدی در زندگی مردم تبریز پیش آورد .
تبریز در دوره غاران تا حدودیکه برای پایتخت يك مملکت وسیع



تبریز - خرابه های مسجد کبود

مقتضی بود وسعت یافت سابقاً محیط دایره باروی شهر فقط ۶۰۰۰ گام بود غازان امر داد که دور شهر و قراء اطراف دیوار جدیدی بن کنند که محیط آن به ۲۵۰۰۰ گام میرسید بنا بر گفته حمدالله مستوفی و بواسطه فوت غازان این بنا ناامام ماند.

غازان مثل پدر خود قریه شنب را پسندیده و قریه مزبور را در دوره او باسم غازانیه موسوم گردید و بیشتر شنب غازان خان نامیده میشود در این قریه غازان مقبره برای خود بنا نموده که از مقبره سلطان



تبریز - مسجد کبود «آبی»

سنجر واقعه در مرو که سابقاً نزد مسلمین عالی ترین عمارات محسوب میشد عالتر شد و دو مدرسه یکی برای حنفیه و دیگری برای شافعیها يك سلسله عمارات دیگر بنا نهاد.

رشیدالدین فضل‌الله مورخ که وزیر غاران بود در یکی از محلات شرقی شهر عماراتی ساخت که با اسم اوریع رشیدی و با رشیدی نامیده شد.

خرابه‌های مسجد آبی - یکی از بهترین عمارات تبریز که آثار آن تا به امروز باقی مانده مسجد کبود یا آبی است که بمناسبت رنگ کاشیهای عالی که زینت افزای آن بودند بدین اسم نامیده شده این مسجد از یادگارهای قرن نهم هجری (۸۷۰ بموجب کتیبه جلوی بنا) (وپانزدهم میلادی ۱۴۳۷-۱۴۶۷) یعنی زمان جهانشاه که از خوانین ترا که قره‌قویونلوست بوده این بنا از زلزله هائی که تبریز غالباً دچار میشده بسیار آسیب یافت.

خرابه‌های مسجد وزیرعلیشاه - تاج الدین عایشاه وزیر غزاق که باعث قتل رشیدالدین فضل‌الله شد مسجدی ساخت که قسمتی از آثار آن تا به امروز درازك واقع در طرف جنوب غربی شهر باقی مانده است شرح مفصل بنای مذکور را العینی مورخ عرب در قرن نهم نوشته و بارون تیزن گا وزن بطبع رسانیده (بنابر گفته حمدالله مستوفی) در این بنا سنگ مرمری قیاس بکار برده شده در قرن ۱۱ از این بنا فقط گنبد آن باقی بود در قرن سیزدهم باقیمانده عمارات را بقورخانه و برج قراولی تبدیل کردند این خرابه ها محتمل است یکی از زیباترین بناهای عالم بوده و ۸۰ پا تقریباً ارتفاع داشته بعقیده (موریر)

مسجد جمعه - این بنا از عهد سلجوقی در تبریز در مدرسه طالیه دیده میشود.

اردبیل

در عصر جغرافی نویسان عرب مرکز کشور و نظامی آذربایجان
اردبیل بود شهر در جلگه پر آب بفاصله کمی از سمت شرقی کوه سولان
(سبلان) مرتفع ترین کوه آذربایجان و یکی از مرتفع ترین جبال
ایران واقع شده بطوریکه می بینیم راههاییکه ب اردبیل و مراغه
میرفته همگی در نزدیکی شهر زنجان از هم جدا میشده ولی در آثرمان هم راه
دیگری از میان اردبیل میرفت .

در استان استیلای عرب اردبیل را بعنوان مقر فرمان فرمائی
این خطه می نامند سیاحان قرن ۱۱ اردبیل را بواسطه وفور آب به
ونیز تشبیه میکنند :

در قرن هشتم زمان حمدالله مستوفی اهالی اردبیل شافعی محسوب
میشدند ولی در قرن نهم نهضت تشیع از اردبیل بروز نمود در همین عهد
مذهب شیعه مقام مذهب حاکمه را احراز نمود از قرار معلوم
شیخ صفی الدین جد سلاطین صفویه شیعه نبوده زیرا حمدالله مستوفی اهل
اردبیل را شافعی و مرید شیخ صفی الدین میخواند شاه اسمعیل که از
اولاد شیخ مذکور و مؤسس سلسله صفویه است خود وجد خود را از اولاد
علی اعلام نمود و علم تشیع بر افراشت شاه اسمعیل هم در سال ۹۳۰
وفات نموده ۱۵۲۴ میلادی و در اردبیل مدفون گردید بدین ملاحظه
شهر در دیره اولاد شاه اسمعیل تا یک درجه دارای اهمیت گردید چنانکه شاه
عباس کبیر کتابخانه و چینی خانه متعددی وقف اردبیل کرد که مقداری
در جنگ روس و ایران بدست روسها افتاد و مقداری نیز اکنون در موزه

معارف از کتاب و قرآن خطی بسیار نفیس وزری و چینی
موجود است

مسجد جامع اردبیل - این مسجد متعلق است به عهد سلاجقه
ولی کتیبه هیچگونه ندارد.

بقعه شیخ صفی - بموجب عقیده فزاره بنائی که به مسجد شیخ صفی
معروف است باید متعلق به نیمه اخیر قرن هفتم هجری (۱۳) میلادی
باشد مقبره شیخ توسط پسرش صدرالدین در اواسط قرن هشتم هجری



اردبیل - مقبره شیخ صفی الدین

(۱۴ میلادی) بناشده و تمام سلاطین صفوی بالاخص شاه طهماسب در آنجا بناهایی نموده اند تا زمان شاه عباس ثانی که در بزرگی خارجی آنرا (که فعلاً خراب شده) ساخته است اغلب بناهای آنجا در دوره اخیر ترمیم یافته .

بقعه شیخ جبرائیل - در ناحیه کل خوران چند کیلومتری شمال اردبیل در نیمه اول قرن دهم هجری (۱۶ میلادی) این بقعه بناشده و در زمان سلطنت شاه عباس اول ۱۰۲۱ هجری تعمیر شده است .

رضائیه

شهر قدیمی بوده و اراسهش کاملاً معلوم است (اورمیه یعنی مکان آب مطابق اورشلیم بمعنای مکان مقدس است این کلمه بابلی است) مطابق حفاریهایی که بتوسط میسیون دمرگان (هیئت علمی فرانسویها) و خود نگارنده که با سر اورل استین کمانه‌هایی در ناحیه سلدوز و اشنویه زدیم آثاری از چهار هزار سال قبل خصوصاً قبوری در سلدوز (تپه حسن او) و اشنویه مشاهده کردیم که با چهار هزار سال قبل اشیاء و آلات و ادوات زیر خاک‌هایش تطبیق مینمود

برج سه گنبد - این مقبره عبارتست از سکوی سنگی بلندی است حاوی دخمه‌ای که در بالای آن برای آجری برآورده اند که شامل اطاق و مقبره‌ای مدخل آن محیط در يك قاب پر نقش نگاری که در بدنه استوانه شکل برج تعبیه شده درگاه ورود در میان طاق‌نمای مسطحی واقع شده بچه علت آنرا سه گنبد میخوانند در صورتیکه دو گنبد در این بنا بیش دیده نمیشود باین فرض کرد بجای سقف مخروط که در آنربا بجان

در عهد سلاجقه معمولا ابنیه را میپوشانیده در اینجا گنبد سومی
وجود داشته .

در جلوخان سه گنبد سه کنیبه کوفی دیده میشود و تاریخ آن
۵۸۰ هجری است این بنا نیز متعلق است بعهد سلجوقیان



مراغه - گنبد غفاریه

در این مقبره کوچکترین اثری از رنگ آمیزی بنظر نمیرسد
مسجد جامع - این مسجد در رضائیه و مجراش مورخ سال
 ۶۷۶ هجری است .

سلماس

معلوم میشود که سلماس نیز وقتی مقر سلاطین ساسانی و بااشکانی
 بوده و بطور یقین میتوان حدس زد که در موقع جنگ با روم سلاطین ساسانی
 در آنجا مدتی استراحت مینمودند .

حجاریهای اردشیر بابکان - این حجاریها متعلق است به
 ساسانیان زمان اردشیر بابکان و شاپور اول این دو تصویر حجاری معروف
 است یکی مربوط به اردشیر بابکان که سوار اسب است و در مقابل آن
 آرامنه با حالت تمکین و اطاعت ایستاده اند و دیگری شاپور که از اولی
 تقلید کرده و شاپور را بجای اردشیر حجاری نموده اند

مراغه

جغرافی نویسان عرب شهر مراغه را پای تخت قدیمی مملکت
 آذربایجان می نامیدند شهر ازدوره اعراب اردوگاه قشونی شد و از آن زمان
 باسم مراغه معروف گشت یاقوت اسم قدیمی آنرا افراز هرود ذکر میکند
 ازدوره مغول در قرن هفتم هجری ۱۳ میلادی است و در بالای تپه ای واقع در
 شمال شهر رصد خانه ای جهت خواجه نصیرالدین طوسی منجم معروف
 بنا نهاده شد که جداول معروف به زیج ایلخانی را در این رصد خانه

تدوین نموده رسد خانه مزبور دارای کتابخانه بوده و قسمت عمده کتبی را که در موقع تصرف بغداد بدست آمده بود بدانجا انتقال داده بودند قیمت آلات رسد خانه بیست هزار دینار و علاوه بر منجمین ایرانی منجمین چینی هم در رسد خانه مشغول کار بودند.



مراغه - گوی برج

گنبد سرخ - این گنبد از میان پنج بقعه مراغه قدیم تراست بنائی است
مربع و گنبدی مقرنس دارد که هنوز باقی است این بقعه مرکب است از طاقی
که بر سکوی بلند قرار دارد و در میان سکو دخمه‌ای ساخته اند این دخمه
بهیچ وجه با طاق بالا راهی ندارد و در آن از بیرون بجانب مشرق
باز می شود .



مراغه - مقبره مادر هلاکو

درگاه درزیر طاقی خیلی متناسط است و بر فراز آن بدنه پر نقش و

نگاری است که اطرافش را يك كتيبه كوفي احاطه نموده و چهار روزن در اطراف آن دیده میشود که از داخل چون نگاه کنیم در ریشه گنبد واقع است و از خارج چون مینگریم در چهار جهت دایره قرار گرفته که سقف را بر آن افراشته بودند قسمت پائین این بنا از سنگ و بقیه آجر است و در میان آجر سرخ رنگ کاشی فیروزه فام بکار برده شده خطوطی هم از آجر سرخ تراشیده اند مثل اطاق اصلی هنوز باقی و مرکب از قطعات مستطیل سنگ است .

اسم والقبابانی گنبد و تاریخ انجام ساختمان را از كتيبه جهه شمالی میتوان خواند كتيبه ضلع شرقی و جنوبی آیات قرآنی و عبارات ضلع غربی حاکی از نام سازنده بناست .

اگرچه این كتيبه از عبدالعزیز بن محمد بن سعد نام بوده و تاریخ سال و ماه و روز را ذکر میکند ولی چون اصلاً نمیدانیم عبدالعزیز بن سعد کیست بدین جهت گنبد سرخ با وجود كتيبه خوانائی که دارد باید عجله مزار شخص مجهولی بدانیم

مزار مدور مجاور گنبد سرخ - دومین بقعه ای که از حیث تاریخ بعد از گنبد سرخ باید ذکر شود برج مدوری است که نه گنبد و نه سقف دارد اهمیت این برج در اینست که بخوبی از ترقی ترئینات کاشی در مدت قلیلی که فاصله میان ساختمان گنبد سرخ و این برج است حکایت میکند این برج هم مثل چهار مزار دیگر از آجر ساخته شده در بالای سلوئی بلند و دخمه عمیق قرار دارد اما ظاهراً شبیه برج دفاعی کوناه و بی زینتی است و در مدخل آن فقط ترئینات پرکاری نظیر جبهه بزرگ گنبد سرخ ساخته اند .

مقبره منسوب بمادر هلاکو - (گنبد کبود) - در نیمه

اول قرن هفتم هجری این مقبره گاهی بنام قبر خواهر هلاکو و گاهی مادر هلاکو گفته میشود

این بنا از خارج و داخل مزین بخطوطی است که اکثر بکلی ضایع و محو شده و ظاهراً آیات قرآنی بوده اند کتیبه ای که در داخل بنا در زیر گنبد واقع و بدور بقعه می پیچد با خطوط نسخ در حاشیه پهن از کج بریده شده و قسمتی از آیه اول سوره ۶۷ قرآن است



آذربایجان شرقی - پل دختر

مادر هلاکو سوبور کوکمتنی خاتون مسیحی بود و همین بس است که انتساب این قبر اسلامی را از او سلب کنند بعلاوه هلاکو خان بودائی بود و دوقوز خاتون مسیحیه نوۀ ژان کشیش را در حباله نکاح داشت در

این باب رشیدالدین فضل الله مفصل صحبت میکند

انتساب این قبر بمادر هلاکو بعید است همانطوریکه قبر کورس کبیر را در بازارگاد مسجد مادر سلیمان نمیدانیم بهمین نظر بسیار مستبعد است که در پایتخت هلاکو مرکز مخالفت با اسلام اجازه داده شود قبر یکی از بزرگان اسلام را باین شکوه و جلال بسازند بنا براین میتوان گفت گنبد کبود مزاری مجهول است از زمان مغول

گنبد غفاریه - چهارمین مزار مراغه موسوم بگنبد غفاریه وجه تسمیه اش نزدیک بودن بمدرسه غفاریه است تاریخ این بنا ده سال قبل از بنای گنبد سلطان الجایتو خداینده و در سنوات (۷۳۶-۷۱۶ هجری) (۱۳۳۵ - ۱۳۱۶ میلادی) بنا شده این محال مقبره یکی از امراء مملوک موسوم به شمس الدین قرا سنقر (۱) است که بواسطه بناهای بسیاری در مصر و شام معروف و بنا بقول مورخین عرب در ۲۷ شوال ۷۲۸ بطور تبعید در مراغه دار فانی را وداع گفته است.

این گنبد بنائی است مربع آجری که در بالای سکوئی سنگی و

(۱) قرا سنقر غلامی بود از مماليك که قلارون پیش از رسیدن بسلطنت او را خریده و منصب چوکان داری داده بود در زمان پادشاهی لاجین نایب السلطنه مصر شد و هنگامی که محمد بن قلارون با رسوم پادشاهی یافق قرا سنقر نایب السلطنه شام شد و تا ۷۱۱ هجری ۱۳۱۱ در این شغل باقی بود در این سال گریخته بایلخان مغول پناه برد و الجایتو مراغه را تیول او کرد در این شهر در ۲۷ شوال ۷۲۸ در زمان سلطنت سلطان ابوسعید بهادرخان بدرود زندگی گفت:

دخمه ای عمیق استوار است چهار زاویه اش را بوسیله ستونهای با نقوش لوزی پنج ساخته اند .

جلوخان بزرگ متوجه شمال و عرض اطاق زیر بجانب شرق است هر يك از اضلاع جنبین و عقب دارای دو طاق نما و يك حاشیه مكشوف است در جلوخان بزرگ يك طاق نمای مرکزی بر سر در ساخته اند که در بالای آن دو سطر کتیبه دیده میشود

گوی برج - این برج امروز جز ویرانه ای بیش نیست برجی مدور شبیه به بنائی است که در نزدیکی گنبد کبود واقع است یکقسمت الحاقی مستطیلی بآن اضافه شده که دارای نقش و نگار است از طاقچه و سقف بنائی بر جا نمانده و از کتیبه ها نیز هیچ اثری نیست .

زیبنت خارجی دیوار ها عبارت از نقوش بزرگ لوزی شکلی است از آجر که خطوط اصلی آنها به متن صاف دیوار قدری بر جنگی دارد بنا بر عقیده ف زاره تاریخ آنرا باید از نیمه دوم قرن هشتم هجری دانست شایان ذکر است که ازین پنج مزار سه مزار یعنی گنبد سرخ گنبد کبود و مقبره مدور مجاوران پیش از دوره مغول گنبد غفاریه در عهد مغول - و قوی برج در عصر بعد از مغول ساخته شده

مرند

محراب مسجدی که سلطان ابوسعید ساخته - در سال ۷۳۱

هجری سلطان ابوسعید بهادر خان این مسجد را تعمیر کرد و محراب را بدست يك استاد صنعتگر قبل تبریزی ساخت

میانج

میانه را مورخین قرون وسطی میانج مینویسند ولی در کتاب مقدسی میانه ذکر میکند شاید وجه تسمیه میانه آنست که شهر بیک فاصله مساوی تقریباً سی کیلومتر از دوسر کر مهم آذربایجان یعنی اردبیل و مراغه واقع شده

پل دختر بر روی رودخانه قزل اوزن - بر روی رودخانه قزل اوزن بین زنجان و میانج پل معتبری ساخته شده این پل در سلطنت شاه صفی در سنه ۱۰۴۲ هجری ۱۶۳۳ میلادی بر طبق کتیبه ایجاد گردیده است .

مهاباد (ساوجبلاغ)

از نقطه نظر وضعیت جغرافیائی اگر نظر کنیم مهاباد دارای وضعیت شهری نبوده و بهیچ وجه قابلیت شهر نشینی ندارد چه در تنگی واقع شده است بنا بر اتفاق در یکصد و پنجاه سال قبل طایفه ده بکری آنرا ایجاد و کم کم رو بافرونی رفت جلگه شهر ویران که از اسمش هم پیداست قدیمی بوده جلگه ای مصفا دارای آب و هوای خوب و لطیف اشجار رودخانه و آثار تاریخی تصور میرود که این مکان آبادی قدیمی بود و پس از بنای ساوجبلاغ رو بخرابی رفته است خرابه های شهر در نزدیکی اندرکاش - (آفری قاش) خرابه های نزدیک اندرکاش در قسمت شمالی مهاباد واقع شده اهالی محل این خرابه ها را بنام شهر ویران می نامند و تقریباً در سه کیلو متری شمال غربی دهکده اندرکاش واقع

است محتمل است که یکی از شهرهای مدی باشد (۱) که بطليموس از آن ذکر کرده و آن را داراوشا میخواند و نویسنده معروف رولن سن آنرا بلسم دارایاس که در تاریخ گرد آمده است تطبیق میکند فعلا دارایاس قریه است در سمت چپ شهر ویران

(۱) آثار ماد - در ایران در چند مکان مختلف آثاری یافت میشود که منتسب است بماد

۱ - نزدیکی سر پل زهاب دخمه ایست که در سنگ منقور و موسوم بدکان داود است در اینجا صورت مردی بر جسند در سنگ کنده شده این مرد لباس مادی بر تن برسمی بدست دارد (برسم دسته ایست از تر که های درخت که با برگ درخت خرما بهم بسته و هنگام عبادت بدست میگرفتند دارمس ترزند و استا) و در حال عبادت ایستاده .

۲ - دخمه ایست در صحنه نزدیکی کرمانشاهان و فروهری بالای آن حجاری شده

۳ - در ده نو اسحق وند نزدیک کرمانشاهان در دخمه کوچکی حجاری بر جسند ایست که صورت شخصی را در حال پرستش نشان می دهد .

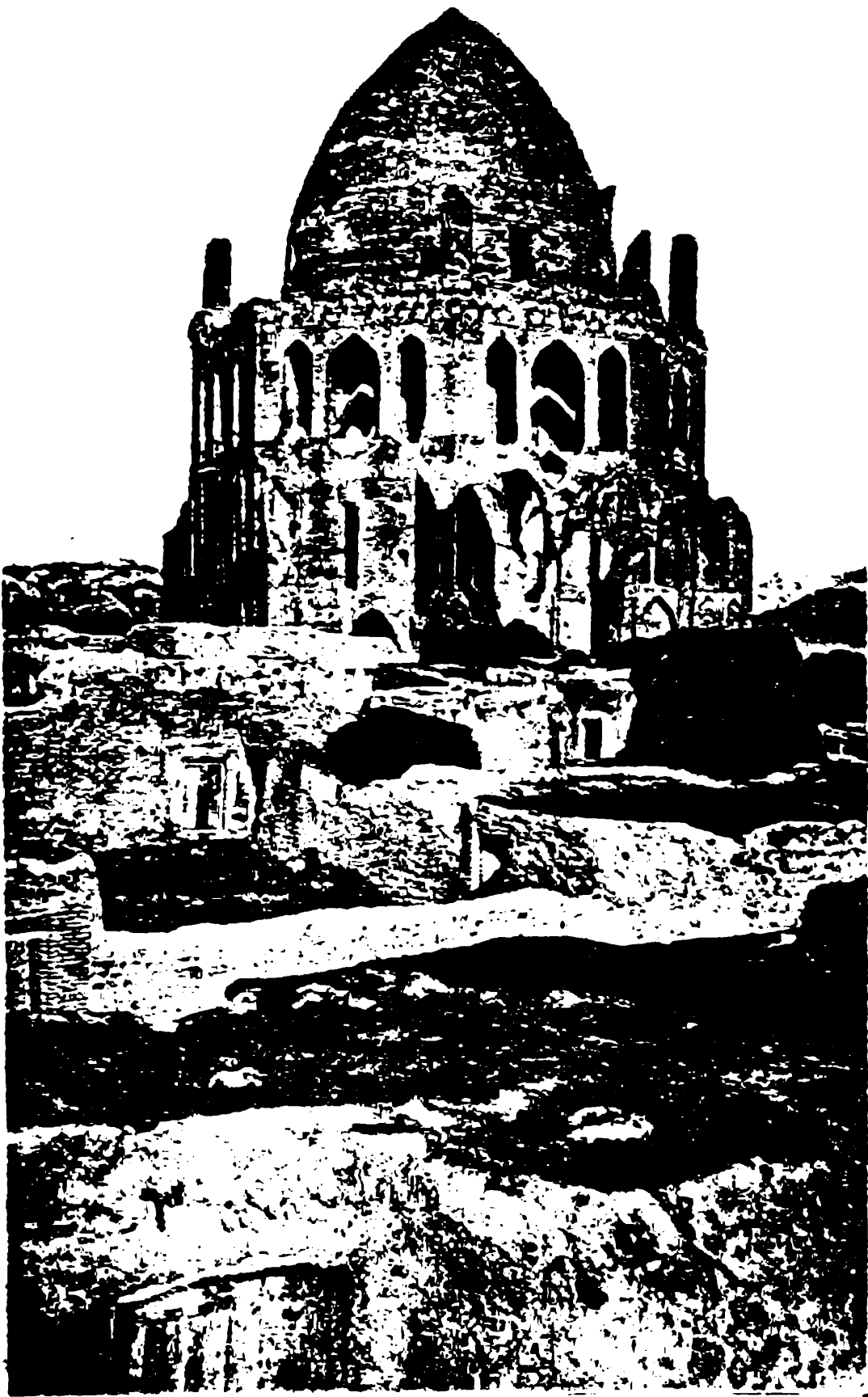
راجع باین آثار باید گفت که همه در انتساب بماد موافق نیستند مثلا پرو و شی پیه chipiez-perrot گویند این آثار از جهت حجاری بمقبره های هخامنشی در تخت جمشید شباهت دارد ولی کسانی که بیشتر در تاریخ ماد زحمت کشید ه اند مانند پراسچک Prasczek اوبرهت Oppèrt وینکلر Winchler گویند منتسب است بماد

خرابه های شهر قدیمی در جنوب شرقی گردنه کاروشینکا
 در جنوب شرقی کاروشینکا محل يك شهر قدیمی واقعست که هنوز خرابه
 های آن معلوم و هویدا است

سلطانیه

بنای سلطانیه در ۷۰۴ - غازان خان در اواخر عمر خود
 خیال داشت که در محل چمن سلطانیه یعنی در سرزمینی که دو رود
 کوچك ابهر و زنجان در آجا سرچشمه میگیرند و اولی بطرف محال
 قزوین و دومی بسمت قزل اوزن متوجه میشود شهری بنا کند و باین
 کار نیز دست زد ولی عمرش وفا نکرد و اولجایتو دنباله خیال برادر را
 در این خصوص گرفت .

سر زمین حالیه سلطانیه را مغول قنغور آلانك میگفتند و چمن
 آن مرتع احشام ایشان بود و غالباً ایلخانان و سر داران مغول در عبور
 از عراق بآذربایجان یا بالعکس در آن سرزمین رحل اقامت می انداختند
 غازان خان در این محل که بهیچوجه آبادی نداشت اساس شهری را بنی
 افکنده بود و اولجایتو همان را بنام سلطانیه در پنج فرسنگی زنجان
 و نه فرسنگی ابهر در تاریخ سال ۷۰۴ شروع باتمام کرد و آنرا در مدت
 ده سال بانجام رسانید بطوریکه در سال ۷۱۳ در محل قنغور آلانك که
 چمنی بیش نبود یکی از اعظم بلاد اسلامی شرق ایجاد گردید و ابنیه
 بسیار از همارات و مدارس و مساجد و حمامها و بازارها در آن انشاء
 شد و جمعیت فراوان از هر طبقه در شهر مزبور مجتمع آمدند .
 دورا دور سلطانیه بامر اولجایتو باروئی مربع شکل ساختند که



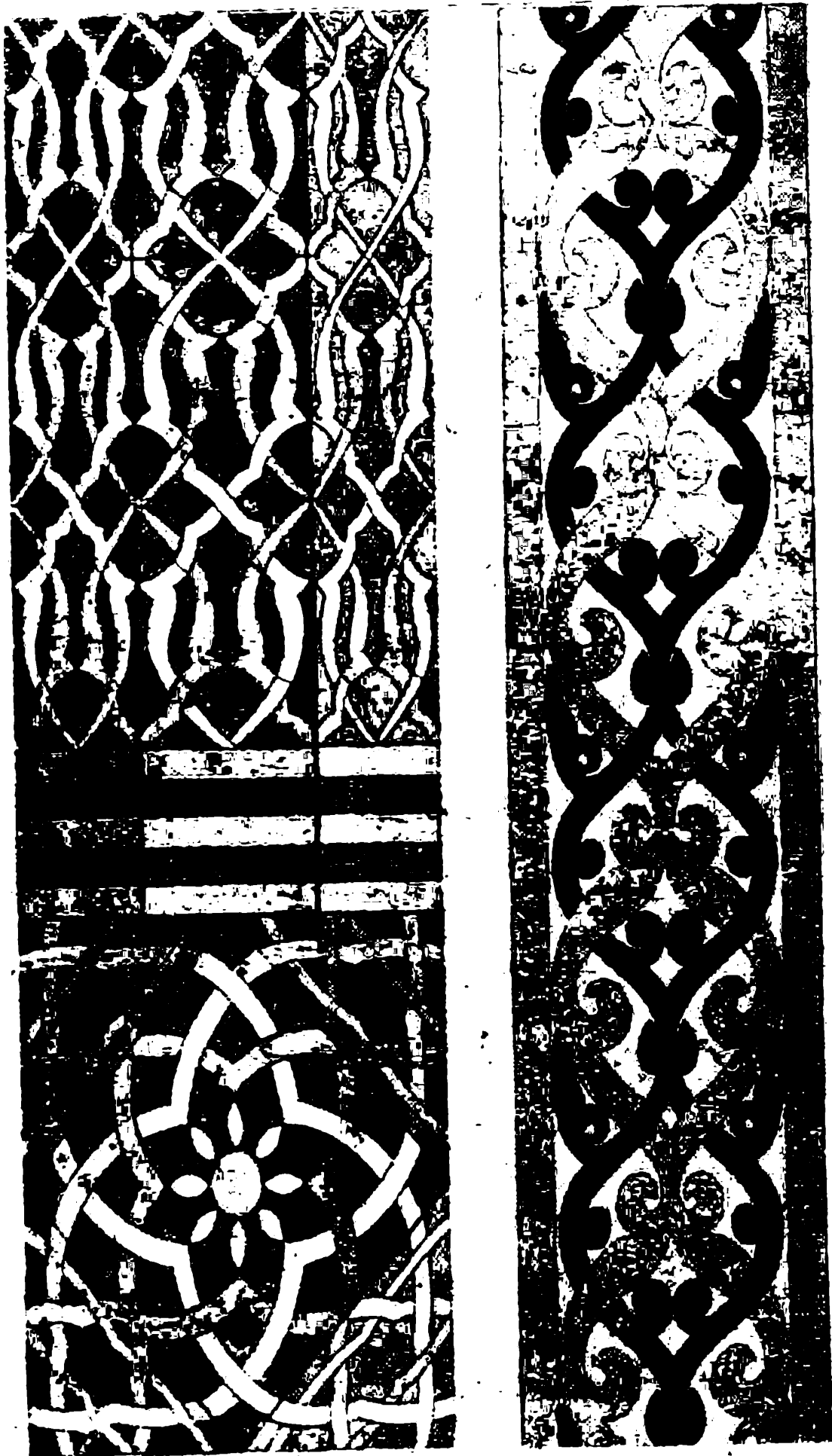
سلطانیہ - مقبرہ سلطان محمد خدا بندہ

طول آن سی هزار قدم میشد و ضخامت دیوارهای آن باندازه‌ای بود که چهار سوار پهلوی یکدیگر میتوانند روی آن حرکت کنند و در وسط آن اولجایتو قلعه بزرگی ساخت که از جهت عظمت شهری میماند و در آن گنبدی جهت مقبره خود بنا کرد که همان گنبد معروف سلطان محمد خدا بنده است و بعد از وفات سلطان را در آنجا بخاک سپردند و آن از مهم ترین ابنیه و از نمونه های عالی معماری عهد مغول است

اولجایتو در بنای سلطانیه همان راهی را که غازان در ساختن شنب غازان تبریز پیش گرفته بود پیروی کرد یعنی بعد از ساختن شهر و گنبد در اطراف مقبره خود بنای هفت مسجد امر داد و یکی از آنها را خود بخرج خویش از مرمر و چینی ساخت و ابنیه بسیار دیگر نیز از دارالشفاء و داروخانه و دارالسیاده و خانقاه در سلطانیه برپا شد و اولجایتو علاوه بر بنای قصری جهت اقامت خویش مدرسه بزرگی در آن شهر از روی کرده مدرسه مستنصریه بغداد ایجاد نمود و از هر طرف مدرسین و علما و اهل بحث و درس را بآنجا خواند

در ساختن پایتخت جدید امرا و وزرای اولجایتو نیز هر کدام به سهم خود شرکت کردند از آنجمله خواجه رشیدالدین یک محله تمام از سلطانیه را که بر هزار خانه مشتمل بود بانضمام مدرسه و دارالشفاء و خانقاهای بخرج خود ساخت.

(اولجایتو جهت مرقد خود گنبدی بسی عالی هشت منار بر سر آن ساخت و در حوالی آن ابواب خیر از مجامع و خانقاه و مدارس و دارالسیاده که هرگز مثل آن در جهان کسی ندیده و نشنیده فرمود و



نمونه ای از کاشیهای سلطانیه

بسیاری از املاك نفیسه بر آنجا وقف کرد چنانچه حاصل آن در عهد دولت او صد تومان میرسید و چون این جمله تعلیم و ارشاد وزیر عالم و عادل صاحب سعید شهید خواجه رشید الدین طاب ثراه بود نیابت تولیت بدو داد و در آجا ده مدرس و بیست معبد و صد نفر از طلبه علم و بیست صوفی و دوازده حافظ و هشت مؤذن و چهار معلم تعیین فرمود و جهت هر مدرس هزار و پانصد دینار مرسوم کرد و جهت هر معبد هفتصد و پنجاه دینار و از هر طالب علم و صوفی و حافظ و مؤذن و معلم صد و بیست دینار. هر روز جهت آیند و روند که در دار الضیافه آنجا صرف کنند سیصد دینار تعیین فرمود و از برای امرا که ملازم آنجا باشند و مجاوران و فراشان و خادمای خانقاه و خرج ایام و مخارج دارالسیاده و دارالشفایزاده از صد هزار دینار) . (نفایس القنون)

اولجایتو بعد از بنای سلطانیه جماعتی از پیشه وران و اهل حرف و صنایع تبریز را بسلطانیه آورد و ایشان را در آنجا بترویج صنایع بدی مشغول داشت و بقدری در مزید رونق آن کوشید که سلطانیه در اندک مدتی بعد از تبریز اولین شهر ممالك ایلخانی گردید ولی افسوس که اعتبار آن در امی نکرد و پس از اولجایتو ابو میدخان یکباره از اهمیت افتاد و بهمان سرعت که ایجاد شده بود رو بخرابی گذاشت و امیر تیمور نیز که در ویران کردن بلاد مهارش داشت و مثل آتپلا و سایر سرکردگان تاتار نژاد دشمن آبادی بود آنچه را که از سلطانیه بر پا بود با خاک یکسان کرد و این شهر از آن تاریخ ببعد دیگر جانی نگرفت و امروز نیز همچنان خراب است

مقبره چلبی اوغلی - در قسمت غربی دهات جدید سلطانیه

مقبره ایست بنام چلبی اوغلی که مورخ بقرن هشتم هجری

مقبره ملا حسن شیرازی - مقبره ملا حسن شیرازی در قسمت غربی
دهکده جدید اوائل عهد صفویه بنا شده است ملا حسن یکی از علما
در حکمت الهی بود در زمان سلطنت شاه اسمعیل اول صفوی حیات
داشته است ۹۳۰ - ۹۰۸ هجری (۱۵۲۴ - ۱۵۰۲) میلادی



سلطانیه

کردستان

اگر چه کردستان شهر قدیمی و مسکن آسوریها و تمدن بسیار آن قدیم است ولی ناحیه گوهستانی است آثار کهن از دوره ماقبل (۱) از تاریخ و عهد اول (۲) و دوم در آنجا دیده نمیشود تپه های دست زیر خاکی در تمام کردستان (سنه - اورامانات - مریوانات - سقز - سردشت و... غیره و غیره) دیده نشد تا بتوان سال تقریبی عمران و آبادی را در آنجا معین کرد فقط قبوری چند از آسوریها ممکن است جستجو شود.

شهر کردستان چندان قدیمی نبوده و در سال ۱۰۴۶ هجری سلیمان خان از سلسله اردلان حکمران قدیم کردستان این شهر را بنا کرد قبل از این تاریخ آبادی کردستان در سنج نبود در سنه ۶۱۲ هجری قلعه ظلمه که در خاک شهر زور واقع است پایتخت و مرکز حکومت کردستان گردید و همدان و اردبیل و زنجان و کرمانشاه و سلیمانیه که آنوقت شهر ناز و کوی و عمادیه - رواندوز - شهر روز - کروس که در آنوقت زرین کمر نام داشت جزء حکمرانی کردستان بوده اند لشکر مغول کردستان را مسخر نمود پس از قلعه ظلمه حکومت کردستان و پایتخت آن بقلعه پلکان آمد ۱۲ فرسنگی سنج قلعه پلنگان هم مکانی سخت و مسکن طایفه گوران بود (۳) در آنجا عمارت و آبادانی بسیار شد در این وقت

۱- Prehistorique - ۲ Chalcolitique

(۳) از این طایفه در طوایف ایران مفعلاً بحث شد اکنون کمی در دیوان دزه و قسمت بیشتری در گهواره کرمانشاهان منزل دارند و عموماً علی اللهی میباشند.



لاهیجان قدیم - قلعہ پُرسود



دو قلعه دیگر یکی در مریوان و دیگری در حسن آباد معمور شد هر دو بر بالای دو کوه قلعه مریوان ۱۸ فرسنگی سنه و مدت ۴۳۳ سال این قلعه بتفاوت دارالملک کردستان گردید.

غار و قلعه گرفتو - این غار در خاک هو بتو کردستان بین دیوان دره و سقز واقع شده و کمی از جاده شوسه دور است خانه‌هایی که از سنک در این غار تراشیده اند و امروز بنظر ما میرسد در ۲۰۰۰ سال قبل معبد معروف هراکلیس بوده (۱) و اهمیت و اعتباری داشته راه وصول باین معبد قدیمی اکنون بسیار مشکل است چه شخص در موقع بالا رفتن سرایشی عجیب ۲۰۰۰ متری در زیر پای خود می بیند در داخل این غار چندین اطاق بادست بشر در سنک کنده شده که بر روی دیوار يك اطاق هم اسم هراکلیس با حروف یونانی محكوك منقور است در زیر این چند کلمه اسب سواری شکار آهو میکند این شکل هم یادگار فتوحات گودرزاشکانی بر مهر دادپادشاه ارمنستان است تا سیت (۲) مورخ رومی از این معبد اسم برده و اظهار میدارد که در جنگ معروف گودرز و مهر داد پادشاه ایران باین معبد پناهنده شده و خواستوحی نموده و این سواریدادگار فتوحات آن جنگ است.

راه قدیمی که عراق و سوریه را بایران مربوط میساخته از دو کیلو متری این غار میگذرد از یکطرف بخانه سرحد ایران و عراق و از طرف دیگر بافشار و زنجان میرود این راه قافله روی بوده که اکنون هم قوافل در فصل تابستان از این راه عبور و مرور میکنند در پای این قلعه سنگی آثری از دهات خرابه و کهنه و نشانه درخت بسیاری

خصوصاً درخت انگور دیده میشود مردمان کردستان و دهات آن اطراف افسانه های بسیاری جهت این غار ساخته که بعموم سیاحان معروف هم که بدیدن این غار آمده نقل کرده و موجب تضییع وقت است این غار شهرتی سزا داشته و دارد و قبل از مامافرین دیگری مانند رولن سن (۱) کریور نور (۲) ریچ (۳) آنجا را دیده بودند و هر يك كم و بیش داستانی نقل نموده.

در داخل این غار طاقهائی چند دیده میشود که از سنگ تراشیده و هر يك بلندتر از دیگری و بتوسط پله کانهای سنگی بالا میرود در ضمن راه روی طاقها دالانهای سقف کوتاه تاریکی که کم کم بمروور ایام سنگهای سقف این دالانها خورد شده و قسمت کف دالان را بالا آورده بطوریکه کوتاه بنظر آمده و شخص عابر بایستی خم شده و عبور کند این طاقهای سنگی که شاید ۵ تا ۷ است دارای درب ها و پنجره هائی از سنگ بوده که پشت آنرا با چوب می بسته اند ولی آن سنگهای تخته ای درب و پنجره ها ازین رفته است.

داخل غار پس از عبور کردن از دالانهای تاریک و طاقها سنگی بمحوطه بزرگی میرسیم که انبار مانند است پس از عبور از آن انبار بتوسط دالان تاریکی بدو حوضچه سنگی خواهیم رسید که دارای آب شیرین و شور است یکی آب صاف و دیگری مخلوط از ترکیبات شیمیائی خصوصاً سود و کوگرد است استخوانهای بسیاری از مردگان و تابوت كوچك چوبی در ته این غار مشاهده شد که تصور میرود متاخر است. مسجد جامع - این مسجد جامع بسیار ظریف و قشنگ با طرز معماری زیبا متاخر و از دوره از اردلان حکومت کردستان است.

دخمه از اشکانیان نوسود - در یکی از قراء کردستان دخمه است

که تصور میرود متعلق باشد بدوره اشکانی .

خرابه‌های ساسانی - در قریه اسأوله خرابه هائی است منسوب

بعهد ساسانیان (۱)

(۱) ما از خرابه های ساسانی و طرز بنا و چگونگی آن در لرستان و

و فارس مفصل صحبت خواهیم داشت

کرمانشاهان

شهر کرمانشاه در صورتیکه در قدیم آثار گرانبهایی بسیاری داشته‌ا. روزه در آن اثر مشهودی دیده نمیشود و آثار بسیار کهن در آن نمایان نیست این شهر در زمان ساسانیان (بهرام ۳۸۸ - ۳۹۹) بنا شده و در عهد قباد اول شاه ساسانی ۵۳۱ - ۴۸۸ یکی از محلات شهر با اسم کامبادنه معروف گردیده که در موقع آبادی تا دامن کوهی که طاق بستان در آنجا است گسترده بوده است

پس از فتح عرب این شهر کرسی ولایت کرمانشاهان و ماه الصبره نام یافت ولی شهر دینور که کرسی نهاوند گردید ماه الکوفه شد و عظمت افزونتری یافت (۱)

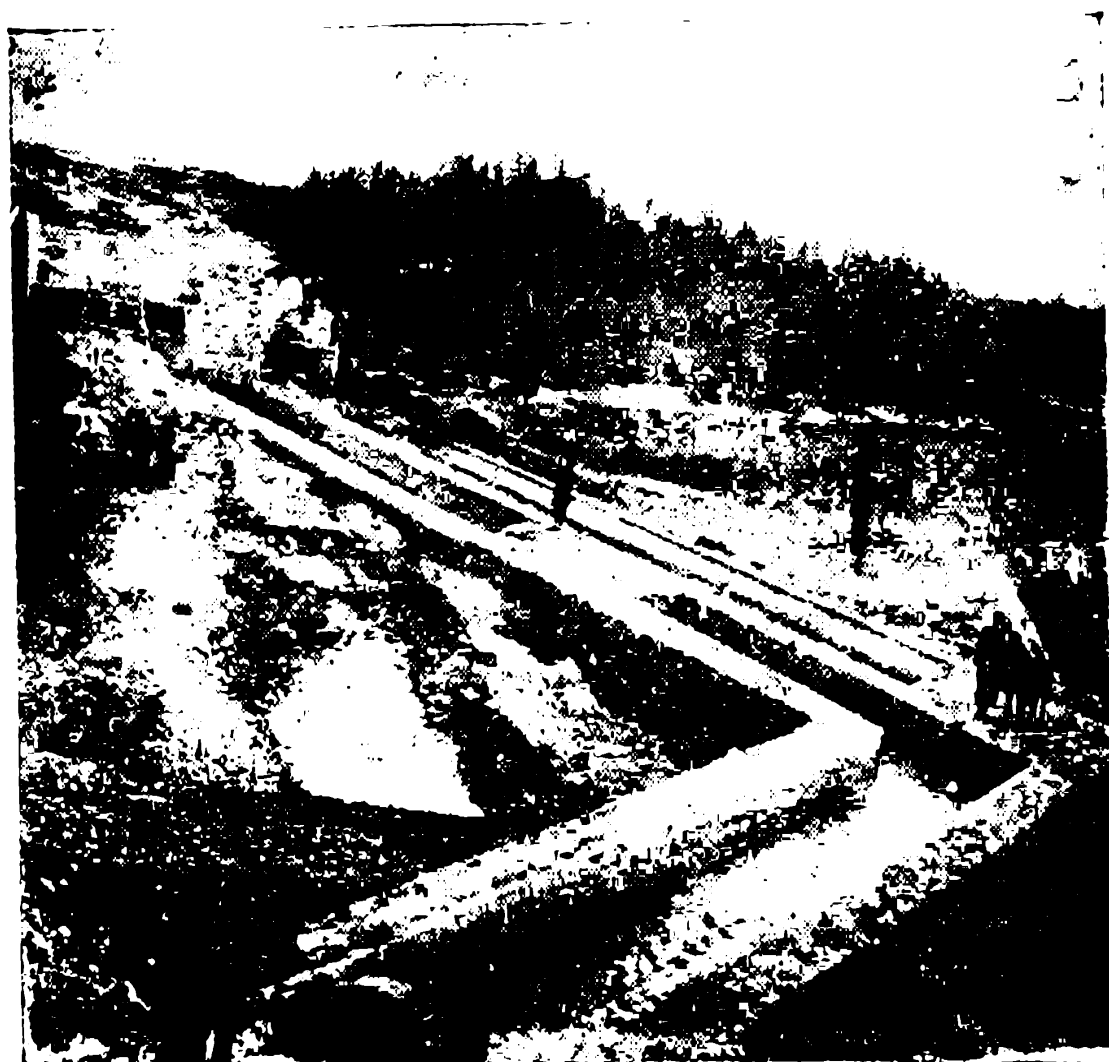
خلیفه هارون الرشید در کرمانشاهان بسیار اقامت گزید ولی آبادی ساخت در شهر قزوین بنا ساخت

عضدالدوله دیلمی در کرمانشاهان قصری ساخت که امروز اثری از آن دیده نمیشود.

(۱) موسی خورن جغرافی دادن ارمنی گوید کلمه ماد در زمان ساسانیان مبدل بمای شد و در قرون اسلامی آنرا ماه گفتند مانند ماه نهاوند - ماه بصره - ماه کوفه و غیره و غیره



طاق بستان — طاق كوچك و بزرگ



در تاریخ کردستان شرف الدین هم نامی از کرمانشاهان نیست
 در دوره مغول این شهر دهی بیش نبوده در ابتدای قرن گذشته ناکهان
 یکی از بلاد معتبر ایران و کرسی ایالت کردستان شد محمد علی میرزای
 دولتشاه در آنجا آبادی بنا نهاده خصوصاً صاحب منصبان ملل خارجه
 بدان مکان آمدند و بتاسیس جباخانه و قورخانه پرداختند از این تاسیسات
 هم اثری بر جا نیست از جمله صاحب منصبان یکی را ولینسن (۱) است
 مشارالیه از علمائی است که در تاریخ و جغرافیای آن سامان تحقیقات
 وافیه کرده

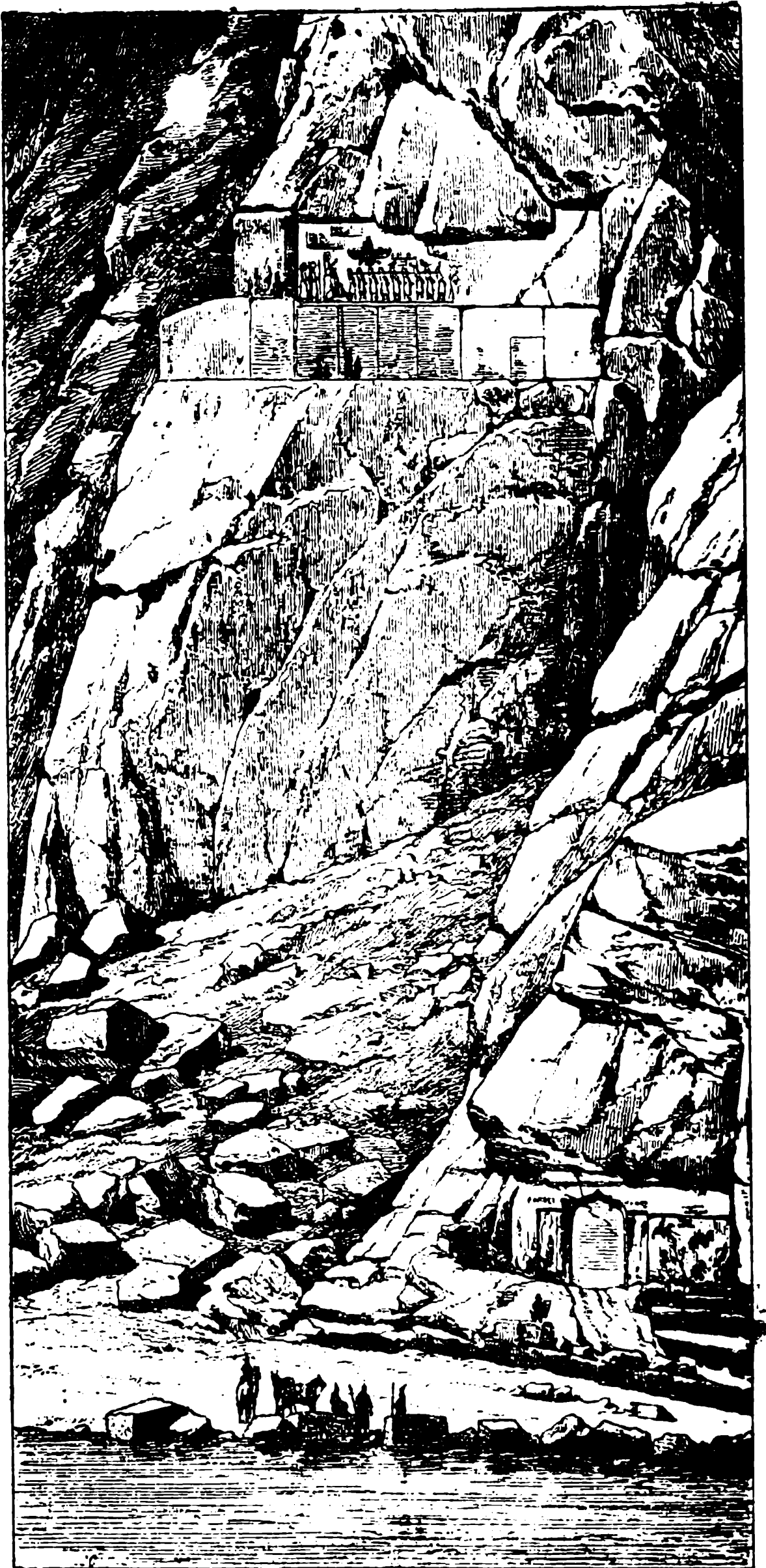
بیستون

بیستون یا اگر بخواهیم صحیح تر گفته باشیم بهستون که در زمان
 ایرانیان قدیم بگستانه یعنی جایگاه خدایان بود نام مکان معروفی است
 که داریوش اول شهریار هخامنشی کتبه معروف خود را که از وقایع
 عظمی زمان سلطنتش (۵۲۱ - ۴۸۵) حکایت نموده و ضمناً زبان ایرانیان
 قدیم را برای ما روشی میسازد در آنجا نقر نموده است.

مکان مزبور بر سر راهی که بغداد را بهمدان مربوط میسازد و در
 سی کیلو متری مشرق کرمانشاه واقع گردیده است در محل مزبور ورود

(۱) Sir Henry Ravlinson یکی از علمای معروف انگلستان است که

بغرب ایران هم سفر کرده منازل و معابر را یکی یکی دیده و تاریخی
 در این باب نوشته شاید قسمتی از مکانهائی را که خود نگارنده با عالم
 پیر مرد انگلیس Sir Aurel stein دیدم او مشاهده کرده است.



مجارى و کتبه یستون - فلاندن و گست

جاماسب و آب‌دنیور بیکدیگر ملحق شده جلگه های زیادی از اثر رسوب آنها آباد میگردد .

قله کوه پرو که در قسمت اعظم سال پوشیده از برف است بر این دشت پهناور مسلط بوده و کوه مزبور در جانب جنوب بر اشیبی سنگی مرتفعی منتهی میگردد، در پای این کوه چشمه های بسیاری وجود دارد که از زمانهای فراموش شده محل بار انداز لشکر ها و کاروانها بوده و در همین نقطه بالای سر چشمه ها در فرو رفتگی کوه و رو بآفتاب فرمان داریوش کبیر نقوش بر جسته و کتیبه هایی که یادگار فتوحات این شاهنشاه بوده و آنها را به نسل های آینده میفهماند نقر گردیده است .

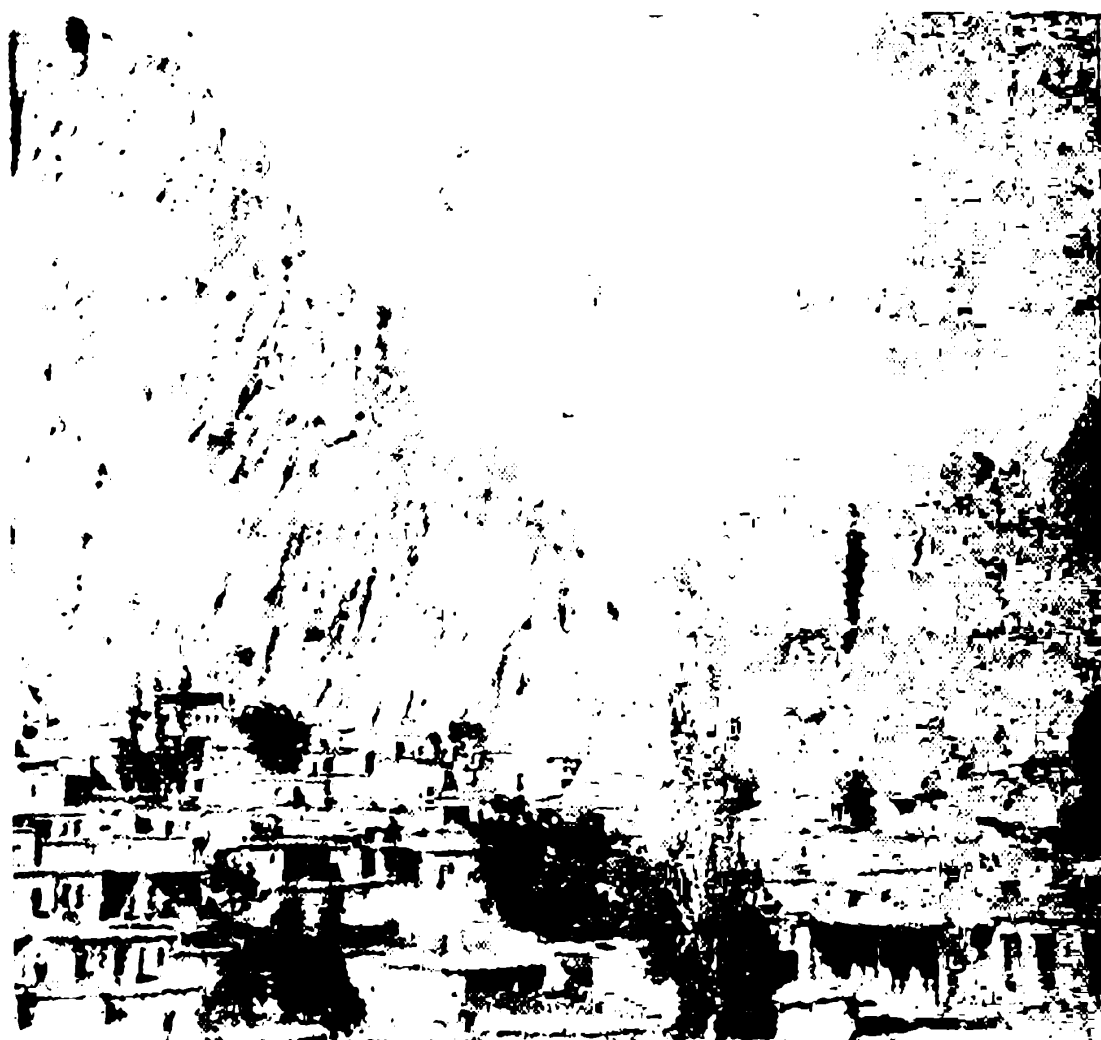
نقوش بر جسته متضمن وضعیتی است که درك آن سهل میباشد داریوش شاهنشاه ایران با قدر قاطعی بلند تر از کسانی که گرد وی ایستاده یا غیاب را که در ابتدای سلطنتش علم طغیان بر افراشته و اینك اطاعت و انقیاد وی را میکنند بحضور خود میپذیرد .

شاهنشاه تاجی بر دارد و پای خود را بر بدن اسمر دیس غاصب (گئوماته محبوس) نهاده است که بر زمین افتاده و دستهایش بطرف داریوش دراز و در حال تضرع و زاری میباشد .

شاهنشاه دست چپ را به کمانی تکیه داده و دست راست را بسوی تصویر اهورا مزدا دراز نموده است مقابل شاهنشاه ده شخص که با يك ریشمان بهم متصل شده و دستهایشان بسته شده ایستاده اند اسیر آخری که دارای کلاه نوک درازی میباشد بعداً باین لوحه حجاری اضافه شده است



طاق بستان - حجاری بیرون طاق



این اسیر سکونخا (رئیس طایفه سکا است)

اسرائیکه در این حجاری دیده میشود با يك لباس مجلس نبوده بلکه طرز و شکل لباس آنها با یکدیگر فرق کامل دارد لکن این اختلاف لباس بتنهائی نمیتواند وسیله شناسائی آنها واقع گردد و حتی مردمان آنوقت هم این اسیران را نمیشناختند - برای معرفی آنها بمردمان آن زمان و مردمان آینده نام و سرگشت هریک که از تقصیرشان حکایت می کند بر بالای سر یا زیر پا و یا بر روی لباسشان بر سنگ نقره گزیده است .

عقب پادشاه دو شخص دیده میشود و تصور میرود که این دو پاسبانانند چه یکی در دست کمانی و دیگری نیزه دارد .

در بالای سر شاهنشاه و اسرا مجسمه اهورامزدا نموده شده که داریوش شاه بیاری او بر باغیان غلبه نموده و طوق رقیب در گردن آنها انداخته است .

عرض صفحه این حجاری ۳/۳ متر و طولش ۶ متر است قامت داریوش شا ۱/۷ قامت پاسبان پاسبانها ۱/۴۵ و نه اسیر ۱/۱۵ و نیز سکونخا (سکا) از پاتا نوک کلاه ۱/۷۷ است

در پائین این حجاری بامر داریوش در سال ۱۳ سلطنتش شرح مفصلی از باغیگریها و جنگهای فاتحانه اش بر سنگ منقور نموده اند مجازات هائیکه بیایان تحمیل و تنظیما تیکه اتخاذ شده و ترتیبات کافی و اصول اداری را در سه زبان که معمول نویسندگان شاهی بوده بر سنگ حجاری کرده اند (پارسی باستان - بابلی - عیلامی .

متن پارسی باستان دارای ۱۶ سطر بخط میخی بوده و در پنج ستون نوشته شده است در نزدیکی این خطوط سه ستون دیگری بخط میخی بر سنگ منقور است که بزبان عیلامی و ترجمه چهار ستون اولی پارسی باستان میباشد. در بالای متن عیلامی و در سمت چپ حجاری‌ها ترجمه همان چهار ستون پارسی باستان بزبان و خط بابلی موجود می باشد.

در سمت راست کتیبه متن اضافی در چهار ستون بخط میخی موجود و شاید ترجمه کامل ستون پنجم فرس قدیم بوده است لیکن سنگ این قسمت بقدری در اثر رطوبت خراب شده و آسیب دیده است که از چهار ستون مزبور جز چند کلمه عیلامی چیز دیگر خوانده نمیشود اولین مورخیکه از بیستون اسم میبرد دیودور دوسیسیل است که در قرن اول مسیحی میزیسته است مشارالیه مینویسد که این کتیبه بامر ملکه سمیرامیس (۱) هنگامیکه از بابل بطرف اکباتان (همدان) میرفته احداث گردیده بر حسب عقیده این مورخ ملکه سمیرامیس خیمه و خرگاه خود را مدنی دریای کوه بیستون افراشته و باغی نیز در آنجا احداث نموده.

بنا بگفته‌ی حجاری داریوش مجسمه خود ملکه و ۱۲ شخصیکه بدور او ایستاده‌اند قسمتی از صد نیزه دارد اطراف ملکه میباشند و کتیبه بزبان سانسکریتی است و باز مورخ مزبور راجع بساختن این مکان اظهار عقیده کرده و گفته است که برای رسیدن بمحل حجاری بارها و همچنین های اسبان ارتش سمیرامیس را بروی هم نهاد و بالای آن رفته‌اند. دیودور گوید که اسکندر بزرگ هنگامیکه از شوش بهمدان میرفت

این محل را دیدن نمود

ابن حوقل جغرافی دان معروف عرب تصور کرده که این حجابها
آهوزگار را نشان میدهد که شلاقی در دست گرفته و شاگردان خود را
سرزنش میکند .

مابین مسافرین اروپائی که در نوشته های خویش از بیستون گفتگو
کرده اند اشخاص ذیل را ذکر میکنیم :

۱ - آمبروزیو بامبو از مجل مزبو تعریف و توصیف نسبتاً صحیحی

نموده است Ambrogio-Bambo

۲ - اتر Otter

۳ - الویه حجابهای آنرا ترمیم نموده است Olivier

۴ - گاردن Gardanne

۵ - کینیر Kinneir

۶ - کپل Keppel

۷ - کریورتر Kerporter

۸ - سر اورل استین Sir Aurel Stein

۹ - سر هنری رولن سن Sir Henry Rawlinson

این شخص اخیراً بنامان مورد ذکر دیو دور را با بیستون امروزه
تطبیق نموده و موفق بخواندن کتیبه شد و خواندن این کتیبه
کلید کشف خطوط مبخی گردید و اساس علم آسیرولوژی (آشورشناسی) را
تشکیل داد. این مطلب محقق بنظر میرسد که داریوش کبیر کمی
پس از بازگشت لشکرمان فاتحش از شورش و یاغیگری ثانوی بابل امر به
احداث نقوش و تصاویر و کتیبه های بیستون داده و با دقت هر چه تمامتر
یاغیان و مدعیانی را که مسبب انقلاب و اغتشاش در ایالات مختلف کشورش

شده بودند معرفی نموده است.

۱ - نخستین یاغی سلطنت وی گئومانه مجوس یا اسمردیس غاصب اول بوده و در این تصویر همان شخص اولی میباشد که در زیر پای شاهنشاه بزمین افتاده است.

۲ - آترینا Atrina اولین یاغی شوش.

۳ - نیدنتول Nidinte-Bol اولین یاغی بابل.

۴ - فراورتیش Fravartish اولین یاغی مد.

۵ - مارتیا Martiya دومین یاغی شوش.

۶ - ژیتران تاخما Citrantakhma مدعی ساکارت.

۷ - واهیاز زانا Vahyazâta اسمردیس غاصب ثانی.

۸ - آراخیا Arakhia دومین یاغی بابل.

۹ - فرادا Frâda یاغی مارژ Marge.

پس از مدتی داریوش امر بنویشتن کتیبه های الحاق برکوه که از اغتشاش سوی درشوش وقتی در مملکت سکاه گفتگو میکند و در همان موقع بامر داریوش بجای قسمتی از کتیبه عیلامی که در آن هنگام محوش نمودند تصویر سکونخا برگروه ایرای افزوده شد.

در قسمت آخر کتیبه اصلی داریوش شاه از شهریاران آینده سرزمین ایران خواهان است که بدرستی مطالبی که برکوه نوشته شده ایمان داشته باشند و آنها را بدینا معرفی کنند و حجاریها و کتیبه هارا نیکو پاس دارند و ذکر میکند که اگر اینکار را نکنند ثوابش از طرف اوزمزد عایدشان خواهد شد و گرنه مورد غضب وی قرار خواهند گرفت. اهورا مزدا را شاهد میگیرد که دروغ نگفته است و از جانشینانش تقاضا میکند از ۶ خاندان نجیب و محترمی که در منازعاتش بر علیه

اسمردیس عاصب باداریوش کمک نموده اند حمایت و پشتیبانی نماید .
 سالم ماندن و وضعیت بسیار خوب این کتیبه که تا بحال سلامت
 باقی مانده نتیجه اینست که برجای بلند و در نقطه پرتگاه کوه حجاری شده
 برای اینکه آنرا تا آنجا که ممکن است از خرابی عمدی مصون
 و محفوظ دارند داریوش تا این اندازه توجه و دقت نمود که امر به ازین
 بردن کلیه ناهمواریهای کوه که زیر کتیبه واقع شده بود داد و در
 نتیجه اینگونه احتیاطها مردم هیچگونه خرابی به آثار بیستون وارد
 نیاوردند لکن جریان آب باران و برف قسمتهائی از آنرا محو نموده است
 داریوش شاه تنها باین سنگ نوشته و حجاری که نماینده فتوحات
 و یادگاری اعمال و اکتشافات او بوده اکتفا ننموده بلکه بامراورونویس
 آنرا برای تمام ایلات و ولایات تابعه ایران فرستاده اند چنانکه بیکقطعه
 از متن بابلی این کتیبه در ۳۰ سال قبل در خرابه های بابل قدیم بتوسط
 دکتر گلدوی کشف گردیده است .

در زیر کتیبه داریوش تقریباً محاذی سطح جاده تصویری بامر
 کوروز اول پادشاه اشکانی احداث گردیده که پیادگار غلبه یافتن وی بر
 مهرداد پادشاه ارمنستان و کاسیوس سردار رومی حجاری شده است .
 این حجاری مشتمل بر کتیبه بزبان یونانی میباشد که تا بامروز آسیب
 زیاد بدان وارد گردیده و پادشاه سوار اسب نمایانده شده که نیزه ای در
 دست دارد و فرشته بالدار فتح و ظفر چون تاج بر بالای سرش قرار گرفته
 است . قسمت وسط این حجاری بتوسط بانی يك کاروانسرا که هوس

ایجاد لوحه و ذکر نام و اعمالش را در آن داشته در صد سال قبل خراب شده در چند صد متری مغرب کتیبه داریوش يك محل بزرگی را برای نوشتن کتیبه و حجاری در زمان قدیم آماده نموده بودند که اثری از حجاری و کتیبه در آن نیست و میرساند که فرصت نوشتن آن نشده است.

شخص نماشا چی در آنجا جز يك معدن سنگ وسیع که خورده سنگهای آن در جلو ریخته شده و تشکیل سکوی بسیار بلندی داده است چیزی نمی بیند و عملجات حفاریهای آثار باستان از این خورده ها برای خود کلبه هایی ساخته بوده اند که دیوارهای آنها هنوز پیداست در جلو توده خورده سنگها و بموازات پائین حجاری ها دیواری بوده که برای نگاهداری خاکها و سنگها و جلو گیری از ریزش آنها بکار خیزفته است.

کنگاور - که تلفظ صحیح آن کین نیوراست و موخین لائینی آنرا کنگوباز نوشته اند قصیه ایست که قسمت اعظم خانه هایش در خرابه های معبدالاهه اناهتیا ساخته شده که هنوز آثار آن نمایان است این دختر که در دین پیرانیان قدیم مقامی شبیه بمقام آفرودیت (رب النوع حسن) داشته هنوز نامش در اما کن مختلفه مثل کوه دختر - کتل دختر - سنک دختر - قلعه دختر - قصر دختر و غیره محفوظ است.

این بنای وسیع در عهد اشکانیان ساخته شده و مشتمل بر حرمی

در وسط و رواقی بسبك يونان در اطراف ميباشد و صد سال قبل گوست
 وفلاندين اجزاء ساختمان را توانسته اند بيانند و نقشه را ترسيم کنند معبد
 مذکور در روی تپه ای واقع که راه داروان ازبای آن ميگنشته و در
 زمان فتوحات عرب مامن دزدان و راهزنان شده و بهمين مناسبت
 قصر اللصوص نام يافته تقريباً تمام آن بنای قديم را خانه ها و کوچه های
 جديد فرا گرفته سکوئی که بنياد معبد در آن بوده و امروز قرارگاه یکی
 از محلات کنگاور شده ليکن در زاويه شمال غربی نزديک مسجد کوچک
 قصبه سالم ترين قسمت از معبد مزبور نایاب است و ميتوان دانست که
 ازاره رواق از مرمر سفيد بسيار زيبا بوده قطعاتی از ستونهای مرمر هنوز
 در آنجا باقی است که در دیوار خانه ها کار گذارده و عمارات جديد را
 با آن نگاه داشته اند سرستونها و زیر ستونهای معبد بر زمین افتاده سنگهای
 کوچکتر را اهالی شکسته و در بناهای جديد بکار برده اند .

صحنه - در کوه مجاور صحنه قبری از مادهات و آنرا از میان
 جاده نمیتوان دید و وصول بآنها خالی از اشکال بنظر نمیرسد این دخمه
 در سینه صاف کوهی بی دامنه عمودی شکلی با ارتفاع ۲۵ الی ۳۰ متر
 ساخته شده مدخل دخمه طاق نماي مستطیلی است که مثل دخمه سر
 پل نهاب از دو طرف دو ستون سنگی بشکل درگاه داشتند و اکنون
 جز قاعده آنها دیده نمیشود (۱) داخل دخمه دو طبقه است طبقه اول

۱ - چنانکه گذشت در شهر ویران ناحیه اندرگش (اقریقاش) هم قبری
 است از ماد این قبر در سینه صاف کوهی واقع شده که راه وصولش ممکن
 نیست داخل آن دخمه تقريباً طالار کوچکی است که چهار ستون از سنگ
 تراشیده اند بفرینه دو در جلو و دو دیگر در عقب و داخل دخمه در وسط

از دو سمت مدخلش دوقبر بطول ۲۱۰ و عرض ۸۵ ر۰ کر ساخته شده و مخرجی دارد که بغاری بزرگتر میرود.

سرپل زهاب - سرپل زهاب در محل قصبه قدیمی واقع است که آشوریان آنرا کالمانو و عرب حلوان میگفتند (الوان - الوند) پلی بر روی حلوان ساخته اند قریه مزبور متعلق ببلوک زهاب است که خرابه شهر قدیم آن موسوم بشهر زهاب تا سرپل چهار ساعت راه فاصله دارد.

در دو ساحل رود الوند مخصوصاً ساحل بسیار اطلالی است که کاملاً آثار ساسانی را می توان در آنها تشخیص داد البته در زیر آنها یادگاری از تمدن قدیمتر است توان آورد.

قصبه سرپل مشرف بر جاده و تنگه ایست که بگردنه معروف باطاق منتهی میگردد و از زمانهای بسیار قدیم مسکون بوده است چنان که نقوش کوه نزدیک قصبه حکایت میکند.

یکی از آن نقوش یادگار عهد اشکانیان و بنام اردوان است و در نقوش دیگر از آثار ۲۸۰۰ سال قبل از میلاد و یکی از آنها مخصوصاً جلب توجه است زیرا که پادشاه سامی نژاد آنوبانی نی را نشان میدهد که پای چپ را روی پیکر اسیری که افتاده است نهاده و از الاله آنی نلجو اسیر دیگر را میگیرد که یکی از آنها بازنجیری مهار شده است در زیر این تصویر صورت شش اسیر دیگر منقور است که یکی از

دوقبر است و آخر این طالار حوضی است که بتوسط سوراخی از سرکوه دارد در زمستان پر میشود این قبور را رولن سن و کرپورتور قریباً در یکصد سال قبل دیده اند.

آنها پادشاه است این نقش از جاده هم دیده میشود از سطح دشت سی گر ارتفاع دارد و در محلی است که کوه موسوم است بهزار جریب فرجه باقیه ورود الوند از شکاف آن میکنند.

در نیم فرسنگی جنوب شرقی سرپل در سینه کوه دخمه از آثار ماد دیده میشود که بعضی از اهالی اطراف آنرا زیارت گاه قرار داده و دکان داود میخوانند^۱.

طاق گرا - پس از گذشتن از سرپل زهاب راه قدری سرالائی صعبی که در کتب آنرا دروازه زاگرس نوشته اند و بگردنه باطمان میرسد منتهی میشود راه های قدیمی عهد ساسانیان و دوره اسلام و راه جدید در اغلب مکانها بایکدیگر منطبق است در کنار راه بنای کوچکی شبیه بقار از آثار ساسانیان دیده میشود که آنرا طاق گرا نام نهاده اند در مدخل آن طاق نمائی شبیه بکاهواره زده و دنباله اش مثل دالانی در کوه بنا کرده اند ولی این دالان در کوه حفر نگشته و با قطعه سنگهای بزرگ ساخته شده است نه در خود بنا و نه در کتب و اسناد تاریخی اشاره دیده نمیشود که فایده این طاق چه بوده هر کس حدسی زده بنا بر قول **هوارا (۳)** بنائی است که بیادگار انجام یافتن راه ساخته اند **فلاندین (۳)** و چند نفر دیگر آنرا توفکاه موکب پادشاه دانسته اند لیکن گویا این نظر ترجیح دارد که طاق گرا علامت سرحدی ایالت ماد از ایالات اشکانیان بوده که در این نقطه برای بزرگ منتهی میگشته است.

قصر شیرین - ویرانه قصور وسیعی که بنام شیرین محبوبه خسرو پرویز ساسانی موسوم و در جوار شهر جدید کنونی واقع گردیده

۱- از آثار ماد در جلوتر صحبتی بمیان آمد ۲- Huart - ۳ Flandin

است از عهد باستان تا حال مشرف بر شاهراه بزرگی است که اراضی مرتفعه ایران را بدشت بین النهرین متصل میکند.

در پیرامون قصری که امروز توده‌ای از سنگ سوخته و دیوار فروربخته بیش نیست در عهد خسرو باغی بمساحت يك مليون و ۴۰۰ هزار گر مربع با باغچه های فرح انگیز و كوشك های دلپذیر و حوض های جاری و مکانهای خاص برای نگهداری حیوانات « با اصطلاح امروزی باغ وحش » وجود داشته است که بنا بر روایت مورخین عرب و ایرانی حیوانات کمیاب در آن با کمال آزادی میزیسته اند آب بسیار از رودخانه الوند در جدول مرتفع که حصار قصر هم محسوب میشد باین باغ وارد میگشت قصری که منزل خسرو بود و امروز هم آثار آنرا عمارت خسروی میخوانند در وسط این باغ فردوس آئین قنبر افراشته بود این بنای عظیم شرقی و غربی است که هنوز هم طرح و شالوده آن پیدا و طاق و طالارها و ستونهای بزرگ آن که در پشت مصطبه ای بلند و رفیع جای داشتند نمایان است قصر كوچك در جانب غربی این عمارت یعنی در گوشه جنوبی باغ بوده است که خرابه طالار آن بزرگترین و نمایان ترین آثار این مکان محسوب میگردد این قصر ظاهراً بارگاه سلطنتی بوده است

در خارج حصار آثار قلعه مستطیلی با برجهای گرد و خندق بنظر میرسد که سربازخانه قراولان شاهی بوده است

مجموع این مجموعه که بقول باقوت از عجائب عالم محسوب میشد بعد از قتل خسرو پرویز بیش از ده سال بر پای نماند زیرا که از حمله مسلمین دولت ساسانیان بهم برآمد و از این تاریخ گویا دیگر کسی در قصور قصر شیرین مسکن نگزید و چون بعلت بی صبری پادشاه در بنای این عمارت دقت و وقت کافی صرف نشده بود بزودی رو بخرابی نهاد.

آثار دیگر از همین دوره در سمت شمال قصر شیرین موجود است که کرد های ساکن آن نواحی آن را حوش کری میخوانند که بمعنای خانه کره اسبان است و مدعی اند که علائم اصطبل خسرو را در آن میبایند لیکن فی الحقیقه و یرانه قصری است که اقامتگاه پادشاه یا یکی از سرداران و بزرگان بوده است.

آثار باغها و ابنیه كوچك و منظمات و ملحقات دیگر بر این قول گواه است

طاق بستان

در نزدیکی شهر کرمانشاه و امتداد کوه پر و آثاری از ابنیه سلطنتی قدیم و چندین غار مشهور با حجاری و نقوش دیده میشود که معمولا آنرا طاق بستان و یا وسطام و یا بسطام نوشته اند در این مکان چشمه های فراوان موجود است که از اشکفتها و سوراخهای سنگ خارج میشود و از این آب فراوان صاف تمام مزارع آن اطراف آبیاری میگردد در چهل سال قبل برای استفاده زراعتی در جلوی این مکان استخری ساخته بودند که بمرور ایام خراب شده است بر سر چشمه آب صافی که از زیر کوه جاری است يك منزل قشنگ تابستانی بنا شده که از باد خنك کوه نهویه و از قدیم الایام موقعیتی بسزا داشته است

خرابه هائیکه امروز مشاهده میکنیم يك قسمت بسیار ناچیزی از آباد اینهای قدیم آن بوده و در تمام این جلکه اکنون نلهای زیادی مشاهده میشود که یادگار تمدن و عمران در ایام سلبق بوده است در موقع ساختمان استخر قطعات مصور و دو سر ستون بدست آمده که بعضی از

علماء عتیقه شناس اشتباها تصور کرده اند که از تخت جمشید بدانمکان آورده اند زیرا طاق بستان را ندیده بودند این سر ستونها از مرمر سفید کوه مجاور طاق بستان بوده اطراف آنرا نقوش زیادی از گد و اشکال انسان تزئین میداد

در باب وضعیت و چگونگی نصب آنها در ابنیه طاق بستان هیچگونه اطلاعی نمیتوان اظهار نمود با ملاحظه حجاریهای آنها دیده میشود که تا چه اندازه آثار یونانی و رومی بر آنها محسوس بوده در عین حال اسلوب سر ستونهای رومی و بیزانس و مصری در آنها مشهور میگردد

در دوره ساسانیان صنعت در ایران روش خاص و اسلوب مشخص نداشته است از فتح اسکندر بعد ایران آنچه را که از ممالك ییگانه بدان آورده بودند پذیرفته و با ترکیب نمودنش با ذوق و قریحه مخصوص این کشور صنعت مخصوص دوره ساسانیان را بوجود آورده است

آثار طاق بستان از سه قسمت علیحده تشکیل میشوند دو طاق تردیک هم در کوه کنده شده و در نزدیکی این دو طاق نقش برجسته در سنگ جلوه گری میکند نقش برجسته مزبور سه نفر را مینمایاند که دو نفر شان بر روی اسیری که بر زمین افتاده است ایستاده اند و هیچ کتیه معلوم نمیسازد بامر کدام پادشاه حجاری مزبور احداث گردیده است چگونگی اشخاص و لباس و شکل و شباهت و طرز حجاری کاملاً شبیه با آثار ایران در زمان ساسانیان میباشد چنانکه در نقش رستم - فیروز آباد و غیره نمودار و مخصوصاً بر روی سکه های پادشاهان اولیه این سلسله آشکار است

طاق كوچك در صورتيكه ظرافت را بجد كمال نرسانيده داجسب و با اهميت تر از اطاق بزرگ است چه دو كتيبه بخط پهلوي كه در سمت راست و چپ قرار گرفته اسامي اشخاص حجاري شده را ذكر ميكند حائز اهميت ميباشد در نه طاق دريك قسمت نيم دايره روبرو دو شخص ديده ميشود از جانب راست و چپ بروي ديوار دو كتيبه بزبان پهلوي نقر گردیده كه دمركان از آنها قالب گيري نموده وتلفظ و ترجمه آنها را در كتاب خود موسوم به « هيئت علمي اعزامي بايران » در قسمت مربوط به تحقيقات آثار باستان ارائه داده است و با حروف كچي در موزه كيمه پاریس بيادگار اين طاق گذاشته است كتيبه سمت راست قبلا بتوسط كنيش معروف به آبه بوشان از ايران باروفا برده شد و در سنه ۱۷۹۲ آنرا خواند و منتشر كرد كتيبه سمت چپ نيز بهمان طرز مذکور در فوق خوانده و ترجمه و منتشر شد ولي بعضي اشتباهات در آن نمودار بود و اين اشتباه از طرف آبه بوشان ناشي شد چه او در موقع گزته برداري اشتياها بجای كلمه شاپور بهرام ذكر ميكند دمركان با دقت خود اين كتيبه را مقابله و تصحيح نموده است

دو كتيبه سمت راست و چپ طاق كوچك در ذيل نوشته شده و ترجمه ميشود.

تابلوي سمت راست نه سطري و تابلوي سمت چپ ۱۳ سطري بدین ترتيب است.

سمت چپ	سمت راست
سطر اول - پانیکاری	سطر اول - پانیکاری ایزنامن
سطر دوم - ایزنامن مزدیسن	سطر دوم - مردیسن وهیا
سطر سوم وهیا	سطر سوم شاه پوری ملکا
سطر چهارم - شاه پوری	سطر چهارم - ملکان ایران و انیران
سطر پنجم - ملکان ملکا	سطر پنجم - مینوچتری یزدان برمان مردیسن
سطر ششم - ایران و انیران	سطر ششم - وهیا اورمزدی ملکان
سطر هفتم - ملکان ایران و انیران	سطر هفتم - مینوچتری من یزدان
سطر هشتم - مینوچتری من یزدان نه بی وهیا سطر هشتم - برمان	
سطر نهم - نرسی ملکان ملکا	سطر نهم - شاه پوری ملکان
سطر دهم - ملکا ایران و انیران	
سطر یازدهم - مینوچتری من یزدان	
سطر دوازدهم - وهیا اورا مزدی	
سطر سیزدهم - ملکان ملکا	

که ترجمه آن چنین میشود

این بیکر خدا پرست خوب شاه پور شاه شاهان ایران و غیر ایرانی
 نژاد آسمانی از طرف خدا پسر خدا پرست خوب هر مز شاه شاهان
 ایران و غیر ایران نژاد آسمانی از طرف خدا نوه خوب نرسی
 شاه شاهان

این بیکر خدا پرست خوب شاه پور شاه شاهان ایران و غیر ایران

نژاد آسمانی از طرف خدا پرست پسر خدا پرست خوب شاه پور شاه
شاهان ایران و غیر ایران نژاد آسمانی

این بنا شاپور دوم پسر هرمز دوم (۳۷۰-۳۰۹ میلادی و
پسرش شاپور سوم (۳۸۸-۳۸۳) را مینمایاند - طاق مزبور پس از
مرگ شاپور دوم در زمان سلطنت پسرش (احداث گردید - در روی حجاری
ملاحظه میگردد که دو پادشاه روبروی یکدیگر ایستاده و بر شمشیر خود
تکیه کرده اند بالای سر آنها تاجی میباشد که قرص خورشید هم در بالای
آن تاج قرار گرفته است

طاق بزرگ از حیث حجاری و صنایع و البسه و فنون از طاق
کوچک عالینر و مجلل ولی خالی از هر گونه خط و کتیبه میباشد
در نه طاق خسرو پرویز (۶۲۸-۵۹۱) سوار اسب مسلح با
کلاه خود و نیزه و سپر دیده میشود دقت در تراش سنگ عموماً مزایا
و جزئیات اسلحه را در خسرو بخوبی نمایان میسازد در بالای کلاه خودش
دکمه از جواهر نصب شده و در طرفین کلاه رشته های مروارید آویزان
است صورت این مرد جنگی را زره پوشانیده و فقط دو چشم آن نمایان
است شمشیری که در پهلوی راست این سر دار بسته شده بسیار عریض و
طویل و بشمشیر های دولا به شباهت دارد دسته شمشیر دارای حلقه مربع
و باریک بوده و تکه آن بشکل مخروط یا هرم میباشد دارای انتهای
فلزی که از تکه زینت بافته است در زیر گردنه شمشیر کلی
است که شمشیر بوسیله آن بکمر بند آویخته بوده است سلاح مزبور
ثروت زیادی پیوسته بود و حجاریش قدری جزئیات آنرا می نمایاند که
ساختن مانند آن بسیار سهل قبضه دسته آن از جواهرات ظریف

تزیین یافته و حلقه اش از قرا معلوم در وسط دارای جواهری بوده است که دو فیروزه در پهلوی آن قرار گرفته اطراف آنها دانه های مروارید ریز و ظریف احاطه کرده بود است بر روی جلد شمشیر باسانی دیده میشود که خطی از احجار رنگا رنگ و دانه نشانهای فیروزه در وسط آن قرار داشته و دوردیف مروارید در کنار آن جای گرفته بوده اند این سلاح شاهی که تماماً از طلا بوده است بواسطه شکل عمومی و تزییناتش شمشیرهای روم شرقی را بخاطر میآورد شمشیر مزبور با اسلحه هائیکه در دوره کارلو لژنیا در فرانسه استعمال میشده اند شباهت دارد و بطور یقین تمایلات صندتی ایران در عهد ساسانی بر آن هویداست در راست و چپ این احاطه بزرگ دو حجاری مفصل عالی و مهم جلوه میکنند که میتوان با مطالعه کامل شکل و شباهت البسه و طرز لباس پوشی و پارچه های آن ایام را به خوبی دریافت .

حجاری سمت راست که کمی ناقص مانده يك تيجير پادشاه و و هنکار گاه آهو را نشان میدهد شاهنشاه در وسط سوار اسب و شخصی در عقبش چتری بدمت گرفته او را سایبان میکند و در سمت چپ شاه منزله سبز گاش دیده میشوند و در سمت راست تختی است که خرم سلطنتی بر فراز آن قرار گرفته به منظره که از نظر شاه میکند ناظرند گله آهوان از مقابل سیاهانیکه بطور چهار نعل با تیرو کمان در تعاقبشان هستند در حال فرارند پادشاه که از سایرین بزرگتر نموده شده در راس سواران جای گرفته است در قسمت چپ درختان و اشتران و شتر بانان و در جانب راست فیلان مجسم گردیده اند اشتران و فیلان مزبور از قرا معلوم حامل

ینه سلطنتی میباشند در سمت چپ در بانلاق شکار گاه گراز دیده میشود در وسط شاهنشاه سوار قایقی است پارو زنها آنرا جلو میبرند شاهنشاه دو گراز از پا در آورده که وسط بانلاق افتاده اند شخص دیگری که قامتش او را برجسته و با اهمیت معرفی میکند در قایقی شبیه بقایق شاه سوار و نیرو کمانی بدست گرفته و بشکار مینگردد متعاقب هر يك از این قایقها قایقی دیگری است مملو از خنیاگران برهنه پا بالباس قسمت بالای تابلوی گروهی گراز را در حین فرار نشان میدهد قسمت پائین و چپ این صفحه پر از فیل سواران است در زاویه سمت راست نوکرها تهیه غذا از گوشت شکار میکند که در این دولوحه حجاری شده مردم حجاریهای سرستونها مجلس به بیرانهای کوتاه تا سر زانو هستند جالب توجه ترین پارچه ها پارچه است که جامه شاه از آن ترکیب یافته و بر پیکر بزرگس در ته بنا نمودار است پارچه مزبور از اژدها های بالداري تزئین یافته که اطرافش را ناجی فرار گرفته و گلهای ظریفی فضای خالی دور آنرا احاطه کرده است حجاری مفصل و دقیق را در حال برجسته گی یکی یکی نشان میدهد و با مطالعه کامل شخص تصور میکند که این حجاری سنگ نبوده و پارچه در نظرش جلوه مینماید نمیتوان حدس زد که بچه وسائلی تهیه این البسه را می نمودند و می یافتند که طرح وشالوده آنر در سنگ حجاری کرده اند ولی اگر در کار نساجی رومی دقیق شویم میبینیم که برودریهای مسطح قسطنطنیه و مصر بسبك اصلی و برجستگی خوش نموده شده اند در بعضی از حجاریها آثار صنعت مخصوص سامانیان دیده میشود که در آثار آن درره مشاهده کرده ایم اما نمیتوان گفت کاملاً ریشه

حاشیه این پارچه‌ها ازچه رنگی بوده معلوم نیست و حتی فرضی نیز نمیتوان
در این باب نمود. هلال طاق بزرگ بسیار مزین در هر طرف آن جرز
هائی که در بالای آن حاشیه هائی از گیاههای خیالی حجاری شده نمودار
میباشد سقف و حاشیه مرکب از برگهائیکه تشکیل تاج را میدهند
احاطه شده است بر فراز طاق هلالی بر روی دو نوار قرار گرفته و
انتهای نوارها بسوی قسمت بالای پایه های طاق روان میگردد.

دو فرشته در بالای طاق بزرگ روبروی یکدیگر حجاری کرده اند
که بهم تاجی تقدیم میکنند این نمونه غالباً در آثار و مسکوکات زمان
پارت و ساسانی و همچنین در مجسمه های اواخر امپراطوری روم و
یونان غالباً دیده شده اطراف طاق بزرگ و سرستونهای را برگهای و
و گلهائی شبیه بگل لاله احاطه کرده است.

نظر کلی باین آثار صنعت طاق بستان ذو جنبتهین است باین معنی
که با دو اصل مختلف حجاری شده و دو شیوه متفاوت حجاری در
این مکان موجود و دو طرز معماری را جلوه میدهد.

مثلاً مجسمه شاهنشاه خسرو پرویز در نهایت ظرافت ولی گلهای
برگها کمی ظرافت نداشته و بمنظره این بنای عالی صدمه و ضرر میرساند
طاق بستان چنانکه قبلاً بدان اشاره شد تنها همین دو مکان خصوصی
نبوده بلکه در اطراف دارای باغهای مصف، عمارات عالی مجلل و خیابانهای
دلگشا و انهار جاری و حوضهای پر آب بوده است.

چشمه بزرگی که اکنون هم از زیر کوه بیرون میجهد تمام این باغها را
خرم میساخته و علت اصلی ایجاد عمارات و سایر تاسیسات وجود چشمه
مزبور است و هنوز اطراف و جوانب این آثار نشانه های حتی

ساختمان دیده میشود گذشته از بنا خود این دو طاق شاید کمی بیشتر بوده مثلاً طاق بزرگ بمدخل يك طاق افقی شباهت دارد در بالای این طاق هنوز پله کانی دیده میشود که شخص میتواند بآسانی بالای کوه مجاور برود

همانطور که تجدید ساختمان ابنیه طاق بستان در وصف جامع و کاملش غیر میسر است همانقسم اظهار قطعی این نکته که این طاقها برای چه استفاده احداث گردیده بوده اند نیز غیر میسر میباشد بایستی آنها را از نقطه نظر سندی و اطلاعاتیکه در درجه اول اهمیت بوده وبجهت مطالعه تمدن ایران در زمان ساسانیان مورد استفاده کامل است طرف توجه ودقت کامل شایان قرار دهیم

لرستان

لرستان - (پشکوه - پیشکوه) - منطقه ایست که از زمان بسیار قدیم مهد تمدن و مرکز آبادی و عمران بوده است وجود رود خانه سیمره تمام اراضی لرستان را حاصل خیز نمود، و البته اقوام قدیم در مساکنی زندگانی میکردند که دارای آب فراوان و زمین حاصل خیز بود و این نعمت مجتمعاً در لرستان جمع است

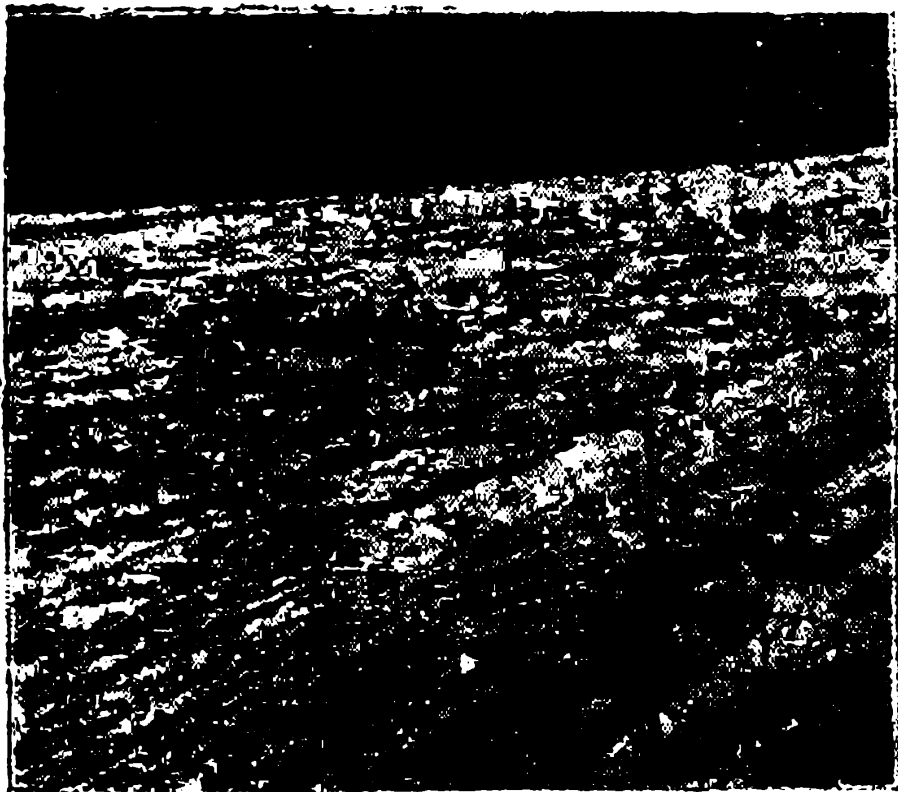
گذشته از تپه های قبل از تاریخ (۱) که در لرستان بسیار مشاهده شد (۲) قبور زیادی نیز هویدا بود که بعضی بتوسط اقوام کاکاوند در چندی قبل حفاری شده و بعضی نیز بتوسط میسیون های اروپائی مانند درمرگان کنتنو- کریشمان و برخی بتوسط خود ماحفاری شد کاوش در این تپه ها و قبرها نشان داد که وقتی لرستان مرکز تمدن معتبری بود که اکنون اثری از آن نمایان نیست شایان ذکر است که لرستان پشکوه از پیشکوه بتوسط کبیر کوه مجزا بوده و در دامنه و اشکفتهای کبیر کوه از پائین یعنی از صالح آباد بیلا تا هرسین و هلیلان آبادی و عماراتی از دوره ساسانیان دیده میشود که نیمه ریخته و نیمه بجا اکنون باقی است ما این آثار بتفصیل صحبت خواهیم داشت ترتیب ذیل - تنک و بژان در - تنک بهرام چوبینک - تنک خرابه های دره شهر - تنک سبکان - تنک خرابه

۱- Préhistorique

۲- از تپه های قبل از تاریخ عموم صفحات غرب و حفاری از آن مکانها در رساله کوچکی مفصلاً صحبت خواهیم داشت



مسجد جامع بروجرد



منظره رودخانه سیره

های شیروان .

لازم است که هم از اشیاء مفرغی و برتر لرستان که بیشتر اهمیت لرستان بتوسط این اشیاء است و قومی که این اشیاء را استعمال میکردند صحبت بداریم.

اشیاء برتر لرستان اعم از مجسمه ها و جفته (۱) و و کار دو سنجاق و گاو و سرگز که عموماً مفرغی هستند مربوط بتمدن واحدی میباشد تمدن مزبور متعلق با اقوام کاسیت بوده که تقریباً چهار هزار سال قبل در کوهستانهای لرستان ظاهر شد و تا دوره هخامنشی توسعه یافت

کاسیتها ملتی آریائی و با احتمال قوی قومی آریین بوده اند که از جانب قفقاز بمعیت مهاجمین مختلف دیگر پیش از هجوم اقوام مدو پارس بایران رو آورده و در کوهستانهای طالش نزدیک دربای خزر ماندند و در این محل قوم مزبور بخوبی فلزات آشنائی پیدا کرده و بعد در اثر فشار مهاجمین جدیدی بطرف جنوب رانده شدند در ضمن حرکت در امتداد کوههای زاگرس به عیلامیها بر خورد نموده مجبور بسازگشت گردیدند و در کوهستان کنار کشور شوش اقامت گزیدند . چون خاک حاصلخیز خوزستان بخوبی اداره شده بود و نفوذ کاسیتها بدان روز و بوم ممکن نبود اقوام مزبور بطرف مغرب رو آورده متوجه بابل که شوش کمتر نبوده گردیدند .

این قضایا در زمان سامسوایلوناپسر هامورابی که از ۲۰۸۰ تا ۲۰۴۳ قبل ز میلاد سلطنت مینمود واقع شد .

۱ - جفته عبارت است از دو گاو برتری که از وسط بتوسط میله

به هم متصل میشده و وسط میله زیر سر مرده بوده است .

قوم هزبور را از جانب بابل نیز بعقب راندند لیکن ایشان از مقصود خویش دمت بر نداشتند و چون عدم موفقیت خود را نتیجه ضعف سلاح خصوصاً اینکه فاقد تبر و گرز بود میدانستند لذا برفع این نقیصه مصمم شدند چنانکه در قبرهای ایشان اسلحه های زیادی از شوش و اسلحه های دیگری که عین آنها ساخته شده کشف میگردد.

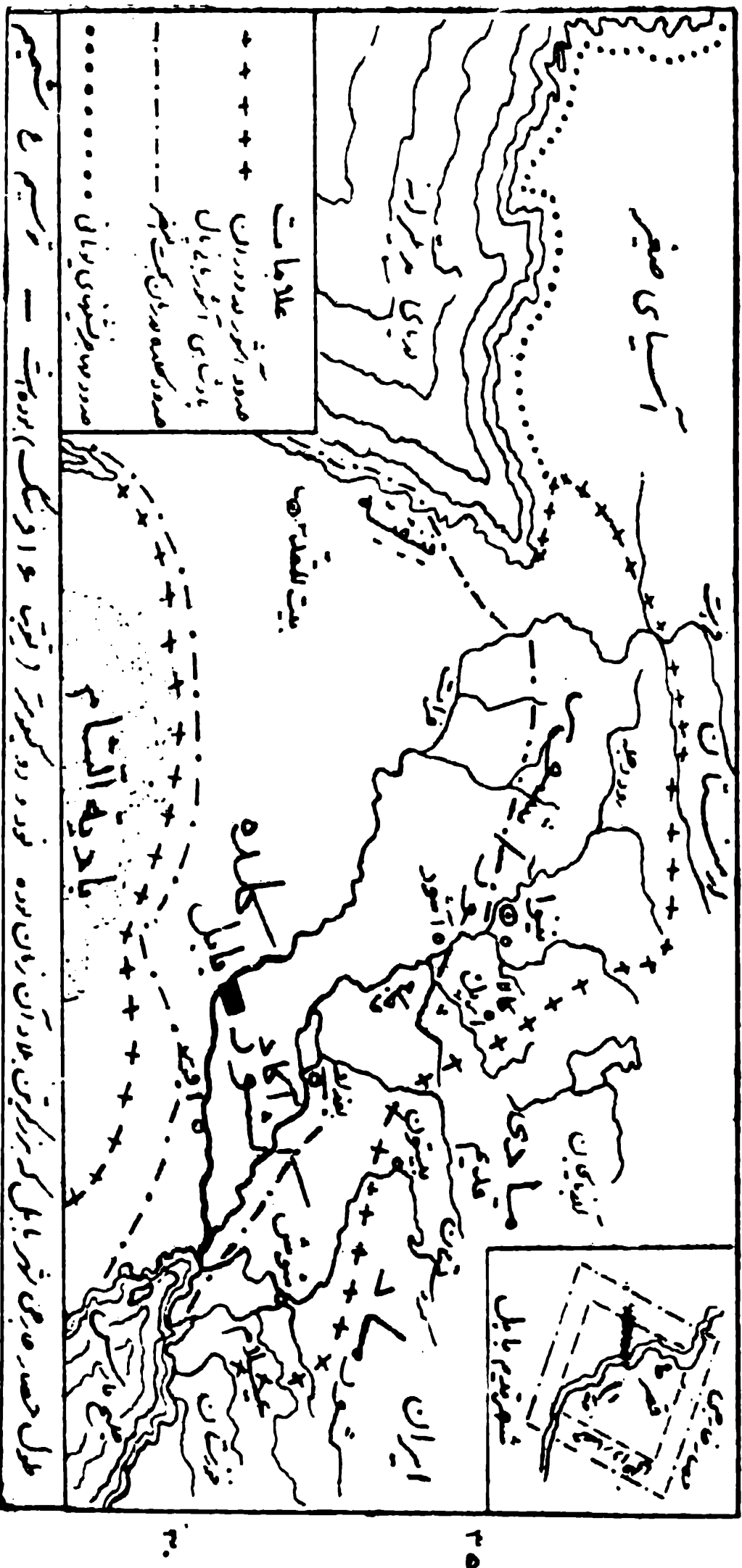
کاسیت ها در سه قرن بعد از آخرین شکست خود بهتر از بابلها مسلح شده موقع مساعدی را غنیمت شمرده حمله جدیدی ببابل نمودند و قدرت را از دست بابلها گرفته سلسله بابلی کاسیتی تشکیل دادند که در شش قرن از ۱۷۶۱ - ۱۱۸۵ پیش از میلاد دوام داشت.

سی و شش شهریار کاسیت بر بابل حکمروائی نمودند در طول این دوره ممتد ۵۷۶ سال کاسیت ها متمدن زبن ملل آنعهد یعنی علامیها بابلیها - مصریها - سامیها - هیت ها و درات جوان آشوری دارای روابط صالح جویانه و جنگ آمیز بودند.

این قوم بدون اینکه میهن کوهستانی خویش را ترك یافراوش کنند با عنصر بومی بابلی مخلوط گردیدند بر آنجا حکومت نمودند استفاده از اسب که قبل از ورودشان ببابل در این جلگه کسی نداشت در آنجا معمول شده به ساکنینش آموختند در مقابل نیز چیزهایی از بر خورد و تماسشان با بابلیها یاد گرفتند خط بابلی را پذیرفتند و عادات و اخلاقی نیز از بابلیها فرا گرفته که با خویش بلرستان بردند امروز از محتویات قبورشان بر مارو شن میگردد

کاسیت ها از بازگشت بکوهستانهای موطن اصلی خویش عهده دار موقعیت سیاسی مهمی نبودند لیکن از نظر هم محو نشدند در نوشته های

فصل تاریخی کتو ده های کله و آش و قیدم



آشوری کاسیت ها کاشهو خطاب کرده و از بر خوردی که قدرت سلاطین آشوری با ایشان پیدا مینمودند سخن رانده است و مورخین یونانی غالباً باین صحرا نشین های رزم آور که بواسطه ارزش جنگجوییشان مشهور بوده اند اشاره مینماید .

استرابین (۱) جغرافی دان معروف از کاسیت ها گفتگو کرده و ذکر مینماید که این قوم برای کمک به همسایگان شان جهت مدافعه در مقابل شوشی ها و بابلیها ۱۳۰۰۰ تیر انداز به اختیار ایشان گذاردند .

اسکندر بزرگ بیهانه این که هرگز اطاعتش را نمیکردند با این قوم جنگ کرد .

تمدن کاسیتها تمدن قومی است که از تربیت اسب زندگی کرده و بدرت رسیده اند لرستان کاسیت ابتدا برای ساکنین بین النهرین سفلی که جز الاغ حیوان دیگری سراغ نداشتند اسب دید و بهمین مناسبت اهالی بین النهرین سفلی باسب نام خرکوهستانی دادند .

هنگامیکه قافله هائی از لرستان بجانب مصر آمد و شد نمودند (بر طبق آنچه از اسناد زمان تسلط کاسیتها بر بابل استنباط میگردد) ثروت بدره های مرتفع آن ابلات رو آور شد و این ثروت در موقعیکه آشوریها بوسیله اسبان کاسیت عرابه رانی و سواران متعددی ترتیب دادند افزونی و توسعه پیدا کرد این آبادانی و ثروت که مفرغهای زمین لرستان بسط آن را اثبات و نائید میکند تا دوره پارسی ها ادامه داشت .

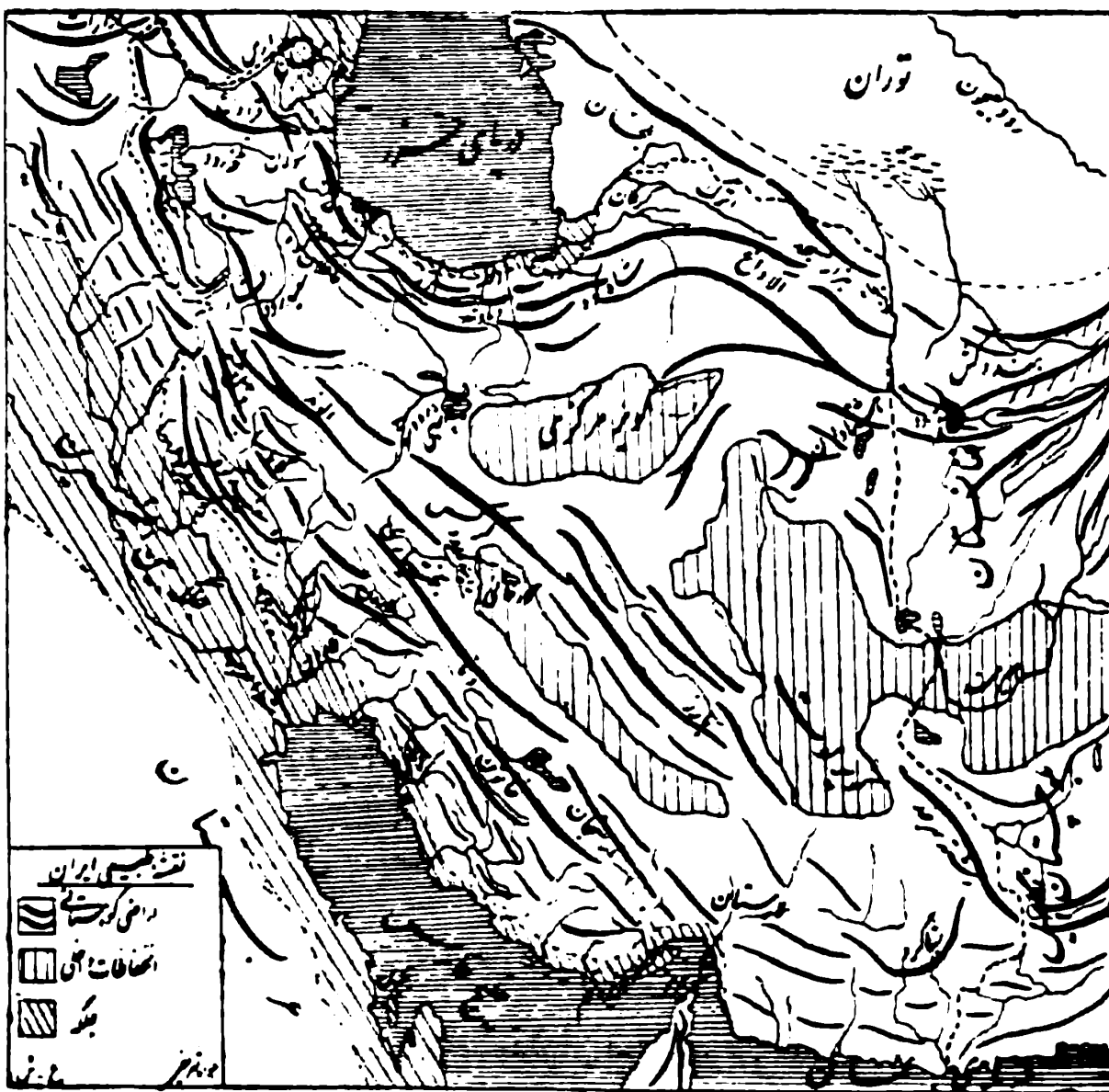
استرابین متذکر میگردد که در زمان هخامنشیها ۵۰۰۰ مادیان

در دره های لرستان میچریدند .

صنعت کاسیت هنگامی که خاك طالش را ترك گفته بجانب عیلام
 رهسپار گردیدند جز سلاح و اشیاء بسیار ساده چیزی با خود
 نداشتند لیکن چون ناچار گاه گاهی اتفاق می افتد که قومی بدوی بر
 ملتی متمدن سلطه و اقتدار پیدا میکند بدین ترتیب وقتی کوه نشینهای
 خشن زاگرس بر بابل دست یافتند صاحب اختیار آنجا شدند یکمرتبه نه
 فقط آداب و اخلاق و حتی خط بابلی را اقتباس نمودند بلکه تمام
 مواد و اجناس و ترکیبات صنعتی مورد استفاده تمدنهایی را که با ایشان
 ارتباط یافته بود نیز اخذ کردند ترئینانشان که تا آنوقت منحصر باشکال
 هندسی بود تبدیل بسبك بین النهرین گردید.

پیروی سبك بین النهرین بقدری کامل شد که صنعت کاران لرستان
 از آن بیعد مثل این بود که صنعتگران بین النهرین شده اند با وجود این
 در اواخر دوره بابلی صنعت کاسیت مهاجمین تازه که از جانب شمال
 و از طریق قفقاز روآور شده آهمن در دست داشته و دارای صنعت مخصوص
 بخود بودند و از حیث مس نیز ثروت مند بشمار میرفتند در قسمت
 ماوراء قفقاز سکنی اختیار کردند و کاسیت ها روابط تجارنی خود
 را با این قوم هیچ وقت قطع نمودند در نتیجه در آن دوره آثار
 نوینی از صنایع ساکنین نواحی شمالی در صنعت لرستان بظهور
 پیوست این نفوذ صنعت بابل چندان مستقیم نبوده و در بدو امر بر روی
 اشیاء تجملی ظاهر گردید.

هنگامیکه اقوام کاسیت بطور قطع بکوهستانهای خود باز گشت
 کردند برتری تمدن بابلی بر تمدن کاسیت از بین رفته و اشکال بین النهرین



منظره‌ای از کوه‌های لرستان

متروک ماند و باقتضای فوق ساکنین نواحی شمالی که آنوقع
تفوق یافته بودند تغییر پیدا کرد پس از آن صنعت کاسیت منحصر با شکل
حیوانی شد اشکال سابق منسوخ و آنچه از بین النهرین اقتباس گردیده
بود کمتر اهمیت داده شد و کیفیت مختص بهر حیوانی را طوری توانستند
همجسم نمایند که دارای حقیقت و معنائی بود شکل و حتی جنبه محسوس
شگفت آوری را حائز گردید.

این موقع است که صنعت کاسیت باوج ترقی رسیده و این ترقی
در قرن نهم یا پانزدهم میلاد جریان داشته است.

پشتکوه-سلیمان تپه بر روی رودخانه نورسک. سلیمان تپه

یا زیر تپه - در روی رودخانه نورسک اطراف جلگه بین النهرین
در ناحیه واقع بین آخرین کوه و نقطه ای که رودخانه از نظر محو
میشود تماماً پوشیده از تله‌ها و آثار باقیمانده شهرهای مستحکمی است
که در زمان قدیم کاسی‌ها آن را برای استقامت در مقابل آشوری‌ها و
عیلامی‌ها بنا نموده اند عمده ترین آنها سلیمان تپه با زیر تپه است
که جهت تأمین عبور و مرور از آفتاب در کنار رودخانه نورسک واقع
میشود (۱) سلیمان تپه بالتامه متعلق به عیلامی‌هاست.

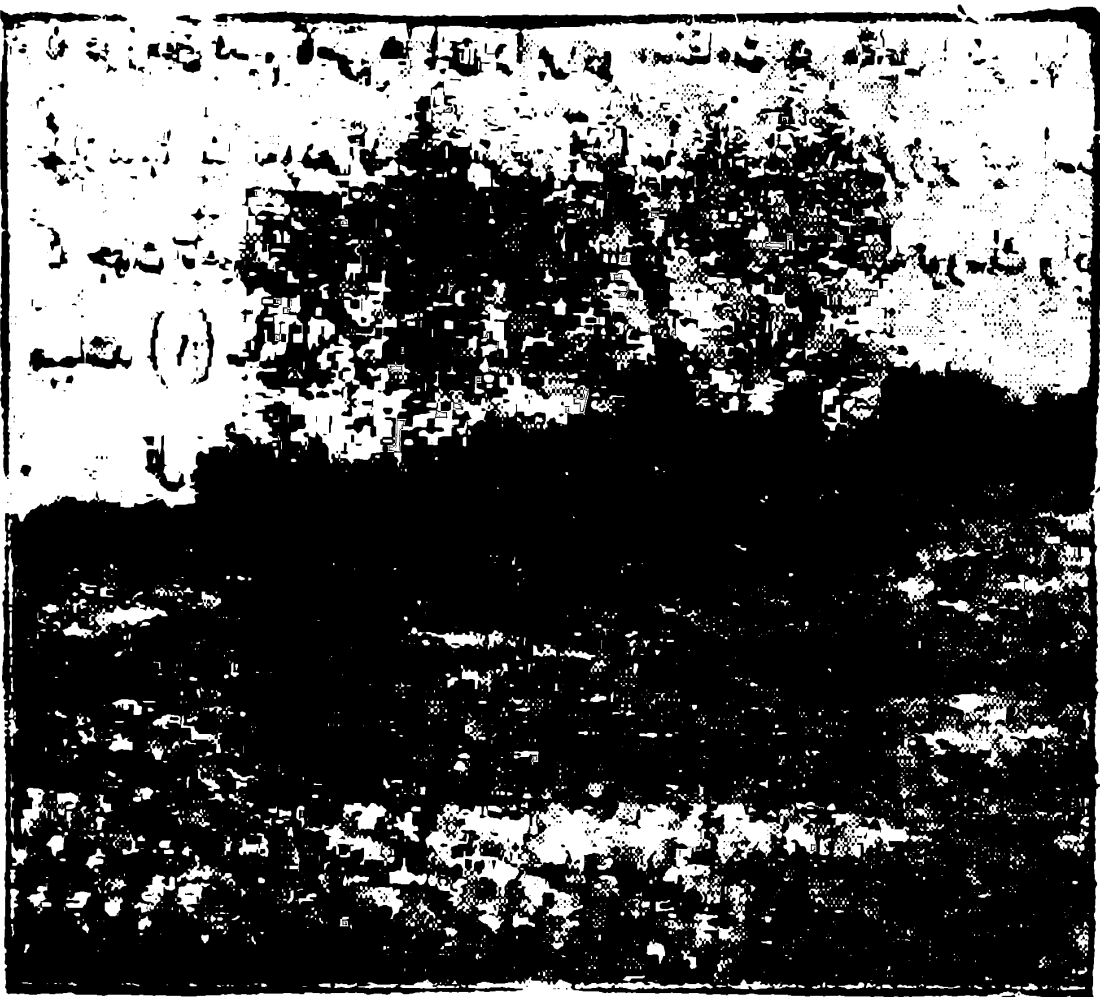
تل بکسایه - دریای پشتکوه اطراف جلگه بین النهرین

در ناحیه واقع بین آخرین دامنه‌های کوه و نقطه‌ای که رودخانه از
نظر محو میشود تماماً پوشیده از تله‌ها و آثار باقیمانده شهرهای مستحکمی
است که در زمان قدیم کاسی‌ها برای استقامت در مقابل آشوری‌ها و
عیلامی‌ها بنا نموده اند از عمده ترین آنها سلیمان تپه - تل
بکسایه - تل سبغات خریز است

۱- طبق عقیده دمرگان کتاب هیئت اعزامی بایران جلد دوم ص ۲۳۸ و ۲۳۹



خرابه‌های دره شهر



منظره چتری دزلستان

تل سبغات خریز - چهار تل كوچك كه يك تل بزرگي را تشكيل ميدهد در ميدان معبرين كوههاي پشتكوه و مردابهاي ساميردا واقعند دمرگان در كتاب تفحصات حفريات ايران جلد اول ص ۲۱۲ چنین اظهار میکند . در روی نقشه عیلامی خود علامت گذاشته ام كه تل سبغات خریز محل حكومت **كامبولو** میباشد زیرا كه هیچ خرابه بهتر از این با مندرجات تاریخ آشوریهها وفق نمیکند بعقیده من سبغات خریز مثل يك پایتخت ایالتی نباید در نظر گرفت بلکه یکی از مهمترین نقطه سوق الجیشی میباشد بالاخره این قلعه در سر دوراهی واقع شده كه راه كلدانیها بطرف شوش بوده است

سیمره لالار خرابه های شهر توبوی قدیم - لالار خرابه های شهر در ساحل رود سیمره در خارج دره كوچك 'كلم' در دامنه كبیر كوه واقعست :

« دمرگان گوید تصور میکنم در لالار خرابه های **توبو** را یافته باشم » ۱ « »

توبو يك شهر سلطنتی بوده كه **آسور بانپال** هنگامی كه در امتداد رودخانه بطرف ماداكتو میرفت آنجا را تصرف كرد در لالار خرابه های ساسانی نیز یافت میشود .

تل های تارهان - در دره سیمره تل های تارهان خرابه های ساسانیان است كه اکنون همه ریخته و افتاده این بناها عموماً با گچ و سبك و غیر مرتب بدون نظم و ترتیب ساخته شده اکنون با ملاحظه این آثار ۱۴۰۰ سال قبل در نظر شخص مجسم میشود مسافرینی كه پشتكوه سفر کرده اند این آثار را عموماً دیده اند .



منظره دیگر از رودخانه سیمره

دره شهر - دمرگان پایتخت دوم عیلامیها که آشوریها آنرا بنام **ماداکتو** خوانده اند میداند در ساحل طرف راست سیمره درسه یا چهار کیلومتری رودخانه لرستان خرابه هائی از عهد عیلامی ساسانی - اشکانی دیده میشود در دره شهر مهمترین خرابه های دره سیمره (سین مره) وجود دارد بناهائی که از دور در دره بنظر میرسد تماماً از عهد ساسانی هستند ولی حتماً قبل از این عهد هم يك شهر اشکانی در این مکان برپا بوده است ممکن است که در این خرابه ها **بادکای** یونانیها و **ماداکتو** آشوریها یافت شود (۱) و هم چنین **دورانداسی** آشوریها در مقابل مادا کتو که در ساحل چپ رودخانه واقعست نمایان است

این شهر چنانکه از اسمش معلوم است شهر بزرگ سیمره بوده تمام مسافرنیکه بناحیه سیمره آمدند از کنار رودخانه کرخه گذشته اند مانند **هر تسفلد - رولن سن - ویلسن - دمرگان** - این خرابه های معروف را دیده اند شهر بسیار عجیبی است شاید متجاوز از پنج هزار خانه داشته از ابتدای تنگ تا انتهای آن یعنی دامنه کوه آثار بنا از کج و سنگ نمایان است محل قنات و کاروانسرا بسیار دیدیم ولی هرچه جستجو کردیم آثار مسجد و حمام یافت نشد خرابه های این شهر از دزفول بزرگتر و تمام بنا از زمان ساسانیان است شاید هم قدیمتر است محققاً نمی توان معلوم کرد که در زمان اسلام خصوصاً عباسیان هم آبادی داشته زیرا کوزه شکسته های بسیار و کاشی و ظرف گلابی از زمان عباسیان بدست آمد در سمت راست این شهر خندق برای مسیل تهیه شده و از سمت چپ این شهر آب در شهر عبور میکند در کوه مجاور هم چشمه هائی موجود است چیزی که محقق است

(۱) عقیده دمرگان

بن شهر در زمان یاقوت آنهم بتوسط زلزله خراب و ویران شده و باین صورت در آمده است (اواخرال بویه) بسیاری از عمارت ها روی یکدیگر ریخته و افتاده بود در صورتیکه سنگ و گچ باندازه محکم است که هنوز هم بعضی را نمی توان خراب نمود آنچه معلوم است این شهر مکان تجارت مانند دهدشت نبود بلکه مکانی سکنه نشین و زراعتی بوده در زمان ساسانیان آباد شده و از زمان عباسیان محل سکونت بوده و تا زمان آل بویه مانده است و حالیه هم چند خانوار از لر ها (طایفه میرها) در آنجا تخته قاپو هستند جغرافیون عرب پشتکوه را عموماً ماسبدان و پیشکوه و سیمره را مهرجان کذک نامیده اند این راه نیز شاهراه بین شوش - دزفول - کرمانشاه - زهاب و خانیقین بوده و عموم مسافرین بهمین راه و آمد و شد میکردند راه شومعه امروزی تقریباً هشت سال است دایر شده هر تسفلد از راه آبدانان و ده لران باهواز رفته است

تل‌های لورت - (۱) این تل هانیز شهری بوده از زمان ساسانیان و

اکنون نیز خرابه های ساسانی خوانده میشود

تل شیروان - تل‌های قدیم از عهد ساسانیان و قدیمتر - در قسمت

راست ساحل دره سیمره در نقطه‌ای که جریان رود خانه از طرف جنوب

غربی بجنوب شرقی تمایل پیدا میکند در امتداد محل تقاطع پشتکوه و

کبیر کوه واقع شده است (۲)

دمرگان گوید تصور میکنم که سابقاً این محل يك شهر عیلامی

موسوم به هار داپانو بوده است تقریباً در ۲۰۰۰ متری آنجا خرابه های

(۱) بعقیده دمرگان لرت

(۲) بعقیده دمرگان -

بسیار جالب توجهی از يك شهر ساسانی موجود است
 شیروان مانند دره شهر از تنگی از کوه منشت که کوهی در جلوی
 کبیر کوه است در آنطرف رودخانه سیمره واقع گشته مانند دره شهر آبادی
 و خرابه های این شهر از کچوسنگ و متعلق بدوره ساسانیان و عیناً نظیر دره شهر
 است چشمه آبی بزرگ دارد که از تنگ سرازیر شده و رودخانه شیروان را مانند
 رودخانه دره شهر - شیخ مکان - سیکان تشکیل میدهد و بسیمره میریزد زمین های
 این ناحیه حاصل خیز و در وسط هم قصری داشته که اکنون خرابه های
 آن مانده است

روشن شدن از پشتکوه بشیروان آمده و این شهر قدیمی را با
 رودخانه بهمان اسم دیده ولی چون برودخانه سیمره سفر نکرده
 مانند خود ما ندانسته است که رودخانه شیروان بسیمره میریزد.

کوه منشت در تابستان هم برف داشته و مایحتاج برف اهالی
 را کفایت میکند.

این شهر در زمان ساسانیان خصوصاً خلفا بسیار آباد و ولی
 و بزرگ شهری نبوده است.

ابن خرداد به گوید پایتخت ماسبدان (پشتکوه) شیروان است
 مقدسی گوید مردمان ماسبدان بسیار عقل نیز داشتند و جسور و
 مادی بودند این فقیه گوید قباد شاه ساسانی حکماء و اطباء باین شهر
 آورد و باز گوید ماسبدان و مهر جان کذک (سیمره) و دویک
 تحت حکومت بوده اند.

ابودلف مسعر بن مهلهل یبوعی - باین نواحی سفر کرده و
 سفرنامه او مفقود شده یا قوت از او حکایتها ذکر میکند قول یا قوت نقل از مسعر

در شیروان درخت آب و زراعت بسیار شهری است دلچسب آب روان در میان خانه ها عبور میکند چشمه ها دارد (این چشمه ها از کوه منشت سرچشمه میگیرد)

اصطخری گوید خانه ها را با گچ و سنک و مضبوط ساخته اند و آئارش هنوز نمایان است، از حالات نخلستان شیروان اسم میبرد «يك نخل خشك هم اکنون یافت نمیشود» از میوه جات گرمسیری و سرد سیری در شیروان صحبت میدارد از برف کوه منشت حکایتها میگوید.

ابن حوقل گوید طرز بنای شیروان بشکل موصل است و خربوزه های خوش بو در شیروان یافت میشود **بلادزی** گوید اعراب این شهر را بدون جنگ فتح کردند.

ابن واضح گوید شهر بزرگ وسیعی است در میان دو کوه در شهر چشمه های پیدا میشود که از وسط شهر عبور میکند از وسط تنگ رودخانه ای جاری شده آب شیروان را تشکیل میدهد دهات و باغها از این آب مشروب و زراعت کامل در شهر میشود.

ابن الاثیر از حالات قلعه شیروان ذکر میکند «هیچ اثری اکنون بجا نمانده» و گوید ملک رحیم در شیروان بجس افتاد «۵۰ هجری» بهر صورت با اطلاعات مختصری از جغرافیون عرب معلوم میشود که پشتکوه و پیشکوه دو مرکز مهم و دو پایتخت داشته اند یکی باسم شیروان و دیگری بنام دره شهر و این دو خرابه اکنون شباهت

بسیاری بهم دارند و در قدیم الایام هم بی شباهت نبودند «۱»
هلیلان - خرابه‌های شهری که ممکن است بیت بونا کی آشوری باشد
 بعقیده دمرگان ممکن است این تل و خرابه هائی که در هلیلان
 کنار سیمره دیده میشود شهر بیت بونا کی از عهد عیلامیها بوده باشد
 رود خانه سیمره هیلان را بدو قسمت تقسیم میکند يك قسمت جزء
 کرمانشاهان و قسمت دیگر جزء لرستان است .

در هلیلان که جزء کرمانشاهان است دو تپه یکی بزرگ و دیگری
 کوچک با اسم گر آباد مشاهده شد چند روزی در آن مکان حفاری نمودیم
 آثاری از کوزه شکسته و نشکسته زنگین و بی رنگ بدست آمد که سال
 تقریبی آنرا میتوان از سه هزار سال قبل حدس زد در شمال تپه بزرگ
 بفاصله يك الى دو متر پائین تر از سطح تپه قبرستانی مفصل نمودار شد
 که چندین قسم قبور با آلات و ادوات و کوزه های گلی و زینت آلات
 از قبیل گردن بند حلقه های مسی بسیار ضخیم - مهره های شیشه
 ملون بدست آمد .

خرم آباد - تپه های مجاور گلدان و شاهین آباد - خرم آباد
 بین دو کوه در تنگی واقع شده در شهر باغات بسیار است که در آخر
 آن باغات هم پل ساسانی که پایه هایش نیمه خراب هنوز بر روی رودخانه
 رباط که از وسط شهر میگذرد بنظری آید آنطرف رودخانه کنار
 جاده فعلی شهری بوده که اکنون جز چند قبر و منار چیز دیگری
 دیده نمیشود تپه هائی نیز در نزدیکی قریه گلدان و شاهین آباد و دهات

« ۱ » برای اطلاع بیشتری رجوع شود بتاریخ طبری جغرافیای ریتز

و سفر نامه راولن سن

دیگر مشاهده میشود که بقعیده دمرگان محل **خایدالوی** آسوریان
 که در دره از زمان عیلامیهایانین شهر فعلی خرم آباد واقع شده است بوده
بروجرد - مسجد جامع - این مسجد متعلق است بدوره سلجوقیان
 ولی کتیبه بهیچ وجه ندارد و آثار کتیبه و تعمیر بنا از زمان
 متأخر است.

خوزستان

خوزستان جلگه ایست حاصل خیز و از قدیم الایام مهد تمدن و محل عمران و آبادی بوده است رود خانه گر خه این سرزمین را آباد و قصور بسیار عالی که در زمان هخامیشیان در این مکان ساخته شده بر ابهت و جلال آن می افزاید در شوش گذشته از قصور سلطنتی و جام و جلال پادشاهان قدیم دوره های مختلف از قبل از تاریخ می توان یافت در حقیقت می توان گفت شوش مدرسه و کلاس درسی جهت شاگردان و محصلین علم باستان شناسی میباشد چه طبقات زمین که روی یکدیگر خراب شده و افتاده است از زمان پیشین تا حال حاکی تمدن گذشته میباشد صرف نظر از شوش در سایر قسمتهای خوزستان مانند ارجان تنگ سروک اهواز - چندشاپور - رامهرمز - دزفول - آثار زیادی بنظر میرسد

اسک - بین ارجان و رامهرمز - خرابه های یک شهر بین

بین ارجان و رامهرمز دیده میشود که متعلق است بدوره ساسانیان

ارجان - خرابه های ارجان نزدیک رود خانه کردستان است

که دهات بهمان اسم بهمان رامشروب میکنند این تپه ها که شاید تا قرن

سوم و چهارم هجری شهری آباد و پر جمعیت بوده و عموم جغرافیون

عرب هم در ضمن مسافرت و یا حکایت از ارجان اسم برده اند بکلی

ویران و جز چند تپه و تل خاکی اثری پدیدار نیست و حتی روی بعضی

از تپه ها هم شخم زده و زراعت نموده در نزدیکای این شهر اما مزاده و پلی

نیمه خراب موجود است شاید زلزله این مکان را بکلی ویران کرده اما

چرا خود این شهر را مرمت ننموده و شهر بهبهان را در چهار میلی این مکان با

نداشتن آب جاری ساخته اند بخشی غلیجده و مطالبی مجزاست (۱)
تنك سروك - وجه تسمیه این تنك بمناسبت سروهای بسیار
 بزرگ و تنومندی است که در وسط تنك بمقدار زیاد روئیده این تنك
 را خود لر تنك صولت میگویند و وجه تسمیه آن معلوم نیست در وسط
 این تنك چهار سنگ بسیار بزرگ منقوش بنظر میرسد که گویا از عهد
 ساسانیان باشد (۲) شاید در زمان ساسانیان شاهزاده در وسط این تنك منزل



شوش - هنگام پیدا شدن يك قبر

- (۱) رجوع شود بکتاب جغرافیون عرب با قوت - استخری -
 (۲) نقوشی که از ساسانیان در ایران خصوصاً در فارس مانده باین نقوش تفاوت کلی دارد
 باین معنی که همه آنها نقش شاپور و هرمز و این نقشها طرز دیگر و نقش مذهبی است

بیلاقی داشته و بامراوا این نقوش حکاکی شده است

از ابتدای تنگ بیلا پس از بکریع فرسنگ جاده سنگ فرشی
نمایان میشود بعرض يك متر و هنوز سنگ فرش تمام نشده که يك
سنگ بزرگ در کنار جاده و به طرف منقوش است که اکنون از اثر
برف و باران و مرور زمان بکلی حک شده



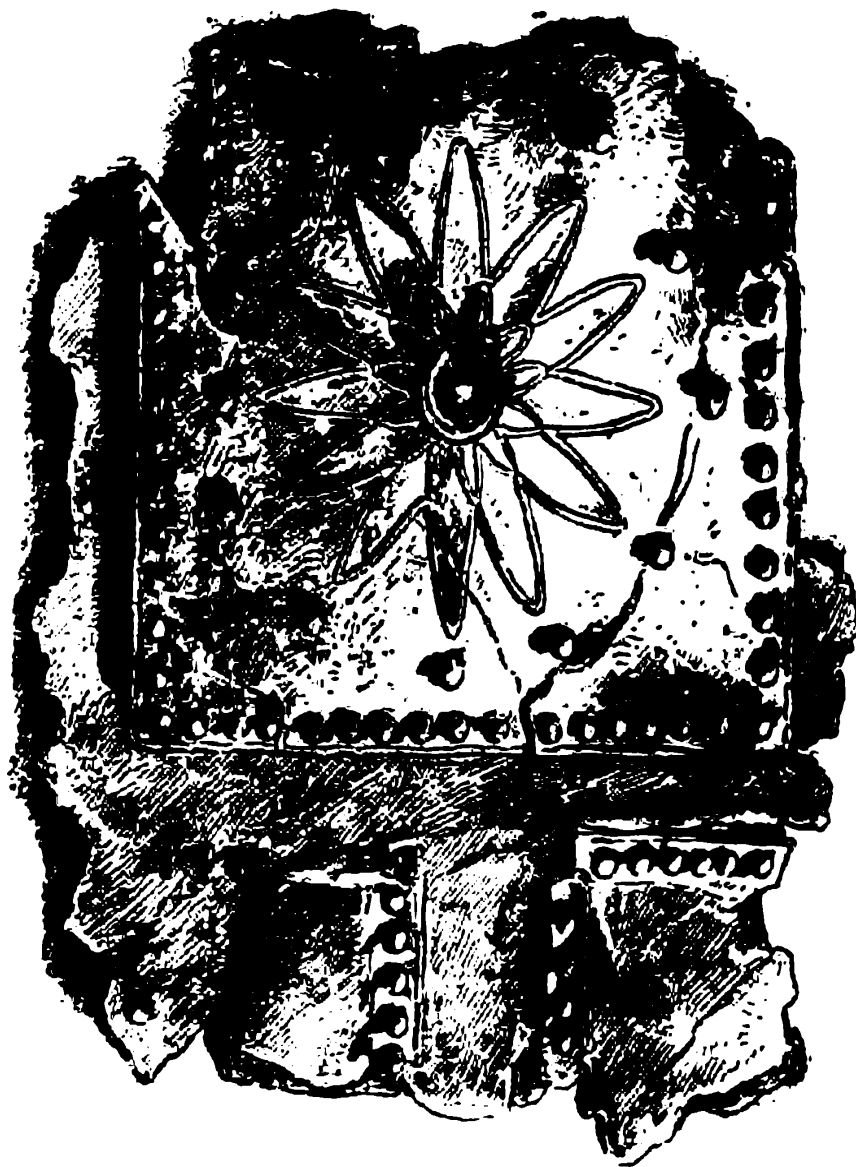
ظرف سفالی از خاک سیاه نقاشی کونورا

سنگ اول در يك طرف دو نفر ایستاده شاید یکی مهر باشد
(میشرا) که بر سر او نوری است و دیگری شاید یکی از فرشته های
زردشت (امشاسپندان) که بادست باو احترام میکند
در طرف دیگر سنگ شخص تنومندی با یک دست گری بدست
گرفته و با دست راست بعبادت مشغول است در طرف سوم مردی آتش

فراوانی در طبقی بدست دارد و دیگری دست بسینه او ایستاده است
سه میل بالاتر از دهنه تنک دو سنگ روبروی یکدیگر دارای نقوش چند
نیز هست بترتیب ذیل:

در سمت راست جاده سنگ بزرگی است که دو طرف آن
منقوش است

۱- در یکطرف شخصی بر تخت نشسته که چهار پایه تخت او
بر سر چهار عقاب و با چهار سیمرغ است در جلوی آن شخص دو نفر با

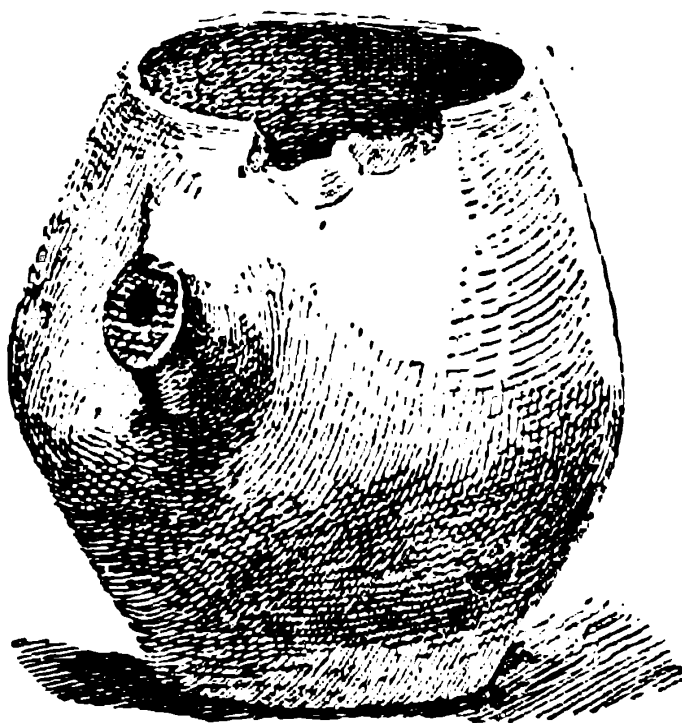


نمونه‌ای از کاشیهای شوش

کلاه خود و نیزه ایستاده اند و در عقب آن شخص مردی تاج بر سرش میگذارد
در زیر تخت در همان سنگ مجلس دیگری است بدین ترتیب که سه

نفر نیزه بدست با کلا خود ایستاده‌اند

۲ در سمت دیگر این سنگ شخص تنومند و بلند قامت و بسیار قوی با ریش و سبیل و بندی بگردن ایستاده (۱) و با دست راست آتشکده را نشان میدید سمت چپ او شخصی بر صندلی نشسته و شش نفر جلو او یکی بحالت معمولی و پنج نفر دیگر دست بسینه ایستاده اند عقب این شش نفر باز دو شخص دیده میشود یکی بر کرسی نشسته و دیگری دست بسینه مقابلش ایستاده است در پائین این اشخاص مجلس دوم شخصی



ظرف سفالی از خاک سیاه نقاشی کونورا

ایستاده و دو نفر شخص کوچک کوتاه در جلو و چهار نفر بلندقد تنومند در عقب او اشاره بدان آتشگاه میکنند عقب سر این چهار نفر سوار با سبی بشیری حمل میکنند و در زیر پای این چهار نفر پیاده‌ای با شیری می‌جنگد با یک قسم از خطوط پهلوی شامی زبان ساسانیان این وقایع پائین سنگها نوشته شده در بالای قسمت اول سه سطر در تحت آن آتشگاه

(۱) تصور میرود این شخص زردشت - کشتاسب و یا اردشیر بابکان باشد رجوع شود بتصویر کتاب فارسنامه. آثار عجم - تاریخ مشیرالدوله

دو سطر در بالای سر شخص سوار دو سطر متقور است با حوادث دوران و برف و باران این خطوط از بین رفته است نتوانستیم با کاغذ هم کپی برداریم و مطالبی درك کنیم اما چندین حروف شکسته و بسته معلوم است (۱) در سمت چپ جاده سنگ دیگر است که بیک طرف نقش دارد باین طور که شخصی بر اسبی سوار دو نفر در جلو و یک نفر در عقب این شخص حرکت میکنند این مرد سوار شکار می کند نصف این سنگ از اثر باد و باران ریخته و خورد شده شاید کتیبه ای داشته و از بین رفته است یکصد و پنجاه قدم جلوتر سنگی است که در دو طرف نقش دارد

۱ - در یکطرف دو شخص با لباس بلند و شلوار گشاد

۱۰ - ران کینگ - Ranking فنسول انگلیس در اهواز ۲۵ سال قبل باین تنگ آمده و تا مبی رفته و این نقوش را دیده ولی چون عالم عتیقه شناس نبوده یاد داشتهائی ندارد

۲ - لیارد Lyard - عالم معروف انگلیس از بهبهان تا مالا میر و اصفهان رفته و این تنگ را ندیده کتابی در حالات بختیاری دارد

۳ - دبو DeBode - از بهبهان بطرف مالا میر رفته ۱۸۳۶ تقریباً یکصد سال قبل این تنگ را دیده ولی در آن زمان اولاً علم عکاسی نبوده عکس نگرفته تنها نقاشی مختصر و ناقص کرده اطلاعات عمیق از کتاب او بدست نمی آید

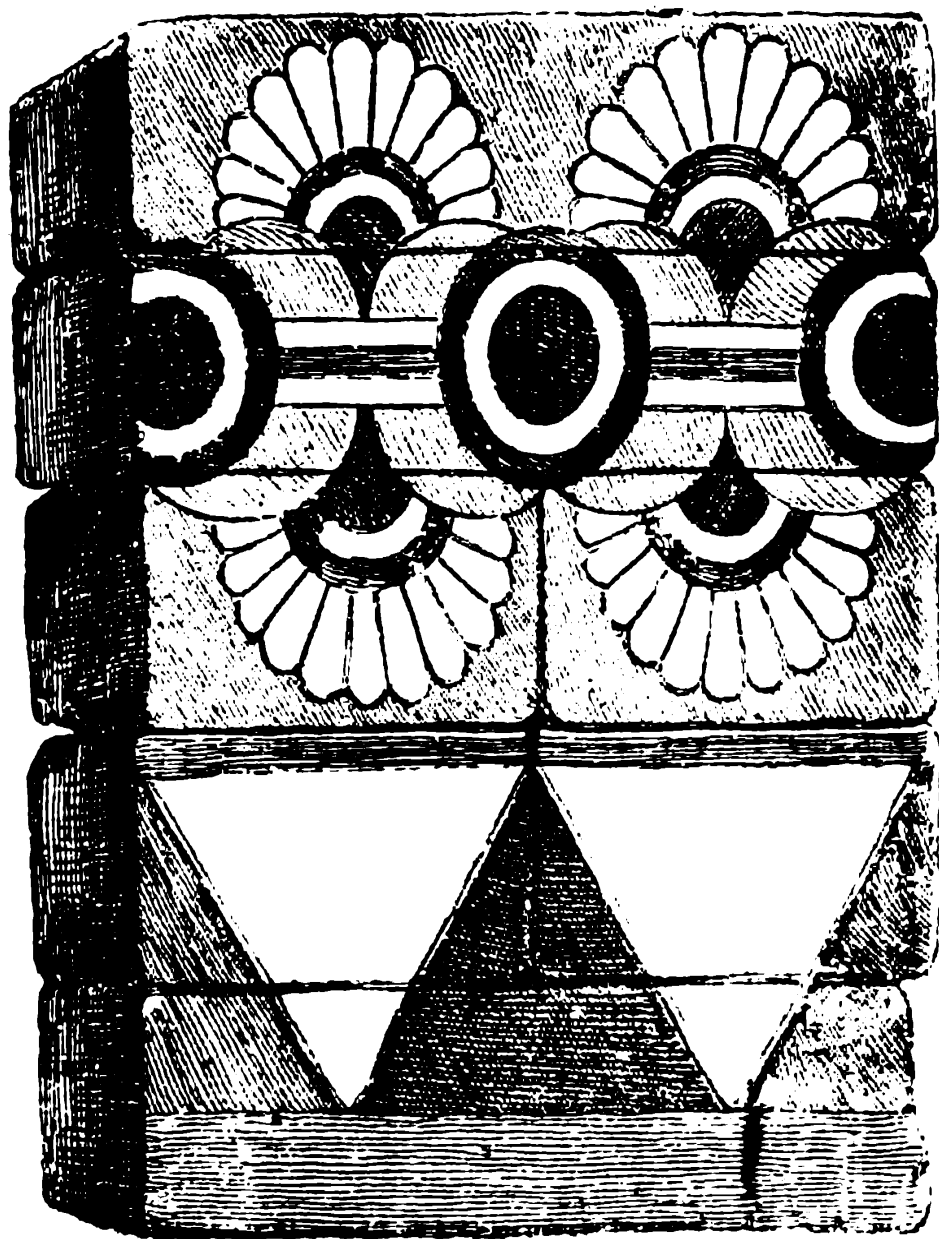
۴ - صاحب کتاب فارسی نامه آنجا را دیده و نقاشی نموده

۵ - صاحب کتاب آثار عجم فرصت الدوله آنجا را دیده و نقاشی نموده است چندین نفر قبل از ما باین جا آمده و این حجارها را دیده اند

و کفش بند دار بطرز امروزی بادو گرز در دست ایستاده اند دستار بر سر
و لباس آنها لباده و شال کمر است

۴ - در سمت دیگر شخص با یکدست بزمین خوابیده شاید این
اشخاص قراولانند که محافظت نموده و کشیک میکشند

داورك - خرابه‌های عهد ساسانی - خرابه‌های يك شهر تقریباً
در دو ساعتی شمال فلاحیه كه این محل را داورك می نامند علمای علم



شوش - زینتی از کاشی سازی لوور نقاشی سن الم کوبه
جغرافیای عرب داورك را مثل يك شهر وسیعی كه دارای چندین بناهای
مهم ساسانی بوده است معرفی نموده

جندی شاپور - خرابه‌های عهد ساسانی - جندی شاپور اکنون

بین دزفول و شوشتر واقع است

جزئیته‌ای چند چیز دیگر بنظر نمیرسد بیابانی وسیع است خرابه

هائی است از دوره ساسانیان گویند شاپور اول پادشاه ساسانی در تاریخ

۲۷۲ - ۲۴۱ میلادی این شهر را بنا کرده است



نمونه ای از کاشی کاری

اهواز - خرابه‌های عهد هرمز اردشیر - در اهواز امروز

خرابه هائی از عهد ساسانیان بوده که کم کم از بین رفته و با خاک یکسان شده این خرابه ها منسوب است بدوره هرمز اردشیر ساسانی و نیز سدی بر روی رود خانه کارون دیده میشود که پایه های پل معروف اهواز امروزی بر روی آن پایه های قیری قرار گرفته است.

ایوان کرخه - خرابه های ساسانی - خرابه های يك شهر در ۲۶ کیلو متری شمال غربی شوش از عهد ساسانیان و نیز پل - ی بر روی



نمونه ای از ظروف دوره مغول

رود خانه کرخه که نیمه ریخته و نیمه بجاست این پل نیز منسوب است بزمان ساسانیان و آنرا پل کرخه - بند کرخه - ایوان کرخه و بند داود گفته اند این پل بین پشتکوه و پیشکوه رابطه و فاصله بوده از زمان ساسانیان است اکنون قسمتی بیشتری از آن ریخته و افتاده و تنها پایه پلها دیده میشود (تقریباً در یکفرسنگی شمال شوش)

هندیجان - خرابه های ساسانی - خرابه يك شهر از زمان ساسانی بین اسك و ارجان دیده میشود که اکنون هم نمایان است شهری بوده است

ایذه - (مالامیر) - محل پایتخت قدیم - مالامیر شهر بسیار قدیمی و از تله‌ها و تپه‌ها که در اطراف این جلگه نمایان است واضح میشود که قدمت آن بسیار زیاد است چه هنوز تپه‌بزرگی در وسط این جلگه است که خانه‌های گلی در کنار و بالای آن تپه ساخته شده و بقیه این تپه‌ها کی آبادی قدیمی بوده شاید چندین نوبت آباد شده و ویران گردیده‌اند اکنون بدین صورت درآمده است قبل اسلام این شهر ایذه و بعد از اسلام ایذج و این‌جا نام داشته دارای آتشکده هم بوده است که تا زمان هرون الرشید بجا مانده پلی بر روی مسیلی که از عجائب عالم بوده داشته و کردایی از نمک در این مکان موجود که هر کس در این گرداب میافتاده آنقدر چرخ میخورده تا میمرده است و به نه مرداب نمیرفته از تمام این مکانها اثری بجا نیست.

المقدسی - ابن خردادبه - یاقوت از این شهر قدیمی اسم میبرند افسوس که همه آثار جز چند حجاری از بین رفته و اثری از هیچکدام باقی نیست.

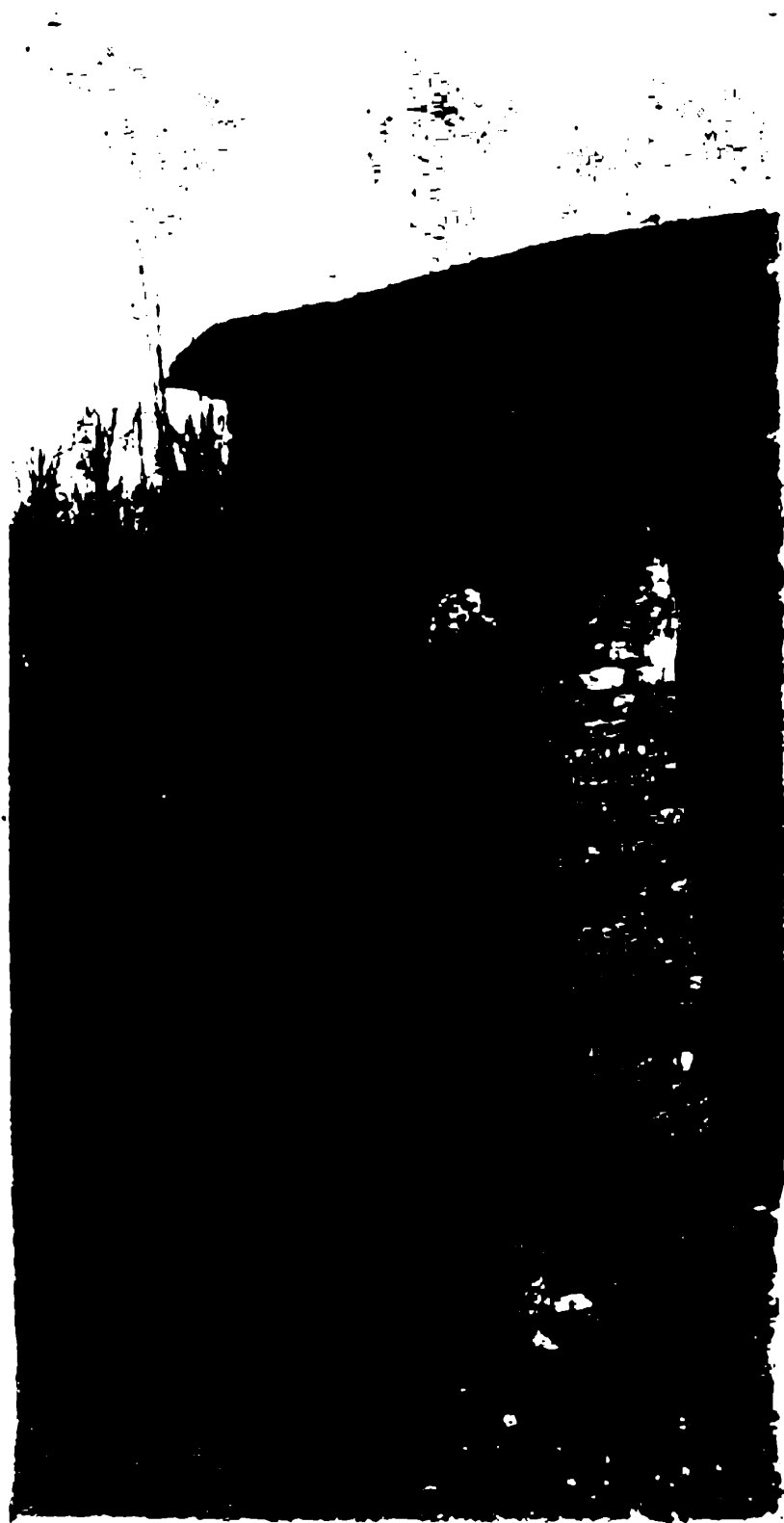
نصور میرود ایذه از قدیم الایام شاهراه تجارت بین اصفهان و اهواز بوده (۱) اکنون هم در بهار و تابستان قوافل از این راه آمد و شد میکنند.

منازل سر راه اهواز - ویس - رقبه - کری - جارو - چشمه روغنی -
ال خورشید - قلعه تل - ایذه - پل شالو - ده فر - شلیل - سرخون -
دوپلون - ناقون - شلم زار - قهوه رخ - بیسکون - پل برکون - اصفهان

۱ - ابن خردادبه از شهرهای سر راه اهواز و ایذه اسم میبرد که حالیه آن اسامی تغییر شکل داده اند

ایارده‌الم انگلیسی مدنی از عمر خود در ایذه گذرانیده و کتابی
نیز بطور سفر نامه که بسیار مفید است نوشته است

ابن بطوطه طنجی در عهد سلطنت سلطان ابوسعید خان
مغول (۷۲۵) بقصد مسافرت و سیاحت آسیا حرکت کرده و در کتابش



ایذه - شعی مجسمه مکشوفه از پارتها

موسوم تحفة النظر في غرائب الامصار وعجائب الانظار اظهار میدارد
 که در عهد حکمرانی اتابک افراسیاب در شوشتر و ایذج و ابن نواحی
 مسافرت کرده :



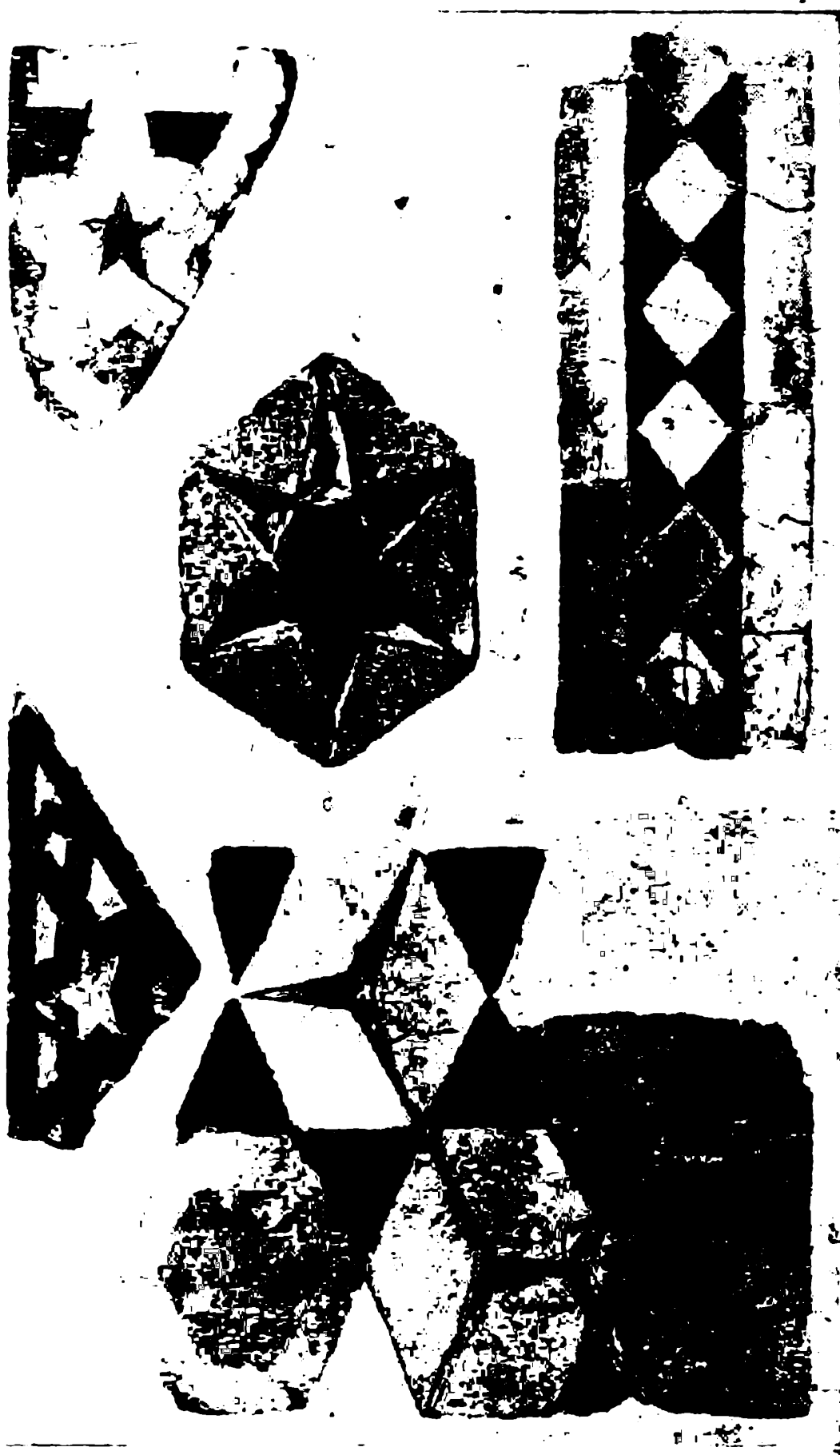
ایذه - شمی - مجسمه مکشوفه از پارتها
 (از شوشتر مسافرت کردم سه منزل زاد پیمودم این سه منزل

جميع راه من از جبال شامخه بود پس از طی این منازل بشهر ایدج
آمدم « و پادشاهان شوشتر و ایدج را چنین اسم میبرد :
« اتابك افراسياب بن سلطان اتابك احمد - اتابك افراسياب ثانی
بن اتابك نصره الدین احمد « ۱ » - اتابك يوسف شاه ثانی - اتابك -
افراسياب ثانی «

حجاریها - حجاریها و کتیبه‌های تخته‌سنگی عهد های عیلامی
و ساسانی عده زیاد حجاریها که در خاک مالا میرهستند در کوه فارایعنی
گردنه طبیعی سلسله کوه‌هایی که دشت شمالی شرقی را احاطه کرده است
واقفند عده دیگر حجاریها در داخل و خارج غاری موسوم به شکفت
سلمان « سلیمان » و کول فره و خنک « هنک نوروزی » در رشته کوه‌های
جنوب غربی واقفند در جنوب غربی نزدیک امامزاده شهسوار در سرازیری
و نشیب کوهستان يك سنك حجاری شده عهد عیلام موجود است و در
شمال شرقی نیز در مجاورت قلعه موسوم به قلعه گزردم و در گردنه
معروف به هنك يك حجاری عهد ساسانی وجود دارد حجاریها و کتیبه‌های
کوه فارا و شکفت سلمان مربوط به ازمنه زمان بخت النصر اول
« ۱۱۴۶ - ۱۱۲۳ قم » است

شمی - چون از مالا میر صحبتی بمیان آمد لازم است از شمی که
تقریباً ۷ فرسنگی شمالا میر و ناحیه ای کوهستانی مجسمه برنزی در آنجا
یافت شده و ما خود دو هفته مشغول حفاری در آنجا بودیم و معبدی
همزمان پارتها در آن مکان یافتیم که تقریباً در ایران بی سابقه است
ذکری بمیان آید

۱- دیباچه تاریخ معجم و تاریخ لبار در شرح حال این اتابك گفتار مفصلی دارد



نمونه ای از کاشیهای عهد مغول که اصلا مذهب است

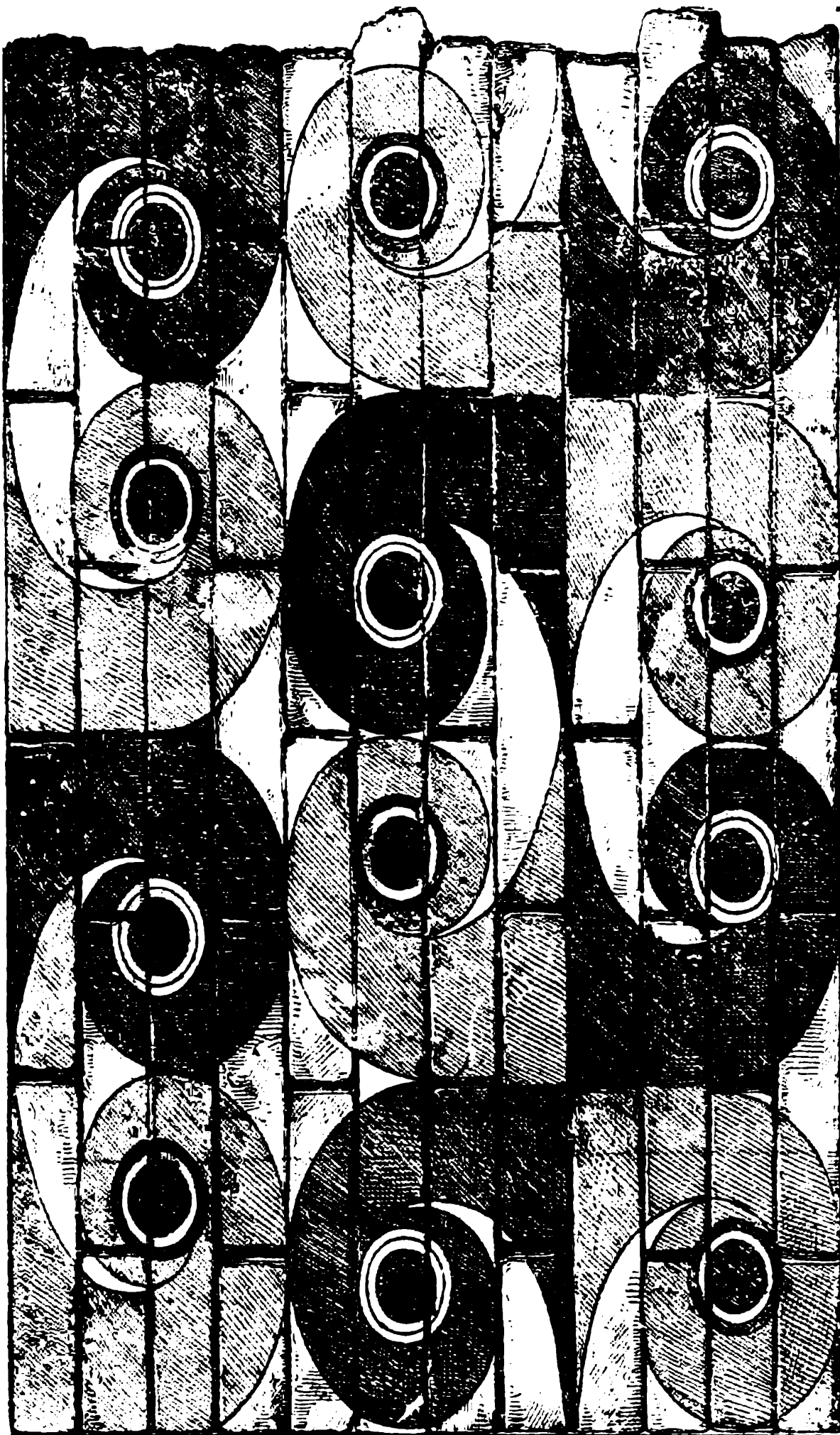
این مکان در میان کوههای بلند واقع و جائی نسبتاً کوچک و بدون آبادی با راهی سخت و مشکل بود و تصور نمیرفت که تمدن قدیمی در آنجا موجود باشد و یا در قدیم محل سکناى مردمانى قرار گرفته باشد در ۵ ماه قبل مردم بختیاری در این ناحیه جهت ساختن خانه چندین مجسمه كوچك و بزرگ و دو سر و دست از برنز و مرمر و دو قطعه سنگ بشکل مربع مستطیل و جای پای مجسمه ها بیرون آمد و سنگی نیز شکل دیو یافتند و خیال کردند که در شکم این سنگ دفینه است سنگ را از وسط دو نیم کردند.

این جلگه تا ده شمی ۵ میل مسافت دارد مکان این مجسمه ها در وسط مربعی است تقریباً بعرض ۲۹ پا و بطول ۳۰ پا و دور او را هم مانند دالانی کنده اند و مجسمه ها را یافته سنگهای زیاد و آجرهای بسیار ضخیم از زیر خاک بدست آورده بودند مکانی را مشاهده کردیم که بکوره شباهت داشت و اظهار میداشتند کوره آجر سازی بوده است در زیر زمین راه آبهای آجرى بسیار ساخته بودند و قبور قدیمی در این مکان بسیار دیده شد «ا» بطرز یونانی «ب» چندین قبر دست نخورده و بقیه رالرها شکافته بودند کمی پائین تر

(۱) در این مناسبت ما دو قسمت قبور دیدیم

الف - قبوری که مانند حوضچه با سنگ ساخته و سنگی يك تخته در آن انداخته بودند

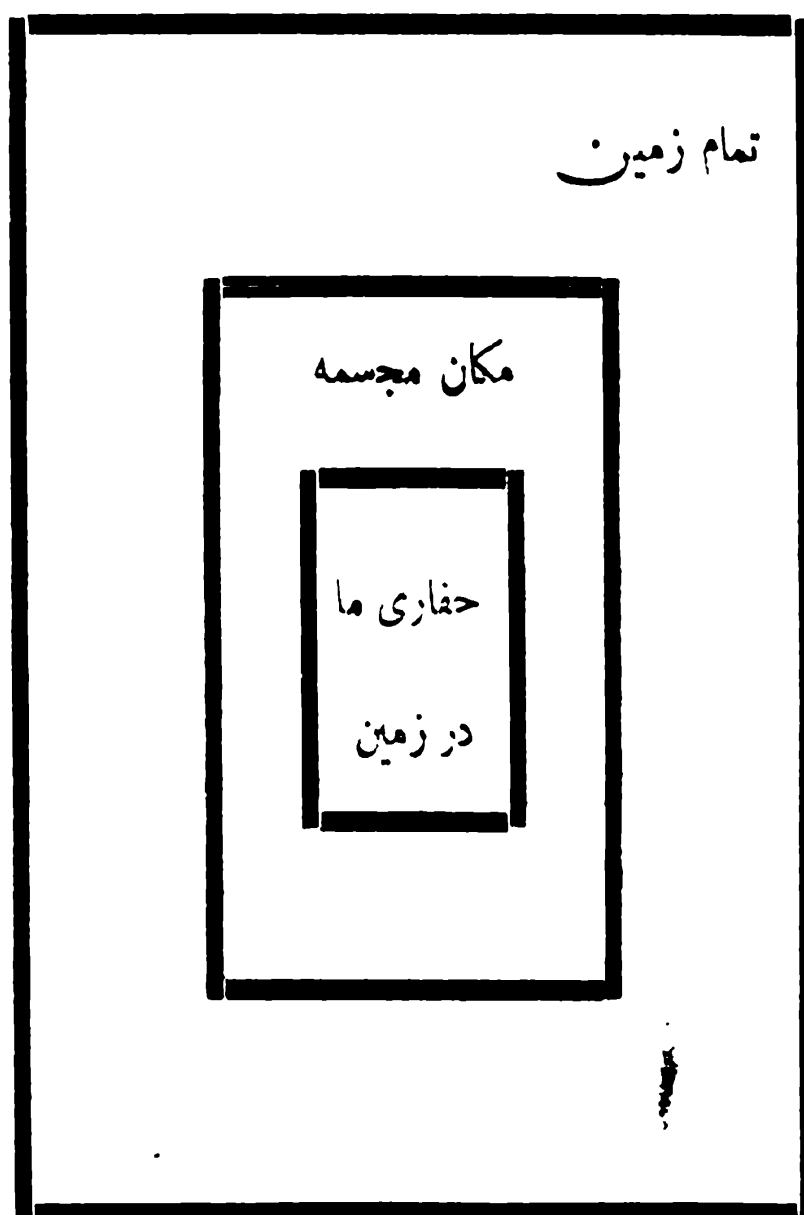
ب - قبوریکه مانند خانه ای ساخته و بر بالای آن شش سنگ سه بکطرف و سه طرف دیگر بشکل ضربی قرار داده بودند



شوش - فرش عمارت از کشی نقاشی من الم گوینه

از سطح این مکان تمام زمین محوطه بضخامت دو سانتیمتر یکورقه
اسفالت قرمز رنگ کشیده شده بود بنای رو این زمین از زمان ساسانیان
ولی آثار زیاد در دست نبوده تا بتوان بطور قطع و یقین حدس زد فقط
چند ستون و سر ستون نمایان بود و مجسمه هائی که ذیلا بذكر آنها
خواهیم پرداخت از زیر همین زمین بیرون آمده بود در زیر این زمین
تمدن قدیم تر وجود داشت .

منظور از این حفاری مانند ما پیدا کردن بن عمارت و تمدن اصلی



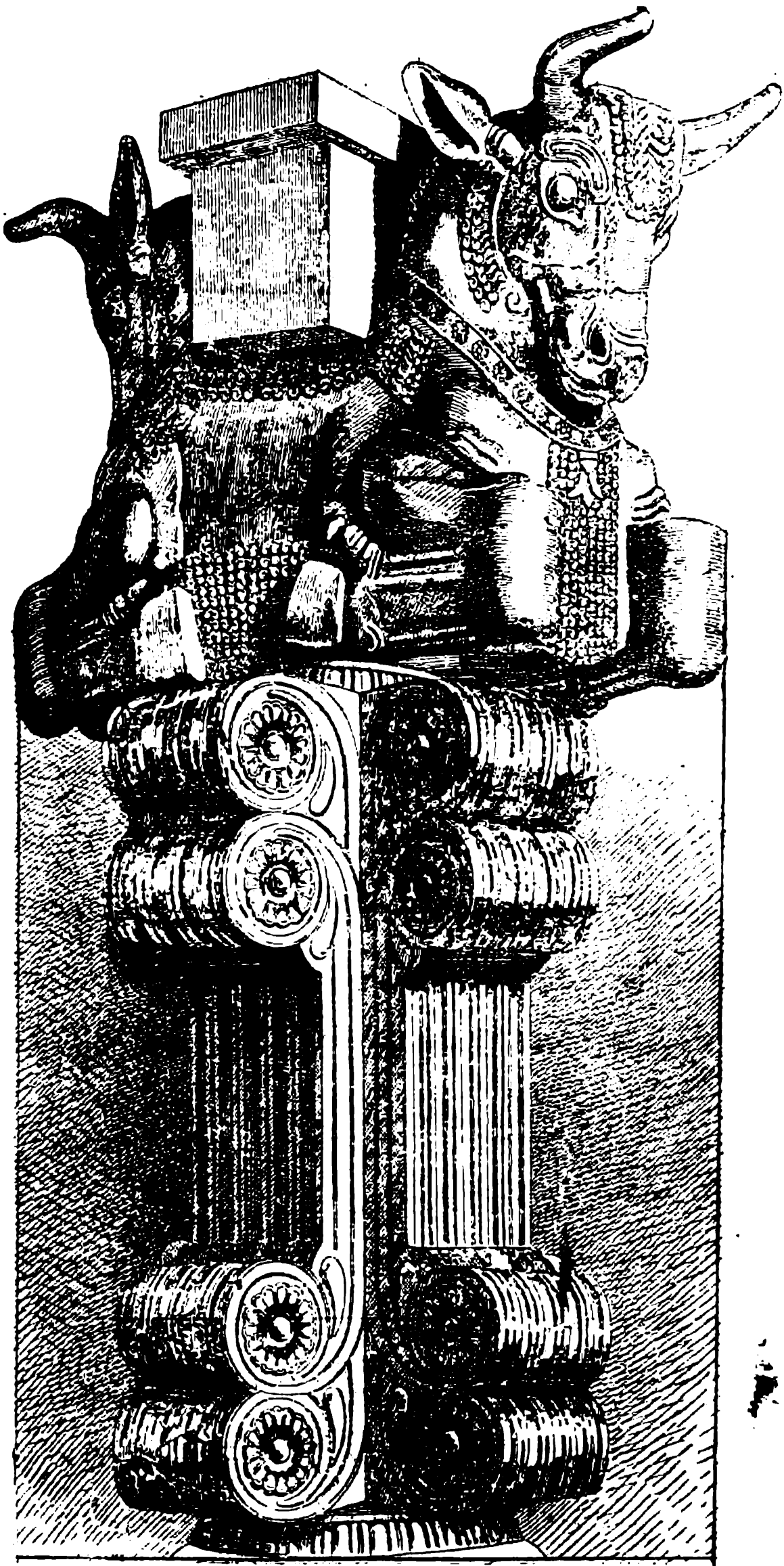
این سر زمین بود پس از حفاری در قسمتهای مختلف این بنا آثار
زیادی از بازو پنجه انگشت از مس و آهن کوزه سفالی شمع دان

میخ - خنجر - لگام اسب بدست آمد و طاقی با آجر بعرض یکچارک و طول سه چارک و در زیر راه آب نمودار شد سوختگی بسیار نیز نمایان بود تعجب در اینجا است که بانبودن راه و نداشتن وسعت این مکان در این کوهستان چطور دارای تمدن بوده حدس قوی این است که این مکان بت خانه بوده چه پس از تسلط اسکندر بزرگ بر ایران بیشتر آداب و عادات ایرانیها با یونانیها مخلوط شد و تصور میرود در زمان سلطه ساسانیان سوخته است و بت ها شکسته شده و مردمان بسیاری در آن زمان کنار این بت خانه منزل داشتند چه قبور فراوانی از عهد قدیم «کور گبر» در این حوالی یافت میشود این اولین بت خانه ایست که در ایران دیده شده

شمی حصارى هم از سنگ چین داشته که کاملاً مشهود بود و هنوز کمی بجا مانده و باقى است

این بنا بطور یقین از اثر باد و باران ویران نشده بلکه با دست بشر از بین رفته چه عمارات و اطاق و طاق نما و طاقچه با آجر کاملاً بر پا و زیر خاک مانده است از طرفی دیگر اشیاء شکسته و خورد شده بسیار دیدیم سر بی دست دست بی سر سنگهای تخته ای بزرگ در کنار این بت خانه روی زمین برای جای مجسمه قرار داده بود حتی جای پای مجسمه را در سنگ نقر نموده بودند در وسط این بنا قبری و پله گانی با آجر و ساخت بسیار زیبا مشاهده شد

در زمان تسلط اسکندر بزرگ پای یونانیان باین ملک باز شد و ایرانیان بر متصرفات یوانی آسپای صغیر مسلط شدند و خصوصاً صنایع مستظرفه یونان در ایران رواج پیدا کرد و باوج ترقی رسید شاید



سر سنون قصر شوش - لوور نقاشی سن الم کونیه

اشیاء را در یونان ساخته و بایران آوردند و یا در ایران میساختند این صنایع شیوه یونانی و فوق ایرانی دارد «۱» اشیاء مکشوفه به توسط رعایا عبارتند:

۱ - يك مجسمه تمام قد با سر بدون دست بسیار بزرگ قامت این مجسمه نه پا و عرض ۲ پا سر این مجسمه از جنس تن اوست ولی مقدار ترکیباتش بهتر است تنه مجسمه شاید برتر باشد لباس این مجسمه عبارت است از کلاه و کیسوان که در پشت سر تابیده و جلوی سر را بطرز یونانی بسته و کت و شلوار گردن بند و کمر بند دانه نشان در پشت ران يك شمشیر و يك خنجر بواسطه زدن کلنگ در موقع کندن و بی احتیاطی شکم این مجسمه کمی سوراخ شده این مجسمه از سرداران پارسی است «۲»

۲ - يك مجسمه کوچکتر با لباس و طنابی روی دوش که یکدست بدان دارد با چکمه طول این مجسمه نیم ذرع است
۳ - دو سوار مرمر یکی یونانی «حجاری یونانی» که از یونان بایران آمده و شاید سر آفرودیت باشد «۳» دیگری سر پارسی

۴ - دو دست از مرمر یکی بزرگ و دیگری کوچک
رامهرمز - در نزدیکی رامهرمز خرابه هائی است معروف بطابق نصرت که از زمان ساسانیان بیادگار مانده است

«۱» برای اطلاعات بیشتر رجوع شود بمجله Revue des Arts Asiatiques

و شهر دورا Dura که تا زمان اردشیر باقی مانده بت خانه بسیار معظمی داشته و اشیاء بسیار از آن مکان بدست آمده و پس اردشیر دیگر

شوش - محل شهرها و تلهای مجاور آن - این شهر

با عظمت مدتی پای تخت کشور عیلام بوده تقریباً از ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد تا قرن ۱۵ بعد از میلاد و اکنون آبادی دارد مدت چهل سال است که در آن مکان حفاری میشود آثار گرانبهائی بدست آمده که در دنیا بی قیمت است تفصیل خرابه های شوش و داستان طالارها و قصرها خود کتابی مفصل است چه این شهر مدتی پای تخت سلاطین هخامنشی و آثار زیادی از آثرمان دارد و زینت موزه های دنیا گشته است ده رگان در کتاب خود مفصل از این پای تخت سلطنتی ذکر میکند و نیز عموم سیاحان و مسافرین ایرانی و اروپائی هم داستانها تپه های بسیاری اکنون در تمام این سطح وسیع یافت میشود که همگی منازل و خانه ها بوده و امروز با حفاری دقیق یکی یکی مطلب روشن خواهد شد این تپه های مجاور پایتخت قدیم عیلام بوده است.

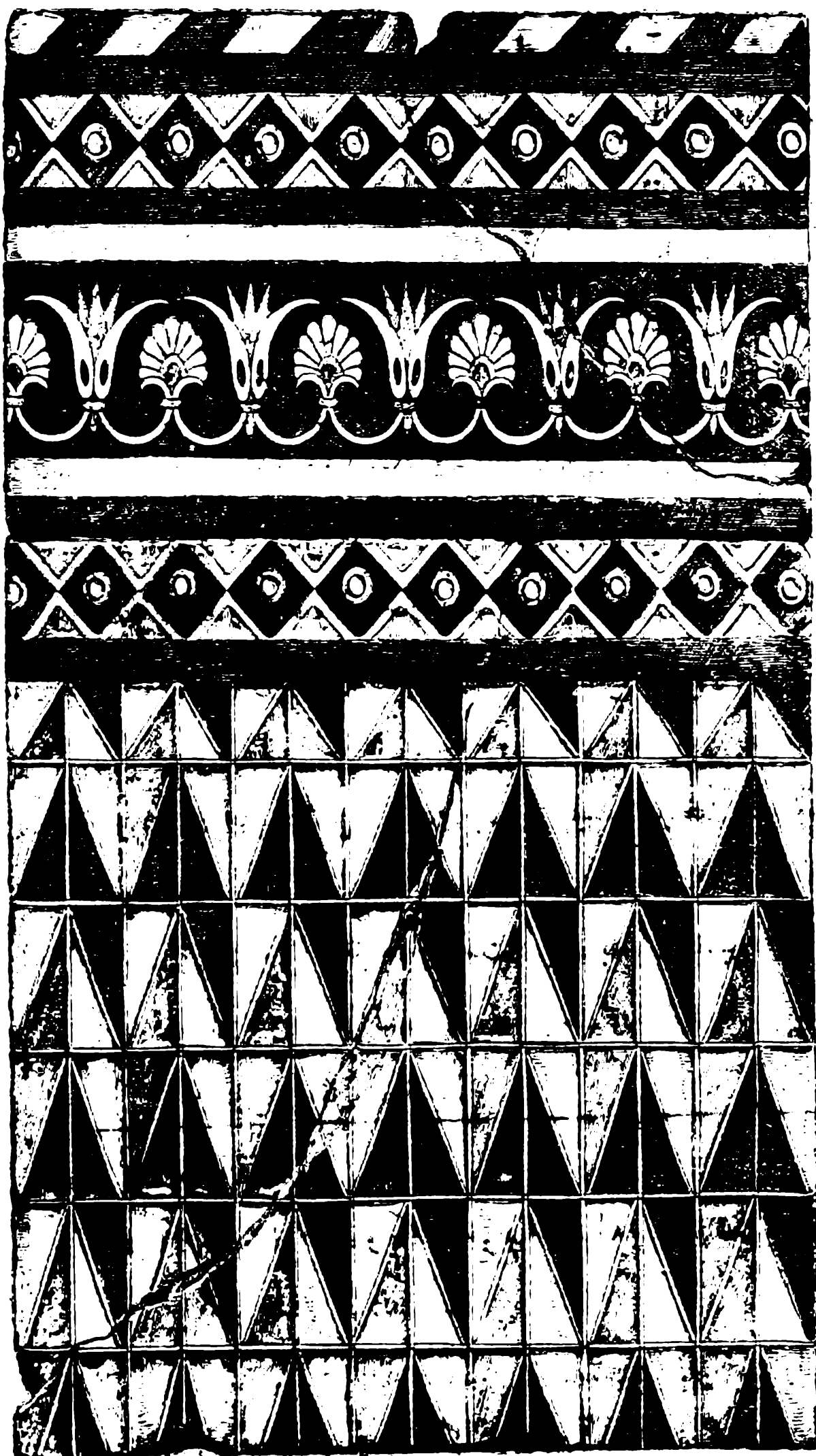
در نزدیکی شوش مزاری است معروف بدانیال پیغمبر در صورتی که قبری در آن نمایان نیست تنها بقعه ایست توره گوید دانیال پیغمبر را در این مکان سوختند.

بقیه صفحه قبل

در آن مکان بنائاتی نشده و یکسره خراب و ویرانه مانده و تمام بت خانه در زیر زمین مدفون گردیده است.

۲ - در ایران آثار هخامنشی و ساسانی بسیار است ولی از بارتها اثری در دست نیست و اگر هم بدست آمده بسیار کم است.

۳ - افروdit ملکه حسن بوده است در یونان



شوش - کاشی کاری پرو وشی پیه

در سه فرسنگی شوش مکانی بنام چوخه «۱» زنبیل تپه مفصلی است که تصور میرود قصر اونتاش کال باشد «۲»

شوشتر - مسجد جامع - این مسجد جامع متعلق است به عهد سوم هجری و پلی نیراز دوره ساسانیان در شوشتر اکنون نیمه خراب بجاست که به بند قیصر معروف است و در زمان شاپور دوم شاه ساسانی ساخته شده است.

دزفول - پل ساسانی - پلی از عهد ساسانیان در دزفول دیده میشود که نیمه خراب و نیمه بجاست عموم پلهای زمان ساسانی در قسمت غرب ایران زیاد است که فهرستی از آن متذکر خواهیم شد.

کهنگیلو - خرابه های شهر قدیمی دهشت - این شهر قدیم خرابه متجاوز از ۵ هزار خانه نیمه خراب با کج و سنگ دارد هنوز کوچه ها و راه روها و شارع ها معلوم و واضح است دارای حمام کاروانسرا امام زاده بسیاری است بهر طرف نظر شود جزویرانه چیزی بنظر نمیرسد جمعیت همراه مانمی خواستند ناظر آن محل ویران باشند و خیلی خوش وقت بودند که از آنجا دور شده و در عقب جایش بگذرانند این شهر نشان میداد که روزی متمول بوده زیرا موقعیتی را دارا بود که محل تردد و منزلگاه تجارت برای کاروانها که بجاده اصفهان حرکت میکردند بود

«۱» چوخه - چوقا - چقا - چپا همگی در لرستان و بزبان لری جمعهای تپه وتل است چنانکه کرده ها گویند :

«۲» چون از شوش عموم مورخین و مطلعین علم باستان شناسی صحبت نموده اند باین چند کلمه اختصار رفتند



مالامير - حجازي - هوسي

قنوات بسیار داشته که اکنون جز یکی دو همگی خراب است فقط یکچاه آب شیرین دارد این شهر از بناهای صفویه و مرکز تجارت اصفهان و بهبهان بوده است و هنوز هم در تابستان قوافل از این راه آمد و شد میکنند منظره این شهر خراب هر بیننده را بخاطرات چهار صد سال قبل عودت میدهد آبادی نزدیک این شهر مانند طشان - جنگل واد سنقر آباد و شهر دهدشت خیلی بهم نزدیکند شاید در یک زمان آباد شده اند راهی که از بهبهان با اصفهان میرفتنه و اکنون هم در تابستان دایر است بفرار ذیل است

اصفهان - قلعه شور - کاروانسرای شاه عباس مهیار - قمشه گری - سمیرم - پل خراسان - پاتاوه - بی خانون (سقاوه) - زنگوا - سادات - چهار راه - سر پارو - کلایه - دهدشت - یوا جم چی ارتنک نکاو بهبهان

پس از سقوط صفویه خصوصاً از اهمیت افتادن اصفهان و دهدشت خراب این راه نیز از اهمیت افتاده است .

مقدسی در جغرافیای خود این راه بدین قسم اسم میبرد

ارجان - کنیسه المجوس شاید سه گنبدان حالیه باشد - ده بی اسم و اوصاف او را ذکر میکند شاید دهدشت باشد - زیز - آبنیاه - رود خانه بیچ اسم شاید پاتاوه باشد خزنده - سمیرم

دو اسم از این اسماء معین نیست یکی آبنیاه و دیگری خزنده قلعه تل - قلعه تل نیز شهر قدیمی است چه هنگام عبور ما

مردمان جهت بنائی دوسنگ از زمان عیلامیها که حجاری آن با حجاری
 ملامیر شباهت داشت و از زیر زمین بیرون آورده بودند یکی پایه ستون
 با گل و بوته و دیگری سنگی منقوش بود این سنگ چهار نقش داشت
 دوفرد نزد دوفرد دیگر دست بسینه ایستاده بودند تصور میرود آبادی قلعه تل
 که از ایذه چندان دور نیست تا سال پایتخت بودن اید يك عصر را نشان دهد
منجیق - خرابه های ساسانی - این شهر قدیمی ساسانی اکنون ده بسیار
 کوچکی است نزدیک دهات باغ ملك ولی در پائین ده کنار رودخانه
 ابوالعباس آثار و خرابه های بسیار از گچ و سنگ از دوره ساسانیان که
 نیمی را شخم زده و از بین برده اند نمایان است .

خرابه های مسجد سلیمان - مسجد سلیمان که امروز خرابه
 هائی از آن بنظر میرسد تصور میرود در قدیم یکی از شهرهای عیلامی ها
 ها بوده است مسجد سلیمان امروزی محل و مرکز نفت و یکی از شهر
 های صنعتی ایران است .

فارس

فارس را از حیث آب و هوا می توان در عداذ ایالات خوب ایران دانست و بهمین جهت این سر زمین قرن‌ها مهد تمدن بوده و از زمان بسیار قدیم آبادانی‌های بسیار در آن دیده می شود با حفاری دقیق که خودما در یکی دو قسمت فارس آنهم بسیار جزئی بعمل آوردیم معلوم شد که در گوشه و کنار فارس آثاری از ۵ الی ۶۰۰ سال قبل بنظر میرسد يك قسمت از مسافرت ما در بین راه های قدم و فارس و خوزستان و عیلام (یاسوزیانا) بود چند منازلی از تپه ها ممسنی بالا رفتیم محلی که سابقاً نا امن و اکنون صلح آرامش و نظم حکمفرماست در آنجا به تپه های خاکی دست زبر مصنوعی که بطور ان-زوا در دشت وسیع اردکان واقع بود مصادف شدیم در آزمایش و حفاری اولیه مقداری زادی از آثار کوزه های منقوش و ابزار سنگی یافتیم علائم و آثار نشان میداد که این سر زمین مرتفع که تقریباً ۷۰۰۰ پا از سطح دریا ارتفاع داشت و زمستانش با بادهای تلخ شروع شده بود در سه یا چهار هزار سال قبل زندگی متمدنی را ناظر بود منازل ما کم کم از آن دشت بطرف دره های سبز و خرم و پر پیچ و خم کشید که از رود خانه فهلیدان مشروب میشد علائم نقشه برداری (۱) و مناظر محلی نشان میداد که محتمل است دروازه های ایران قدیم که روزی اسکندر راه

دشوار خود را جبراً از آن باز نموده در آن اراضی باید جستجو شود
(مکانی که از تنك گران بطرف تنك خاص و از آنجا بطرف قلعه اردکان
میرود) سایر آثار مانند پل مخروبه و آثار بنا بطور قطع مشهود میداشت
که این راه در قدیم محل استفاده بوده و دوره های قدیم بطور
تدریج تا امروز آثاری داشته که قرن بقرن تجدید شده است .

هماننشیان آثار جلب توجهی در فارس احداث کردند که
در هر کتاب و نامه خواه قدیم و یا جدید مفصل درج است ساسانیان
نیز آثار گرانیهائی در فارس از خود بیادگار گذاشتند .

این بناها چنانکه گفته شد بتدریج رو بافرونی و آبادانی رفت
حتی چند قرن قبل هم کریم خان زند آثار گرانیهها در شهر شیراز
بنا کرد .

پل های عظیمی از زمان ساسانیان و آل بویه در فارس دیده
میشود که خود در فصلی مفصل صحبت خواهد شد .

شیراز - تحت مادر سایمان - این مکان در شش کیلومتری جنوب شرقی شیراز واقع و از عهد هخامنشی است

مشهد مرغاب - محل يك شهر هخامنشی که پایتخت کورش بوده و بازار کاد نامیده میشده است

هرودشت - در این مکان تخت جمشید و مکان قدیمی و شهر سلطنتی زمان هخامنشیان واقع بوده است .

نقش رستم - تقریباً در دو کیلومتری استخر در بدنه سمت جنوبی حسین کوه آثاری از عهد هخامنشی و ساسانی با کتیبه دیده می شود .

نقش رجب - در بین راه استخر و تخت جمشید آثاری از عهد ساسانیان بنظر میرسد .

دوتپه ماقبل تاریخ - دوتپه كوچك بدون نام در دو کیلومتری جنوب تخت جمشید یافت میشود که متعلق است بدوره قبل از تاریخ

استخر - محل شهر قدیم - محل استخر قدیم در سه کیلومتری حوالی تخت جمشید در داخل دره لولو آبر رود از عهد هخامنشی واقع بوده است بنای شیراز سخت ترین اطمه را با استخر در سال ۶۴ هجری ۶۸۴ میلادی وارد آورد که بزودی پایتخت تمام ایالت فارس گردید مخصوصاً بعد از قرن سوم هجری (۹ میلادی) بمنتهی درجه رونق و ترقی رسید از این وقت است که استخر رو با انحطاط میرود

کتاب فارسنامه ابن بلخی که متعلق با اوایل قرن ششم هجری ۱۲ میلادی

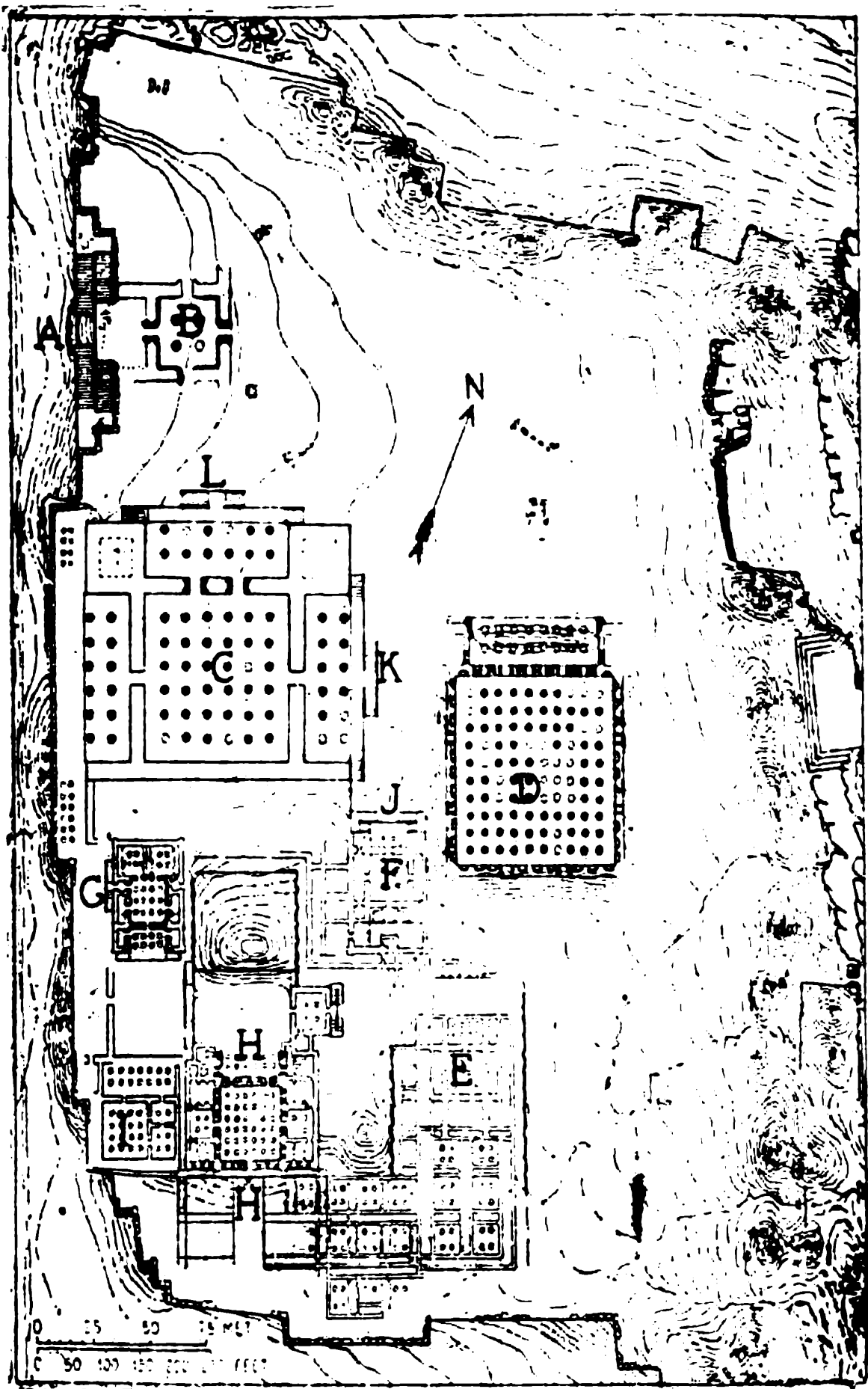
است استخر را قریه محقری که بزحمت چند نفر سکنه دارد معرفی
نموده است

غار موسوم به شیخ علی - در شمال غربی محل استخر تقریباً در
۶۰۰ متری دوات حاجر آباد کتیبه هائی است از زمان ساسانی که
معروف بغار شیخ علی « ۱ »



شیراز .. مسجد عتیق

« ۱ » چون بسیاری از کتب این موضوعات را مفصل شرح
داده اند و اغلب بک شکل و یا بک نظم هستند از تفصیل آنها خود
داری شد - دهرکان - تاریخ مشیرالدوله - فارسنامه مصری - شیراز نامه
آثار عجم .



نقشه - تۇزى جەشىدا

شیراز- خرابه‌های مسجد عتیق - در آخر بازار شیراز خرابه‌هایی از مسجد جامع عتیق بنظر میرسد که عمرو بن لیث بن مسجد را در نیمه دوم قرن سوم هجری نهم میلادی بنا کرده است

مسجدنوی - مسجد نوی شیراز را انابك سلفری سعد بن زنگی در نیمه دوم قرن ششم هجری ۱۲ میلادی بنا کرده است .

مقبره کریم خان زند - کریم خان این بنا را در قرن ۱۲ هجری بنا کرده و خود او در ۲۳ صفر سال ۱۱۹۳ هجری وفات نموده است هفت تن - این بنا که هفت نفر زهاد و متصوفه در آنجا مدفونند در عهد کریم خان زند ساخته شده

مدرسه خان - تاریخ این بنا مطابق کتیبه سال ۱۰۲۴ هجری است و در سال ۱۲۴۹ حاجی محمد صراف بنا را ترمیم نموده و در زمان اخیر حاجی میرزا علی اکبر قوام الملك نیز تعمیراتی در آنجا کرده است **مسجد وکیل** - کریم خان زند آنرا بنا نموده است در روی کتیبه که در دخول دالان واقع شده تاریخ مرمتش را سنه ۱۲۴۳ ذکر می‌کند.

شعیدیه - باغی است در خارج شهر شیراز و آرامگاه شاعر معروف شیخ سعدی است

حافظیه - آرامگاه حافظ در نزدیکی دروازه قرآن واقع شده **مقبره منسوب بدختر ادبک** - این مقبره از زمان صفویه است **قصر ابونصر** - این قصر واقع است در دو فرسنگی شهر شیراز و حجاری و آثارهای از زمان ساسانیان دارد .



مجسمه شاپور ذوالاکتاف

درغار شاپور کازرون

فسا - تپه‌هایی که اهالی محل آن را قلعه ضحاکی می‌نامند در
در صد قدمی شهر فسا "۱"
فرشبند - اراضی اطراف بنای کوچکی که دارای دو گنبد است
در سه منزل بطرف غرب فیروز آباد این بنا از عهد اشکانی و
ساسانی است.



تخت جمشید نقش رستم

فیروز آباد - در این مکان گورهای قدیمی از زمان اردشیر
پادشاه ساسانی بیادگار مانده است.

عمارت عهد ساسانی - این قصور از عهد ساسانیان خصوصاً

"۱" بقعیده فلاندن

اردشیر اول ساسانی است .

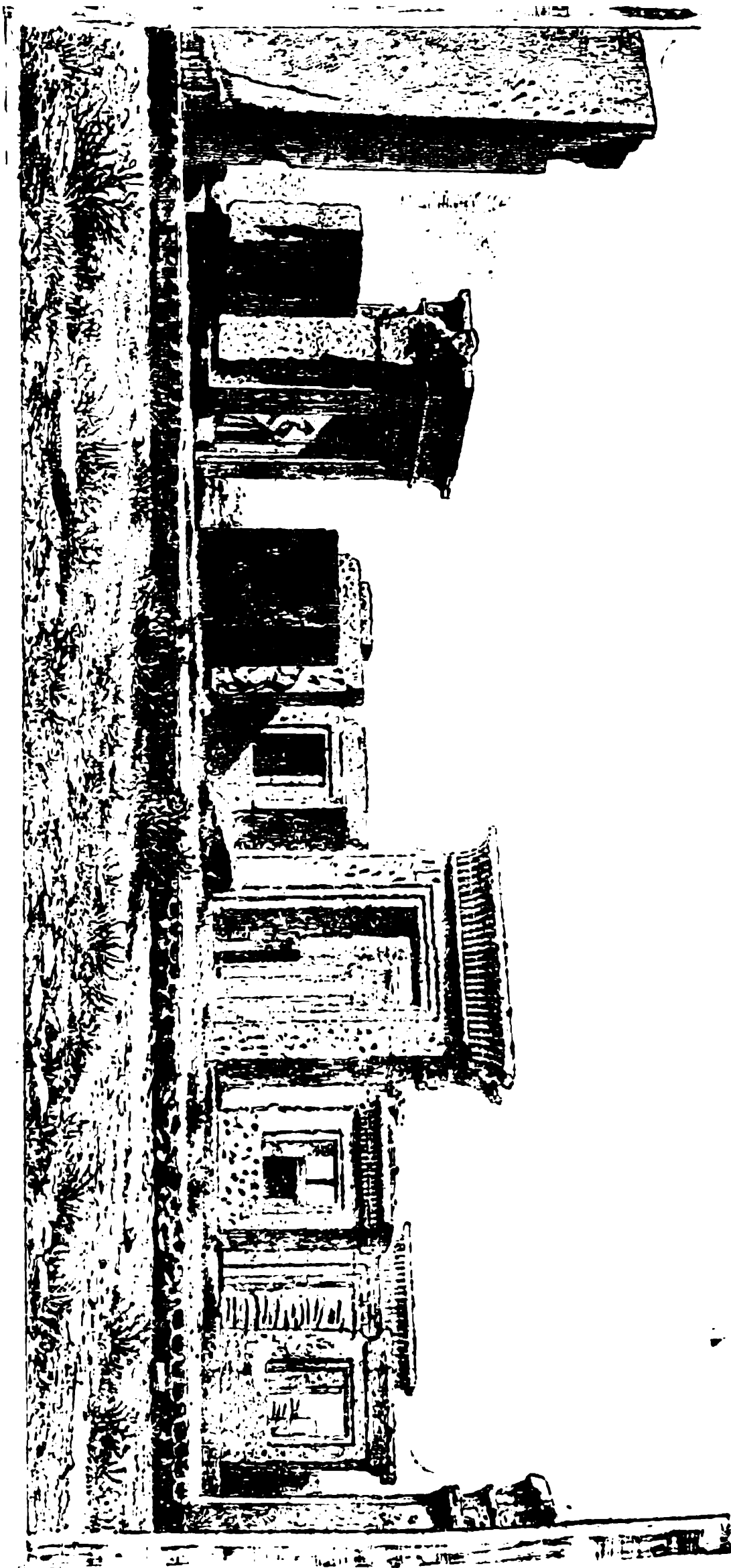
پل عهد ساسانی - این پل را افراسام وزیر اردشیر بابکان ساخته است مطابق کتیبه .

شاپور - شهر قدیم شاپور متصل است بآبهای رود شاپور که محوطه گل آن خاک شاپور خورا را تشکیل میداد .

شاپور خورا بمعنی عظمت شاپور میباشد که یکی از پنج محل



ایالت فارس بوده این ایالت که يك قسمت از فلات جنوبی ایران را در سواحل فارس تشکیل میدهد ملك زنان هخامنشی ها بوده و بعد از فتح اسکندر مجدداً فارس سر و صورتی بخود گرفت تا اینکه در زمان



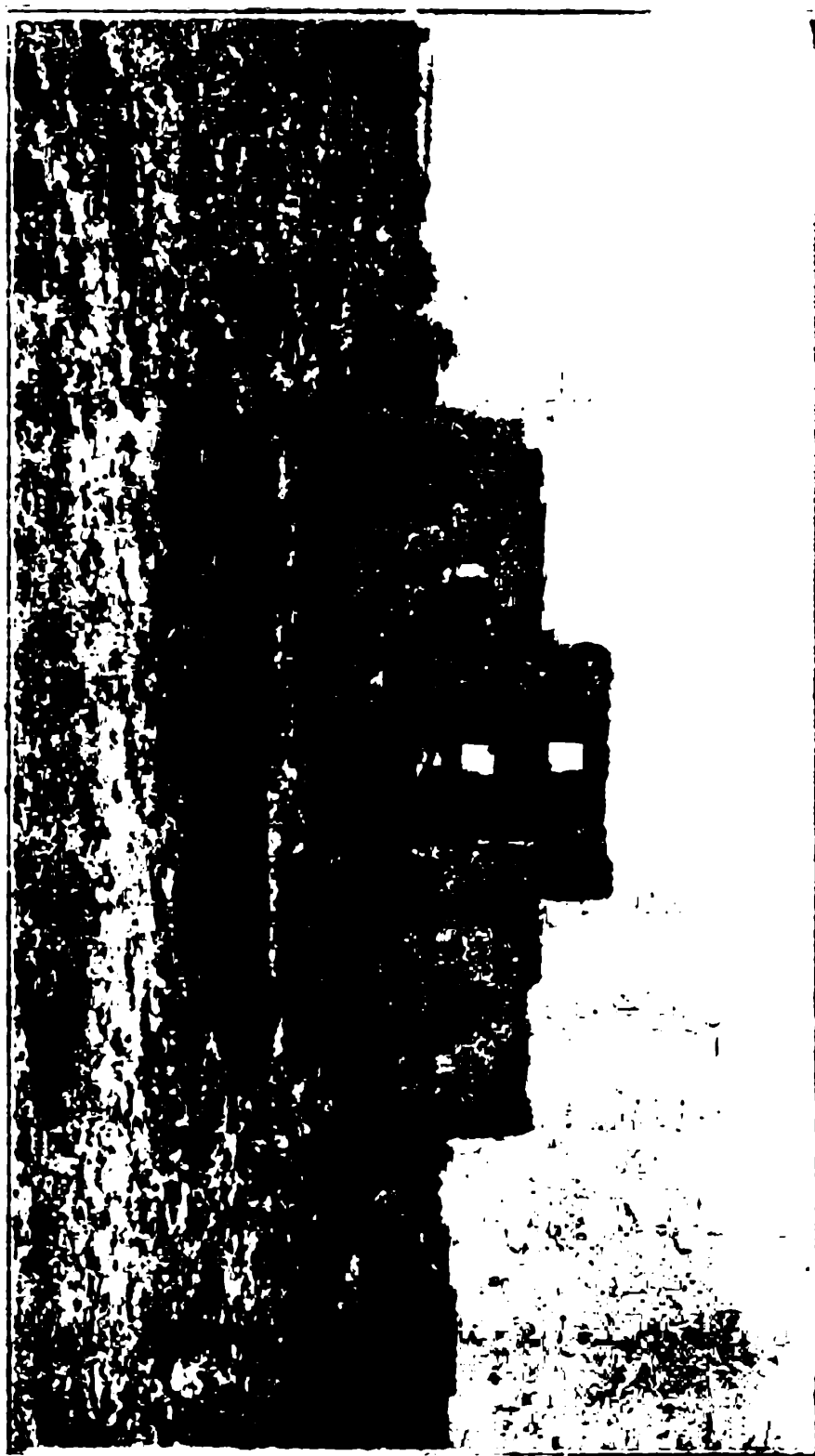
چپ دره حجاربه‌های دیواری است که هنوز بحال خود باقی‌مانده و بقدری این حجاربه‌ها معروف بوده که در قرن ۱۹ جلب نظر سیاحان را نموده است چنانچه موریه انگلیس ۱۸۰۹ در فارس ذکری از حجاری های دیواری کرده دیگر De Bode ۱۸۴۵ و فلاندن و گوست در ۱۸۵۱ و دیولافوا ۱۸۸۴ و در عصر حاضر پرفسور زاره و هرتسفلد این آثار را دیده‌اند در سال ۱۹۳۶ در مجله صنایع اسلامی تالبورایس يك مقاله باین آثار تخصیص داده است.

در شهر شاپور هیچ نوع حفاری بعمل نیامده است تا اینکه در سال ۱۹۳۵ با اجازه دولت ایران حفاری شد.

شهر بوسله رودخانه که دور آن را احاطه کرده است محدود باشد - در طرف شمال گردنه خرابه و نقاشی که شبیه بقعه نیسفون است.

حفاریات در دو محل شاپور یکی در اطراف آتشکده و محل دوم در محلیکه بنام نذر و نیاز معروف است تشکیل گردیده محل اول يك ساختمان مربع است که محیط آن ۱۴ متر میباشد سطح زمین آتشگاه سابقاً ۷ متر پائین تر از وضعیت فعلی را داشته است و برای این بود که مراسم آتش پرستی را در زیر زمین و از نظر مردم مخفی دارند و در زمینهای طالار يك دخمه طاق دار که دارای بیست پله کان میباشد بآن میرسد دیوارهای اطراف آن دارای سنگهای حجاری شده ضخامت دیوارها ۲۳۰ و لی دیوار شمال تقریباً محفوظ مانده است و دارای چهار ده متر ارتفاع میباشد و

در روی این دیوار دو حجاری موجود است که شکل يك گاورا که زانو
بزمین زده نشان میدهد چنانچه در سر ستونهای هخامنشی مشاهده میشود



کهکبلو - قصری از ساسانیان



• تخت جمشید - قسمتی از مدخل عمارت بحال کنونی از عهد خشایارشا

در روی زمین آتشگاه خاکسترهائی موجود است دلیل بر این که سقف آن سابقاً چوبی بوده . يك دالان شخص را بدھلیز هدایت مینماید و از دھلیز بوسیله درب وارد طالار اصلی میشود که هر درب دارای ۳۳۰ و بعرض ۱۶۰ است .

در زیر زمینهای طالار چوبهائی ساخته شده است که برای فاضل آب بکار میرفته وضعیت این آتشگاه کاملاً مانند آتشگاه های دیگر است که در ایران ساخته شده و خیلی شباهت تام به معبد آفتاب که در شهر Hatra واقع در بین النهرین است دارد و مانند آتشگاهی است در قصر شیرین و کل دختر در خراسان و همچنین در جیرانین و فیروز آباد و کازرون کلبه این آتشکده ها را يك شکل و هر کدام دارای چهار درب و رود ساخته اند . در بعضی از این آتشگاه ها در سقف آن يك سوراخ مشاهده میشود که در قصر شیرین بنام چهار قیو معروف و در فارس این آتشگاه ها بنام چهار طاق نامیده میشود . در دور اسلامی خانه های زیاد در اطراف آتشگاه ساخته اند

قسمت دوم در محل دو ستون سنگی ۵۲۵ متر غربی آتشگاه واقع است که در آن محل دو ستون کشف شد و خانه ها و خرابه های زیاد در اطراف این ستون سنگی یافت و دیده میشود ستونها از کمر شکسته و هر کدام از این ستونها دارای يك سرستون که خیلی قشنگ حجاری شده است میباشد طول این ستونها ۳۳۰ و قطر پایه آن ۷۰ و قطر بالا ۶۲ و روی یکی از این ستونها بافتخار شاپور اول کتیبه که بدو

زبان منقور شده است البته یکی کتیبه زمان ساسانی و اشکانی
متن کتیبه بزبان فارسی و بقراردیل است :

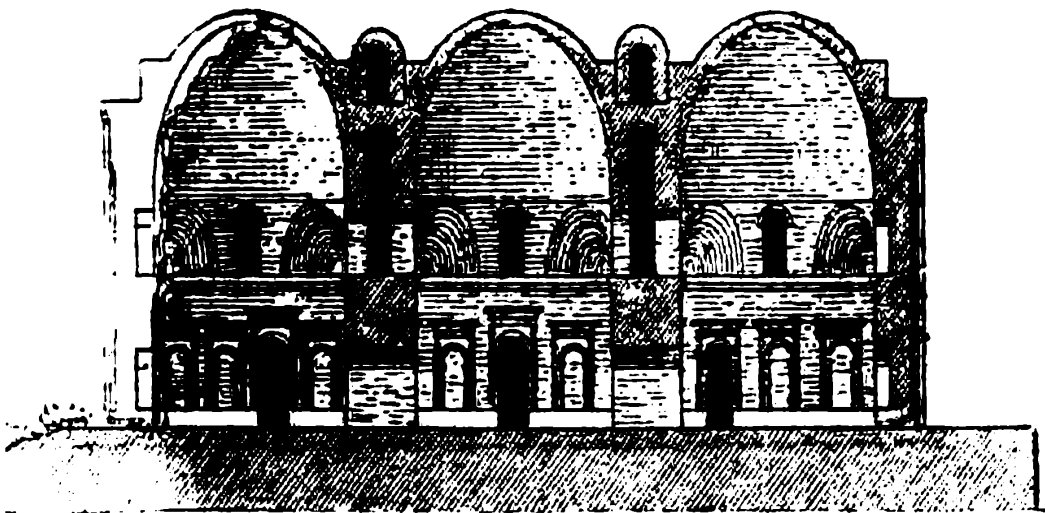


پل تنگ شیو

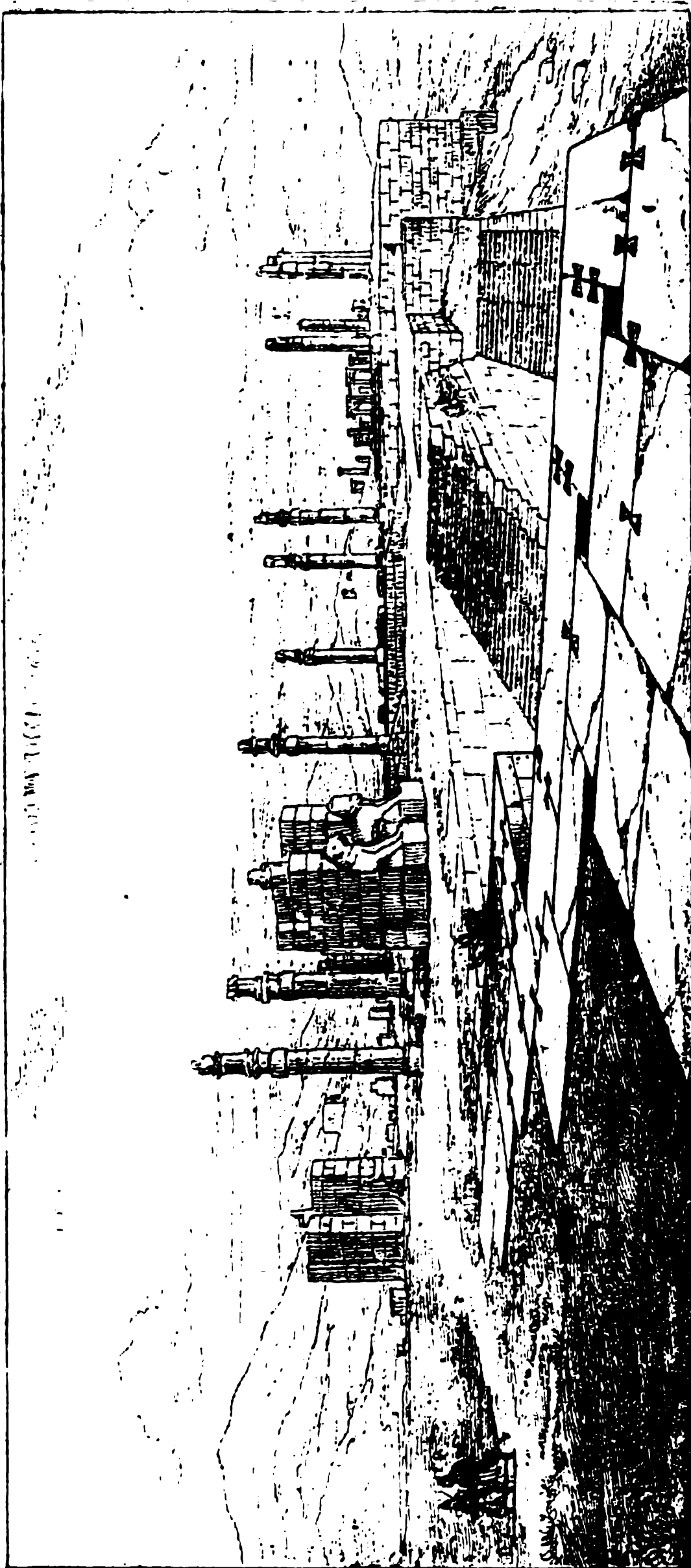
«درماه فروردین سال ۴۸ از تاریخ آتش اردشیر و ۳۰ از آتش
شاپور موبدان سال ۲۴ این مجسمه مزدا پرست شاپور خدا شاه شاهان



فراش آباد - آثار عمارت - دیولافوا

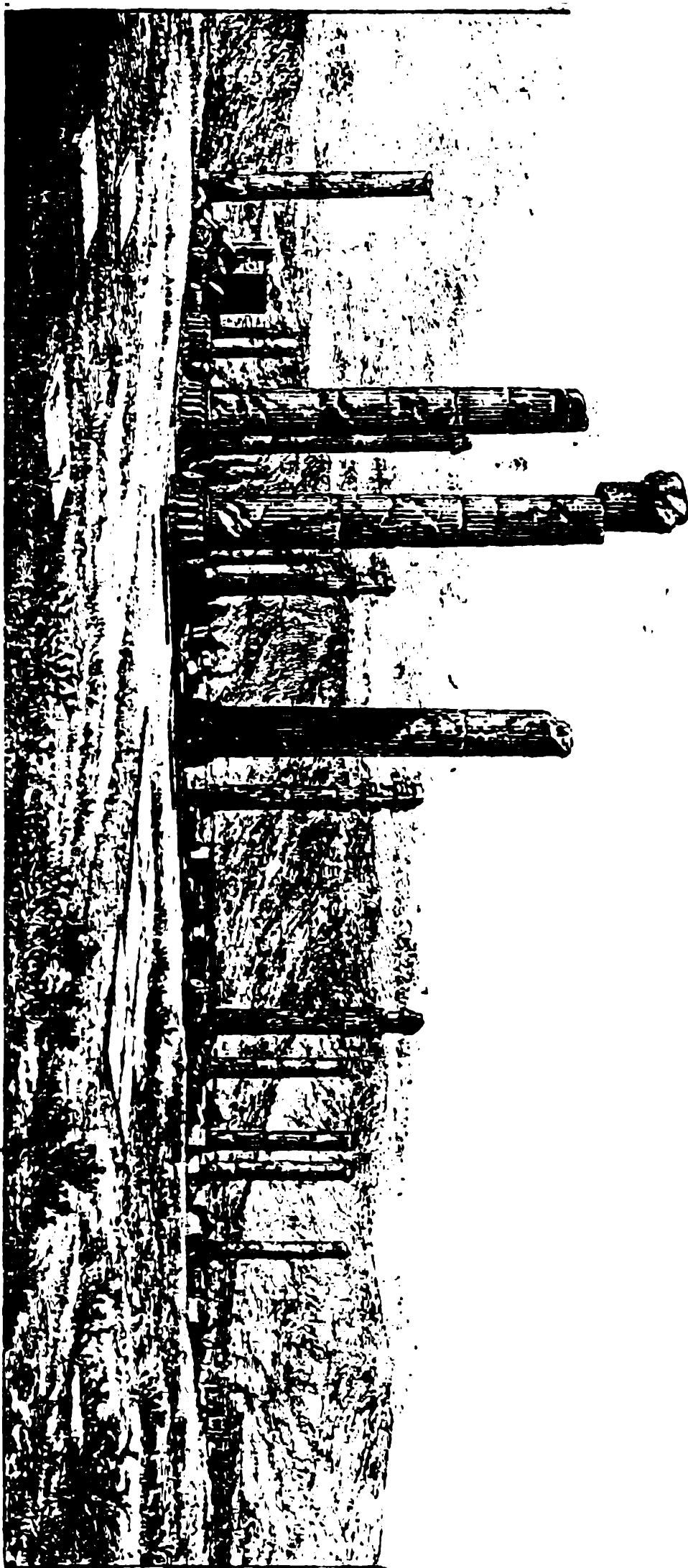


فیروز آباد - پیشانی اصلی قصر که بشکل سابقش از نو ساخته شده
فلاندن و گست



تخت جمشید - طرف شمال و غرب صفا قصر خنساپار شاه فلاندن و کست

نمونه ای از خرابه های تخت جمشید



ایران و ایران نژاد خدایان پسر مزدا پرست اردشیر خدا شاه شاهان
ایران نژاد خدایان نوۀ پاك خدا این آثار توسط آبا ساي منشی (دبیر)
از شهر هاران که شهر خانواده او میباشد برای پادشاه خود مزدا پرست
شاپور خدا شاه شاهان ایران و ایران نژاد خدایان ساخته است و قتیکه
شاه شاهان این مجسمه را دید به آبا ساي منشی خلعتها از طلا و نقره و
يك باغ و معبد بخشیده است

در سمت شمال شرقی جلگه شاپور تنگی است که آنرا تنگ چوگان
مینامند و رود خانه از میان آن میگذرد در سمت راست رود خانه دو
حجاری دیواری موجود است حجاری اولی سمت راست بارتفاع $\frac{1}{2}$ و
عرض ده ذرع و در روی آن صورت دو سوار را نقش کرده اند که شباهت
صورتهای نقش رستم دارد در زیر پای اسب شاپور یکی خوابیده و در
مقابل او شخصی زانو بر زمین زده است که در حال تضرع میباشد و گفته اند
این موضوع فتح والرین را نشان میدهد .

در طرف راست مکانی است که سیزده ذرع عرض آن است و $\frac{1}{2}$
ارتفاع دارد و صورت پادشاهی که سوار اسب است دیده میشود و ترکیبی
از پهلوی راست آویخته یک نفر پیاده از طرف راست که پایش زنجیر
میباشد و پادشاه دستش را گرفته و در زیر سم ستور اسب شخصی مشاهده
میشود و سه نفر از اهالی روم در جلوی اسب حجاری شده اند و یکی از
آنها بزانو در آمد و تضرع مینماید و در مقابل پادشاه ملکی است که
گویا از هوا آمده باشد و در دست او چیزی است مانند نصف حلقه و در



در و پنجره قصر داربوش اول - منظره درونی - دبولافوا

جلوی پادشاه پنج طاقچه سه در پائین و دو بالا که هر يك سه سرسیاهی
 دیده میشود که دست آنها حربه میباشد و در عقب پادشاه دو قسمت است
 کلیه آنها دست خود را پیش صورت برده اند و سابقاً خطوط پهلوی داشته
 که فعلاً از بین رفته است و ترجمه اش این بود:
 (هرمزد پرست شاپور شاهنشاه)

۳ در سمت راست مجلسی است که باز يك قطعه از کوه را صاف
 نموده و در روی آن صورتها نقر کرده اند در آنجا چند رشته صورت است
 که اکثر آنها اسب سوارند و همه مسلح میباشند و پادشاه نیز سوار
 میباشد و نیز صورت کالسکه را کشیده اند مانند نقوش که در تخت
 جمشید یافت میشود

۴ باز در سمت راست به مکانی میرسیم که چهار متر ارتفاع
 دارد و عرضش ۹ ذرع است و در آن صورت دو سوار دیده میشود
 که یکی از آنها تاجی مدرج بر سر نهاده و پری چند بر آن نصب
 کرده اند و گیسو بند نیز دارد و پارچه عریض در بر دارد که باد آنرا
 حرکت داده و حلقه در دست راست گرفته و بسوی سوار مقابل دراز نموده
 است و بر آن حلقه پارچه بسته اند که سوار مقابل دست خود را دراز
 کرده و آن پارچه را گرفته و این سوار هم تاج کنگره داری بر سر دارد
 و بر بزرگی بر آن زده است و دست چپ قبضه حربه دارد و دم اسب ها تاب
 داده اند و در پشت سر این سوار خطوط پهلوی نقش کرده اند که
 ترجمه آن این است: (این است نقش هورمزد پرست خداوندگار نرسر)

شاهنشاه ایران و ایران زاده آسمان پسر او اورمزد پرست خدایگان
شاپور نبیره اردشیر شاه شاهان)

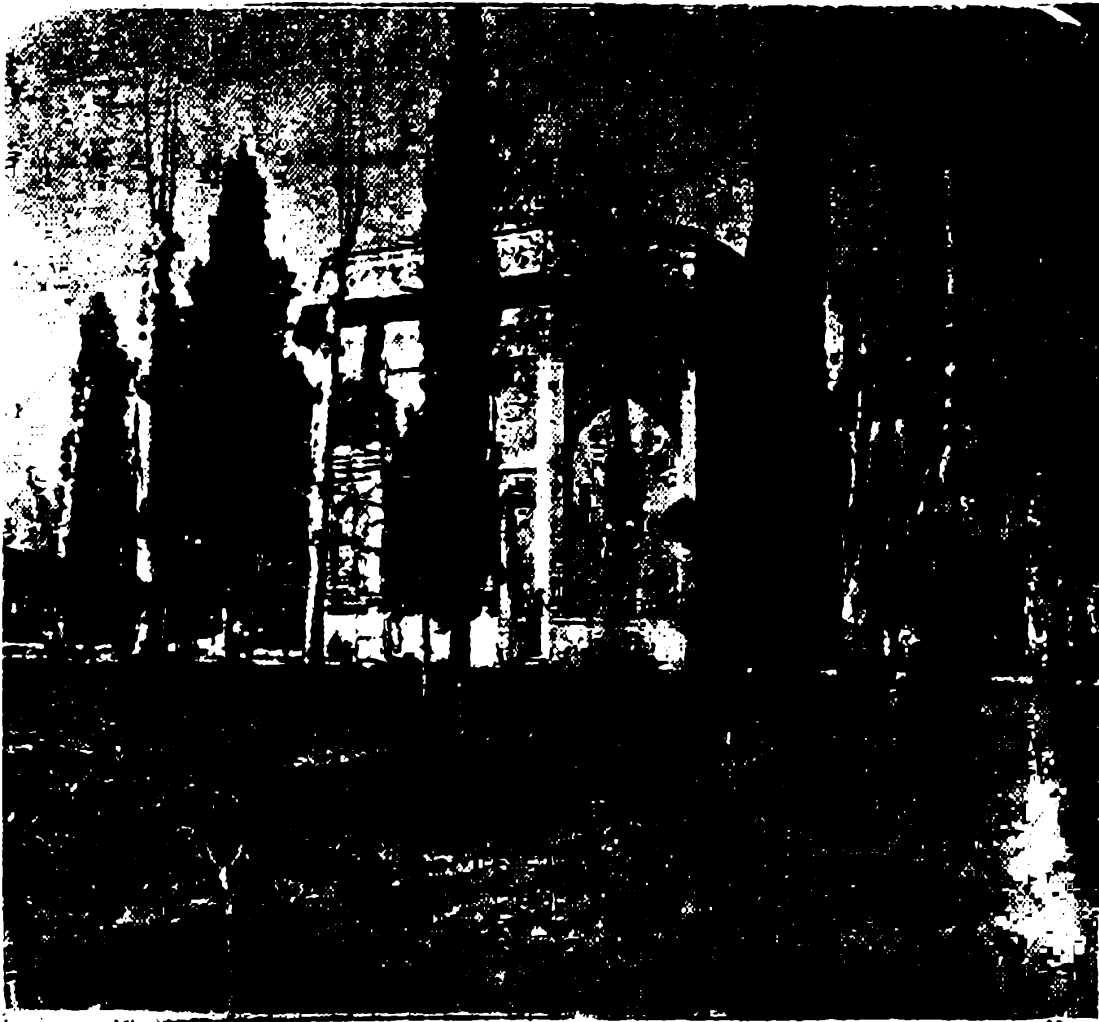
۵ بعد از آنها باز يك قسمت از کوه را صاف نموده که عرض آن ده
ذرع است و ارتفاع آن $\frac{1}{4}$ ۴ ذرع و سه مجلس را معلوم مینماید
يك مجلس بالا است و دو مجلس پائین در مجلس بالا صورت



شیراز - مسجد ائینق

پادشاهی است در وسط بر روی کرسی نشسته عصا و یا حربه در
دست دارد و در دو طرف پادشاه دسته مشاهده میشوند که دست راست
خود را مقابل صورت برده اند با انگشت اشاره مینمایند و سر خود را

همگی بزیر میاندازند و اینها مردان رومی می باشند و در سمت چپ عده
ایستاده اند که دست راست خود را بعقب کمره برده و در قسمت دوم سمت
راست شبیه باسبی است که زین در پشته دارد و یکنفر دهنه آنرا گرفته



مقبره کریم خان زند - موزه فعلی معارف

ایستاده و عده بقطار در عقب آن اسب دیده میشوند در سمت یائین
دست چپ یکنفر مانند میر غضب بنظر میرسد که بر روی هر يك از
دو دست او سر بریده است که گویا دو کسی را سر بریده است و صورت
چك طفل بسیار كوچك پهنوی آن میر غضب میباشد که با دو دست خود
دامان میر غضب را گرفته و باز در عقب شخصی است مانند جلاد و در
پشت سر آن عده هستند مثل اینکه از سپاهیان باشد

از تنگ چوگان که گذشت به ناودان که توابع کاژرون است
 میرسد پس از گذشتن کوه دخمه ایست که عرض آن ۱۷ ذرع و ارتفاع
 آن قدری کمتر میباشد و اصل آن مجسمه بزمین افتاده است که ناجی
 بر سر دارد طول مجسمه تقریباً ۸ ذرع و این مجسمه بر روی يك سنگ
 مکعب بسیار بزرگ قرار داده اند و معروف است که مجسمه شاپور
 میباشد در عقب آن مجسمه بمسافت چند قدمی دو حوض موجود بشکل
 مربع مستطیل بطول سه ذرع و عرض دو ذرع

فهلیان - خرابه های يك شهر سلطنتی در يك فرسخی غرب فهلیان
 از عهد هخامنشی دیده میشود این خرابه ها محتمل است بقرار عقیده
 مصنفین قدیم از طاووسه باشد.

لازم است در اینجا از تفضیل خرابه های ساسانی که فهلیان و
 خیر آباد و بهبهان است گفتگو کنیم در یکی دو تنگ از کهلیلو
 خرابه های بسیاری از گچ و سنگ متعلق بساسانیان مشاهده شده قصوری
 چند در سر راه با قراول خانه و برجهای دفاعی بنظر میرسد که اکنون
 بکلی خراب و مسکن چوپان در فصل چرامیباشد.

دارابگرد - در پنج کیلو متری جنوب شهر دارابگرد قلعه درب
 واقع است در افسانه های ایرانی بنای این شهر را بداراب میدهند (داربوش
 سوم کدومن میباشد) «۱»

در موقع مشاهده این خرابه ها چون انسان می بیند که بعضی دیوار
 ها شکل و علائمشان محو شده و بعضی دیگر بخوبی محفوظ مانده

«۱» نقل از هوار در دایرة المعارف اسلامی فصل مربوط
 بدارابگرد.

دو فرض بخاطر میآید با خرابه های مذکور مربوط بزمان داریوش نیستند با حصار فوق الذکر که توسط شاهنشاه مزبور برای قرون بعد نهاده شده بود مجدداً تحت سلطه و اقتدار یکی از شاهزادگان ساسانی در آمده است چون ناچار یکی از این دو فرض را انتخاب نموده شاید اختیار فرض ثانوی بهتر باشد چون از قلعه پشت شمال شرقی طی طریق گردد پس از یکساعت و نیم راه بپشمه قشنگی میرسیم که آب آن در حوض وسیعی جمع میگردد از حیث آلودگی یکی از نخه سنگها حجاری بزرگی متعلق بعهد ساسانی وجود دارد .

سروستان - قصور ساسانی درشش کیلومتری دهکده جدید سروستان
امروزی واقع شده
فیریز - دارای مسجد جمعه قدیمی است که محراب اولی مسجد
در سنه ۳۶۳ هجری ساخته شده .

فهرست

۱۷۷'۹۹'۹۸'۹۲'۹۱'۹۰'۸۴'۱۵'۱۴	آبادان
۱۸۵'۸۸'۸۷'۸۳'۴۳'۲۸'۱۸	آبدیز
۱۲۸'۱۱۷'۱۱۵'۱۰۹'۱۰۸'۱۰۷'۱۰۲'۱۰۱'۳۱	آباده
۱۲۱	آبدان
۴۳'۴۲	آب زلال
۱۰۲	ابر قو
۱۵۵'۱۰۸	ابراهیم آباد
۱۲۸'۱۰۹	ا برج
۱۳۳	ابوالعرا بید
۱۳۴	آب پخشان
۱۶۸	آب باریک
۱۶۶	آبدانان
۱۸۷'۱۸۶'۱۸۳	ابوالفارس
۱۸۴	آب شیرین
۱۱	آبکند
۳۹	آجی جای
۱۱۲'۱۰۶	احمد آباد
۶۷	اخته چی

۵۵'۴۹'۴۸'۴۷'۳۹'۳۷'۲۳.۱۲'۱۸'۱۲'۱۰

آذربایجان

۱۴۱'۱۴۰'۱۳۳'۹۴'۷۱'۶۹'۶۸'۶۶'۶۳'۵۷

۲۳۸'۲۳۶'۲۳۳'۲۳۰'۲۲۴'۲۱۶'۱۶۵'۱۵۱

۲۴۸

۱۳۲'۵۷'۴۹'۲۳'۲۱'۷

آزارات

۲۶۸'۲۵۵'۶۶'۶۳'۴۴'۲۳

ارمنستان

۳۲۸'۳۲۷'۱۸۰'۱۱۰'۱۰۹'۶۲'۶۱'۳۲

اردکان

۱۸۲'۱۱۷'۳۳

ارسنجان

۶۸'۶۳'۳۹'۳۸'۳۷

ارس

۱۱۴

اربعه

۳۸

آراکس

۲۲۴'۱۹۴'۱۴۶'۱۴۴'۱۲۸'۹۴'۷۰'۶۹.۳۹

اردبیل

۲۵۳'۲۴۵:۲۳۶'۲۳۵'۲۳۴'۲۳۳

۶۳

ارمن

۶۵

ارونق

۸۰

آرم دره

۱۳۲'۹۰

ارز روم

۱۶۸

ارنا

۳۲۵'۳۰۹'۳۰'۲۷۷.۱۸۳

ارجان

۲۱۶

اران

۲۶	ازمیر
۱۸۰'۲۳	آسیای صغیر
۳۹	آستارا
۱۰۷'۴۱	اسدآباد
۱۵۶'۱۵۴'۱۵۳'۱۵۲'۷۲'۷۱	اسفندآباد
۹۶'۹۴	استراباد
۱۲۲'۱۱۴	اسیر
۱۸۰'۱۰۸	اسفنداران
۱۱۲	اسمعیل آباد
۴۳۰'۳۲۸'۲۲۸'۱۳۰'۱۲۸	استخر
۱۱۲	اسلامبول
۲۵۷'۲۲۵	اساوله
۳۰۹'۳۰۱'۲۲۷	اسک
۸۰'۲۹	اشتران کوه
۲۵۵'۲۳۶'۱۵۰'۱۴۰'۱۳۶'۶۶	اشنویه
۱۳۱'۱۳۰'۱۲۸	اشکنوان
۷۷	اشترینان
۲۰۹'۱۹۴'۱۷۲'۱۶۹'۱۰۹'۱۰۷'۷۸'۱۸	اصفهان
۳۲۵'۳۲۳'۳۱۰'۳۰۶'۲۲۱'۲۱۹'۲۱۳	

۱۲۸'۱۲۷	اصطهبانات
۱۸۰'۱۱۴'۱۱۳'۱۰۹	افزر
۲۲۵'۱۵۶'۱۵۲'۷۱'۷۰'۵۷	افشار
۱۶۷	افزینهرود
۱۳۷'۱۳۴	آفری داغ
۱۶۳	آق باغ
۱۴۴'۳۸	آق چای
۴۸'۴۶	اقیانوس اطلس
۴۶	اقیانوس هند
۱۳۵'۲۳	آق داغ
۲۶۵	ا کباتان
۱۳۳	الحد
۱۶۷'۱۴۸'۱۴۰'۷۶'۶۰ ۴۲	الشر
۷۹	الیکودرز
۱۰۰'۸۹'۸۳'۸۲'۴۶'۱۸	البرز
۱۸۶'۱۳۴'۸۱'۸۰'۴۱'۴۰'۳۴'۲۸'۱۲'۱۱	الوند
۲۷۴'۲۷۲'۲۷۱	
۱۰۶	امیری
۱۱۲	امامزاده شاهی
۱۵۰'۱۰۷'۷۲	امیر آباد
۱۳۳	ام الحیر

۱۸۷	امامزاده بابا احمد
۶۵	انزاب
۶۶	اتزل
۶۸	انکوت
۳۸	اندر آب
۱۸۹، ۱۰۶	انجیره
۳۰، ۲۲	انجیر کوه
۳۰	انارک داغی
۱۳۵	اوارین
۱۶۸	اورده
۲۱۶	اوجان
۲۳۶	اورشلیم
۶۸	اوروم دل
۷۲	اوزان سقل
۲۳۶، ۶۶، ۴۸، ۳۹، ۷	اورمیه
۲۵۳، ۲۲۵، ۱۵۵، ۱۳۵، ۷۲، ۵۹، ۵۷، ۴۱	اورامان
۱۳۷، ۶۶	اواجق
۶۹، ۶۷	اوج نیه
۴۲	اوکنی
۱۴۵، ۷۰، ۳۹	اوجارود

. ٦٨'٣٨

اهر

٣٠١'٢٢٧'٢١٣'٩٢'٩١'٩٠'٨٩'٧٨'٨٧'٨٥

اهواز

٣١٠'٣٠٩'٣٠٨

٢٢٣

اهر

١٥٤'١٣٥:١٤

آهنگران

٣٠٩'١٦٣

ایوان

١٢٨'١٢٧

ایج

٣٤'٣٢'٢٦'٢٥'٢٣'٢٢'٢١'١٧'١٤'١٣'١٠'٩

ایران

٣٥'٣٧'٤٦'٣٨'٤١'٤٢'٤٣'٤٦'٤٧'٤٨'٤٩'٥٠

٨٩'٨٨'٨٥'٨٢'٧٦'٧٣'٦٨'٦٧'٦٥'٥٤'٥٣'٥١

١٣٦'١٣٤'١٣٣'١٣٢'١٢٨'١٠٠'٩٩'٩٦'٩٢'٩٠

١٩٤'١٩٢'١٨١'١٩٧'١٥١'١٥٠'١٤٨'١٤٠'١٣٨

٢١٣'٢١٠'٢٠٩'٢٠٧'٢٠٥'٢٠٣'٢٠١'٢٠٠'١٩٦

٢٦٠'٢٥٥'٢٤٤'٢٣٢'٢٣٠'٢٢٤'٢١٩'٢١٧'٢١٥

٢١٨'٢٨٥'٢٨٢'٢٧٩'٢٧٧'٢٧٦'٢٧٥'٢٧٣'٢٦٧

٣٤٥'٣٣٥'٣٢٧'٣٢٠

٣٢٥

آینا

١٠٧'١٠٦

ایزد خاست

٢٢٧'٤١٠'٣١٣'٣١٢'٨٣

ایده

١٨٣

باشت

٢٥

باقر داغی

۲۹	بادوش
۳۲۶	باغ ملک
۳۹	بالمارود
۶۳	باد کوبه
۶۳	باجروان
۵۶	بار اندور
۷۲، ۷۱	بانه
۷۴، ۷۳	بالا دربند
۱۱۲	باغ دشت
۱۱۲	بالا ده
۱۱۲	باغ ترنجبی
۱۱۲	بادخون
۱۱۶	بازر
۱۲۱	باغان
۱۳۷	بازر که
۸۱	باوند پور
۹۴	بارفروش
۲۸۹، ۲۸۶، ۲۰۱، ۱۰۸	بابل
۱۰۸	بام
۱۱۰	بابا کیان

٦٤	باباجيك
١٤٤	باقرلو
٤	بحر احمر
٢٨٥'٩٤'٧٨'٦٣'٤٦'٣٩'٣٨'٣٧'٢٣'٧'٦'٤	بحر خزر
٤٨'٣٥	بحر الروم
١٠١	بختگان
٨٣-٨٢-٦١-٥٤-٤٤'٤٢'٣١'٣٠'١٨'١٧'١٤	بختباری
١٢٨-١٠٩-١٠٢-١٠٠-٩٦-٩٥-٨٤	
٢٠٠-٢٢٦-٨٧-٨٠-٧٩-٧٨-٧٧-٧٥-٦٠-٣٥	بروجرد
٦٩	بروانان
١٧١-٧٩-٧٨	بربرود
٢	برزیل
٢٥	بردسیر
١٠٦	برمه دلك
١١١	برکی
١٢٣	برازجان
١٣٦	برده سوان
١٢١	بردستان
١٣٥	برنیاں
٢٤	بزگوش

۱۲۱	بشکان
۱۱۹-۱۱۶-۱۰۲	بشاگرد
۱۱۹-۹۱	بصره
۱۳۳	بصری
۲۶۰-۲۴۹-۲۳۹-۲۱۶-۱۵۲-۱۳۲-۷۳-۷۵	بغداد
۲۹۱-۲۲۶	بکسابه
۱۲۱-۸۱	بلوک
۵۲	بل
۱۱۹-۱۰۰	بلوچستان
۱۰۷	بم‌نار
۶	بمپور
۳۳	بندر لنگه
۴۲	بند قیر
۶۶	بناب
۷۰	بنی‌کندی
۹۲-۹۱-۷۴	بنی‌طرف
۹۳	بندریهلوی
۹۴	بندر جز (بندر شاه)
۱۰۷	بندک

۱۲۱-۱۲۰-۱۰۲-۴۷-۳۲	بندر عباس
۱۲۵-۱۲۴-۱۱۱-۱۰۶-۱۰۲-۱۰۰-۶۱-۴۷-۳۲	بوشهر
۱۸۲-۱۱۴	بوانات
۱۷۷-۹۰-۸۹	بهم شیر
۱۸۵-۱۸۴-۱۸۳-۱۷۲-۱۰۲-۹۱-۸۹-۶۲-۶۱	بهبهان
۳۲۶-۳۰۶-۳۰۱-۲۲۷-۱۸۷-۱۸۶	
۶۷	بی
۶۹	بهمن
۷۱	بهار
۶۷	بیطوش
۳۲۵	بی خاتون
۲۶۸-۲۶۶-۲۶۵-۲۶۰-۲۲۵-۲۱۰-۴۱-۲۹-۱۱	بیستون
۱۵۰-۶۶-۶۳-۵۷-۳۵-۲۵-۲۳-۱۷-۱۵-۴	بین النهرین
۳۴۰-۲۹۱-۲۸۹-۲۸۸-۲۷۳-۱۷۷-۱۷۴-۱۵۱	
۲۳	بینار داغ
۲۲۹-۲۲۶	بیت بوناکی
۳۰	بی آب کوه
۱۱۱	بیکرزی
۱۴۳	بیدخون
۱۳۷-۱۳۶	بیچاره

۱۳۵

۱۶۱

۱۰۶

۱۰۸

۱۱۰-۱۵۸

۱۲۶.۱۱۴

۲۵

۲۵

۶۰

۷۴-۷۳

۱۸۰-۱۰۹

۱۳۵

۳۲۹-۲۴۳..۲۲۸.۲۰۷

۳۲۵

۲۷۴.۲۷۲.۲۴۶.۲۰-۱۶

۲۶

۱۰۸-۱۰۱

۸۱'۷۵'۶۱'۶۰'۴۱.۳۰'۲۸,۲۷'۱۹'۱۶'۱۵'۱۴

۲۹۳'۲۹۱'۲۸۳'۲۲۶'۱۷۱'۱۶۶'۱۶۹'۸۵'۸۳

۳۰۹'۲۹۸'۲۹۷'۲۹۶

۱۰۸	پشت باغ
۱۲۱	پشت بار
۱۶۰-۱۵۵	پشت تنگ
۱۵۹	پشته کیلان
۱۷۱	پشندگان
۳۸	پل خدا آفرین
۴۲	پل گاومیشان
۴۲	پل تنگ
۶۰	پل کر دختر
۱۵۶	پل برنجی
۲۵۳-۱۵۵-۱۵۳-۱۵۲	پلنگان
۱۵۹	پل خدا امام حسن
۱۸۹	پل مورد
۳۱۰	پل شالو
۳۱۰	پل برکون
۳۲۵	پل خراسان
۲۹	پونه کوه
۱۶۶-۷۷-۷۵-۶۰-۳۰-۲۹-۲۷-۱۶-۱۵-۱۴	پیشکوه
۳۰۹-۲۹۸-۲۹۶-۲۹۳-۲۸۴	

۷۲	پیر تاج
۱۵۶	پیر محمد
۱۶۰	پیران
۲۴	تاشلی داغ
۳۲	تارانچی
۴۰-۳۹	تاتانوجای
۱۴۹	تازه کند
۲۳۳-۲۳۰-۲۲۴-۲۱۸-۲۱۶-۶۹-۶۸-۶۷-۶۵-۶۳	تبریز
۱۲-۱۱	تبیس
۶۴	تخت سلیمان
۲۱۲-۲۱۰-۲۰۹-۲۰۱-۱۹۴-۱۳۱-۱۰۸	تخت جمشید
۳۲۹-۲۵۷-۲۲۸	
۱۵۰-۱۳۲-۶۶-۶۵-۶۴-۶۳-۲۷-۲۱-۱۲	ترکیه
۷	تروس
۱۵۰-۱۴۸-۱۳۶-۶۶	ترکور
۲۵	تکلتو
۷۰	تکان تپه
۱۸۴-۱۸۳-۶۲	تل خسرو
۶۲	تنک ماغز
۳۲۵-۱۰۲	تنک تکاد
۱۰۹	تنک چنار

۱۱۳	تنك كلاه
۱۱۴	تنك باد
۱۲۱	تنك رود
۱۲۳	تنكستان
۱۳۵	تنك حمام
۱۷۰	تنك سراي
۱۸۰	تنك روديان
۳۰۳-۳۰۲-۳۰۱-۲۲۷	تنك سروك
۳۵۰	تنك چوكان
۶۷	تورجان
۸۰-۷۹	توسركان
۱۸۹	توكل آباد
۲۹۱-۲۲۶	تورسك
۱۵۲-۷۱	تيله كوه
۱۳۴	تیب
۱۰۲-۶۲	جانكي
۱۷۱-۷۹-۷۸	جايلق
۱۱۹-۱۰۰	جلمسك
۱۰۹	جاري آباد
۳	جبل الطارق
۴	جبل لبنان

۹۱	جراحی
۱۸۱-۱۱۲-۱۱۱-۱۱۰-۱۰۹	جره
۱۱۱	جمله
۳۰۸-۳۰۱-۲۲۷-۸۷	جندی شاپور
۱۰۹	جنان
۲۲۹	جنگون
۱۵۶-۱۵۵-۱۵۴-۱۵۲-۱۵۲-۵۷-۴۱	جوانرود
۱۳۰-۱۲۶-۱۱۸-۱۱۳	جویم
۱۸۲-۱۲۹-۱۱۶-۲۳	جهرم
۱۰۸	جهان آباد
۱۱۶	جیرفت
۶۴	چای باره
۶۴	چای باسار
۶۴	چالدران
۱۸۰-۱۱۰-۱۰۹-۶۸	چاردانگه
۷۱	چاردولی
۷۹	چالان جولان
۱۱۴	چاه مینا
۳۱۰	چارو
۸۰	چرم رود

۱۸۷	چشمه امیر خان
۳۱۰	چشمه روغنی
۱۶۷-۷۶-۶۰	چگنی
۴۰	چمیس آوه
۴۰	چم لاوین
۴۰	چم مبین
۱۳۵	چم برآره
۱۶۸	چم گز
۱۸۷	چم سیاه
۱۸۷	چم مناف
۱۸۷ .	چم نظامی
۱۸۸	چم کگل
۸۱-۷۷	چواری
۶۴	چورس
۱۸۹	چول
۳۲۳-۲۲۷	چوخه زنبیل
۱۷۰-۱۶۹-۴۴-۲۵	چهل چشمه
۱۲۹-۶۵	چهریق
۸۳	چهار محال
۳-۲	چین

۱۰۹	حاجی آباد
۱۳۶	حاجی ابراهیم
۱۵۶-۱۱۵-۱۱۲-۱۰۷-۱۰۶-۸۱	حسین آباد
۱۰۹	حسام آباد
۱۱۵	حسامی
۱۴۴	حسن قشلاقی
۱۳۴	حمزین
۱۷۷-۱۷۶-۱۳۴-۹۲-۹۱-۸۶-۸۴	حویزه
۱۳۵	حوش کوری
۱۲۴	حیات داود
۲۴	خاله داغ
۳۰۰	خایدالو
۳۳	خاتون
۴۱	خانه قشلاق
۱۸۰-۱۶۷-۸۱-۷۷-۶۰	خاره
۶۹	خاندبیل
۲۵۵	خانه
۱۰۱	خان خوره
۱۰۶	خاتونک
۱۱۹	خان سرخ
۱۳۵	خانقین

۱۳۶	خان احمد
۳۴۰-۹۶-۸۸-۶	خراسان
۱۷۱	خرم دره
۱۷۷-۱۷۵-۹۲-۹۱-۹۰-۸۹-۸۸-۸۴-۷۸-۱۴	خرم شهر
۲۹۹-۲۲۶-۱۴۰-۱۳۲-۸۷-۷۸-۷۷-۷۶-۶۰-۲۹	خرم آباد
۳۳	خرمن کوه
۱۵۵-۱۵۳-۱۵۲-۷۱-۴۰	خرخره
۸۱	خزل
۱۳۳	خزعلید
۱۸۰-۱۱۱-۱۱۰-۱۰۹	خشت
۱۲۸-۱۰۸	خضرك
۱۸۱-۱۱۳-۱۰۲	خضر
۱۷۶	خفاجیه
۹۴	خلیج حسینقلی
۱۰۷-۱۰۴	خلز
۸۳-۷۸-۵۱-۴۱-۳۵-۳۲-۳۱-۲۱-۱۹-۱۳	خلیج فارس
۱۲۳-۱۲۰-۱۱۸-۱۰۶-۱۰۱-۱۰۰-۹۰-۸۸	
۱۲۴	
۶۸-۶۷	خلخال
۱۱۴-۱۰۳-۷۱-۶۳	خه-ه
۱۸۰-۱۱۴-۱۱۳-۱۰۹	خنج

خوزستان ۴۷'۵۴'۴۲'۴۱'۳۵'۴۲'۳۰'۲۲'۱۹'۱۸'۱۷'۱۵

۹۶'۹۵'۹۲'۹۱'۸۸'۸۵'۸۴'۸۳'۸۲'۶۲'۶۱'۵۱

۳۰'۱'۲۲۷'۱۸۳'۱۸۱'۱۷۴'۱۶۹'۱۴۰'۱۰۰

۳۲۷

۲۴

فورنداع

۹۴'۶۵'۶۴'۳۸

خوی

۶۹

خوزش رستم

۱۲۴

خوروج

۱۲۶

خواجه

۱۱۰

خونش سکان

۱۵۰'۱۱۷'۱۰۰'۱۴

خیرآباد

۱۰۶

دار دشت

۱۰۹

دانگ

۳۵۰-۲۲۹-۱۸۲-۱۱۸-۱۱۵

دارابگرد

۲۵

دانی قاشان

۳۳

دالو

۱۸۱'۱۳۰'۴۴

دالکی

۱۸۱'۱۳۰-۴۴

داراب

۱۳۶

دارالان پر

۱۶۰

دارچم

۳۰۷-۲۲۷

داورک

۲۴۶	داراوشا
۲۴۶	دارایاس
۴۱-۴	دجله
۶۳'۴۸	دریای سیاه
۸۰	دره بالا
۹۰۸	درود
۱۱۲	دره سیاه
۲۹-۱۷	دریا کوه
۴۲	در خزینه
۱۷۱-۱۱۳-۱۶۱-۱۵۰	در بند
۲۸۳.۲۹۷-۲۹۵'۲۲۶	دره شهر
۲۲۷'۲۱۳'۱۷۸'۱۶۸'۸۹'۸۸'۸۷'۸۵'۸۴'۸۳'۲۸	دزفول
۳۰۸'۳۰۱-۲۹۶'۲۹۵	
۱۲۹	دز آب
۷۲	دشت نال
۱۰۶	دشت چنار
۱۰۹	دشتك
۱۱۲	دشت وال
۱۸۰-۱۲۱-۱۲۰-۱۱۲	دشتی

۱۸۰'۱۲۵'۱۲۱

دشتستان

۱۸۷

دشت خضر

۱۹۸

دشت برم

۱۳۳

دعيجي

۵۱

دلفان

۳۳

دلشېن

۱۲۰

دم ده

۱۳۰

دنبه

۱۰۱'۳۲'۳۱

دنا

۶۶

دول

۶۸

دو دانگه

۸۰

دولت آباد

۱۳۴'۱۳۳

دوبرج

۳۱۰

دوپلون

۳۲۵-۲۹۶-۳۲۳-۲۲۷-۱۸۷'۱۲۹'۱۱۵'۶۲

دهدشت

۱۸۸-۱۲۲

ده شېخ

۱۱۰

ده پيد

۱۱۲

ده باگه

۱۱۳

ده بم

٢٩٦'١٦٨'٨٢'٨١'١٤

٤١-٢٩-٢٨-٢٦

٣٠

٢٤٦'١٠٧'٤٤

١٨٠

١٨٩

٣١٠

١٣٠

٩

٤١-٤٠-٢١

٦٨

٢٦٢-٢٥٨-١٦٣-٧٤-٧٣

٢٥٥'١٥٢

١٥٢

١٨٩

١١٠'١٠٨'١٠٣

٩١'٨٩'٨٤'٨٧.٣٠١-٢٢٧'١٧٧-١٠٢'١٨'١٤

١٠٠'٩٧'٩٥

۸۶	رخش آباد
۱۵۵	رستمیان
۱۳۴	رشید داغ
۲۲۴'۱۵۱'۱۴۳'۱۳۶'۱۰۹'۷۰'۶۷'۶۶'۶۵'۶۴	رضائیه
	۲۳۶
۷۶	زمشکان
۳۸	زوسیه
۷۷'۷۶'۴۲'۵	زود بار
۱۲۴'۴۳	زود کور
۱۵۵'۱۵۳'۷۴'۷۲'۵۷	زوانسر
۶۶	زوضه
۱۸۲	زودان احمدی
۲۲۵	زواندروز
۴۱	زبان
۱۰۹	زبجان
۱۳۶	زبب
۲۸۵'۲۷۲'۹۵'۵۷'۴۱'۳۱'۲۶'۲۴'۲۳'۱۲'۴	زاکرس
	۲۹۸
۲۹	زاعه

٤

٦٣'١٦٢'١٥٥'١٥٤'١٥٣'٧٥'٧٤-٧٣.٥

٢٩٦-٢٧٢-٢٧١-٢٧٠

۱۲۱'۱۲۰'۱۱۹	زیارت
۱۳۶	زینوئی
۱۸۸	زیر فاریاب
۱۵۵'۷۲	ژاو رود
۱۵۲'۷۲'۷۱'۴۰	سارال
۹۴	ساری
۱۷۶	ساعدی
۱۸۰	ساره
۲۳۴'۱۲۸'۷۰'۶۹'۲۴	سبلان
۱۱۸'۱۸۲	سبغه
۹۴	سخت سر
۱۱	سردار آباد
۲۴	سردار بلاغ
۳۰	سر آب کوه
۱۶۸'۱۵۸'۶۹.۶۷	سر آب
۷۲	سر شیو
۸۰	سرکان رود
۳۵۱'۲۲۹'۱۸۲'۱۱۸'۱۱۷	سروستان
۱۱۹	سرخان

۱۳۵	سرام
۱۳۶	سبز کونل
۱۵۶	سرچنار
۱۵۸	سر تنک
۱۶۸	سر طرحان
۳۳-۳۱-۲۹	سفید کوه
۴۰-۳۸	سفید رود
۲۵۵-۲۵۳-۲۲۵-۱۵۶-۱۵۲-۱۴۳-۱۴۰	سقر
۲۶	سگبیره داغ
۶۴	سکمن آباد
۱۴۸-۱۴۰-۶۶	سلدوز
۳۱	سلدرون
۲۳۸، ۲۲۴	سلماس
۲۵۱-۲۴۹-۲۲۵-۲۲۳-۲۲۱-۲۱۹-۲۱۸-۲۴۷-۲۱۶	سلطانیه
۲۱۸	سلطان آباد
۹۴	سمنان
۱۰۹	سمیرم
۶۹	سنجید

۳۲۳ ۱۶۳ . ۱۵۵ . ۱۵۴ . ۷۴ . ۷۳

سنقر

۱۲۲

سنا

۲۷

سنبله کوه

۳۲

سنگ آتش

۲۵۳ . ۲۲۵ . ۱۶۲ . ۴۱

سنة

۲۵۳ . ۱۵۵ . ۱۵۳ . ۷۲ . ۵۷

سندج

۱۴۶ . ۱۵۵ . ۱۴۴

سنبلان

۱۸۴

سنگون

۱۸۴

سور کان

۲۵۵

سوربه

۱۵۰

سوسن آباد

۱۰۷

سورق

۷۰ . ۶۹ . ۲۵ . ۲۴ . ۸ . ۷

سهند

۱۳۰ . ۳۲۵

سه گنبدان

۱۳۰

سهاره

۱۷۰

سهالی

۲۹۷ . ۲۸۳

سیکاف

۳-۲

سیری

۱۱۱.۷۲	سیا منصور
۷۹. ۷۸	سیلا خور
۱۲۶-۱۰۳	سیاخ
۱۶۶. ۱۶۵. ۷۷. ۷۶. ۷۵. ۶۰. ۴۲. ۳۶. ۳۰. ۲۷. ۱۶	سیمره
۳۲۳. ۲۹۹. ۲۹۷. ۲۹۵. ۲۹۳. ۲۸۳. ۱۸۰	
۱۳۴ - ۲۸	سیروان درود
۱۵۶. ۳۳	سیا کوه
۴۱	سیاه آب
۶۳	سینا
۱۵۸. ۱۵۷. ۱۱۴. ۷۴. ۷۳. ۶۰. ۵۹. ۱۴	شاه آباد
۹۵ - ۹۴. ۲۷	شاه کوه
۳۱	شاری
۲۳۴. ۳۵. ۳	شام
۶۹	شاهرود
۷۲	شاری آباد
۲۹۹. ۱۵۹. ۷۷. ۷۵	شاهین
۱۳۶	شاخ سوا
۱۵۶	شانپکان

۱۰۹	شش فاحیه
۱۸۰	شش بلوک
۱۳۴	شط العما
۱۷۴.۱۳۳.۱۳۲.۹۸.۹۰.۸۹.۴۷.۴۳.۱۹	شط العرب
۱۸۸	شعب بوان
۱۳۱.۱۳۰	شکسته
۳۱۰	شلیل
۲۳	شملیک داغ
۱۱۹	شمیل
۱۲۹	شخص الدین عرب
۶۵	شنطال
۲۲۷.۲۱۳.۱۳۰.۱۲۹.۹۶.۹۱.۸۷.۸۵.۸۴.۸۳.۴۲	شوشتر
۲۱۳.۳۱۲.۳۲۳.۳۰۸	
۴۴	شولستان
۱۱۷.۹۷.۸۰.۴۵	شور
۱۸۴	شور کان
۳۲۳.۳۰۹.۳۰۱.۲۸۶.۲۸۵.۸۹.۸۸.۸۶.۸۵.۸۴.۸۲	شوش

۲۹۷.۲۹۶.۲۲۶.۱۳۵.۷۷.۳۰.۵۹.۴۲.۲۷

شیروان

۲۸۵.۲۹۸

۱۰۷.۱۰۶.۱۰۵.۱۰۴.۱۰۳.۱۰۲.۱۰۱.۶۱.۴۴.۳۲ شیراز

.۲۰۹.۱۸۷.۱۴۱.۱۴۰.۱۲۸.۱۲۷.۱۲۵.۱۱۷.۱۱۱.۱۱۰

۳۳۲.۳۲۹.۳۲۸.۲۲۸

۱۳۶

شیخ سرو

۱۳۶

شیورش

۱۳۶

شیوه کل

۱۵۸-۱۵۷

شیان

۱۳۶-۱۳۰.۶۶

صومای

۷۰.۶۷

صابن قلعه

۲۷۰.۲۴۶.۲۲۵:۷۴.۷۳

صحنه

۲۸۳-۱۵۶-۸۹

صالح آباد

۱۲۶-۱۱۳

ضمیمکان

۲۸۹.۲۸۵.۹۳.۶۴.۲۴

طالش

۴۴

طاب

فهرست کتب

ابن بطوطه - تحفه النظارفی غرائب الامصار و عجائب الاسفار	
ابن حوقل	مسالك الممالك
ابن الاثير	تاريخ عمومي
ابن خرداد به	مسالك المالك
ابن رسته	الاعلاق النفیسه
ابن قفید	كتاب البلدان
ابن بلخی	فارسنامه
احسايان	جغرافیای نظامی - قبایل ایران
احمد بن ابی الخیر	شیرازنامه
اصطخری	مسالك المالك
آریان	آنا بازیس
اقبال -	تاریخ مغول - جغرافیای عمومی - اکتشافات جغرافیا
امین میرهادی	معرفت الارض
بارتولد	جغرافیای تاریخی
بلاندری	فتوح البلدان
بهرامی	زمین شناسی
دبولافوا	تاریخ ایران کلدیه - شوش (۱)

1-La Perse la chaldeé et la Susiane

دولود	سفرنامه
ربیع	سفرنامه
ربیع	جغرافیای عمومی
سترابون	جغرافیای عمومی
سراورل استین	سفرنامه
شاردن	سفرنامه (۱)
شرف الدین	ظفرنامه
کریورتور	جغرافیای قدیم ایران (۲)
کرزن	جغرافیان ایران (۳)
کیهان	جغرافیای مفصل ایران
گدار	آثار باستان
گردیزی	زین الاخبار
گل کلاب	جغرافیای عمومی
لیارد	سفرنامه
مقدسی	احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم
دمرگان	جغرافیای غرب ایران (۴)
محمد بن جریر	تاریخ طبری

1- Uoyage du Chcvallier char - din en perse et autre lieu

2 - Kerporter Travels in georgia persia Armenia and ancient Babylonia

3 - GN Curzon , persia and the persian question

4 - J De Morgan , mission Scientifique en perse

سفرنامه

سفرنامه

تاریخ عمومی

معجم البلدان

کتاب البلدان

...

...

.

!

!

فهرست مندرجات

صفحه	
—	مقدمه
۲	جغرافیای طبیعی غرب ایران
۲	عهد اول
۲	عهد دوم
۳	عهد سوم
۵	عهد چهارم
۷	آذربایجان
۱۰	کردستان
۱۱	الوند
۱۳	حوضه های نفتی
۱۵	لرستان
۱۷	خوزستان و بختیاری
۱۹	فارس
۲۱	کلیات کوههای غوب ایران
۲۲	کوههای آذربایجان
۲۳	کوههای کردستان
۲۶	کوههای کرمانشاهان
۲۷	کوههای لرستان
۲۸	پیشکوه

۳۰	بشنگوه
۳۰	کوههای خوزستان
۳۱	کوه منار
۳۱	کوه لیلا
۳۱	کوه هفت تنان
۳۱	زرین کوه
۳۱	کوه کیلویه
۳۱	کوههای فارس
۳۳	کوه خاتون
۳۳	کوههای ارسنجان
۳۳	کوههای احمدی
۳۳	کوه دالو
۳۴	رودخانه های ایران
۳۷	رودهای آذربایجان
۳۷	حوضه بحر خزر
۳۷	ارس
۳۸	ماکوی بازنکبار
۳۸	سفید رود
۳۸	اندوآب
۳۹	حوضه دریاچه اورمیه
۳۹	حوضه جنوب شرقی
۳۹	رودهای کردستان

۴۱	رود های کرمانشاهان
۴۱	رودهای لرستان و خوزستان
۴۱	گاماسب
۴۲	کارون
۴۳	کهنه رود
۴۳	رود کور
۴۳	بهم شیر
۴۳	جراحی
۴۴	رودهای فارس
۴۴	طاب
۴۴	دالکی
۴۴	میناب
۴۶	آب و هوای غرب ایران
۴۷	نواحی مرتفع
۴۸	بادها
۴۸	آذربایجان
۴۹	کردستان
۵۰	کرمانشاهان
۵۱	لرستان
۵۱	خوزستان
۵۱	فارس
۵۳	جنگل در غرب ایران

۵۷	آذربایجان
۵۷	کردستان
۵۷	بلوط
۵۸	مازوح
۵۸	ون
۵۸	گزنگین
۵۸	سفر
۵۸	کتیرا
۵۹	اشجار منمره کردستان
۵۹	اشجار غیر مفیده کردستان
۵۹	کرمانشاهان
۶۰	لرستان
۶۰	پیشکوه
۶۱	پشتکوه
۶۱	خوزستان
۶۱	فارس
۶۳	جغرافی سیاسی غرب ایران
۶۴	آذربایجان
۶۴	ماکو
۶۵	خوی
۶۵	شاپور
۶۵	مرند

۶۶	رضائیہ
۶۶	مہاباد
۶۷	آذربایجان شرفی
۶۷	تبریز
۶۸	ارس باران
۶۸	خلخال
۶۹	سراب و گرمرود
۶۹	اردبیل
۷۰	هشترود
۷۰	مراغه
۷۱	صابن قلعه و افشار
۷۱	کردستان
۷۱	کردستان سنه
۷۱	ناحیه کروس
۷۳	کرمانشاهان
۷۳	کرمانشاهان و حومه
۷۴	سنقر کلیائی
۷۴	میان در بند زیر در بند بالا در بند
۷۴	دینور
۷۴	کمنکاور
۷۴	ماهیدشت شاه آباد فیروز آباد
۷۴	صحنه

۷۴	گرد
۷۵	زهاب و قصر شیرین
۷۵	هر سین
۷۵	لرستان
۷۶	یشکوه
۷۶	یشکوه شرقی
۷۷	یشکوه غربی
۷۷	خرم آباد
۷۸	بروجرد
۷۸	سیلاخور
۷۹	جایلق و بررود
۷۹	ولایات ثلاث (ملایر - نهاوند - نویسرکان)
۸۰	ملایر
۸۰	نویسرکان
۸۱	نهاوند
۸۱	یشکوه
۸۲	یشکوه لرستان
۸۲	یشکوه خوزستان
۸۲	بختیاری
۸۳	خوزستان
۸۵	نوشتر
۸۷	دزفول

۸۸	اهواز
۸۹	خرم شهر
۹۰	آبادان
۹۱	رامهرمز
۹۱	بنی طرف و حویزه
۹۲	فلاحیه
۹۳	نفت
۹۵	در شمال
۹۵	جنوب شرقی
۱۰۰	فارس
۱۰۳	شیراز
۱۰۷	آباد
۱۰۷	بلوك آباده اقلید
۱۰۷	بلوك مشهد مرغاب
۱۰۷	بلوك مرو دشت
۱۰۷	بلوك مابن
۱۰۸	بلوك رامجرد
۱۰۸	بلوك بیضا
۱۰۹	بلوك ابرج
۱۰۹	ولایت قشقائی
۱۰۹	منشی ناحیه
۱۱۰	کام فیروز

۱۱۰	اردکان
۱۱۰	کازرون
۱۱۱	خشت
۱۱۱	جزء و فامور
۱۱۲	فامور
۱۱۲	فراش بند
۱۱۲	محال اربعه
۱۱۳	فیروز آباد
۱۱۳	میمند
۱۱۳	افزار
۱۱۴	خنج
۱۱۴	کاکان
۱۱۴	ولایت خمسه
۱۱۴	بوانات
۱۱۴	فونقوری
۱۱۴	سر جهان
۱۱۵	آباد طشک
۱۱۵	دارا بگرد
۱۱۵	فسا
۱۱۵	محال سبعة
۱۱۶	رودان احمدی
۱۱۶	جهرم

۱۱۷	گمین
۱۱۷	ارسنجان
۱۱۷	کرمال
۱۱۷	سروستان
۱۱۸	ولایت لارستان
۱۱۹	عباسی
۱۱۹	ایسین نازیان
۱۱۹	شمیل
۱۱۹	مضافات
۱۱۹	موغستان
۱۲۰	میناب
۱۲۰	جزیره قشم و هرمز
۱۲۱	دشنی
۱۲۱	بردستان
۱۲۱	بلوک
۱۲۲	سناو شنبه
۱۲۲	موندستان
۱۲۲	کالی
۱۲۲	کله دار
۱۲۲	امیر
۱۳۲	علامرو دشت
۱۳۲	کنکان

۱۲۳	مالکی
۱۲۳	دشتستان
۱۰۲۴	اهرم
۱۲۳	برازجان
۱۲۳	تنگستان
۱۲۴	حیات داود
۱۲۴	خر موج
۱۲۴	دالکی
۱۲۴	روحله
۱۲۴	زنکته
۱۲۴	نجانکاره
۱۲۴	گذاوه
۱۲۵	بوشهر
۱۲۵	بلوکات مرکزی
۱۲۵	کوه مره شکفت
۱۲۶	خواجه
۱۲۶	سیاخ
۱۲۶	کوار
۱۲۶	ضمیمگان
۱۲۶	قبر و کار زن
۱۲۶	جوبم و بید شهر
۱۲۶	نیریز

اصطهانات

قلاع غرب ایران

قلعه آباده

قلعه اردبیل

قلعه استخر

قلعه اشکنوان

قلعه ایج

قلعه بختباری

قلعه پهن دز

قلعه پرویز

قلعه بندر

قلعه پهن در

قلعه تل

قلعه نیر جهرم

قلعه چهریق

قلعه دختر

قلعه دختران

قلعه دزآب

قلعه دز سلیمان

قلعه دز کوه

قلعه دیده بان

قلعه دم دم

قلعه دیند

قلعه رستم

قلعه ساره

قلعه سفید

قلعه سه گنبدان

قلعه سهاره

قلعه سجیران

قلعه سیاه

قلعه شاپور

قلعه شکسته

قلعه شهرک

خرحدات غرب ایران

ازنهر خین تا دوبرج

از دوبرج تا سیروان رود

از شروان تا رود لاوین

از لاوین تا کوه مرغاب

از کوه مرغاب تا کوه بیچاره

سکنه غرب ایران

سکنه طوایف آذربایجان

طوایف اردبیل

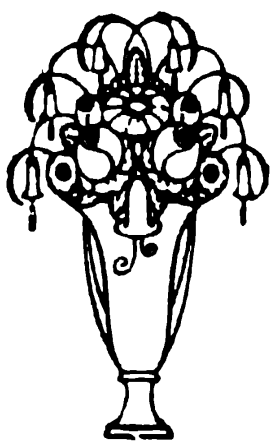
طوایف اوجارود

طوایف مشکین

- ۱۴۷ طوایف خلخال
- ۱۴۸ طوایف مهاباد
- ۱۴۹ طوایف سلماسی
- ۱۵۰ طوایف اطراف رضائیه
- ۱۵۱ سکنه کردستان
- ۱۵۲ طوایف و سکنه کردستان
- ۱۵۷ طوایف و سکنه کرمانشاهان
- ۱۶۵ طوایف و سکنه لرستان
- ۱۶۹ سکنه پشتکوه
- ۱۷۱ طوایف جاپلق و بربرود
- ۱۷۴ طوایف و سکنه خوزستان
- ۱۷۶ بنی طرف
- ۱۷۹ طوایف و سکنه فارس
- ۱۹۲ آثار تاریخی
- ۱۹۹ ارزش ابن بناها
- ۲۰۰ آثار موجوده
- ۲۰۷ ابنیه و آثار تاریخی ایران در عهد هخامنش
- ۲۱۳ ابنیه و آثار ایران در دوره ساسانیان
- ۲۱۳ آثار و ابنیه تاریخی ایران در دوره سلجوقیان
- ۲۱۵ آثار و ابنیه ایران در عهد مغول
- ۲۱۶ معماری و ابنیه
- ۲۲۳ آثار و ابنیه ایران در عهد صفویه

۲۲۴	فهرست آثار تاریخی
۲۳۰	تبریز
۲۳۳	خرابه های مسجد آبی
،	خرابه های مسجد وزیر علیشاه
،	مسجد جمعه
۲۳۴	اردبیل
۲۳۵	مسجد جامع اردبیل
،	بقعه شیخ صفی
۲۳۶	بقعه شیخ جبرائیل
۲۳۶	رضائیة
،	برج سه گنبد
۲۳۸	مسجد جامع
،	ملماس
،	حجاریهای اردشیر بابکان
،	مراغه
۲۴۰	گنبد سرخ
۲۴۱	مزار مدور مجاور گنبد سرخ
۲۴۲	مقبره منسوب به مادر هلاکو
۲۴۳	گنبد غفاریه
۲۴۴	کوی برج
،	مرند
،	محراب مسجد سلطان ابو سعید

۲۴۵	میانیج
‘	پل دختر
‘	مهاباد
۲۴۷	خرابه های کاروشینکا
‘	سلطانیه
‘	بنای سلطانیه
۲۵۱	مقبره چلبی اوغلی
۲۵۲	مقبره ملاحسن شیرازی
۲۵۳	کردستان
۲۵۵	غار و قلعه کرفتو
۲۵۶	مسجد جامع
۲۵۷	دخمه از اشکانیان
‘	خرابه های ساسانی



۲۸۵	کرمانشاهان
۲۶۰	بیستون
۲۶۹	کنگاور
۲۷۰	صحنه
۲۷۱	سرپل زهاب
۲۷۲	طاق گرا
۲۷۲	قصر شیرین
۲۷۴	طاق بستان
۲۸۳	لرستان
۲۹۱	بشتکوه - سلیمان نیه
۲۹۱	نل بکسایه
۲۹۳	نل سبغات خوبز
۳۹۳	سیمره - لالا
۲۹۳,	نل های تارهان
۲۹۵	دره شهر
۲۹۶	نلهای لورت
۲۹۹	هلیلان
۲۹۹	خرم آباد
۳۰۰	بروجرد - مسجد جامع

خوزستان

اسك

ارجان

تنك سروك

داورك

جندی شاپور

اهواز

ابوان کرخه

هندیجان

ایذه

حجاریها

شمی

رامهرمز

شوش

شوشتر - مسجد جامع

دزفول - پل ساسانی

کهگیلو

قلعه تل

منجیق

۳۲۶	خرابه های مسجد سلیمان
۳۲۷	فارس
۳۲۹	شیراز
»	مشهد مرغاب
»	مرودشت
»	نقش رستم
»	نقش رجب
»	دوتیه ماقبل تاریخ
»	استخر
»	غار موسوم به شیخ علی
۳۳۲	شیراز خرابه های مسجد عتیق
»	مسجد نو
»	مقبره کریمخان زند
»	هفت تن
»	مدرسه خان
»	مسجد وکیل
»	سعدیه
»	حافظیه
»	مقبره منسوب بدختر انابك
»	قصر ابونصر

فسا

فراشبند

فیروزآباد

عمارت عهد ساسانی

پل عهد ساسانی

شاپور

فهلپان

دارابگرد

سروستان

نیریز

۲۸۱.۲۷۵'۲۷۴'۲۲۶'۲۱۳'۷۳	طاق بستان
۱۶۷'۷۶	طرهان
۹۱۶	طارم
۱۲۱	طین
۹۸۰	طاقون
۲۱۳	طاق کسری
۲۷۲'۲۲۶	طاق گرا
۳۲۵	طشان
۱۱۱'۱۹'۷'۲	عربستان
۱۳۲'۸۳'۸۱'۸۰'۷۹'۷۷'۷۵'۷۱'۴۰'۲۸'۲۷'۲۲'۲۱	عراق
۲۱۹'۲۱۷'۲۵۵'۲۴۷'۲۱۶'۱۸۰	
۲۶	علی داغی
۶۵	علمدار
۱۱۵'۷۹	علی آباد
۲۰۱'۸۱	عیلام
۱۲۲'۱۱۸'۱۱۴	علامر و دشت
۱۱۹'۱۱۸'۱۱۶	عباسی
۱۸۱'۱۱۹	عمان
۱۲۳	علویه
۱۶۸	عین الخصال
۸۲'۶۲.۶۰'۵۴'۵۱'۴۷'۴۵'۴۴'۳۲'۳۱'۲۲'۲۰'۱۹	فارس
۱۲۸'۱۲۳'۱۱۴'۱۱۳'۱۰۶'۱۰۳'۱۰۲'۱۰۱'۱۰۰'۸۵'۸۳	

۲۲۸'۲۱۳'۲۰۹'۲۰۷'۲۰۵'۱۸۲'۱۸۱'۱۸۰'۱۷۹'۱۷۴

۳۴۵'۳۳۷'۳۳۵'۳۲۹'۳۲۸'۳۲۷

۴۲۷'۳۵۰'۲۳۹'۱۸۸'۱۳۰'۶۲'۶۱'۴۴'۳۲

فہلیان

۳۰۷'۱۷۷'۱۷۴'۱۰۰'۹۲'۸۴'۴۴'۴۳

فلاحیہ

۱۳۰'۱۲۹'۱۱۳'۱۱۲'۱۰۹'۱۰۲'۷۴'۷۳

فیروز آباد

۲۷۵'۳۳۴'۲۲۹'۱۸۰

۷۷

فلک الافلاک

۱۰۷

فسا

۱۰۷

فتح آباد

۱۰۹

فخر آباد

۲۲۹'۱۱۳'۱۱۲'۱۱۱

فرانشند

۱۱۲'۱۱۱

فامور

۱۱۶

فرك

۱۲۸

فہندر

۱۳۳

فیلیہ

۱۳۴

فکہ

۱۳۶

فرخہ

۳۱۳

فارا

۲

فرانسہ

۴

فرات

۲۹'۱۴

قلبان کوه

۱۳۶'۶۵'۲۳

قطور

۲۲۶'۹۶'۹۵'۷۷'۷۵'۷۴'۷۳'۵۹'۵۰'۴۱'۱۴'۱۳ قصر شیرین

۲۷۴'۲۷۳'۲۷۲

۲۵'۲۳

۲۴

۲۴

۶۸'۲۶

۳۵

۳۰

۲۹

۳۱

۲۸۹'۲۸۵'۶۹'۶۶'۶۵'۶۴'۴۹'۳۹

۲۴۸'۲۴۵'۲۲۴'۳۹

۳۹

۳۹

۳۱۰'۳۲۶'۳۲۵'۲۲۷'۱۲۸'۶۳'۶۲'۶۱

۱۸۵'۸۳

۶۴

۶۷

۶۸

۷۱

۷۳

۷۲

۲۰۹'۱۰۷

قندیل داغ

قرا باغ

قافلانکوه

قرا داغ

قلعه سفید

قنشاب

قهر جای

قلعه دلا

قفقازیه

قرزل اوزن

قراقون

قراچمن جای

قلعه تل

قلعه علا

قلعه دره سنی

قره لر

قراچه داغ

قزوبین

قراصو

قره کوزه

قادرآباد

۱۰۹	قوام چه
۱۲۶'۱۱۶'۱۱۳'۱۱۲	قبر
۱۸۲'۱۱۷'۱۱۴	قونقوری
۱۱۶'۱۱۴	قازبان
۱۲۰'۱۱۹	قسم
۱۲۶	قرا آغاچ
۱۲۸	قلعه بندر
۱۲۹	قلعه دختر
۱۳۰	قلعه سفید
۱۳۰	قلعه سیاه
۱۳۵	قورتو
۱۳۵	قرلجه
۱۳۵	قندیل
۱۳۷	قازلی گل
۱۴۸	قلعه پسوه
۱۶۷'۱۶۶	قلعه نصیر
۱۶۶	قرآب
۱۷۰	قلعه سرخ
۳۱۰	قنوه رخ
۹	کوکچه
۵۷'۵۴'۵۰'۴۹'۴۷'۴۱'۴۰'۳۹'۲۶'۲۵'۲۴'۱۰'۸	کردستان
۱۵۱'۱۴۳'۱۴۰'۸۳'۷۵'۷۴'۷۳'۷۲'۷۱'۶۶'۶۳'۵۹'۵۸	
۲۲۵'۱۸۷'۱۸۳'۱۶۵'۱۵۸'۱۵۶'۱۵۵'۱۵۴'۱۵۳'۱۵۲'۱۵۱	
۳۰۱'۲۶۰'۲۵۷'۲۵۶'۲۵۵	

۱۳

کانادا

۱۴

کذاب

کرمانشاه ۵۸-۵۷-۵۴-۵۱-۵۰-۴۷-۴۶-۴۱-۳۵-۲۷-۱۵-۱۴

-۱۵۶-۱۵۵-۱۴۰-۷۹-۷۸-۷۷-۷۵-۷۴-۷۳-۷۱-۶۱-۵۹

۲۵۳-۲۴۶-۲۲۵-۱۵۵-۱۶۲-۱۶۳-۱۶۲-۱۶۱-۱۶۰-۱۵۷

۲۹۹-۲۶۹-۲۶۰-۲۵۸

کرخه ۲۹۵-۱۷۵-۸۳-۸۱-۴۲-۴۱-۳۱-۳۰-۱۸-۱۶-۴

۳۰۹-۳۰۱

کارون ۹۱-۹۰-۸۹-۸۸-۸۵-۸۳-۸۲-۴۳-۴۲-۳۶-۳۱-۱۹-۱۸

۳۵۰-۳۰۹-۱۸۰-۱۷۸-۱۷۷-۱۷۴-۹۸-۹۲

کبیرکوه ۲۹۳-۲۸۳-۹۵-۷۵-۷۶-۶۱-۶۰-۳۰-۲۸-۲۷-۲۲

۲۹۷-۲۹۶

۱۲۶-۱۲۰-۱۱۶-۱۱۴-۱۰۳-۱۰۲-۶

کرمان

۲۵

گوزمیان

۲۵

کله سر

۲۵

کرکوک

۲۹-۲۶

کله کوه

۲۷

کیالو

۷۶-۶۰-۴۲-۳۶-۲۷

کنکان

۴

کلاه

۷۳-۴۱-۳۰-۱۹

کلهر

۲۹

کوه قلعه

۴۰۹

۳۱-۳۰	کیلویه
۳۱	کوه رنك
۲۱۳-۱۳۱-۱۱۲-۱۱۱-۱۱۰-۱۰۹-۱۰۲-۶۱-۳۲	کازرون
۶۲-۳۲	کتل پیره زن
۶۲-۳۲	کتل دختر
۳۲	کتل رودك
۴۲	کتل ملو
۶۹	کیالو
۱۸۳-۱۸۲-۱۷۴-۱۳۰-۱۲۹-۱۰۹-۱۰۲-۶۲-۶۱-۴	کهکیلوه
۳۲۳-۱۲۷-۱۸۷	
۴۳	کهنه رود
۱۶۱-۱۵۵-۷۵-۷۴-۷۳-۶۰	کرنه
۱۶۸-۱۴۰-۷۶-۶۰	کوه دشت
۶۸	کیوان
۶۸	کلبیر
۶۹	کلدبوز
۶۹	کندوان
۷۳-۷۱	گلانرزان
۷۲	کمره
۲۵۵-۲۲۵-۷۳	کرفتو
۷۳	کوماسی
۲۷۰-۲۶۹-۲۲۵-۷۴-۷۳	کنگاور

۱۸۱'۱۱۰'۱۰۹'۱۰۸	کام فیروز
۱۵۸	کله جوب
۱۵۷	کانبند
۱۶۸	کیان
۱۸۱	کامین
۱۸۲	کریال
۲۹۹	کر آباد
۱۸۳'۱۲۵'۱۱۲'۱۱۱'۱۱۰	کوم مره
۱۱۲	کن آباد
۱۱۳	کر دل
۱۲۶'۱۱۳	کارزین
۱۱۴	کلاه دار
۱۱۴	کا کان
۱۱۵	کرم آباد
۱۱۷	کمین
۱۲۳'۱۲۲	کنکان
۱۳۴	کلان
۱۳۴	کانی خیمخ
۱۳۴	کله سوان
۱۳۴	کانی بزو
۱۳۴	کن کبر
۱۳۵	کلاعه

۱۳۵	کماچار
۱۳۶	کلاشین
۱۵۰	کمال آباد
۱۵۶'۱۵۳	کانی دربر
۱۵۳	کانی گلزار
۱۵۵	کانی مفید
۷۳'۴۳'۴۱.۱۶	کاما ساب
۱۵۳'۷۲'۲۸	کاو رود
۲۹	کرو
۳۲	کلوکا.
۳۲	کدار گور اسپید
۳۹	کرم رود
۶۶'۴۳	کرگر
۶۳	کرجستان
۲۵۳'۱۶۰'۱۵۵'۶۰	کهواره
۹۶'۹۴'۶۸	کیلان
۶۹	کرم
۷۲'۷۱	کروس
۷۲	کندلان
۷۲	گیل نپه
۷۲	کیوه رود
۲۹۹'۷۷	گلمدان

۹۴	کود محله
۱۰۹	کل میان
۱۱۶	کله گاه
۱۲۲'۱۱۸	کله دار
۱۲۵'۱۲۴	کناوه
۱۳۴	کنجیان چم
۱۳۶	کرده خزینه
۱۳۶	کیربران
۱۵۰	کرمیان
۱۶۶	کد زرد
۱۶۶	کردگاه
۱۷۱	گوراب
۲۱۳	کلیایگان
لرستان ۷۴'۷۱'۶۱'۶۰'۵۴'۵۱'۴۸'۴۲'۴۱'۳۰'۲۷'۱۶'۱۵	
۲۱۳'۱۷۴'۱۷۲'۱۶۹'۱۶۶'۱۶۵'۱۴۱'۶۹'۷۷'۷۶'۷۵	
۳۲۳'۲۹۵'۲۸۹'۲۸۸'۲۸۵'۳۸۳'۲۵۷'۲۲۶	
۱۸۶'۶۲	لنده
۱۳۰'۱۲۸'۱۲۱'۱۱۹'۱۱۸'۱۰۳'۱۰۱'۳۲'۱۹	لارستان
۱۸۲	
۹۴	لاهیجان
۹۷	لندن
۱۲۱'۱۰۲	لارک

۱۱۹	لار
۱۳۴	لوت باغچه
۱۳۵	لاوین
۱۳۵	لابن
۱۴۸	لاهیجان
۱۶۶	لیلام
۱۸۳	لیروان
۲۹۳	لالار
۱۸۵'۶۲	ممبی
۱۴۶'۱۴۵'۱۴۴'۶۳	مغان
۶۴	مدابن
۶۴	ماکو
۲۴۴'۲۲۴'۶۵'۶۴	مرند
۲۴۵'۲۲۴:۱۴۰'۶۷'۶۶'۶۴	مهاباد
۶۸	میشه باره
۶۸	منحوان
۲۴۵.۲۲۴'۶۹	میانج
۷۰	مشکین
۲۵۵'۳۵۳'۱۵۴:۱۵۳'۱۵۲'۷۱	مرویوان
۸۰'۷۹'۷۷'۷۶'۷۵	ملایر
۸۱	مهران
۱۵۰'۸۱	منصورآباد

می داود	۶۸
مسجد سلیمان	۹۸'۹۷'۹۶'۹۵'۹۲:۹۱'۹۰'۸۹'۸۵'۸۴.۸۳
	۳۲۶'۲۲۸
ماماتین	۹۸.۹۲
مازندران	۹۶'۹۴
مرودشت	۳۲۹.۲۲۸'۲۰۹'۱۱۷'۱۰۸'۱۰۷'۱۰۳
مشهد مرغاب	۳۲۹.۲۲۸ ۲۰۹'۱۰۷
مشهد ام البنی	۱۰۷
مرحمت آباد	۹
مداین	۲۱۳
محمرة	۱۷۴'۸۹'۸۴:۱۴
موصل	.۲۹۸'۱۵۲'۵۷'۱۹
مسقط	۱۹
مور شهیدان	۲۳
ماهیدشت	۱۵۲'۱۵۸'۷۴'۷۳'۵۹'۴۱'۳۵'۲۹
	۱۶۰'۱۰۶
مانشت	۲۹۷'۳۰
مالو	۳۰
منگنت	۶۱'۳۱
منار	۳۱
مزند	۳۸

۳۹	محمود چالد
۲۳۸'۲۳۴'۲۲۴'۲۲۱'۷۰'۶۷'۶۴'۶۳'۳۹	مراغه
۲۴۵'۲۴۳	
۴۴	مند
۴۴	میناب
۴۵	مهران
۱۶۸'۴۲	مادیان رود
۳۱۳'۳۱۰'۳۰۶'۱۷۲'۸۹'۸۳'۶۲'۶۱	مالامیر
۱۰۹	مومن آباد
۱۱۳'۱۰۹	میمند
۱۸۰'۱۱۱'۱۱۰'۱۰۹	ماه‌ور میلانی
۱۳۰'۱۱۰	ممسنی
۱۱۳	من کتو
۱۱۷	مرغاب
۱۱۷	مائین
۱۱۹	مونغستان
۱۱۹	میناب
۱۲۲	موندستان
۱۲۳	مالکی
۱۳۶	ماهی هولاند
۱۳۶	میربها
۱۳۶	مواند

۱۵۰	مرکور
۱۵۸	مندلیج
۲۱۷	ماورالنهر
۳	مارگاسکار
۷	ملاطید
۱۶۶	ملائخت
۱۷۱	مزرعه سیب
۳۲۶، ۲۲۸	منجنیق
۲۹۵	ماداگتو
۲۹۷، ۲۹۶	ماسبندان
۲۹۷، ۲۹۶	مهرجان کتک
۳۲۵	مهیبار
۱۸۸	نورآباد
۳۲۹، ۲۷۵، ۲۲۸، ۲۱۳، ۲۱۰	نقش رستم
۲۲۸، ۲۱۳	نقش رجب
۲۱۹	نجف
۲۵۷، ۲۲۵	نوسود
۱۲۶، ۱۰۱، ۱۰۳، ۳۵۱-۲۲۹	نیریز
۳۱۰	ناقون
۲۹، ۲۷، ۱۴	نواکوه
۲۴	نشانکوه

۸۰'۷۹'۷۷'۷۵'۶۰'۴۱!۲۹

نهادند

۳۸

نخجوان

۱۱۹'۴۵

نابند

۷۰

نمین

۷۲

نجف آباد

۷۲

نمه شیر

۷۲

ننور

۱۱۲

نیس آباد

۱۱۲

نوحین

۱۱۵

نصیر آباد

۱۱۵

نظر آباد

۱۳۴

نمایین الکوس

۱۳۵

نعل کمی

۱۳۶

نمش

۱۶۲

نصر آباد

۱۸۱

نجد

۲۵

ونوشه

۶۸

ورگهان

۷۰

ولکبج

۱۱۵

واصل آباد

۱۲۶

وزلکان

۲۲۱

ورامین

۲۸۳

ویثران در

۳۱۰	ولیس
۹۸-۹۲-۱۴	هفت گل
۱۸	هفت لک
۲۹،۲۶	هولاند
۰۷۹،۷۸،۷۵،۷۴،۷۳،۷۲،۷۱،۵۰،۴۸،۲۸	همدان
۲۶۵،۲۵۳	
۳۰،۲۹	هشتاد بهلو
۳۱،۳۰	هفت تنان
۷۰،۶۷،۳۹	هشت رود
۲۸۳،۲۹۹،۲۲۶،۱۶۷،۷۷،۷۶،۷۴،۴۱	حلیلان
۱۳۴،۱۳۳،۹۱،۴۲	هور "مظیم"
۲۸۳،۱۴۰،۷۷،۷۵،۷۴،۷۳،۶۰	هر سین
۲۵۵،۷۲	هوبانو
۱۰۲	هرات
۱۱۶،۱۱۱،۴۲	هندوستان
۱۲۶	هنیفقان
۱۳۵	هان کرمله
۱۳۶	هراویل
۱۵۰	هانم آباد
۱۷۱	هبوله
۴	هیمالیا
۲۹	یافته کوه
۶۶	یکانت
۶۸	یافت

۱۲۶'۱۱۴'۱۰۱

یزد

۱۸۱'۱۰۲'۱۰۰

یزدخاست

۱۷۵

یمن

۱۸۱

یمانه

۸

یونان

فهرست اسماء رجال

۴۱۰-۲۹۷	ابن خزدادبه
۲۹۷	ابن قتیبه
۲۹۸	ابن واضح
۲۹۸	ابن الاثیر
۳۱۱	ابن بطوطه طنجی
۲۹۸-۲۶۶	ابن حوقل
۱۲۴	ابوالعباس
۲۹۷	ابودلف
۸۶	ابوحنیفه
۳۱۱	ابوسعید
۲۷۶	ابوبوشان
۱۰۳	ابی عقیل
۲۴۶	ایر
۳۱۳-۳۱۲	انابك افراسیاب
۳۳۲'۲۲۸'۱۰۵	انابك سعد
۲۶۶	انر
۲۶۶	انر نا
۸۴	آدم
۳۳۲'۳۲۰'۲۲۷'۲۳۸'۲۲۹'۲۲۴'۲۱۳'۸۸'۸۷'۸۵'۴۳	اردشیر
	۳۴۸'۳۴۵'۳۳۵
۱۴۱	اربان
۲۸۸	استرابن

۲۹۳	اسور بانیاں
۲۶۸، ۲۶۷، ۲۶۲	اسمردیس
۳۱۸، ۳۳۵، ۳۳۷، ۲۸۸، ۲۷۵، ۲۶۵، ۲۴	اسکندر
۲۵۲، ۲۳۴، ۱۰۸	اسمعیل
۱۴۰	استو کورل
۲۹۸	اصطخری
۲۴۳	العینی
۲۶۶	الی وبہ
۲۵۱	امیر نیمور
۲۶۶	امبروزیو بامبو
۲۷۱	آنی نا
۱۷۱	آنوبانی نی
۸۴	انوش
۱۰۵	بابا کومی
۲۳۳	بارن نیرن کاوزن
۳۱۳	بخت النصر
۲۹۸	بلانری
۲۷۶، ۲۸۳، ۲۱۳	بھرام
۲۴۶	بطلامیوس
۲۵۵	تاسیت
۲۶۲	جاماسب
۲۱۷	چنگیز

۲۵۱'۲۲۵	جلیلی اوغلی
۱۰۷	حافظ
۱۰۴	حسن
۲۳۴'۲۳۳'۲۳۲	حمد الله مستوفی
۲۸۱'۲۷۸'۲۷۳'۲۷۲'۲۱۳'۷۵	خسرو پرویز
۲۱۰	خشیار شاه
۲۹۵'۲۹۳'۲۹۱'۲۷۶'۳۲۱'۲۸۳'۲۳۶'۱۴۰'۸۵'۱۳	د مرگان
۳۳۰'۳۰۰'۲۹۹'۲۹۶	
۲۲۷'۹۴	دانیال
۲۴۲	دوقوز خاتون
۲۶۵	دیودور
۱۴۰	دوبود
۲۶۶'۲۶۵'۲۶۴'۲۶۲'۲۶۰'۲۲۵'۲۱۲'۲۱۰'۲۰۹	داریوش
۱۰۴	رکن الدوله
۲۹۸	رحیم
۲۶۶'۲۶۰'۲۵۶'۲۴۶'۱۴۰	رولن سن
۲۵۶	ریج
۲۳۰	زیب
۲۴۲	ژان
۲۶۷	ژیتران ناخما
۲۸۵	سامسوا بلونا
۱۰۷'۱۰۵	سعدی

۲۴۱	سعد
۱۰۳	سلم
۳۱۳'۳۲۹'۲۲۵'۲۵۳'۲۴۳'۲۲۸'۲۰۹	سليمان
۲۳۲	سنجر
۱۰۵	سنقر
۱۰۷	سيبويه
۶۹	سياوش
۲۶۵	سميراميس
۲۶۵	سكونخا
۲۶۶'۲۳۶	سراورل استين
۲۴۲	سويور كوكتنى
۳۲۵'۲۵۲'۲۳۴'۱۴۳'۱۳۹	شاه عباس
۲۳۹	شاه طهماسب
۲۳۸'۲۲۴'۲۱۳'۱۳۱'۹۱'۸۹'۸۷'۸۵'۸۴'۴۴	شاپور
۳۴۰'۳۳۷'۳۳۵'۳۲۳'۳۰۸'۳۰۲'۲۷۸'۲۷۶	
۳۴۸'۳۴۵	
۱۰۳	شرف الدوله
۱۰۵	شيخ ابو عبدالله
۱۰۵	شيخ روزبهان
۲۷۲'۲۲۵	شيرين
۳۳۰'۲۲۸	شيخ على

۲۴۶	شی بید
۱۹۴	شیخ لطف الله
۲۳۶	شیخ جبرائیل
۲۵۸'۱۰۵'۱۰۳'۸۵	عبدالدوله
۳۳۲'۲۲۸'۱۰۴	عمرولیت
۱۲۴	عثمان
۲۴۱	عبدالعزیز
۲۱۹'۲۱۷	عظاملك
۶۸	غازان
۲۶۷	فرادا
۳۳۷'۲۷۲'۲۷۰	فلاندن
۱۰۳	قاسم
۲۹۷'۲۵۸	قباد
۸۴	قتینان
۲۹۳	کامبولو
۱۰۵	کاظم
۳۷۲'۳۲۸'۲۲۸	کریمخان
۲۸۳	کننتو
۲۶۶	کیل
۲۷۱-۲۵۶	کریورنور
۱۴۱	کنت کورث
۲۴۳'۲۴۲'۲۰۹'۲۰۷'۲۰۵	کورش

٦٩	کینسرو
٢٦٦	کینر
٢٦٦	کلردن
٣٣٧'٢٧٠	کست
٢٦٨.٢٥٥'٢٢٥	کودرز
٥٨٣	کریشمن
٢٤٣	لاچین
٢٦٧	مازنیا
٢٣٠'٦٧	متوکل
٣٣٢.٢٤١.١٠٥.٦٧	محمد
٢١٧'١٠٣	محمود
٢٦٠	محمدعلی
٢١٧	مسعود
١٠٥	مودود
١٠٥	موسی
٢٥٨	موسی خرن
٣٣٧	موریه
٣١٠'٢٩٧'٢٤٣	مقلسی
٨٤	مهائیل
٢٦٨'٢٥٥	مهرداد
٢٣٨	نصیرالدین طوسی
٢٦٧	واہبازابا



۹۶	ويليام دارسى
۲۴۶	ويندکتر
۲۹۵'۱۴۰	ويلسن
۲۵۸'۲۳۰'۶۷	هارون الرشيد
۳۰۹'۳۰۸'۳۰۲'۲۷۷'۲۲۷'۱۲۱'۱۰۰	هرمز
۲۷۲	هوار
۸۵'۸۴	هوشنک
۹۴	هوفمان
۴۳۷'۲۹۷'۲۹۵'۱۴۰	هرنفلد
۲۴۳'۲۴۲'۲۲۴'۲۲۱'۲۱۹'۲۱۷	هولا کو
۳۱۰'۲۹۷'۲۹۶'۲۷۳'۲۴۸	ياقوت
۳۱۳	يوسف